



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



در آموخته‌های رضوی مهدویت

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش

(سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویت در آموزه های رضوی

نویسنده:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه
الشریف

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویت در آموزه های رضوی
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۷	فهرست مطالب
۱۹	سیره رضوی در تبیین معارف مهدوی (سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)
۱۹	اشاره
۱۹	چکیده
۱۹	بیان مسئله
۲۱	مقدمه
۲۱	دوره اول: دوران خلافت هارون الرشید
۲۴	دوره دوم: دوران خلافت امین
۲۶	دوره سوم: دوره خلافت مأمون عباسی
۴۴	نتیجه
۴۵	منابع و مأخذ
۴۷	جایگاه امامت در اندیشه امام رضا علیه السلام بر مبنای تحلیل محتوای رساله «مَحْضُ الْإِسْلَام»
۴۷	اشاره
۴۷	چکیده
۴۸	مقدمه
۵۰	مفهوم امام
۵۴	شخصیت امام رضا علیه السلام
۶۰	تحلیل محتوای روایت
۶۰	اشاره
۶۱	معرفی روش تحقیق

۶۵	جدول تحلیل محتوای روایت
۸۱	تحلیل محتوای کمی روایت
۸۱	اشاره
۸۲	فراوانی کلمات
۸۳	فراوانی موضوعات
۸۴	فراوانی جهت گیری ها
۸۶	تحلیل محتوای کیفی روایت
۹۹	جمع بندی
۱۰۱	منابع
۱۰۴	تحلیل راهبردی از «امامت» در دکترین امام رضا علیه السلام
۱۰۴	اشاره
۱۰۴	چکیده
۱۰۵	طرح بحث
۱۰۷	مفهوم شناسی
۱۱۰	امامت و رهبری
۱۱۲	راهبرد امامت و تبیین شاخصه های آن
۱۱۲	اشاره
۱۱۳	حیث مبدأ شناختی
۱۱۳	حیث غایت شناختی
۱۱۵	حیث قلمرو شناختی
۱۱۶	حیث راهکارشناختی
۱۱۶	الف. برنامه جامع
۱۱۷	ب. رهبر جامع
۱۲۳	ج. روش انتخاب رهبر در راهبرد امامت
۱۲۵	مقایسه تطبیقی نظام ها و مدل های سیاسی با راهبرد امامت
۱۲۷	آثار و کارکردهای راهبرد امامت

۱۲۹	جمع بندی و نتیجه
۱۳۰	منابع
۱۳۴	جریان شناختی مهدویت در واقفیه و موضع گیری امام رضا علیه السلام
۱۳۴	اشاره
۱۳۴	پیشگفتار
۱۳۶	بخش اول: واقفیه از پیدایش تا ادعای مهدویت
۱۳۶	اشاره
۱۳۶	الف) زمینه سیاسی و اجتماعی
۱۳۹	ب) زمینه فرهنگی
۱۳۹	اشاره
۱۴۱	رهیافت عینی بر ادعای مهدویت توسط واقفه
۱۴۳	نامگذاری واقفیه به ممتوره و علت آن
۱۴۴	گونه هایی از فعالیت های انحرافی واقفیه درباره مهدویت
۱۴۶	حرکت توجیهی واقفیه نسبت به شخصیت امام رضا علیه السلام
۱۴۷	نگرشی بر ادله واقفیه، بر مهدویت امام هفتم
۱۴۷	اشاره
۱۴۸	الف) روایت غسل امام توسط امام بعدی
۱۴۹	ب) کاربرد واژه قائم بر موسی بن جعفر
۱۵۰	انگیزه واقفیه در طرح مهدویت موسی بن جعفر علیه السلام
۱۵۳	بخش دوم: موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر واقفه و نفی ادعای مهدویت امام هفتم
۱۵۳	درآمد
۱۵۴	نوع شناسی و کیفیت موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه
۱۵۴	اشاره
۱۵۵	۱_ مذمت و لعن سران واقفیه
۱۵۶	۲_ خبر از آینده اندوهناک برخی از واقفیان
۱۵۸	۳_ مناظره امام با برخی واقفه

- ۴ _ نامه نگاری امام به برخی واقفه ----- ۱۶۰
- ۵_ استدلال به روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصوم علیهم السلام ----- ۱۶۱
- ۶ _ بیان علامات ظهور و نشانه های مهدی موعود ----- ۱۶۲
- ۷ _ معرفی مصداق مهدی منتظر ----- ۱۶۴
- ۸ _ منع شیعیان از ارتباط با واقفه ----- ۱۶۷
- جمع بندی ----- ۱۶۸
- منابع ----- ۱۷۱
- امکانات آستان قدس و راهکارهای تبلیغ مهدویت و فرهنگ انتظار ----- ۱۷۵
- اشاره ----- ۱۷۵
- چکیده ----- ۱۷۵
- مقدمه ----- ۱۷۶
- بنا و ساختمان ----- ۱۷۷
- اشاره ----- ۱۷۷
- ۱_ تبلیغ با استفاده از چهره ظاهری ساختمان حرم ----- ۱۷۸
- ۲_ ایجاد تالارهای ویژه ----- ۱۸۰
- ۳_ ایجاد محیط نشاط آور و روح بخش در حرم ----- ۱۸۲
- نمایشگاه ----- ۱۸۹
- انتشارات ----- ۱۹۱
- کتابخانه ----- ۱۹۷
- نشریات ----- ۱۹۸
- سینما ----- ۲۰۰
- رسانه های جدید ----- ۲۰۱
- برگزاری همایش ها و مسابقات ----- ۲۰۳
- مراسم ساده و ماندگار ----- ۲۰۳
- منابع ----- ۲۰۶
- صفات امام در کلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ----- ۲۰۷

- ۲۰۷ اشاره
- ۲۰۷ مقدمه
- ۲۰۸ ۱. دورنمایی از دوران امامت امام رضا علیه السلام
- ۲۰۹ ۲. چیستی امامت در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۰۹ اشاره
- ۲۰۹ ۱-۲. حجت الله
- ۲۱۱ ۲-۲. خلیفه الله
- ۲۱۳ ۳-۲. امین الله
- ۲۱۵ ۴-۲. نتیجه گیری
- ۲۱۵ ۳. صفات امام در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۱۵ اشاره
- ۲۱۵ ۱-۳. عصمت
- ۲۱۵ اشاره
- ۲۱۶ ۱-۳. ماهیت عصمت
- ۲۱۷ ۲-۳. عصمت در کلام امام
- ۲۲۱ نتیجه گیری
- ۲۲۱ ۲-۳. علم
- ۲۲۱ اشاره
- ۲۲۱ ۱-۲-۳. ماهیت علم امام
- ۲۲۳ ۲-۳. قلمرو علم امام
- ۲۲۳ اشاره
- ۲۲۴ الف. برتری علم امام، بر علم سایر عالمان عصر خود
- ۲۲۴ ب. علم به بلایا و منایا و انساب عرب
- ۲۲۴ ج. علم امام به باطن و حقیقت ایمان افراد
- ۲۲۵ د. علم امام به زمان، مکان و کیفیت شهادت خود
- ۲۲۶ ه. علم به تمام لغات

۲۲۶	و. علم به اعمال شیعیان
۲۲۶	ز. مطلق بودن علم امام
۲۲۷	نتیجه گیری
۲۲۷	۳-۳. نصب
۲۲۹	۳-۴. افضلیت
۲۳۰	جمع بندی نهایی
۲۳۱	فهرست منابع
۲۳۷	شناسایی و رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس
۲۳۷	اشاره
۲۳۷	چکیده
۲۳۸	مقدمه
۲۴۳	مواد و روش ها
۲۴۳	منابع و ماخذ
۲۴۵	نظام حکومتی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه رضوی علیه السلام
۲۴۵	اشاره
۲۴۵	چکیده
۲۴۶	مقدمه
۲۴۸	الف. ساختار نظام سیاسی
۲۴۸	۱. ضرورت تاسیس نظام حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۴۸	الف. نیاز تکوینی (ولایت تکوینی)
۲۴۹	ب. نیاز تشریحی (ولایت تشریحی)
۲۷۱	ج. نیاز حاکمیتی (ولایت در حاکمیت)
۲۷۱	اشاره
۲۷۲	۱. دارای چهره ای جوان و شاداب
۲۷۲	۲. توانمندی و نیرومندی کم نظیر
۲۷۳	۳. صاحب شمشیر و پرچم مخصوص

- ۲۷۴ ۲. عناصر تشکیل دهنده نظام سیاسی مهدوی
- ۲۷۴ الف. امامت و رهبری
- ۲۷۵ ب. امت واحده جهانی - اسلامی
- ۲۷۷ ج. نیروی نظامی
- ۲۸۰ د. منطقه جغرافیایی ظهور و اعمال حکومت
- ۲۸۱ ب. کارویژه های نظام حکومتی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۸۱ ۱. حاکم ساختن نظام توحیدی
- ۲۸۲ ۲. ایجاد عدالت الهی
- ۲۸۶ ۳. برقراری امنیت، صلح و آرامش الهی
- ۲۸۷ نتیجه گیری
- ۲۹۰ فهرست منابع:
- ۲۹۲ ولایت امام، ولایت فقیه انتخابی، انتصابی از منظر امام رضا علیه السلام
- ۲۹۲ اشاره
- ۲۹۲ مقدمه
- ۲۹۵ فصل اول: کلیات
- ۲۹۵ الف: مفهوم شناسی واژگان اصلی
- ۲۹۵ امامت و امام
- ۲۹۵ ولایت
- ۲۹۵ نصب
- ۲۹۶ وکالت
- ۲۹۶ مشروعیت
- ۲۹۷ مقبولیت
- ۲۹۷ ب: نصب عام و نصب خاص
- ۲۹۹ ج: رابطه مشروعیت با مقبولیت
- ۳۰۰ فصل دوم: منصوب بودن امام معصوم علیه السلام
- ۳۰۴ فصل سوم: انتصابی بودن ولایت فقیه

- ۳۰۴ اشاره
- ۳۰۷ دلایل عقلی انتصابی بودن ولایت فقیه
- ۳۱۴ دلایل نقلی بر انتصابی بودن ولایت فقیه
- ۳۱۷ خلاصه بحث:
- ۳۱۹ منابع
- ۳۲۲ نشانه ها و شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه امام رضا علیه السلام
- ۳۲۲ اشاره
- ۳۲۲ مقدمه
- ۳۲۵ محور اول؛ اوضاع عمومی قبل از ظهور
- ۳۲۵ اشاره
- ۳۲۵ یکم؛ ظهور فتنه
- ۳۲۸ دوم؛ ناامنی و کشتار
- ۳۲۹ سوم؛ فراگیری ظلم و ستم
- ۳۳۰ چهارم؛ یأس و ناامیدی
- ۳۳۱ محوردوم؛ نشانه های ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام
- ۳۳۱ اشاره
- ۳۳۱ یکم؛ ندای آسمانی
- ۳۳۵ دوم؛ سفیانی
- ۳۳۷ سوم؛ خسف بیداء
- ۳۳۹ چهارم؛ یمانی
- ۳۴۱ پنجم؛ خراسانی و شعیب بن صالح
- ۳۴۴ ششم؛ مروانی
- ۳۴۵ محور سوم؛ شرایط ظهور
- ۳۴۵ اشاره
- ۳۴۵ یکم؛ رهبری آگاه و توانمند
- ۳۴۷ دوم؛ قانون جامع

۳۴۸ سوّم؛ ياران مناسب

۳۴۹ چهارم؛ پذيرش عمومي

۳۵۱ نتيجه

۳۵۵ منابع

۳۵۷ درباره مرکز

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویت در آموزه های رضوی

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویت در آموزه های رضوی

(سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)

مجموعه مقالات منتخب دومین همایش مهدویت در آموزه های رضوی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار / زینب احمدیان

صفحه آراء / رضا فریدی

نوبت چاپ / اول _ زمستان ۹۰

شمارگان / هزار نسخه

بها / تومان

ص: ۱

اشاره

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹ _ ۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱ / فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن: ۵ _ ۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۹۸۶۰۷ / ص.پ: ۳۵۵ _ ۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI.COM

info@imammahdi.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۱۷-۸

ص: ۲

سیره رضوی در تبیین معارف مهدوی (سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت) ۵

□ موسی جوانشیر

جایگاه امامت در اندیشه امام رضا علیه السلام بر مبنای تحلیل محتوای رساله «مَحْضُ الْإِسْلَام» ۳۳

□ محمد جانی پور

تحلیل راهبردی از «امامت» در دکترین امام رضا علیه السلام ۷۳

□ حامد پوررستمی

جریان شناختی مهدویت در واقفیه و موضع گیری امام رضا علیه السلام ۱۰۱

□ حیدر مظفری ورسی

امکانات آستان قدس و راهکارهای تبلیغ مهدویت و فرهنگ انتظار ۱۴۱

□ اکبر سعادتی

صفات امام در کلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ۱۷۳

□ محمدحسین فاریاب

شناسایی و رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس ۲۰۱

□ علیرضا پاکدین امیری

نظام حکومتی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه رضوی علیه السلام ۲۱۷

□ علیرضا دانشیار

ولایت امام، ولایت فقیه انتخابی، انتصابی از منظر امام رضا علیه السلام ۲۴۳

□ حسین الهی نژاد

نشانه ها و شرایط ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه امام رضا علیه السلام ۲۷۳

سیره رضوی در تبیین معارف مهدوی (سیره امام رضا علیه السلام در برخورد با مقوله مهدویت)

اشاره

۰ موسی جوانشیر

چکیده

این پژوهش بر آن است تا با نگاهی گذرا به سه دوره مختلف زندگی حضرت رضا علیه السلام، یعنی دوران حکومت هارون، امین و مأمون عباسی، و نیز با عنایت به اوضاع و شرایط خاص آن دوران، سیره و شیوه آن حضرت را در برخورد با مقوله مهدویت، و برنامه‌ها، اقدامات و راهبردهای آن حضرت، برای تثبیت امر مهدویت در جامعه شیعی آن روز و انتقال آن به دوره‌های بعدی، مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، مهدویت، سیره، جامعه رضوی.

بیان مسئله

مهدویت، از ریشه‌ای ترین باورهای شیعه است که امامان معصوم علیهم السلام، هر یک در برابر این امر خطیر، وظیفه‌ای سنگین به عهده داشتند که علی‌رغم موانع پیش‌رو و جوّ خفقان‌بار دوره و عصر خود، به خوبی از عهده آن برآمدند. توجه به آیه

ص: ۵

شریف <لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة> (۱) به ما یادآوری می کند که نباید در امور دینی خود، الگوگیری را فراموش کنیم. شیعه به امامانی اعتقاد دارد که موظف است از آنها تبعیت کرده و آنها را اسوه خود قرار دهد، و تحقق این امر مهم، آگاهی از سیره و شیوه آن پیشوایان الهی را می طلبد. با بررسی سیره این پیشوایان دینی در برخورد با مقوله مهدویت _ با عنایت به اوضاع و شرایط مختلف و پیچیده دوران آنان _ می توانیم وظیفه خود را به عنوان منتظران حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، بازشناسی کرده و به آن عمل کنیم.

از میان اهل بیت عصمت و طهارت، حضرت ثامن الحجج علیه السلام با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی خاص دورانشان، وظیفه ای متفاوت با سایر ائمه داشتند؛ خصوصاً در دوران ولایت عهدی که خاری در چشم و استخوانی برای گلوی ایشان بود و همراه شدن ناآگاهی و خوش خیالی برخی از شیعیان آن روزگار، تلخی ایام را در ذائقه آن امام، دوچندان می کرد. در گیر کردن امام رضا در امر حکومت، ترفند جدید مأمون عباسی بود که کار را بر آن حضرت، بسیار سخت و دشوار کرد و هر چه پافشاری امام بر رد پذیرش خلافت بیشتر می شد، اصرار مأمون بر پذیرش آن از سوی امام، افزون می گشت.

با پذیرش ولایت عهدی از سوی آن حضرت، پندار تشکیل حکومت جهانی در اذهان عده ای از اطرافیان آن امام نقش بست. امام، در این شرایط حساس، هم می بایست موضع خویش را در برابر این موضوع، به وضوح روشن نماید و هم بهانه دست حکومت وقت نداده، مورد سوء ظن حاکم قرار نگیرد.

پرسش این است که امام رضا علیه السلام در رابطه با مسئله مهدویت، چه شیوه و سیره ای را اتخاذ نمودند؟ چه اقدامات عملی و راهبردی ای را در این حوزه، انجام

ص: ۶

دادند؟ در قبال سؤالات مهدوی مردم، چه جوابی می دادند؟ آیا برای تشکیل حکومت جهانی یا زمینه سازی برای آن، برنامه ای داشتند؟ خصوصاً با توجه به تداعی شدن این معنا در دل و ذهن اطرافیان آن حضرت و به ظاهر، آماده بودن شرایط برای تشکیل چنین حکومتی، آیا کاری متفاوت با سایر ائمه انجام دادند؟ شیوه کار ایشان چگونه بود؟ و...

ما در این تحقیق، با رویکردی توصیفی، به دنبال آن هستیم که با بررسی سیره عملی آن حضرت، برخورد ایشان را با مقوله مهدویت، مورد دقت نظر و ارزیابی قرار دهیم و با این زاویه دید، نگاهی دوباره به زندگانی آن امام همام بیندازیم.

مقدمه

دوران زندگی امام هشتم علیه السلام، معاصر با سه خلیفه عباسی، یعنی؛ هارون الرشید، امین و مأمون بود که ویژگی های این دوران، با هم تفاوت بسیار داشت و طبیعی است که عملکرد آن حضرت هم در هر دوره ای، به تبع مقتضیات آن زمان، متفاوت بود. لذا برای بررسی سیره آن حضرت در برخورد با مقوله مهدویت، ابتدا باید نگاهی و لو گذرا به اوضاع سیاسی – اجتماعی آن دوران بیندازیم و زندگی آن حضرت را در این سه دوره مرور کنیم.

دوره اول: دوران خلافت هارون الرشید

این دوره از زندگی حضرت رضا علیه السلام – که ده سال از دوران امامت آن حضرت را دربرمی گیرد – دارای ویژگی های زیر است:

امام هفتم شیعیان، موسی بن جعفر علیه السلام، پس از تحمل سال ها درد و رنج در

زندان های هارون، مظلومانه به شهادت رسیده بود. (۱)

در دوران اسارت آن امام، شیعیان از فیض حضور ایشان محروم بودند و نمی توانستند از تعالیم و فرامین آن امام استفاده کنند. حذف امام از جامعه سبب شده بود که اصل امامت و جایگاه آن کم کم به بوته فراموشی سپرده شود.

گروهی از وکلا- و نواب آن امام هم به طمع تصاحب اموال و وجوهات دریافتی، از مسیر ولایت منحرف شده، و منکر امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام شدند و بدین طریق، آتش فرقه گرایی را تحت عنوان جدید «واقفیه» (۲) شعله ور کردند و باعث سردرگمی و ایجاد دودستگی بین شیعیان شدند.

نهاد وکالتی که آغاز تأسیس آن به زمان امام صادق علیه السلام بازمی گشت نیز با زندانی شدن امام کاظم علیه السلام و انحراف فرقه واقفیه آسیب جدی دیده، و ساختار آن تا مرز متلاشی شدن پیش رفته بود و به ترمیم اساسی و استخدام اعضای جدید نیاز داشت.

سادات علوی نیز گرفتار تشمت و تفرقه و نابسامانی شدیدی شده بودند، به طوری که هر سری در خود، سودایی داشت و همین امر سبب شد تا در برخی مواقع، بدون مشورت با حضرت رضا علیه السلام دست به قیام های بی نتیجه بزنند. (۳) و این مسئله، کار را بر امام رضا علیه السلام دشوارتر می نمود.

اقدامات: کتب تاریخ و سیره، از جزئیات اقدامات حضرت رضا علیه السلام در این دوره گزارشات زیادی ارائه نکرده اند. بنابراین دست یابی به همه برنامه های راهبردی آن حضرت، ممکن نیست و بدین لحاظ، قضاوت کردن در این مسئله، بسیار مشکل می باشد. ولی آنچه که مسلم است، این است که حضرت ثامن الحجج علیه السلام، مهم ترین

ص: ۸

۱- ارشاد، ج ۲، صص ۲۲۸-۲۳۶.

۲- خورشید در نهان، صص ۱۱۰-۱۱۶؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۶.

۳- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۷۲-۷۴.

امر را در این اوضاع و شرایط، بیان حقیقت امام و تبیین جایگاه امامت می دانستند؛ لذا بی محابا به معرفی خود و تبلیغ امامت می پرداختند؛ به گونه ای که نزدیکان و یاران آن حضرت بر جان ایشان بیمناک شده بودند و می گفتند: «ما از هارون بر جان شما می ترسیم»؛ ولی حضرت ثامن الحجج علیه السلام می فرمود: «او را بر من راهی نیست. (۱)» و با اراده ای پولادین و اعتقادی راسخ، به تبیین جایگاه امامت و امر ولایت و ارشاد مردم به سوی حق و حقیقت ادامه می دادند.

آن حضرت، همچنین نهاد و کالت را بازآفرینی کردند، افراد جدیدی را به عنوان وکیل خود به مناطق مختلف جامعه اسلامی گسیل داشتند و با تدابیر عملیاتی دقیق و سریع خویش، توانستند این نهاد را از نابودی نجات دهند و با دمیدن روحی تازه به کالبد بی رمق آن، باعث شدند که این نهاد، با توانی فزونتر در راستای تحقق اهداف خود به حرکت ادامه دهد و تا آغاز عصر غیبت _ علی رغم جوّ خفقان بار زمانه عسکرین علیه السلام _ از حرکت باز نایستاد.

اقدامات آن حضرت در این برهه از زمان در راستای اهداف مهدوی قلمداد می شود؛ چرا که اصل امامت، مقدمه تثبیت مهدویت است. البته ایشان از تبلیغ امر مهدویت _ حتی برای کسانی که اصل امامت را قبول نداشتند _ نیز غافل نبودند؛ چنان که برای گروه «واقفیه» نیز جایگاه امام مهدی را روشن می کردند (۲).

این اقدامات باعث شد که امر امامت به فراموشی سپرده نشود، تا جایی که در این دوران، محافل علمی تشکیل می شد و خود هارون از علما می خواست که درباره امامت و صفات امام، نظراتشان را بگویند و بدین ترتیب زمینه ای فراهم می شد تا امام رضا علیه السلام نیز، عقیده خویش را در این باب بیان نمایند که در ذیل، به دو مورد از این بیانات اشاره می شود.

ص: ۹

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۴، ح ۲.

۲- تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۶.

بیان اول: محمد بن فضیل گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «زمین بدون امام باقی می ماند؟» فرمود: «نه» گفتم: «برای ما از امام صادق علیه السلام روایت شده که زمین، بدون امام باقی نمی ماند مگر اینکه خدای تعالی بر اهل آن، خشم گیرد.» فرمود: نه؛ بلکه آن روایت این است که اگر حجت بر زمین باقی نماند، زمین، اهلش را در خود فرو می برد». (۱)

حضرت در این روایت شریف، جایگاه امام را بسیار رفیع و وجود حجت را ضروری می داند؛ به گونه ای که نبود امام را مساوی با نابودی زمین و در هم ریختن همه عالم معرفی می کنند؛ جایگاهی که هیچ چیزی نمی تواند خلأ آن را پر کند و هیچ چیز جایگزین آن نخواهد شد.

بیان دوم: امام رضا علیه السلام فرمودند: «ائمہ، خلفای خدای عزوجل در زمینش می باشند». (۲)

در این بیان نورانی، ایشان جایگاه امام را در بین زمینیان معرفی می کنند و کنایه ای هم به خلفای عباسی می زنند؛ چرا که طبق این بیان، کسی جز امام نمی تواند خلیفه باشد. از این رو، خلفای عباسی، خلافت را تصاحب کرده، و در حقیقت، غاصبین خلافت اند. حضرت، و با این بیان بر این پندار عموم مردم، که هر کس بر مسند خلافت تکیه بزند همو خلیفه است، خط بطلان می کشد و حق فرمانروایی را مختص خاندان وحی داند و وظیفه مردم را در فرمانبرداری از آنان، مشخص و شفاف می سازد.

دوره دوم: دوران خلافت امین

در این دوره پنج ساله، از یک سو، مأمون و امین بر سر تصاحب اریکه قدرت

ص: ۱۰

۱- کافی، ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۱۱.

۲- کافی، ج ۱، ص ۲۷۵، ح ۱.

درگیر بودند و از سوی دیگر، علویان _ که حکومت را در ضعف می دیدند _ از فرصت پیش آمده، سود جستند دست به قیام زدند. البته کتب تاریخی، رضایت و تأیید صریح ثامن الحجج علیه السلام را از این قیام ها گزارش نکرده اند؛ با این وجود، به نظر نمی رسد که ایشان با اصل قیام ها مخالف بوده باشند، بلکه اگر اعتراضی هم داشتند، به برخی اعمال و کردار ناشایست در ضمن قیام ها بوده است، نه به اصل آنها.

در این دوره، امام مشکلی با دستگاه خلافت نداشتند. که علت آن، دو مسئله بود، یکی درگیری امین و مأمون، و دیگری عیاشی و خوشگذرانی امین، که مجالی را برای او باقی نگذاشته بود تا برای حضرت رضا علیه السلام در دسر ساز شود.

اقدامات: در این اوضاع، آن حضرت، علاوه بر عملکرد اول _ یعنی تبیین جایگاه و موقعیت امامت و نظارت بر کار نهاد و کالت _ به جذب قلوب علویان هم پرداخت تا از تشمت و تفرقه و قیام های بی نتیجه که منجر به قتل عام آنها و تضعیف شیعیان می شد جلوگیری کند. البته کار دوم به مراتب سخت تر بود، زیرا مجاب و قانع کردن آنها، برای اینکه به فرمان حضرت رضا علیه السلام به عنوان «امام» گردن بنهند، کاری بس دشوار بود. این مطلب وقتی وضوح بیشتری پیدا می کند که بدانیم حتی برادر امام نیز در عقیده امامت مشکل داشت. (۱) گفتگو با آن دسته از علویانی که ادعای مهدویت داشتند، نیز از دیگر فعالیت های امام بود؛ همچون محمد بن جعفر صادق، که با استناد به روایات نبوی خود را مهدی قائم نامید (۲) و حضرت با این ادعای او مخالفت ورزید، اما چندان مؤثر واقع نشد.

ص: ۱۱

۱- تاریخ سیاسی عصر غیبت، ص ۷۲.

۲- تاریخ سیاسی عصر غیبت، ص ۷۴.

این دوران که پنج سال طول کشید، خود به دو بخش، تقسیم می شود؛ یک دوره که شبیه به عصر امین بود و در نتیجه، امام نیز همان موضع را در پیش گرفتند؛ یعنی تبیین امر امامت _ همچون بیان حدیث معروف «سلسله الذهب» _ جذب قلوب علویان و دفع خطر مدعیان مهدویت به وسیله انکار صریح آنها.

اما در دوره دوم، امام با حيله و خدعه دستگاه خلافت روبرو شد. نیرنگی که هر چند بی سابقه نبود، ولی در نوع خود، بسیار حساب شده به اجرا درآمد. مأمون برای اینکه قیام علویان را خاموش کند، پس از مشورت با وزیر پر تزویر خویش، فضل بن سهل، اول «خلافت» و سپس «ولایت عهدی» را به آن حضرت پیشنهاد کرد که با مخالفت آن حضرت روبرو شد. پس از آن، متوسل به زور و تهدید شد و امام هم بالاجبار و با شرایطی، ولایت عهدی را پذیرفت (۱) و همین پذیرش، کار را بر امام سخت کرد، اگر چه خیر و برکات فراوانی نیز به دنبال آن بود.

در این وضعیت، علاوه بر تبیین امر امامت و ولایت و تألیف قلوب علویان، مسئولیت دیگری هم بر دوش سنگینی می کرد. این مسئولیت سنگین به تبع پذیرش ولایت عهدی بر دوش حضرت گذاشته شد؛ زیرا با پذیرش این سمت جدید، دوره سه ساله ولایت عهدی، برای ایشان، این موارد را به دنبال داشت:

ایشان بیشتر در معرض سؤالات مردم قرار گرفت که می بایست به آنها پاسخ می گفت.

امام مجال بیشتری پیدا کرد تا به عنوان یک مقام رسمی حکومت با مردم

ص: ۱۲

سخن بگوید و پرواضح است که دغدغه آن حضرت، با توجه به امر خطیر امامت، چه بود؟ بیان اوامر و تشریح فرامین الهی.

با راهیابی حضرت رضا علیه السلام به دستگاه خلافت عباسی، آن هم به عنوان «ولایت عهدی»، و همچنین ضرب سکه به نام آن حضرت، این پندار در اذهان به وجود آمد که زمینه برای تحقق وعده الهی فراهم گشته است؛ یعنی آن صاحب الامر موعود، امام رضا علیه السلام است.

چنانکه ابا صلت گوید: از آن حضرت پرسیدم: «شما صاحب الامر هستید؟» جواب فرمودند: «من صاحب الامر هستم؛ ولی نه آن کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند» (۱) و یا ایوب بن نوح گوید: به امام هشتم عرض کردم: «امیدوارم شما آن صاحب الامر باشید؛ زیرا هم با شما بیعت شده است و هم به نام شما سکه ضرب خورده است» (۲). وعده ای که حدود ۲۰۰ سال پیش، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بشارت آن را داده بود و فرموده بود: «ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل» (۳) در ذهن مردم، یادآوری شده بود و همین امر، کافی بود که درباره موعود آخرالزمان سؤالات فراوانی ایجاد شود و در پی آن، زمینه ای بسیار مناسب فراهم آید تا ثامن الحجج علیه السلام به موضوع مهدویت پردازد و ابعاد گوناگون آن را بیان کند و برای آن دسته از افرادی که ایشان را مهدی موعود می دانستند روشن گرداند که مهدی واقعی کیست؟ ویژگی هایش چیست؟ و وظیفه پیروان و مریدانش کدام است؟

اقدامات: امام رضا علیه السلام با مهارت، این دوره پر فتنه را مدیریت، و این فضای غبارآلود را به مقطعی تاریخی، برای شیعه تبدیل کرد. سیره امام رضا علیه السلام در برخورد

ص: ۱۳

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۲۵.

۳- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۳۳.

با مقوله مهدویت در این برهه از زمان، اموری چند را برای ما بیان می کند:

۱. تبیین جایگاه امامت: آن امام همام در این زمان نیز همچون دو دوره پیشین، تبیین اصل جایگاه امامت را ضروری ترین مسئله می دانست و لذا این بار با قدرت و استحکام بیشتری آن را بیان کرد. به ویژه در مناظراتی که با دانشمندان و علمای اهل تسنن داشتند، این مسئله را مستدل تر و متقن تر و با بیانی شیوا ارائه کردند. این جلسات و مناظرات، زمینه را برای پذیرش و قبول امامان بعدی، به خصوص امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ که در سنین پائین تری به امامت رسیدند _ فراهم کرد، زیرا گردن سپردن به یک امام پنج یا هفت ساله برای شیعیان بسیار مشکل بود؛ ولی مشاهده این مناظرات و سنجیدن توانایی امام در پاسخگویی به سؤالات، الگویی شد برای امتحان و تشخیص امامان بعدی. لذا مأمون برای امام جواد علیه السلام، نظیر همین جلسات علمی را تشکیل می داد و در ضمن همین جلسات بود که جایگاه امام جواد علیه السلام و پس از ایشان، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام برای همگان معلوم شد. و زمانی که نوبت به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رسید، دیگر مسئله به امامت رسیدن در سن کودکی، برای مردم، قابل پذیرش بود.

امام رضا علیه السلام فقط در صدد بیان اصل امامت برای منکران این عقیده نبودند؛ بلکه برای برخی از شیعیان، مراتب عالی تر این اصل را مطرح می کردند و برای آنها می گفتند که امام، در عالم تصرف دارد، حاضر و ناظر بر اعمال بندگان است، هر پنج شنبه اعمال مردم به محضر ایشان ارائه می شود و ...

عبدالله بن ابان گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتیم: «برای من و خانواده ام دعا کنید». فرمود: «مگر من دعا نمی کنم؟ به خدا که اعمال شما هر صبح و شام بر من عرضه می شود». عبدالله گوید این امر برایم بزرگ آمد. امام ادامه داد: «مگر تو کتاب خدا را نمی خوانی که می فرماید: > و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و

المؤمنون <(۱)؟ به خدا که آن مؤمن، علی بن ابیطالب است» (۲). امام رضا علیه السلام در این روایت، حضرت علی علیه السلام را به عنوان یک مصداق از مؤمنان معرفی می کند و گرنه تمام ائمه مصداق این رؤیت می باشند. این گونه بیانات، علاوه بر اینکه، بالا-رفتن دانش و آگاهی شیعیان را در پی داشته و باعث ایجاد انگیزه برای تزکیه نفس و خودسازی در بین آنان می شد، سبب می گشت که بحث ولایت و امامت در جامعه اسلامی جایگاه مناسب و بهینه خود را باز یابد.

۲. معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : سؤالات متعدد مردم از یک طرف، ادعای مهدویت برخی، از سوی دیگر و مهدی پنداشتن حضرت رضا علیه السلام از سوی سوم، سبب شد تا ایشان به معرفی واضح و روشن حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف پردازند تا علاوه بر پاسخگویی به سؤالات، هم مدعیان دروغین را رسوا نمایند و هم شک و شبهه برخی افراد را برطرف نمایند. ایشان به گونه ای ویژگی های موعود شیعه را بیان کردند که جز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مصداق دیگری برای آن نمی توان یافت؛ برای مثال، ایشان مخفی بودن ولادت و رشد و نمو را از صفات آن موعود معرفی می کردند و فرمودند: «هیچ یک از ما خاندان نیست که مکاتبات داشته باشد و با انگشت به او اشاره شود و از او مسئله پرسیده شود و اموال برایش آورده شود جز اینکه یا کشته شود و یا در بستر خود بمیرد تا زمانی که خدا برای این امر (امامت) کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او مخفی است ولی دودمانش نهان نیست.» (۳)

دیگر صفاتی که حضرت رضا علیه السلام برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان فرموده اند، از این قرار

ص: ۱۵

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۴.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۲۵.

است: «مهدی چهارمین فرزند من است (۱)، جسمش دیده نمی شود (۲)، دارای چنان قوت بدنی است که اگر دست برده، ریشه عظیم ترین درخت روی زمین را بگیرد آن را، از جا می کند و اگر بین کوه ها فریاد برکشد، کوهها به لرزه می افتند. (۳) او دارای غیبت است. (۴) عیسی مسیح علیه السلام، پشت سرش نماز می گزارد. (۵) سفیانی پیش از او قیام می کند. (۶) و... امام رضا علیه السلام در بیانی دیگر، حتی نام پدر آن بزرگوار را «حسن بن علی» (۷) ذکر می کند تا جای هیچ شک و شبهه ای باقی نماند. اشعار دعبل (۸) نیز حکایت از اقدامات آن حضرت در این زمینه دارد و همچنین موارد دیگری که مجموعاً نشانه هایی را به دست می دهد که جز بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر هیچ شخص دیگری قابل تطبیق نیست.

امام هشتم با بیان این نشانه ها ضمن معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جامعه آن روز، و پاسخ به پرسش های مردم، هم پندار مهدی بودن خود را از اذهان زدود و هم باب ادعاهای دروغین مهدویت را مسدود کرد. لذا در زمان حضرات معصومین و امامان بعدی، دیگر شاهد قیام های معتنا بهی با عنوان «مهدویت» نیستیم و اگر کسی هم ادعای مهدویت می کرد، به دلیل روشنگری های علی بن موسی الرضا علیه السلام، طرفدار چندانی نمی یافت و همین امر سبب شد که شعله های آتش فرقه گرایان و فرقه سازی هم فروکش کرده، رونق سابق خود را از دست بدهد و از تشعب شیعه تا سالیانی دراز جلوگیری شود؛ زیرا یکی از مؤلفه های مهم برای ایجاد فرقه جدید،

ص: ۱۶

- ۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۴۴۳.
- ۲- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۴۵۳.
- ۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.
- ۴- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۴.
- ۵- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۴۷۱.
- ۶- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۴۸۶.
- ۷- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۳، ح ۳۲.
- ۸- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۲، ح ۶.

بیان فلسفه غیبت: با توصیف ویژگی ها و برجسته کردن صفات مهدی موعود از سوی حضرت رضا علیه السلام، همگان مشتاق دیدار آن می شدند؛ اما با اظهار اینکه یکی از آن ویژگی ها، غیبت است، این سؤال در ذهن ها ایجاد می شد که چرا امام باید غایب شود؟ چه حکمتی در غیبت نهفته است که در مقابل حضور امام در جامعه، ارجحیت دارد؟ چگونه ممکن است کسی بتواند این مدت طولانی برای سالیان دراز عمر کند؟ و... از این رو، حضرت رضا علیه السلام در برابر پرسش های جدیدی قرار گرفت و به عنوان یک مرجع دینی، می بایست پاسخگو می بود. امام دو حکمت و فلسفه را برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان می کردند. یکی، حفظ جان امام از دسیسه های دشمنان (۱) و دوم، نبودن بیعت احدی بر گردن امام (۲) که خود حضرت رضا علیه السلام کمابیش با آن درگیر بود.

ایشان برای رفع استبعاد عمر طولانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به جناب خضر _ که دارای عمر طولانی است _ اشاره می کرد و می فرمود: «خضر، آب حیات نوشیده و زنده است و تا نفخ صور، نمی میرد. آمد و شد می کند، در موسم حج، در عرفات به دعای حجاج آمین می گوید و مونس تنهایی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است.» (۳) یعنی تعجب نکنید که حجت حق، عمر طولانی داشته باشد، در مجالس شما رفت و آمد کند، در موسم حج حضور یابد، با شیعیانش ارتباط داشته باشد و مشکلاتشان را حل و فصل کند.

۴. تشریح اوضاع آخرالزمان: امام هشتم از اوضاع دردناک آخرالزمان و فتنه های

ص: ۱۷

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۲۵.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۴.

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۴.

کور و مهلك آن خير داده است(۱) که دل مؤمن از شدت این آلام و فتنه ها آب می شود، اما راهی به جایی نمی برد. تشریح این اوضاع مخوف، ابرهای تیره و تار یأس و ناامیدی را بر دل ها می گستراند و این فکر را به ذهن ها می اندازد که چه کسی قادر است با این فتنه ها در افتد و جان سالم به در برد؟ و به فرض ممکن بودن این امر، چقدر باید زمان سپری شود تا زمینه ظهور فراهم گردد؟

علی بن موسی الرضا علیه السلام در برابر این دسته از پرسش ها می فرمودند که اولاً امام، مستجاب الدعوه است(۲) و ثانیاً انتظار فرج، خودش فرج است؛(۳) یعنی این امور، به ظاهر، ناممکن می نماید، ولی اگر خدا بخواهد امری شدنی است.

۵. بیان وظایف منتظران: امام رضا علیه السلام سکوت در عصر غیبت را ابداً تأیید نمی کردند و دست روی دست گذاشتن را تجویز نمی نمودند؛ بلکه برای شیعیان، وظایفی را تعیین می کردند که عبارت است از:

۱-۵. معرفت و شناخت امام: هدایت و معرفت دینی کامل، تنها از رهگذر شناخت امامان میسر می باشد و مراد از این معرفت، شناختی فراتر از دانستن نام و القاب و تاریخ ولادت و... است. باید از ظاهر بشری آنان عبور کرد و به باطن و حقیقت انسانی آنان توجه نمود، جایگاه و مقام آنها را در هستی شناخت و حقایق را از لابه لای فرمایشات و رفتار و سیره ایشان به دست آورد. به اهداف والای آنان پی برده، و خط مشی آنها را الگو و سرمشق زندگی خویش قرار دهیم. برای بیان اهمیت همین موضوع است که حضرت رضا علیه السلام فرمودند:

«مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُهُمْ وَلَا يَتَوَلَّاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ

ص: ۱۸

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۸۱، ب ۱۴، ح ۴۴.

۲- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۷.

۳- خورشید در نهان، ص ۶۳۰.

کسی که شیعه می باشد وظیفه دارد امامان و پیشوایان دینی خود را بشناسد، و الا مرگی بسان مرگ جاهلیت خواهد داشت.»

۲-۵. تولی و تبری: دین جز حب و بغض نیست. نمی شود دل انسان، هم حب کسی را در خود جای دهد و هم بغض دشمنان آن شخص را، و در ضمن، ادعای دوستی و مودت هم بنماید. این مفهوم در لسان دین، «تولی و تبری» نامیده می شود؛ یعنی دوستی با دوستان خدا و دوستان اهل بیت، و دشمنی با دشمنان خدا و دشمنان اهل بیت. حضرت ثامن الحجج علیه السلام این موضوع را از ویژگی های شیعیان واقعی قلمداد کرده است:

«شِيعَتَنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا الْآخِذُونَ بِقَوْلِنَا الْمُخَالِفُونَ لِأَعْدَائِنَا فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا (۲)؛

شیعیان ما تسلیم و مطیع امر ما و مخالف با دشمنان ما هستند و کسی که چنین نباشد از ما نیست»

یک منتظر واقعی می بایست چنین خصلتی را داشته باشد و الا- کسی که دوستی دشمنان اهل بیت را در دل داشته باشد، چگونه می تواند با آنها مقابله کند و انگیزه در افتادن با آنها را داشته باشد؟

۳-۵. ایمان و عمل صالح: ایمان و عمل صالح، پیوندی بس وثیق با هم دارند که آیات شریف قرآنی و روایات نورانی، بسیار روی آن تأکید کرده اند. این موضوع از مواردی است که ممکن است بسیاری از انسان های مؤمن در آن گرفتار آیند. لذا تذکر این نکته بجاست که هم ایمان و حب اهل بیت باید باشد و هم عمل صالح؛ تا رستگاری حاصل شود. چنانکه امام رضا علیه السلام فرموده اند:

ص: ۱۹

۱- تحف العقول، ص ۷۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۷.

«لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَاجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ - اتَّكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَلَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - وَالتَّشْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اتَّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ - فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ (۱)؛

نه عمل صالح و تلاش در عبادت را به امید حب اهل بیت ترک کنید، و نه به امید عبادت، محبت به خاندان اهل بیت را کنار بگذارید. زیرا این دو هیچیک بدون دیگری قبول نمی شود».

۴-۵. محبت و احترام نسبت به امام: سیره و حالات اهل بیت، دلالت می کند بر اینکه آنان حتی قبل از ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ابراز محبت و ارادت به ساحت آخرین ذخیره الهی داشته اند و اصحاب و یاران خود را نیز سفارش می کردند که آنها هم از یاد ایشان غافل نباشند. سیره امام رضا علیه السلام نیز بر همین منوال بود و ایشان، از هر فرصتی، ولو محدود و مختصر، برای معرفی و ذکر خیر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره می بردند و آن امام غایب را به نیکی یاد می کردند. نقل شده است که در یکی از مجالسی که امام رضا علیه السلام حضور داشت، کلمه «قائم» ذکر شد. آن جناب، با احترام ایستادند و دست مبارکشان را بر سر نهادند و فرمودند: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه» (۲).

البته این عمل در عصر امام صادق علیه السلام نیز معمول بوده است. خدمت آن جناب عرض شد: «علت چیست که در موقع ذکر «قائم» باید قیام کرد؟» فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد طولانی، هر کس وی را به این لقب که مشعر به دولت اوست، صدا زند و یاد کند، آن حضرت هم نظر لطفی به او می کند و چون در این لحظه، مورد توجه آن جناب قرار می گیرد سزاوار است از باب احترام برخیزد و تعجیل فرجش را بخواهد» (۳).

ص: ۲۰

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۸.

۲- الزام الناصب، ص ۸۱.

۳- الزام الناصب، به نقل از داد گستر جهان، ص ۱۲۵.

۵-۵. پذیرش ولایت اهل بیت: سفارش فراوانی نسبت به التزام به ولایت اهل بیت شده است؛ تا جایی که ولایت، یکی از ارکان اسلام معرفی شده (۱) و به هیچ چیزی مثل ولایت سفارش نشده است. (۲)

راوی گوید از حضرت ثامن الحجج علیه السلام درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید:

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (۳)

«ای پیامبر! بگو باید به فضل و کرم خدا و رحمت او شاد شوند که آن بهتر است از آنچه گرد می آورند.»

امام رضا علیه السلام فرمود:

«بِوَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُ هَؤُلَاءِ مِنْ دُنْيَاهُمْ» (۴)

ولایت اهل بیت از آنچه که انسان ها [از درهم و دینار و مطامع دنیا] جمع می کنند بهتر است.

لذا ولایت پذیری، از اولین ویژگی های یک منتظر راستین می باشد.

۵-۶. تقیه و صبر: دوران حضرت رضا علیه السلام، علویان دست به قیام هایی زدند و با حاکم عباسی وقت، یعنی مأمون، درگیر شدند. این قیام ها اگر چه دردسری برای مأمون به حساب می آمد، اما هم علویان و اطرافیان شان را به کشتن می داد و هم کانون شیعه را دچار تفرقه و تشتت می کرد و مشکل بزرگتر این بود که امام هشتم نیز از آفات و تبعات این قیام ها آنان، بی نصیب نمی ماند. مأمون که در سرکوب علویان، مستأصل و درمانده شده بود، راه چاره را در احضار کردن و به

ص: ۲۱

۱- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ دَعَائِمٍ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَحِجِّ الْبَيْتِ وَالْوَلَايَةِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.» بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۳.

۲- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحِجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ.» بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۲۹.

۳- سوره یونس، آیه ۵۸.

۴- کافی، ج ۱، ص ۴۲۳.

خدمت گرفتن امام در ارکان حکومت خویش می دید، تا بدین وسیله هم به حکومت خویش، مشروعیت ببخشد و هم قیام علویان را خاموش کند.

در آن برهه از زمان، سعی امام بر این بود که شیعه را به وحدت کلمه برساند و بهانه را از دست حکومت بگیرد. برای رسیدن به این اهداف، تقیه و صبر در برابر حکومت جور، بهترین گزینه بود. بر این اساس، امام در این دوره، وظیفه شیعیان را در پیش گرفتن راه تقیه و صبر معرفی کردند. ایشان تا جایی در تبیین این مهم پیش رفتند که حفظ تقیه را هم ردیف ایمان اشخاص دانستند و فرمودند:

«لا دین لمن لا ورع له، ولا ایمان لمن لا تقیه له (۱)؛

کسی که پرهیزکاری نمی کند، دین ندارد و کسی که تقیه نمی کند، ایمان ندارد».

ایشان، در فرازی دیگر، میزان احترام و اکرام اشخاص نزد خداوند را مقدار رعایت تقیه معرفی کردند و کسی را که به تقیه بی توجه است، از سلک شیعیان بیرون دانستند و فرمودند:

«إن أكرمكم عند الله أعمالكم بالتقيه، فقیل له: یا ابن رسول الله إلی متى؟ قال: إلی یوم الوقت المعلوم وهو یوم خروج قائمنا أهل البیت، فمن ترک التقيه قبل خروج قائمنا فلیس منا (۲)؛

امر به تقیه و صبر در ابتدا بر اطرافیان آن حضرت سنگین آمد، از ایشان پرسیدند: یا بن رسول الله تا کی باید تقیه کنیم؟ امام جواب دادند: تا زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

اگر چه تقیه در زمان امامان پیشین هم تأکید شده بود، ولی در این زمان اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد. گویا اساس شیعه بسته به همین امر بود؛ لذا در ادامه فرمودند:

ص: ۲۲

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۹۵.

۲- اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۴۱.

«کسی که تا قبل از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترک تقیه کند، از ما اهل بیت نیست.»

هنگامی که یاران و اصحاب آن حضرت، از وضع زمانه گله و شکایت می کردند، باز هم امام، آنها را امر به صبر می فرمودند و گوشزد می کردند که صبر امر خدا و لازم الاجراست. حسن بن شاذان واسطی می گوید: نامه ای به حضرت رضا علیه السلام نوشتم و از اذیت و جفای عثمانی ها به حضرتش شکایت کردم. برایم جواب نوشت:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخَذَ مِيثَاقَ أَوْلِيَانِنَا عَلَى الصَّبْرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ؛(۱)»

خداوند از دوستان ما پیمان گرفته است که در دولت باطل صبر و شکیبایی پیشه کنند. پس تو نیز صبر کن.»

ایشان برای تشویق و ترغیب شیعیان به رعایت تقیه می فرمودند:

«ما أحسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول العبد الصالح: <و ارتقبوا إني معكم رقيب> (۲)، <وانظروا إني معكم من المنتظرين> (۳). فعليكم بالصبر إنما يجيء الفرج على اليأس وقد كان الذين من قبلكم أصبر منكم... (۴)؛»

چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا سخن بنده صالح خدا (شعیب) را نشنیدی که فرمود: «و انتظار برید که من هم با شما منتظرم» و «منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم». بر شما باد به صبر و بردباری؛ چرا که گشایش بعد از ناامیدی فرا می رسد و به تحقیق، کسانی که پیش از شما بودند از شما بردبارتر بودند.»

و بالاخره در روایت بسیار زیبایی، فضیلت انتظار را این گونه بیان کرده اند:

«... أما يرضى أحدكم أن يكون في بيته ينفق على عياله ينتظر أمرنا فإن أدرکه

ص: ۲۳

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۳۱.

۲- سوره هود، آیه ۹۳.

۳- سوره اعراف، آیه ۷۱.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۱.

کان کمن شهد مع رسول الله، صلی الله علیه و آله، بدر، و إن لم یدرکه کان کمن کان مع قائمنا فی فسطاطه هکذا، هکذا و جمع بین سبابتیه. (۱)

آیا هیچ یک از شما خوش ندارد که در خانه خود بماند، نفقه خانواده اش را بپردازد و چشم به راه امر ما باشد؟ پس اگر در چنین حالی از دنیا برود مانند کسی است که به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر به شهادت رسیده است. و اگر مرگ به سراغ او نیاید مانند کسی است که به همراه قائم ما و در خیمه او باشد.

در نهایت، با سعه صدر و مدیریت صحیح امام، تلاش های طاقت فرسای ایشان در این باب هم نتیجه داد و دو اثر عمده را به دنبال داشت؛ حفظ جان شیعیان و جلوگیری از فرقه گرایی، تشتت و چنددستگی میان علویان.

۷-۵. محزون بودن از فراق آن حضرت: یکی دیگر از وظایف منتظران فرج، اندوهگین و محزون بودن از غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که به فرمایش عالم آل محمد، بسیاری از مؤمنان از این غم خالی نیستند:

«كَمْ مِنْ حَزِيٍّ مُؤْمِنَةٍ وَ كَمْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَيْرَانَ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ الْمَعِينِ (۲)».

ایشان وصف حال منتظران را اینگونه به تصویر می کشند که چه بسیارند زنان و مردان مؤمنی که در گم کردن ماء معین (امام غایب) دل سوخته و اندوهناک و سرگردان و ناراحت اند. حزن و اندوه اینان به خاطر محروم شدن از آب حیات بخش و گوارای وجود امام است. چون نمی توانند از آن آب گوارا بهره بگیرند و عطش نیاز به حجت و امام خود را فرو نشانند، غمگین اند و زندگانی را به تلخی به سر می برند. نه تنها مؤمنان چنین اند که اهل زمین و آسمان، بر حال آن امام غایب گریانند:

ص: ۲۴

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۶۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

«يٰۤاَيُّكِي عَلَيِّهِ اَهْلُ السَّمَاءِ وَ اَهْلُ الْاَرْضِ وَ كُلُّ حَرِّي وَ حَرَّانِ وَ كُلُّ حَزِيْنٍ لَهْفَانَ» (۱): مَا اَحْمَدَ بِيْنَ

۶. آموزش معارف الهی در قالب دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف : در لابه لای ادعیه صادر شده از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، بخش مهمی از تعالیم و معارف آنها، نهفته و مضبوط است. زبان ادعیه، یک روش برای انتقال اسرار و علوم الهی است؛ چرا که به دلیل وجود جوّ خفقان بار در دوران امامان معصوم علیهم السلام، امکان ارائه صریح بسیاری از مطالب نبوده، لذا در قالب دعا، مطالب را مطرح نموده اند. بنابراین شایسته و بایسته است که به ادعیه معصومین علیهم السلام، به عنوان یک منبع غنی و سرشار از معارف الهی بنگریم و با غواصی در این دریای ژرف و عمیق، به دنبال کسب علم و صید اسرار باشیم. هرچند صرف نگاه دعایی، به این فرمایشات عرشی هم خالی از فایده نیست و خودش فیض عظیمی است.

بدین جهت است که پیشوایان دینی ما اصرار و تأکید فراوانی بر خواندن دعا، خصوصاً ادعیه مأثوره داشته اند و در برخی مواقع، از جابجا کردن و تغییر دادن مضامین ادعیه، ولو به صورت جزئی، جلوگیری می کردند. تعبیراتی همچون «دعا سلاح مؤمن است» (۲) و «بر شما با به حفظ سلاح انبیاء» (۳)، تأکیدی است که شیعیان را به خواندن دعا ترغیب می کند تا علاوه بر کسب ثواب، به این دُرّهای گرانبها نیز دست یابند.

از جمله این ادعیه، دعا برای فرج، سلامتی و نصرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ائمه، شیعیان را بدان امر کرده اند. امام رضا علیه السلام نیز، به جهت آن مودت و پیوند قلبی که با فرزند چهارم خویش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته اند، حدود نیم قرن پیش از تولد

ص: ۲۵

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۲- بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۸.

۳- بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۹۵.

ایشان، با بیان های متعدد و مختلف، او را دعا کرده و نصرت و یاری اش را از خداوند طلب نموده اند. در یکی از این دعاها چنین می خوانیم:

«اللَّهُمَّ أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبيائك و رسلك و حفّه بملائكتك و أیده بروح القدس من عندك و اسلكه من بين يديه و من خلفه رسدا يحفظونه من كلّ سوء و أبدله من بعد خوفه أمانا يعبدك لا يشرك بك شيئا ولا تجعل لأحد من خلقك على وليك سلطانا و ائذن له في جهاد عدوك و عدوّه واجعلني من أنصاره إنك على كلّ شيء قدير(۱)؛

خداوندا! [امور] بنده و جانشینت را اصلاح کن، آن چنانکه [امور] پیامبران و رسولانت را اصلاح کردی. او را با فرشتگانت در بر گیر و با روح القدس یاری کن. در پشت سر و پیش روی او نگهبانانی قرار ده که او را از بدی درامان دارند؛ بیم و نگرانی او را تبدیل به امنیت و آرامش کن تا تنها تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد. هیچ یک از آفریدگانت را بر ولی ات مسلط مساز. اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودش را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ چرا که تو بر همه چیز توانایی.»

این دعا حاوی نکاتی است که در زیر به برخی از آنها اشاره می کنیم:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موید به روح القدس است.

ایشان به وسیله ملائکه الهی محافظت می شود؛ پس کسی نمی تواند به او آسیبی برساند.

آن حضرت، با تأییدات و نصرت الهی مغلوب نخواهد شد.

سیره و منش آن امام با سایر ائمه متفاوت خواهد بود. او «تقیه» نمی کند و مأمور به صبر بر دولت های باطل نیست؛ بلکه ماموریت او، اعتلای پرچم حق و اجرای فرامین الهی است. پس طبق وعده تخلف ناپذیر الهی، احدی یارای مقابله با او را نخواهد داشت و هیچ قدرتی توان غلبه بر او را نخواهد یافت.

ص: ۲۶

در عصر ظهور، زمینه شرک و بت پرستی برداشته می شود و پایه های آن متزلزل شده، فرو می ریزد. بانگ «لااله الاالله و محمد رسول الله» در همه جای کره خاکی، طنین انداز خواهد شد.

فرج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قطعی و حتمی است؛ زیرا امام، مستجاب الدعوه است و چون برای فرج دعا می کند، قطعاً خداوند نیز دعایش را مستجاب خواهد کرد. البته این ویژگی امام در همه موارد اخیر الذکر صدق می کند؛ یعنی چون امام دعا می کند، همه آن موارد، حتماً محقق می شود.

حضرت رضا علیه السلام در دعای دیگری که کتاب شریف «مکیال المکارم»، آن را از یونس بن عبد الرحمن، با دو روایت مختلف، نقل کرده است (۱) به آموزش نکاتی چند در باب مهدویت می پردازد. در ادامه به برخی از فرازهای این دعای شریف که حاوی معارف بلندی است، اشاره می کنیم.

«اللهم و انه..... و اصطفيته على عبادك و ائتمنته على غيبك و عصمته من الذنوب و برأته من العيوب».

حضرت مهدی امین خداوند، معصوم از خطا و معصیت و برگزیده خدای متعال است.

با این توضیح، حضرت برای شیعیان روشن می کند که تمام کارها و اقدامات آن حضرت، فرمان الهی بوده و خطا و اشتباهی در کار نیست؛ چرا که در آخرالزمان، برخی ناآگاهان، قلع و قمع کافران و معاندان را از سوی بقیه الله الاعظم، حمل بر قساوت قلب امام می کنند. ولی با این فراز از دعا، این پندار باطل رد می شود.

«و عينك الناظره في بریتك و شاهدا على عبادك»؛ حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، چشم بینای خداوند و

ص: ۲۷

شاهد و ناظر اعمال ما است.

او از اعمال شیعیان، غافل و بی خبر نیست و همین می تواند زمینه ای مساعد برای پیروان آن حضرت باشد تا به خودسازی بپردازند.

«و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته بحفظک»؛ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در پناه حضرت حق است.

کسی که در پناه خدا باشد، آسیبی نخواهد دید؛ خصوصاً که حفظ ارکان دین با حفظ و سلامت او گره خورده باشد. پس منتظران ظهورش، از این بابت نگرانی نداشته باشند و ظهور حضرتش را قطعی بدانند و به انجام وظایف خود مشغول باشند.

«و ایده وانصره بنصرک العزیز»؛ یاری و نصرت خداوند شامل حال اوست.

پروردگار عالم با لشکری قوی از ملائکه و افکندن رعب و وحشت در دل دشمنانش، او را تأیید می فرماید.

«و امت به الجور و اظهر به العدل»؛ مرگ نظام جور و گسترش عدالت به دست توانای او در زمین محقق خواهد شد.

این مهم از کس دیگری ساخته نیست. پس اگر خواهان برقراری عدالت و ریشه کنی ظلم هستیم، باید برای تعجیل در فرج او دست به کار شویم.

«و ورثه فی مشارق الارض و مغاربها اللاتی بارکت فیها و احی به سنه نبیک صلواتک علیه و آله».

اوست که بر کل زمین سلطنت خواهد کرد و احکام دین و سنت پیامبر اسلام را به اجرا در خواهد آورد.

این فراز، به همگان پیام می دهد که در ایام ظهور، دیگر از ظالمان و فاسقان و حکام جور خبری نخواهد بود؛ پس به آینده ای روشن و باشکوه امیدوار باشید.

در بخش هایی از این بیان شریف به مراتب ظهور و بروز ولایت امام و قلع و قمع آثار ظلم و ستم نیز اشاره شده است: «و اقتل به جابره

الكفر و عمدہ و دعائمه» یا «واقصم به رؤس الضلاله» و «واذلل به الجبارين...».

آن حضرت، ابتدا ستون های کفر و سردمداران آن را، نابود خواهد کرد و در مرحله دوم، نوبت فراعنه تاریخ است که منحصر به فراعنه آن زمان نخواهد شد. چون در ماجرای رجعت، سردمداران کفر زنده می شوند و حضرت آنها را گردن می زنند. البته این اقدام، یک کار صوری نیست، بلکه یک تصرف حقیقی است؛ یعنی حضرت با این کار، شعاع وجودی آنها را از بین می برد. این قتل به معنی اینکه آنها را زنده می کنند و گردن می زنند نیست؛ بلکه حضرت آنها را می میراند. چون آنها هنوز زنده اند. چه کسی می تواند بگوید سقیفه مرده است؟! جریانی که طرفداران بسیاری در عالم دارد، هرگز نمرده است.

پس از ستون ها و دعائم، نوبت به کفر و الحاد می رسد: «و ابر به الکافرین و جمیع الملحدين». و سپس «واملاً به الارض عدلاً». اگر آن ظلمت ها از بین رفت، عالم مالا مال از عدل می شود. (۱)

از آثار این قیام و حرکت انقلابی، عزت مؤمنین است: «واعز به المؤمنین». در پرتو ذلت کافرین و ملحدين و فاسقین، مؤمنین عزیز خواهند شد، اقتدار پیدا خواهند کرد و زمین، یک پارچه در اختیار اهل حق و عدالت قرار خواهد گرفت.

این دعا، علاوه بر اینکه معرفت و شناخت ما را نسبت به ساحت اقدس امامت با مصادیق عامش و بالاخص، امامت حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف بالا می برد، راه عشق ورزی به آن حضرت را هم آموزش می دهد. شخصیتی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته است، حجت را بر ما _ که در عصر آن یگانه منجی هستیم _ تمام کرده است.

ص: ۲۹

۱- جزوه مباحثی پیرامون امام شناسی، محمد مهدی میر باقری، صص ۹۸-۹۹.

در این مقاله دریافتیم که حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در دوران هارون الرشید، دو اقدام مهم در راستای تثبیت امر امامت و مهدویت انجام دادند؛ یکی تبیین اصل و جایگاه امامت و دوم بازسازی و پویایی نهاد وکالت. در دوران امین، علاوه بر این دو برنامه، دو برنامه جدید، در دستور کار حضرت قرار گرفت. یکی، جذب قلوب علویان برای ایجاد وحدت در میان شیعیان و دیگری، رو کردن دست مدعیان دروغین مهدویت با روشنگری.

در دوران ولایت عهدی در عصر مأمون، امام، اضافه بر راهبردهای پیش گفته، با معرفی حضرت مهدی، فلسفه غیبت، اوضاع و شرایط آخرالزمان، تبیین وظایف منتظران و بیان معارف مهدوی در قالب دعا و نیایش، از مرزهای عقیدتی مهدویت، به خوبی پاسداری و حراست نمودند.

۱. قرآن کریم.
۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، انتشارات شفق، قم، چ ۱۳، ۱۳۷۲ش.
۳. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، انتشارات امیر کبیر، چ ۳، ۱۳۸۵ش.
۴. حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات آل علی، قم، چ ۵، ۱۳۸۵ش.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، قم، چ ۳، ۱۳۸۷ش.
۶. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، شرح هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیة، چ ۲، قم، بی تا.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، آل البيت لاحیاء التراث، قم، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۸. طوسی، محمد بن حسن، خورشید در نهان (ترجمه الغیبه)، ترجمه عباس جلالی، موسسه تعاون امام خمینی، تهران، چ ۱، ۱۳۸۴ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، انتشارات ولی عصر، تهران، چ ۱، ۱۳۷۵ش.
۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ناشر اسلامیة، قم، بی تا.
۱۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم در فوائد دعا برای حجت قائم، ترجمه مهدی حائری قزوینی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چ ۸، ۱۳۸۸ش.
۱۲. میرباقری، محمد مهدی، جزوه مباحثی پیرامون امام شناسی، انتشارات فجر ولایت، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صادق، تهران، چ ۲، ۱۳۷۶ش.
۱۴. هیئت علمی، معجم احادیث الامام المهدی، موسسه معارف اسلامی، جمکران، قم، چ ۲، ۱۴۲۸ق.
۱۵. یزدی، علی، الزام الناصب، بی نا، بی جا، ۱۳۵۱ش.

در کتب معتبر حدیثی، متنی از امام رضا علیه السلام با موضوع تشریح اصول و مبانی دین اسلام نقل شده است که هم چون رساله ای جامع و کامل در باب احکام دین خدا، فرائض، سنن و اعتقادات مذهب تشیع می باشد. اگرچه امام، این رساله را در پاسخ به درخواست مأمون عباسی نگارش کرده اند آنچه امروزه برای شیعیان و محبین ائمه اطهار علیهم السلام ارزشمند و قابل توجه می باشد، نگاشته مکتوبی است که از آن حضرت بر جای مانده و بیان کننده بسیاری از عقاید و احکام دین مبین اسلام است.

نمودارهای سنجش فراوانی کلمات و موضوعات استخراج شده از جدول تحلیل محتوای این رساله نشان می دهند که مهم ترین و پر کاربردترین موضوع مطرح شده در این رساله، تأکید بر امامت و ولایت و بیان فضایل و جایگاه اهل بیت علیهم السلام می باشد.

آنچه حضرت در این رابطه بیان کرده اند، می توان به چند دسته تقسیم نمود

که عبارتند از: تبیین جایگاه و معرفی دقیق امامت، تأکید بر نقش امامت و ولایت، بیان ویژگی های اخلاقی امام، تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام، وجوب حب ائمه اطهار علیهم السلام و براءت از دشمنان ایشان، که مؤلف در این مقاله به احصاء و تبیین آنها پرداخته و جایگاه امامت را در اندیشه و کلام آن حضرت علیه السلام مورد واکاوی قرار داده است.

در حقیقت هدف این مقاله آن است که با بررسی و تجزیه و تحلیل این رساله به روش تحلیل محتوای کلام (Content Analysis)، جایگاه امامت، این مهم ترین و بنیادی ترین رکن دین اسلام را در کلام و اندیشه حضرت رضا علیه السلام کشف و تبیین نماید.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، امامت، حدیث، تحلیل محتوا

Imam Reza (a.s), Pontificate, Traditionary, Content Analysis

مقدمه

مسأله امامت، ولایت و رهبری جامعه اسلامی از جمله مسائل مهم و اساسی دین مبین اسلام است؛ به گونه ای که در روایات متعدد به عنوان یکی از امور زیر بنایی و اساسی دین اسلام، معرفی شده است. در کتاب «وسائل الشیعه»، ۳۹ حدیث (۱) و در کتاب «مستدرک الوسائل»، ۱۷ حدیث (۲) با این مضمون نقل شده است که بنا و اساس اسلام بر چند موضوع استوار است که مهم ترین آنها، امامت و ولایت می باشد.

از جمله، حدیثی از امام باقر علیه السلام در این رابطه نقل شده که در آن، به علت اهمیت ولایت نیز اشاره شده است. حضرت می فرمایند:

ص: ۳۴

۱- رک: وسائل الشیعه، ج ۱، ۱۳-۲۹.

۲- رک: مستدرک الوسائل، ج ۱، ج ۱، ۶۹-۷۵.

«يُنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ؛ (۱)

بنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است. زراره از مهم ترین این امور سؤال می کند و امام در پاسخ می فرماید: ولایت؛ زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی، نقش رهبری و هدایت مردم را به باقی این موارد دارد.

البته شکی نیست که مراد از ولایت اطاعت از امام معصوم است؛ چنانکه در بعضی روایات به جای کلمه ولایت، اطاعت از امام آمده است. دلیل دیگری که می توان برای اهمیت امامت بیان کرد، حدیث معروفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که می فرماید:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ (۲)

هر که بمیرد و نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیت مرده است.

در این میان، اگرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران حوزه مطالعات علوم اسلامی کوشیده اند به بازشناسی مفهوم امامت در مذهب شیعه و بررسی نگاه شخص ائمه اطهار علیهم السلام در این رابطه بپردازند، لیکن آنچه تاکنون مطرح شده، بیشتر شرح و تفسیر احادیث منقول از آنان، با غلبه نگاه شرح حالی و سیره نگاری بوده است.

به نظر می رسد لازم است جهت تبیین دیدگاه ها و مبانی نظری و اعتقادی هر شخصیتی، به بررسی و تحلیل محتوای کلام او پرداخت؛ چرا که به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار همدیگر و تحلیل محتوای

ص: ۳۵

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ۱۳.

۲- بحار الانوار، ج ۳۲، ۳۳۱.

آنهاست که می توان به درکی نسبتاً جامع از دیدگاه های آن فرد در رابطه با موضوع مورد مطالعه و اعماق اندیشه های او دست یافت. چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بر این مسأله تأکید کرده، می فرمایند:

«تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛ (۱)»

سخن بگوئید تا شناخته شوید، چرا که انسان در زیر زبان خود پنهان است.»

محور مطالعه این مقاله، رساله ای از آن امام همام است که در ادامه به علت نگارش و اعتبارسنجی اسناد موجود آن اشاره شده است. توضیحاتی مختصر پیرامون شخصیت امام رضا علیه السلام و روش تحقیق اتخاذ شده در این تحقیق نیز از دیگر بخش های مقاله است که پرداختن به آنها ضروری می نمود.

در حقیقت رویکرد این مقاله آن است که با نگاهی کلی به منطق حاکم بر مجموعه باقیمانده از کلمات امام رضا علیه السلام و بررسی آنها، با استفاده از روش تحلیل محتوای کلام (Content Analysis)، به بازسازی یک سامانه کامل و تصویرپردازی از نگاه آن حضرت در رابطه با امامت و جایگاه آن در دین مبین اسلام پردازد.

مفهوم امام

«امام» در لغت به معنای پیشوا و جمع آن «ائمّه» است. در حقیقت، به آنچه از او پیروی می شود، امام می گویند؛ خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل. (۲)

این عبارت در اصطلاح نیز به معنای مقامی است که دارنده آن، ریاست امور دینی و سیاسی مسلمانان را برعهده دارد. «امامت»، بی تردید، محوری ترین جایگاه و نقش را در منظومه اندیشه کلامی شیعه امامیه داراست. اعتقاد به «نص» و

ص: ۳۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۹۲.

۲- المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه امام.

«عصمت» از یک سو، و نقشی که امامیه برای جایگاه معنوی امام، یعنی مرجعیت انحصاری دینی قائل بوده و هستند، نشانگر اهمیت این جایگاه است. از دیگر سو، دست کم در میان برخی گرایش ها و محافل امامی، مقام امامت، بستری را برای بحث از ویژگی های خاص امام، تحت عنوان طبیعت مقام امامت و حدود علم و قدرت امام فراهم کرده است.^(۱)

در این میان، ارائه نظامی از جهان شناسی، انسان شناسی، فرجام شناسی و تاریخ، با تکیه بر جایگاه و نقش تکوینی امام، از سوی برخی محافل علمی و دینی امامیان، اهمیت بحث امامت را بیشتر آشکار می کند. مباحث کلامی و اعتقادی در رابطه با مفهوم «امامت» و «ولایت» و شکل گیری سنت های دینی و فکری و کلامی امامیه و یک نظام کلامی نوین در قالب مذهب اثنا عشری، در سال های پس از ۲۶۰ هجری قمری و پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام _ یعنی دوره ای که به دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ق) و پس از آن شناخته می شود _ و با کوشش متکلمان بزرگی چون ابن قبه رازی، متکلمان خاندان نوبختی و همچنین متکلمان نامداری چون شیخ مفید و شاگردش سید مرتضی و سرانجام شیخ طوسی صورت گرفته است.^(۲)

به نظر می رسد که اختلافات دینی و کلامی بر سر تعیین جانشین امامان علیهم السلام و یا اختلافات دیگر در باب طبیعت مقام امامت _ که تاریخ پرفراز و نشیب امامیه، پس از عصر امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شاهد آن بود _ بسی گسترده تر از آن بوده است که امامیه را عنوان کلی برای جریان اصلی شیعه و با اعتقادات مرزبندی شده مشخص تصور کنیم که احیاناً دچار شکاف هایی به صورت پیدایش فرق مختلف در درون خود می شده است؛ اما به هر حال، شیخ مفید براساس چنین دریافتی از

ص: ۳۷

۱- دایره المعارف بزرگ اسلامی، مقاله ۳۹۱۰.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۷۰، ۱۷۲ و ۱۷۸.

تاریخ تحولات مذهب امامی در کتاب «العیون و المحاسن» حتی فرقی مانند کیسانیه را داخل در مذهب امامی معرفی کرده، و امامیه را عنوان جامعی برای گروه هایی دانسته است که به طور کلی به وجوب امامت و عصمت و وجوب نص معتقدند.^(۱)

با این وصف، طبیعی است که پس از استقرار مذهب دوازده امامی، میراث مشترک فرق مختلف امامی در طول سده های دوم و سوم هجری قمری مورد عنایت قرار گیرد. در سده چهارم هجری قمری (سده ۱۰ میلادی)، با وجود اختلاف ها و شکاف های نه چندان وسیع در میان گرایش های مختلف امامیان، اشتراک نظر در اصول و مبانی تفکر دینی امامی مشاهده می شود؛ از جمله این مسائل، اتفاق همگی دوازده امامیان بر وجود «نص الهی» بر امامت و عصمت امام و مرجعیت او در مسائل دینی است. به هر حال، بنابر اعتقاد امامیه، امام منصوص و معصوم که وجود او در هر عصری ضروری است، فردی تلقی می شود که به عنوان عالم ترین فرد از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تفسیر شریعت، تعلیم حلال و حرام، تشخیص حق از باطل، حفظ شریعت از تحریفات و بدعت ها و تضمین اصالت آن برعهده او است.^(۲)

این عقیده به عنوان سنت فکری و دینی محافل عمده امامیه در سده های دوم و سوم قمری، در منظومه کلامی امامیه در دوره پس از حضور امامان علیهم السلام مورد عنایت قرار گرفت و از این رو، نقش امام در مرجعیت دینی جامعه مؤمنان در مقایسه با نقش سیاسی امام، از اهمیت بیشتری برخوردار گردید.^(۳)

با توجه به آنچه یاد شد، مقام مذهبی و علمی امام علیه السلام بیشتر مورد کاوش و

ص: ۳۸

۱- ارشاد، ص ۱۲۸؛ الفصول المختاره، ص ۲۹۶.

۲- رک: الانتصار، ص ۲۰۵، ۲۳۰ و ۲۳۴.

۳- رک: بصائر الدرجات، ص ۳۳۱ - ۳۳۲.

نظریه پردازی متکلمان امامی واقع گشت. نظریه عصمت امام، در همین راستا، مورد توجه متکلمانی چون هشام بن حکم قرار گرفت و بحث های بسیاری را بر اساس تعلیمات امامان علیهم السلام و به ویژه امام صادق علیه السلام در پی داشت. (۱)

به هر حال، نباید فراموش کرد که جریان اصلی امامیه بیشتر توسط متکلمان دوره حضور ائمه علیهم السلام رهبری می شد و ایشان سعی داشتند تا از عقاید غلات و دیگر فرقه های شیعه، غیر از فرقه اثناعشری، دوری کنند و سخت با آن مخالف بودند. آنان با رد انتساب علم غیب به امامان علیهم السلام و یا قدرت فوق بشری و یا انتساب خلق و رزق به ائمه علیهم السلام و تکذیب این باورها، بر عنایت خاص الهی به امامان علیهم السلام و برکات وجودی آنان، تأکید می کردند. (۲)

پس از رحلت امام یازدهم علیه السلام و با بروز اختلافات در جامعه امامیه عراق _ که بیش از مناطق دیگر، شاهد اختلافات درون گروهی امامیه بود _ اکثریت شیعیان، با رهبری مرکزیت آنان در بغداد و نیز متکلمان بزرگ شیعه آن عصر، یعنی خاندان نوبختی و دیگران، به امامت فرزند امام یازدهم علیه السلام به عنوان امام دوازدهم معتقد شدند و با وجود اعتقادی ریشه دار در میان امامیه _ که از تداوم امامت در نسل امامان علیهم السلام خبر می داد _ به غیبت ولی عصر علیه السلام ایمان آوردند. (۳)

نوع اعتقاد حاکم بر جامعه دوازده امامیان عصر شروع غیبت صغری نشان می دهد که آنان به هیچ روی غیبت امام دوازدهم علیه السلام را از خاستگاه عقیده غالیه «وقف» مطرح نکردند؛ بلکه آن را به عنوان یک امر واقع پذیرفتند. (۴)

امامیه همواره از این نظریه دفاع می کرده است که می بایست در میان جامعه

ص: ۳۹

۱- رک: کمال الدین، صص ۱۳۳ _ ۱۳۶.

۲- رک: غیبت طوسی، ص ۱۷۸.

۳- رک: فرق الشیعه، صص ۷۹ _ ۹۴؛ فصول المختاره، صص ۳۱۸ _ ۳۲۱.

۴- رک: کمال الدین، ص ۳۲۳.

انسانی، «امام» _ که حافظ دین خداوند و «حجت» خدا در زمین است _ پیوسته وجود داشته باشد و در هیچ حال، زمین از حجت، خالی نخواهد بود. در حقیقت، امامیه با وجود اینکه به ختم نبوت پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معتقدند، بر این باورند که حفظ و استمرار شریعت و دین خداوند جز از طریق وجود مستمر «حجت» امکان پذیر نیست. در تداوم این سنت، ابن قبه از ضرورت وجود حجت در زمین تا برپایی قیامت و ضرورت وجود نص الهی بر امام تأکید می کند و معتقد است که امام باید مصون از اشتباه باشد، عالم و عادل باشد، به مردمان، آنچه را نمی دانند، بیاموزد، به حق، حکم کند و گفتارش عاری از خطا و اختلاف و پریشانی باشد. او همچنین از ضرورت عقلی نص الهی به امام از سوی خداوند و نفی «اختیار» بحث کرده است. وی بر «نیاز به وجود نص» از این طریق استدلال می کند که تعیین امام معصوم، برای انسان ها ممکن نیست؛ زیرا ظاهر آدمیان نمی تواند روشن کننده عصمت آنان باشد و تنها خداوند بر عصمت بندگانش آگاه است. (۱)

شخصیت امام رضا علیه السلام

ابوالحسن علی بن موسی علیه السلام ملقب به «رضا»، امام هشتم از ائمه اثنی عشر علیهم السلام امامیه و دهمین معصوم از چهارده معصوم علیهم السلام است. سال تولد آن حضرت را ۱۴۸ و ۱۵۳ هجری قمری و ماه تولد ایشان را ذی الحجه، و ذی القعدة و ربیع الاول گفته اند و مشهور آن است که روز تولد آن حضرت یازدهم ذی القعدة بوده است.

کنیه آن حضرت «ابو الحسن» می باشد و چون امام موسی کاظم علیه السلام نیز مُکنی به «ابو الحسن» بوده اند، حضرت رضا علیه السلام را «ابو الحسن ثانی» گفته اند. مشهورترین لقب ایشان «رضا» بوده است و بنا بر روایتی، علت این لقب نیز آن است که:

ص: ۴۰

«رَضِيَ بِهِ الْمُخَالِفُونَ مِنْ أَعْدَائِهِ كَمَا رَضِيَ بِهِ الْمُوَافِقُونَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَلِذَلِكَ سُمِّيَ مِنْ بَيْنِهِمْ بِالرِّضَا...» (۱)

یعنی هم دشمنان مخالف و هم دوستان موافق به [ولایت عهدی] او رضایت دادند و چنین چیزی برای هیچ یک از پدران او اتفاق نیفتاده بود؛ از این رو، در میان آنان، تنها او «رضا» نامیده شد. (۲)

البته روایات دیگری نیز در کتب متعدد نقل است که مأمون آن حضرت را «الرضی من آل محمد» نامیده است. (۳)

در کتاب «عیون اخبار الرضا» روایتی به نقل از عبدالعظیم حسنی آمده است که نشان می دهد این نام گذاری توسط پدر بزرگوار ایشان، یعنی امام موسی کاظم علیه السلام صورت گرفته است:

«كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُسَمَّى وَلَدَهُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ الرِّضَا وَ كَانَ يَقُولُ ادْعُوا لِي وَلَدِي الرِّضَا...» (۴)

در کتاب «علل الشرایع» شیخ صدوق نیز آمده است که «احمد بن ابی نصر بزندی» از امام جواد علیه السلام سؤال کرد: «عده ای گمان می کنند که مأمون به دلیل رضایت پدر بزرگوارتان بر ولایت عهدی، ایشان را ملقب به رضا کردند». امام جواد علیه السلام در پاسخ فرمودند:

«كذبوا و الله و فجروا، بل الله تعالى سماه الرضا لأنه كان عليه السلام رضى الله تعالى ذكره فى سمائه و رضى لرسوله و الأئمة بعده فى أرضه... و لأنه رضى به المخالفون من أعدائه كما رضى الموافقون من أوليائه و لم يكن ذلك لأحد من

ص: ۴۱

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳.

۳- تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ۲۵۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴۷.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴ و ص ۲۳۷.

مادر آن حضرت «ام ولد» بود، یعنی از جمله کنیزانی که از مولای خود فرزند آورده بودند. در رابطه با نام و زادگاه مادر آن حضرت نیز اختلاف نظر است و احتمال بیشتر آن است که از مردم شمال آفریقا یا مغرب مراکش بوده است. صاحب «کشف الغمه» نام اصلی مادر آن حضرت را «الْخَيْرَانُ الْمَرْسِيَّة»، «شَقْرَاءُ التُّوَيْبِيَّة»، «سُكَيْنَةُ التُّوَيْبِيَّة» و «أُمُّ الْبَيْنِ» دانسته است. (۲)

برخی دیگر از روایات، بیان کننده این است که نام ایشان، «نجمه» یا «أَرْوَى» یا «سَيِّكُن» یا «سَيِّمَان» و یا «تُكْتَم» بوده و پس از تولد حضرت رضا علیه السلام توسط امام کاظم علیه السلام به «طاهره» تغییر یافته است. (۳)

شخصیت ملکوتی و مقام شامخ علمی و زهد و اخلاق حضرت رضا علیه السلام و اعتقاد شیعیان به ایشان سبب شده بود که نه تنها در مدینه، بلکه در سراسر دنیای اسلام، به عنوان بزرگ ترین و محبوب ترین فرد خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد قبول عامه باشد و مسلمانان، او را بزرگترین پیشوای دین بشناسند و نامش را با صلوات و تقدیس ببرند. آن حضرت در حالی که بیست سال بیشتر نداشت، در مسجد النبی بر منبر می نشست و برای مردم فتوی می داد.

در رابطه با خصوصیات و ویژگی های اخلاقی آن حضرت، این گونه نقل شده است: علمش بی کران و رفتارش پیامبر گونه بود و حلم و رأفت و احسانش شامل خاص و عام می گردید. کسی را با عمل و سخن خود نمی آزرده. سخن کسی را قطع نمی کرد. هیچ حاجتمندی را مأیوس باز نمی گرداند. در حضور مهمان، به

ص: ۴۲

۱- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۳.

۲- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۱.

۳- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۱.

پشتی تکیه نمی داد و پای خود را دراز نمی کرد. هرگز به غلامان و خدمه دشنام نمی داد؛ بلکه با آنان می نشست و غذا می خورد. شب ها کم می خوابید و بسیار قرآن می خواند. شب های تاریک در مدینه می گشت و مستمندان را کمک می کرد. در تابستان، روی حصیر و در زمستان، روی پلاس زندگی می کرد. نظافت را در هر حال رعایت می فرمود و عطر و بخور بسیار به کار می برد. عادتاً جامه ارزان و خشن می پوشید، ولی در مجالس و برای ملاقات ها و پذیرایی ها لباس فاخر در بر می کرد. غذا را اندک می خورد و سفره اش رنگین نبود. در هر فرصت مناسب تلاش می کرد تا مردم مسلمان را به وظایف خود آگاه سازد. (۱)

اعتبار سنجی رساله «محض الاسلام»

در کتاب های حدیثی، همچون «تحف العقول» از ابن شعبه حرانی (م ۴ هجری قمری)، «عیون اخبار الرضا» از شیخ صدوق (م ۳۰۵ هجری قمری / د ۳۸۱ هجری قمری) و «بحار الانوار» از علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۰۳۷ هجری قمری / د ۱۱۱۰ هجری قمری) متنی جامع و کامل از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام با موضوع تشریح شرایع و اصول دین اسلام بر مبنای تشریح عقاید حقه شیعه نقل شده، که در حقیقت، پاسخی بوده است به درخواست مأمون عباسی جهت نگارش رساله ای در باب احکام دین خدا و فرائض و سنن.

روایت است که مأمون، فضل بن سهل را خدمت امام رضا علیه السلام فرستاد تا از ایشان تقاضا کند رساله ای بنویسد که مورد استفاده آیندگان قرار بگیرد و حضرت نیز در پاسخ به این درخواست، بلافاصله تقاضای قلم و کاغذ کردند و به فضل دستور

ص: ۴۳

دادند که خود، وظیفه نگارش این رساله را بر عهده گیرد. (۱)

از آنجا که این رساله، با عبارت «أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...» شروع می شود، به رساله «محض الاسلام» معروف شده است. با صرف نظر از اهداف سیاسی مأمون از چنین درخواستی، آنچه امروزه در کتب تاریخی نقل است و برای شیعیان و محبین آن امام همام، ارزشمند و قابل توجه می باشد، پاسخی است که حضرت به سرعت نسبت به این درخواست داده اند. از جمله ویژگی های این رساله، مکتوب بودن آن است که موجب شده در کتب تاریخی با کمترین اختلافی در الفاظ نقل شود.

این نکته بر اهل تحقیق و مطالعه پوشیده نیست که در میان احادیث و روایات صادر شده از ائمه اطهار علیهم السلام، آنچه به صورت مکتوب باشد، بسیار کم و نادر است و این دسته از روایات، از ارزش و اعتبار روایی بالایی نزد محدثین برخوردار هستند. این رساله نیز از این امتیاز بزرگ بهره مند بوده و همین امر موجب شده است تا محقق با استفاده از روش تحلیل محتوای کلام، بدان پردازد.

در رابطه با سند این رساله نیز باید گفت که محدثین در کتب حدیثی خود، دو متن کاملاً مشابه را _ صرف نظر از اندکی اختلافات جزئی _ با اسناد مختلف ذکر کرده اند. شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» سه سلسله سند برای این روایت نقل کرده است که سند اول و دوم از طریق «محمد بن عبدوس نیشابوری»، و سند دوم از طریق «زید بن علی بن الحسین علیه السلام نقل شده است. اسناد این روایت بدین شرح می باشد:

سند اول: «حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ بْنِ النَّيْسَابُورِيِّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) بَنِيَسَابُورَ فِي

ص: ۴۴

شَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَخَمْسِينَ وَثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيَّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ. (۱)

سند دوم: «حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو نَصْرِ قُتَيْبُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۲)

البته در این سند، جمله ای دال بر اینکه این رساله را امام رضا علیه السلام برای مأمون نگاشته اند، وجود ندارد. همچنین اختلافاتی در نقل برخی مضامین آن وجود دارد که بسیار جزئی است.

سند سوم نیز که مضامین روایت آن مطابق با سند اول و روایت محمد بن عبدوس می باشد، بدین شرح است:

«و حَدَّثَنَا الْحَاكِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ نَعِيمِ بْنِ شَاذَانَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) عَنْ عَمِّهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ». (۳)

علامه حرانی در کتاب «تحف العقول»، هیچ سندی برای این روایت بیان نکرده است؛ (۴) لیکن تحقیقات متعدد پیرامون نسخه شناسی این کتاب نشان می دهد که به علت نزدیکی زمان مؤلف به زمان ائمه اطهار علیهم السلام و در دست داشتن کتب اصول چهارصدگانه (اربعمأه) متن کتاب «تحف العقول» از

ص: ۴۵

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳- تحف العقول، ص ۴۱۶.

۴- تحف العقول، ص ۴۱۶.

اعتبار والایی برخوردار است؛ علاوه بر این که متن روایت نقل شده در این کتاب، با متنی که شیخ صدوق به طریق نواده زید بن علی بن الحسین علیه السلام بیان کرده نیز یکسان می باشد.

علامه مجلسی نیز علاوه بر ذکر اسناد فوق به نقل از شیخ صدوق و علامه حرانی، دو سند دیگر هم ذکر کرده است که بدین شرح می باشند: «عن أبي علي محمد بن الحسين بن الفضل عن أحمد بن علي بن حاتم عن أبيه عن علي بن جعفر عن علي بن أحمد بن حماد» و «الفضل بن سنان الهاشمي عن محمد بن يقطين و إبراهيم بن محمد رووا كلهم عن الرضا عليه السلام».

آنچه مشخص است، این است که هم شیخ صدوق و هم علامه مجلسی، روایت محمد بن عبدوس را اصح دانسته اند؛ بلکه علامه مجلسی با صراحت بیان کرده است که ترک روایت دوم به دلیل تکرار مضامین و اصح بودن روایت محمد بن عبدوس بهتر است. بدین جهت ما نیز در این تحقیق، روایت محمد بن عبدوس نیشابوری را ملاک قرار داده، و بر مبنای آن به تحلیل محتوای کلام حضرت رضا علیه السلام می پردازیم. (۱)

تحلیل محتوای روایت

اشاره

پیش از پرداختن به نتایج به دست آمده از تحلیل محتوای رساله امام رضا علیه السلام، لازم است ابتدا به توضیح روش تحقیق پرداخته شود. روش «تحلیل محتوای کلام» (Content Analysis) که روشی علمی برای تفسیر «متن» (Text) می باشد، از جمله روش های تحقیقی است که در حوزه علوم انسانی و به خصوص

ص: ۴۶

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۴؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۳۵۲ و ص ۳۶۱.

در رابطه با زیر رشته های علوم سیاسی و علوم اجتماعی کاربرد دارد و به علت این که نتایج به دست آمده از این طریق اعتبار بالایی هستند، بسیار مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. در ذیل به صورت مختصر، اطلاعاتی در رابطه با این روش بیان می شود.

معرفی روش تحقیق

با رشد جوامع انسانی و توسعه علوم و تکنولوژی، انسان به محدودیت روش های تحقیق اولیه در علوم اجتماعی و علوم انسانی پی برده و با تأمل بسیار، روش های نوینی را ابداع کرده است که در عرصه پژوهش های شناخت روابط انسانی و فرهنگی از پایایی و روایی بیشتری برخوردار باشند.

یکی از مهم ترین روش های شناسایی و جمع آوری داده ها (اطلاعات) _ که با توجه به موضوع، شرایط و هدف تحقیق، کاربرد بیشتری برای محققان داشته است _ روش بررسی اسناد می باشد که در اسناد مکتوب، نظیر انتشارات عمومی، نسخه های محدود، اسناد کمیاب و نقشه ها، و نیز اسناد غیر مکتوب نظیر عکس ها، فیلم ها، آثار هنری به جای مانده از گذشتگان و ... قابل اجراست.

«لورنس باردن» در کتاب خود با عنوان «تحلیل محتوا» آورده است: که «تحلیل محتوا، در حقیقت، فن پژوهش عینی، اصولی و کمی به منظور تفسیر و تحلیل محتوا است و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از قرار دادن اجزای یک متن (کلمات، جملات، پاراگراف ها و امثالهم بر حسب واحدهایی که انتخاب می شوند) در مقولاتی که از پیش تعیین شده اند».^(۱)

در حقیقت، تحلیل محتوا در رابطه با متنی معنی پیدا می کند که برای انتقال پیام و مفاهیمی نوشته شده باشد و دارای ماهیتی مشخص باشد؛ لذا تحلیل محتوا

ص: ۴۷

در مورد کلمات عامیانه ای که دارای مفاهیم ساده بدیهی و مشخصی هستند به کار نمی رود. پیام هایی که توسط متن منتقل می شود، می تواند دارای معانی مختلفی باشد؛ لذا می توان با استفاده از تحلیل محتوا معنای اصلی آن پیام را بازشناخت. روش بازشناسی و تحلیل این پیام ها به صورت نظام مند بوده و از قوانین و دستورات مشخصی تبعیت می کند؛ از این رو، آشنا شدن با روش تحلیل محتوا نیز ضروری می باشد.

تحلیل محتوای متن، تاریخچه ای بسیار قدیمی دارد. گذشتگان، با استفاده از این روش، کتب و متون مذهبی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دادند. در سال ۱۹۵۵م. مجموعه اشعار شاعری ناشناس تحت عنوان «سرودهای صهیون» مورد بررسی قرار گرفت؛ چرا که آن مجموع شعر، از سانسور دولتی مصون بود و منجر به تضعیف روحانیت ارتدوکس کلیسای دولتی می شد. اهمیت این تحلیل بر سر خطرناک بودن یا نبودن مضمون این اشعار بود. (۱)

«لا سول»، عمده ترین کاربرد تحلیل محتوا را، مطالعه ارتباطات به منظور پاسخ دادن به این سؤالات قدیمی تحقیق در ارتباطات می داند که: «چه کسی، چه چیزی را، به چه کسی، چرا، چگونه، و با چه تاثیری، می گوید؟» (۲)

در رابطه با فن انتخاب شده برای تحلیل محتوای رساله امام رضا علیه السلام در مقاله حاضر، باید گفت که پس از مطالعه انواع فنون روش تحلیل محتوا _ که در منابع مختلف، پیرامون آن بحث شده است _ فن تحلیل محتوای مضمونی بر مبنای واحد جملات و به صورت کمی و کیفی و با تأکید بر کلید واژگان اصلی و فرعی انتخاب شده است. مضامین، مفاهیم، نقاط تمرکز و جهت گیری هر کدام از عبارات رساله نیز بر این اساس، استخراج و در جداول تحلیل محتوا تنظیم شده است.

ص: ۴۸

۱- تحلیل محتوا، ص ۹.

۲- روش تحقیق در علوم اسلامی، ص ۲۲۲.

به عبارت دیگر، ابتدا با نگاه به کلید واژگان کلیدی هر عبارت، مفاهیم اولیه تشکیل دهنده مضامین و نقاط تمرکز، استخراج شده، که هم بیانگر کلیت فضای حاکم بر رساله است و هم راهنمای چگونگی انتخاب گزاره ها.

در مرحله دوم، با درج عبارات رساله در جداول تحلیل محتوا به استخراج جهت گیری ها و نقاط تمرکز هر کدام از جملات تقطیع شده پرداخته ایم که از ره آورد آن، بالغ بر ۲۱۱ مضمون استخراج شده است.

فرایند تبدیل جملات به گزاره ها و مضامین و استخراج جهت گیری ها و نقاط تمرکز هر متن و چگونگی یافتن مقولات و نتایج حاصل _ که همان روش تحلیل محتوای این مقاله است _ به شرح ذیل می باشد:

(۱) تجزیه کامل عناصر تشکیل دهنده جملات و تقطیع جملات در جداول. منظور از جمله، عبارتی است خبری، که دارای معنای کامل و تمامی بوده و به صورت مستقل، مفهومی واحد را بیان می کند.

(۲) شمارش کلمات کلیدی عبارات امام و درج در جداول مخصوص.

(۳) یافتن ارتباط میان عناصر جزئی جمله، جهت یافتن موضوع اصلی آن. منظور از عناصر جزئی، همان موضوعات فرعی مطرح شده در عبارت می باشند که هرچند به صورت مستقل یا جمله محسوب نمی شوند، ولی تشکیل دهنده مفهوم جمله هستند.

(۴) تبدیل عناصر مرتبط در یک جمله به گزاره و مضمون، جهت یافتن موضوعات فرعی یا نقاط تمرکز متن.

(۵) طرح سؤالات و نکات قابل توجه متن در یادداشت نظری تحقیق. منظور، تحلیل های توصیفی است که هرچند در قالب جداول تحلیل محتوا نمی گنجد، ولی در هنگام نتیجه گیری استفاده می شوند.

(۶) بررسی مجدد کلیه جملات و مضامین آنها به منظور یافتن جهت گیری و

عنوان کلی برای موضوعات اصلی.

۷) کدگذاری جملات و نقاط تمرکز به دست آمده در جدول تحلیل محتوا.

۸) مقوله بندی مضامین و نقاط تمرکز مشترک، جهت دسته بندی آنها.

۹) تحلیل توصیفی جملات بر اساس نتایج حاصل از تحلیل های کمی در قالب جداول و نمودار.

۱۰) مدل سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق.

این امور ۱۰گانه، در حقیقت روش تحقیق و عملکرد محقق را در این مقاله نشان می دهد که در ابتدای کار و پس از مطالعه روش تحقیق، به صورت اجمالی، مشخص، و در طول تحقیق نیز به صورت تفصیلی، تبیین شده است. منظور از محتوا در این روش علمی، متون سازمان یافته و اندوخته شده مربوط به یک موضوع واحد است که گروهی از حقایق، مفاهیم، تعمیم ها، اصول و نظریه های مشابه را شامل می شود. (۱)

در این تحقیق، «محتوا» (Content) به معنای متنی است منقول از حضرت رضا علیه السلام که در منابع تاریخی موجود است و در حال حاضر، محور مطالعه پژوهشگر می باشد.

«موضوع اصلی»، عنوانی کلیدی و کلی است که بیانگر مقصود عبارت اصلی و تقطیع شده متن می باشد. این موضوع، کلی بوده و چارچوب اصلی متن را تشکیل می دهد و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام می توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

«جهت گیری» (Direction) عنوانی کلی است که هر کدام از موضوعات

ص: ۵۰

۱- طرح مطالعاتی، راهنمای برنامه درسی، ص ۶۷.

مطروحه در متن را شامل می شود. به عبارت دیگر، به جهت سهولت بررسی هر متنی، موضوعات ریز استخراج شده، و در مرحله دوم، در قالب عناوینی کلی درج می شوند که به آن عناوین، جهت گیری می گویند.

«نقاط تمرکز» (Attention) نیز مضمونی فرعی است که توسط تحلیل گر استخراج می شود و لایه های درونی متن را آشکار می سازد. نقاط تمرکز، مشتمل بر مواردی است که اگرچه در قالب موضوع اصلی متن نیز بیان شده اند، اما در برخی موارد، ممکن است در حاشیه قرار گرفته باشند و امکان درج در بخش موضوعات اصلی را نداشته باشند؛ لذا به جهت پرهیز از عدم توجه به آنها در بخش نقاط تمرکز درج می شوند.

در کدگذاری جداول تحلیل محتوای این مقاله، به گونه ای عمل شده است که در هر مرحله از مسیر تحلیل محتوا و بررسی نتایج، با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه و ردیف هر موضوع، می توان به سند و منبع آن جمله دست یافت. حرف A در این کدگذاری بیانگر نقاط تمرکز استخراج شده از رساله و حرف B نیز بیانگر عبارت تقطیع شده از متن می باشد که همراه با عدد و به صورت ترتیبی درج شده اند.

جدول تحلیل محتوای روایت

در این بخش، متن روایت، به صورت تقطیع شده در جدولی با عنوان «جدول تحلیل محتوا» درج شده است که گویای مضامین، نقاط تمرکز و جهت گیری های کلی متن می باشد. لازم به ذکر است که متن روایت امام علیه السلام به ۷۷ جمله، تقطیع، و حدود ۲۱۱ مضمون و پیام از آن برداشت شده است. با توجه به اینکه موضوع مقاله، بررسی جایگاه امامت در اندیشه امام رضا علیه السلام و مطالب مربوط به آن است، اولاً در استخراج مضامین، تأکید بیشتر بر این مبحث بوده و ثانیاً به جهت پرهیز از اطناب و رعایت اختصار، از درج کلیه عبارات، صرف نظر شده و فقط مباحث

مربوط به امامت ذکر شده است؛ چرا که اصل این جدول، به صورت کامل، در حدود ۱۰ صفحه است. این جدول که مبنای مطالعات صورت گرفته در مقاله حاضر است، بدین شرح می باشد:

ص: ۵۲

ردیف

محتوا

موضوع اصلی

جهت گیری

نقطه تمرکز

کد شناسه

۱

أَنَّ مَحْضَ الْإِسْلَامِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

توحید

اصول

توحید خالص الهی

A۱

۲

إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا صِدْقًا قَيُّومًا سَمِيعًا بَصِيرًا قَدِيرًا قَدِيمًا بَاقِيًا عَالِمًا لَا يَجْهَلُ قَادِرًا لَا يَعْجُزُ غَنِيًّا لَا يَحْتَاجُ عَدْلًا لَا يَجُورُ وَأَنَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ لَا شِبْهَ لَهُ وَلَا ضِدَّ لَهُ وَلَا كَفْوَ لَهُ وَأَنَّهُ الْمَقْصُودُ بِالْعِبَادَةِ وَالِدُّعَاءِ وَالرَّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ

توحید

اصول

صفات خداوند متعال

A۲

۳

وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَمِينُهُ وَ صِفَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ وَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ أَفْضَلُ الْعَالَمِينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ وَ لَا تَبْدِيلَ لِمِلَّتِهِ وَ لَا تَغْيِيرَ لِشَرِيْعَتِهِ

نبوت

اصول

صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

A۳

۴

وَ أَنَّ جَمِيعَ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَ التَّصْدِيقُ بِهِ

قرآن

فروع

قرآن، حق مبین است

A۴

تأکید بر تصدیق قرآن

A۵

قرآن از طرف خداوند است

A۶

۷

وَ أَنَّ الدَّلِيلَ بَعْدَهُ وَ الْحُجَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْقَائِمَ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ وَ النَّاطِقَ عَنِ الْقُرْآنِ وَ الْعَالِمَ بِأَحْكَامِهِ أَخُوهُ وَ خَلِيفَتَهُ وَ وَصِيَّيْهِ وَ وَثِيْقَهُ الَّذِي كَانَ مِنْهُ بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ أَفْضَلُ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ

ولایت ائمه اطهار

اصول

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

A۲۴

راهنمای بعد از پیامبر، امام است

A۲۵

امام، حجت بر مؤمنین است

A۲۶

امام، اقامه کننده امور مسلمین است

A۲۷

امام، قرآن ناطق است

A۲۸

امام، عالم به احکام قرآن است

A۲۹

امام، همچون برادر پیامبر می ماند

A۳۰

امام، جانشین پیامبر است

A۳۱

امام، وصی پیامبر است

A۳۲

امیرالمؤمنین به منزله هارون برای پیامبر است

امیرالمؤمنین به منزله هارون برای پیامبر است

A۳۳

حضرت علی، امام متقین است

A۳۴

حضرت علی، قائد الغر المحجلین است

A۳۵

حضرت علی، در میان اوصیای پیامبران برترین است

A۳۶

حضرت علی، وارث علم تمامی پیامبران است

A۳۷

معرفی دقیق ائمه اطهار

A۳۸

امام حسن و امام حسین، سرور جوانان بهشت هستند

A۳۹

امام سجاده، زینت بندگان است

A۴۰

امام باقر، شکافنده علم اولین است

A۴۱

امام صادق، وارث علم تمامی اوصیای الهی است

A۴۲

حضرت مهدی، قیام کننده منتظر است

A۴۳

تأکید بر ولایت ائمه اطهار

A۴۴

شهادت بر امامت و وصایت ائمه اطهار

A۴۵

تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمان و مکانی

A۴۶

ائمه اطهار، ریسمان محکم الهی هستند

A۴۷

ائمه اطهار، هدایت کننده بندگان هستند

A۴۸

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان می باشند

A۴۹

ص: ۵۴

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان می باشند

A۴۹

ائمه اطهار، وارثین حقیقی زمین هستند

A۵۰

ائمه اطهار، قرآن ناطق هستند

A۵۱

ائمه اطهار، بیان کننده سنت رسول الله هستند

A۵۲

تأکید بر ورع

A۵۳

تأکید بر عفت

A۵۴

تأکید بر صدق

A۵۵

تأکید بر صلاح

A۵۶

تأکید بر استقامت

A۵۷

تأکید بر اجتهاد

A۵۸

تأکید بر اداء امانت به همگان

A۵۹

تأکید بر طول سجود

A۶۰

تأکید بر روزه

A۶۱

تأکید بر نماز شب

A۶۲

تأکید بر اجتناب محارم

A۶۳

تأکید بر انتظار فرج با صبر

A۶۴

تأکید بر بهترین تعزیت

A۶۵

تأکید بر بهترین هم صحبتی

A۶۶

تبیین احکام امام جماعت

A۷۷

امام جماعت نباید فاجر باشد

A۷۸

امام جماعت باید اهل ولایت ائمه اطهار باشد

A۷۹

تبیین احکام جهاد و قتال

A۱۰۴

ص: ۵۵

وَ الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ الْإِمَامِ الْعَادِلِ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ

جهاد

فروع

تبیین احکام جهاد و قتال

A104

جهاد با حضور امام عادل واجب است

A105

هر کس برای حفظ اموالش کشته شود، شهید است

A106

وَ حُبُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَاجِبٌ وَ كَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْهُمْ وَ مِنْ أُمَّتِهِمْ

ولایت ائمه اطهار

فروع

تأکید بر وجوب حب و دوستی اولیای الهی

A116

تأکید بر وجوب دشمنی با دشمنان خدا و ائمه اطهار

A117

وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ ع وَ هُمُومَا يَخْرَجُهُمْ وَ سَنُوا ظُلْمَهُمْ وَ غَيَّرُوا سُنَّةَ نَبِيِّهِمْ ص

برائت

فروع

دشمنی با دشمنان پیامبر

A154

دشمنی با ظالمین

A155

دشمنی با بدعت گذاران

A156

وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِيَةِ وَالْمَيَارِقِينَ الَّذِينَ هَتَكُوا حِجَابَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ نَكثُوا بَيْعَةَ إِمَامِهِمْ وَ أَخْرَجُوا الْمَرْأَةَ وَ حَارَبُوا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع وَ قَتَلُوا الشُّعْبَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَاجِبُهُ

برائت

فروع

دشمنی با پیمان شکنان

A157

دشمنی با هتك حرمت کنندگان

A158

دشمنی با مخالفین ائمه اطهار

A159

دشمنی با قاتلین شیعیان

A160

وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ الَّذِينَ حَارَبُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام وَ قَتَلُوا الْأَنْصَارَ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ أَهْلَ الْفَضْلِ وَ الصَّلَاحِ مِنَ السَّابِقِينَ

برائت

فروع

دشمنی با مخالفین ائمه اطهار

A۱۶۵

دشمنی با قاتلین شیعیان

A۱۶۶

وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَهْلِ الْإِسْتِثَارِ وَ مِنْ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ وَ أَهْلِ وَلَمَاتِهِ الَّذِينَ ضَلَّ سَبِيلَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ
يُحْسِبُونَ صِينَةً أَوْلِيَّكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ بَوْلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِقَائِهِ عَ كَفَرُوا بِأَنَّ لَقُوا اللَّهَ بِغَيْرِ إِمَامَتِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا فَهُمْ كَلَابُ أَهْلِ النَّارِ

برائت

فروع

دشمنی با مخالفین ائمه اطهار

A۱۶۷

دشمنی با جاهلین حق ائمه اطهار

A۱۶۸

دشمنی با خوارج

A۱۶۹

وَ الْبِرَاءَةُ مِنَ الْأَنْصَابِ وَ الْأَزْلَامِ أَيْمَةِ الضَّلَالِ وَ قَادَةِ الْجَوْرِ كُلِّهِمْ أَوْلِيَّهُمْ وَ آخِرِهِمْ

برائت

فروع

دشمنی با بت پرستان

A۱۷۰

دشمنی با رهبران ستم پیشه

وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَشْبَاهِ عَاقِرِي النَّاقَةِ أَشْقِيَاءِ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ وَمِمَّنْ يَتَوَلَّاهُمْ

برائت

فروع

دشمنی با ستم پیشه گان

A1٧٢

وَ الْوَلَايَةُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِينَ مَضَوْا عَلَىٰ مِنْهَاجِ نَبِيِّهِمْ صَ وَ لَمْ يُعَيِّرُوا وَ لَمْ يُبَدِّلُوا مِثْلَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ أَبِي ذَرِّ الْغِفَارِيِّ وَ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ وَ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ حُرْدَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ وَ أَبِي الْهَيْثَمِ بْنِ الْيَمَانِ وَ سَهْلَ بْنَ حُنَيْفٍ وَ عِبَادَةَ بْنَ الصَّامِتِ وَ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَ حُرَيْمَةَ بْنَ ثَابِتِ ذِي الشَّهَادَتَيْنِ وَ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ وَ أَمْثَالِهِمْ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ

ولایت ائمه اطهار

فروع

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین

A1٧٣

تأکید بر ولایت مداری اصحاب ائمه اطهار

A1٧٤

وَ الْوَلَايَةُ لِاتِّبَاعِهِمْ وَ أَشْيَاعِهِمْ وَ الْمُهْتَدِينَ بِهَدَاهُمْ السَّالِكِينَ مِنْهَا جُهِمَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَتُهُ

ولایت ائمه اطهار

فروع

تأکید بر ولایت تابعین ائمه اطهار

جدول ۱: تحلیل محتوای رساله «محض الاسلام»

چنان که ذکر شد این جدول بسیار طولانی است و به جهت اختصار، در اینجا تنها مطالبی که مرتبط با موضوع امامت بوده، درج شده است.

تحلیل محتوای کمی روایت

اشاره

منظور از تحلیل های کمی، بررسی فراوانی کلمات، قالب ها، مضامین و موضوعات مطرح شده در متن می باشد که به محقق کمک می کنند که با ساختار عناصر و مؤلفه های به کار رفته در آن، بیشتر آشنا شود. تحلیل های کمی، راه را برای تحلیل های کیفی هموار می کنند و در اصل، نشان می دهند که محقق بر اساس چه مبنایی به تحلیل های کیفی پرداخته است. (۱)

در ذیل، به چند مورد از تحلیل های کمی در رابطه با رساله «محض الاسلام»

ص: ۵۷

۱- مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ص ۲۶.

امام رضا علیه السلام اشاره شده است. لازم به تذکر است که همه اعداد استخراج شده از جدول، به درصد تبدیل شده و در نمودارها درج گشته اند.

فراوانی کلمات

منظور از فراوانی کلمات، شمارش واژگان کلیدی است که در متن خودنمایی کرده و به عنوان اجزای اصلی متن جلوه گری می کنند. لازم به ذکر است که این کلمات، از پیش تعیین شده نمی باشند و در مطالعات تحلیل محتوا به تدریج خود را برای محقق نمایان می سازند؛ بدین صورت که در کنار جداول تحلیل محتوا، ستونی اختصاص به واژگان کلیدی پیدا کرده و در حین مطالعه متن، به تدریج تکمیل می شود و در نهایت، مورد بازشماری قرار می گیرد.

در بازشماری این کلمات، واژگان مشابه در یک دسته جای گرفته، و همچون یک مفهوم مشترک در قالب نمودار به نمایش گذاشته می شوند. نمودار میله ای فراوانی بیشترین کلمات استفاده شده در رساله مورد بحث بدین شرح است:

نمودار ۱: فراوانی کلمات رساله «محض الاسلام»

پس از لفظ جلاله «الله» _ که طبیعتاً می بایست در این رساله بالاترین فراوانی را داشته باشد _ کلمات امامت و ولایت، نماز، نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن مجید دارای بالاترین فراوانی می باشند که نشان از اهمیت و جایگاه والای این مفاهیم در اندیشه و کلام حضرت دارد.

در رابطه با شمارش فراوانی کلمات، ذکر این نکته لازم است که اسامی مبارک

ائمه اطهار عليهم السلام در بخش امامت و ولایت محاسبه شده است؛ چرا که همگی آنها در یک حوزه معنایی هستند. برای مثال، بیان نام امیرالمؤمنین علیه السلام یا تأکید بر امامت بر حق ایشان، بیان های مختلفی در تأکید بر اصل امامت و ولایت ائمه اطهار عليهم السلام هستند.

فراوانی موضوعات

منظور از فراوانی موضوعات، عناوینی کلیدی و کلی می باشند که عبارات و مضامین مختلف متن بیان مشروح آنها هستند. این موضوعات، کلی بوده، و چارچوب اصلی متن را تشکیل می دهند و با نگاهی اجمالی به فهرست آنها و بررسی میزان فراوانی هر کدام، می توان به سهولت تشخیص داد که متن مورد مطالعه در چه حوزه ای بوده و در رابطه با چه مواردی سخن گفته است.

از دیگر کاربردهای سنجش فراوانی موضوعات، آشنایی با اندیشه ها و افکار مؤلف متن است. در موارد متعددی ممکن است یک متن با عنوانی خاص مشهور شود، لکن پس از بررسی فراوانی موضوعات آن متن مشخص شود که شایسته است متن مورد مطالعه، دارای عنوانی دیگر باشد؛ چرا که فراوانی عنوان جدید، بیشتر بوده و بیانگر دغدغه مؤلف در رابطه با آن موضوع می باشد.

در ذیل، نمودار موضوعات مطرح شده در رساله امام رضا علیه السلام درج شده است:

همانطور که مشاهده می شود، موضوعات نماز، ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و براءت از دشمنان ایشان، از جمله مواردی است که به دفعات در رساله امام رضا علیه السلام بیان شده اند. سنجش فراوانی این موضوعات، بیانگر این مطلب است که موارد فوق در ذهن و اندیشه آن حضرت از اهمیت و جایگاهی والا- برخوردار بوده و در حقیقت دغدغه های اصلی ایشان برای نگارش آن متن را تشکیل می دهند.

فراوانی جهت گیری ها

منظور از جهت گیری ها، عناوینی کلی است که هر کدام از موضوعات اصلی مطروحه در متن را شامل می شوند. به عبارت دیگر به جهت سهولت بررسی هر متنی، موضوعات اصلی آن استخراج شده، و در قالب عناوینی کلی تر درج می شوند که به آن عناوین، «جهت گیری» می گویند.

چنان که از نمودارهای فراوانی کلمات و موضوعات رساله مشخص شد، اهم موارد تشکیل دهنده آن، مباحثی از اصول دین و سپس فروع دین می باشد؛ اما این بدان معنا نیست که حجم مطالب پرداخته شده به این موضوعات نیز با یکدیگر یکسان هستند. نمودار فراوانی جهت گیری ها که در ذیل بیان شده، نشان دهنده این نکته بسیار مهم است که اگرچه اصول دین از اولویت و اهمیت والایی

برخوردار می باشند، اما پرداختن به فروع دین و احکام واجبات و محرمات _ که از امور روزمره زندگی مردم است _ نیز در نظر امام مهم بوده است و لذا ایشان، حجم انبوهی از مطالب خود را بدان اختصاص داده اند.

در ذیل، موضوعات اصلی استخراج شده از رساله امام رضا علیه السلام در قالب سه عنوان کلی دسته بندی شده اند که نمودار کلوچه ای آن به این شرح می باشد:

نمودار ۳: فراوانی جهت گیری های رساله «محض الاسلام»

منظور از اصول دین، مواردی مانند توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد می باشد. منظور از فروع دین نیز احکام و دستورات شرعی است که از کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استخراج شده است و امام رضا علیه السلام در رساله خود بدان اشاره کرده اند.

منظور از اخلاقیات نیز مواردی است که به فضائل و رذائل انسانی در جامعه بشری می پردازد و عوامل سعادت و هدایت یا شقاوت و ضلالت افراد را بیان می کند.

این دسته بندی کلی نشان می دهد که امام رضا علیه السلام در کلام خود، به همه موارد اصلی و فرعی و اخلاقی دین مبین اسلام توجه داشته، و در یک رساله کوتاه، همه آنچه یک فرد در رابطه با دین اسلام باید بداند و بدان عمل کند را بیان کرده اند. موارد فوق نشان می دهد که رساله امام، به عنوان یک کتاب اصول عقاید و احکام

و حتی کتابی اخلاقی قابل بررسی و مطالعه است که در ذیل به صورت جزئی، به استخراج مفاهیم اخلاقی آن خواهیم پرداخت.

تحلیل محتوای کیفی روایت

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده های متن از طریق کد گذاری های طبقه بندی شده به صورت سیستماتیک می باشد که به دنبال مشخص ساختن الگوهایی است که در نهایت، از مفاهیم ساخته می شوند. به عبارت دیگر، تحلیل های کیفی، به مثابه تکنیکی برای بررسی عمق بیشتری از پدیده ها هستند که در نهایت، منجر به نظریه پردازی می شوند. (۱)

در این قسمت، با توجه به موضوع اصلی مقاله، قصد داریم تا به بررسی جایگاه امامت و ولایت در کلام امام رضا علیه السلام پردازیم. چنان که پیش تر در بخش تحلیل محتوای کمی گفته شد، تحلیل های کمی راه را برای تحلیل های کیفی هموار می کنند. موضوع امامت و بیان برخی از ویژگی های ائمه اطهار علیهم السلام، از جمله موضوعات کلیدی است که امام در رساله خود بدان اشاره فرموده اند. آنچه را که امام علیه السلام در رساله «محض الاسلام» در رابطه با موضوع امامت بیان کرده اند، می توان به هفت دسته کلی تقسیم نمود که عبارتند از: تبیین جایگاه امام، معرفی دقیق امامان، تأکید بر نقش امامت و ولایت، بیان ویژگی های اخلاقی امام، تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین، وجوب حب ائمه اطهار و وجوب برائت از دشمنان ایشان.

موارد فوق بر اساس دسته بندی نقاط تمرکز استخراج شده از متن رساله به دست آمده اند که در جدول ذیل به همراه کد شناسه مخصوص، نشان داده شده اند:

ص: ۶۲

ردیف

مفهوم

نقاط تمرکز

کدشناسه

۱

تبیین جایگاه امامت

راهنمای بعد از پیامبر، امام است

A۲۵

امام، حجت بر مومنین است

A۲۶

امام، اقامه کننده امور مسلمین است

A۲۷

امام، قرآن ناطق است

A۲۸

امام، عالم به احکام قرآن است

A۲۹

امام، همچون برادر پیامبر می ماند

A۳۰

امام، جانشین پیامبر است

A۳۱

امام، وصی پیامبر است

A۳۲

ائمه اطهار، ریسمان محکم الهی هستند

A۴۷

ائمه اطهار، هدایت کننده بندگان هستند

A۴۸

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان هستند

A۴۹

ائمه اطهار، وارثین حقیقی زمین می باشند

A۵۰

ائمه اطهار، قرآن ناطق هستند

A۵۱

ائمه اطهار، بیان کننده سنت رسول الله هستند

A۵۲

۲

معرفی ائمه اطهار علیهم السلام

معرفی دقیق ائمه اطهار

A۳۸

امام حسن و امام حسین، سرور جوانان بهشت هستند

A۳۹

امام سجاد، زینت عابدان است

A۴۰

امام باقر، شکافنده علم اولین است

A۴۱

امام صادق، وارث علم تمامی جانشینان الهی است

A۴۲

حضرت مهدی، قیام کننده منتظر است

A۴۳

۳

تأکید بر نقش ولایت و امامت

تأکید بر ولایت ائمه اطهار

A۴۴

شهادت بر امامت و وصایت ائمه اطهار

A۴۵

تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمان و مکانی

A۴۶

امام جماعت باید اهل ولایت ائمه اطهار باشد

A۷۹

ص: ۶۳

ردیف

مفهوم

نقاط تمرکز

کدشناسه

۱

تبیین جایگاه امامت

راهنمای بعد از پیامبر، امام است

A۲۵

امام، حجت بر مومنین است

A۲۶

امام، اقامه کننده امور مسلمین است

A۲۷

امام، قرآن ناطق است

A۲۸

امام، عالم به احکام قرآن است

A۲۹

امام، همچون برادر پیامبر می ماند

A۳۰

امام، جانشین پیامبر است

A۳۱

امام، وصی پیامبر است

A۳۲

ائمه اطهار، ریسمان محکم الهی هستند

A۴۷

ائمه اطهار، هدایت کننده بندگان هستند

A۴۸

ائمه اطهار، حجت خداوند بر همه مردمان هستند

A۴۹

ائمه اطهار، وارثین حقیقی زمین می باشند

A۵۰

ائمه اطهار، قرآن ناطق هستند

A۵۱

ائمه اطهار، بیان کننده سنت رسول الله هستند

A۵۲

۲

معرفی ائمه اطهار علیهم السلام

معرفی دقیق ائمه اطهار

A۳۸

امام حسن و امام حسین، سرور جوانان بهشت هستند

A۳۹

امام سجاد، زینت عابدان است

A۴۰

امام باقر، شکافنده علم اولین است

A۴۱

امام صادق، وارث علم تمامی جانشینان الهی است

A۴۲

حضرت مهدی، قیام کننده منتظر است

A۴۳

۳

تأکید بر نقش ولایت و امامت

تأکید بر ولایت ائمه اطهار

A۴۴

شهادت بر امامت و وصایت ائمه اطهار

A۴۵

تأکید بر خالی نبودن زمین از حجت الهی در هیچ زمان و مکانی

A۴۶

امام جماعت باید اهل ولایت ائمه اطهار باشد

A۷۹

ص: ۶۴

پرداخت زکات بر غیر اهل ولایت ممنوع است

A۸۸

پرداخت زکات فطره بر غیر اهل ولایت ممنوع است

A۸۹

جهاد با حضور امام عادل، واجب است

A۱۰۵

۴

بیان ویژگی های اخلاقی ائمه اطهار علیهم السلام

تأکید بر ورع

A۵۳

تأکید بر عفت

A۵۴

تأکید بر صدق

A۵۵

تأکید بر صلاح

A۵۶

تأکید بر استقامت

A۵۷

تأکید بر اجتهاد

A۵۸

تأکید بر اداء امانت به همگان

A۵۹

تأکید بر طول سجود

A۶۰

تأکید بر روزه

A۶۱

تأکید بر نماز شب

A۶۲

تأکید بر اجتناب محارم

A۶۳

تأکید بر انتظار فرج با صبر

A۶۴

تأکید بر بهترین تعزیت

A۶۵

تأکید بر بهترین هم صحبتی

A۶۶

۵

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

A۲۴

تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام

A۱۷۳

امیرالمؤمنین به منزله هارون برای پیامبر است

A۳۳

حضرت علی، امام متقین است

A۳۴

حضرت علی، قائد الغر المحجلین است

A۳۵

حضرت علی، برترین اوصیای پیامبران است

A۳۶

ص: ۶۵

گونه ای که در رساله مختصر خود بیشترین کلمات و موضوعات را به این واژگان اختصاص داده، و در مواردی به بیان جایگاه، ویژگی های اخلاقی و ضرورت حب آنها و برائت از دشمنان ایشان تأکید کرده اند. این مطلب با توجه به آنچه در رابطه با هدف سیاسی مأمون عباسی از درخواست نگارش این رساله گفته شد، بیانگر این نکته مهم است که امام رضا علیه السلام با توجه به درک و بصیرت والایی که داشته اند، متوجه اهداف سیاسی مأمون از این درخواست شده و تلاش نموده اند تا از این موقعیت، علیه او و تبلیغ افکار و اعتقادات شیعه استفاده نمایند.

در حقیقت باید گفت که یکی از عوامل گسترش وسیع احادیث و روایات ائمه اطهار در قرن دوم هجری، دستگاه حکومت عباسی، به ویژه در زمان خلافت مأمون بوده است؛ چرا که پذیرش ولایت عهدی وی توسط امام رضا علیه السلام این موقعیت را برای علویان ایجاد کرد تا با آزادی بیشتری به تبلیغ عقاید خود پرداخته، و حتی در مواردی از ابزارهای حکومتی برای تبلیغ دین و اعتقادات تشیع استفاده کنند.

ثانیاً؛ امام علیه السلام به منظور تشریح احکام و دستورات شرعی، در رساله خود به بیان برخی از واجبات و محرمات پرداخته اند؛ اما نکته مهم این است که ایشان استخراج این احکام را وظیفه و رسالت ائمه اطهار می دانند که قرآن ناطق و بیان کننده سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند و با علم الهی _ که از انبیای الهی به ارث برده اند _ تلاش می کنند که موجبات هدایت و سعادت افراد و جامعه اسلامی را فراهم آورند.

همچنین ایشان در تشریح احکام و وظایف شرعی نیز بر نقش ائمه اطهار تأکید کرده و در مواردی، اقامه نماز، پرداخت زکات و وجوب جهاد را مشروط به پذیرش ولایت ائمه اطهار یا حضور امام عادل می دانند. به عنوان مثال، در رابطه با اقامه نماز جماعت، شرط اصلی برای امام جماعت را «اهل ولایت» بودن دانسته و

می فرمایند: «وَلَا صَلَاةَ خَلْفَ الْفَاجِرِ وَلَا يُقْتَدَى إِلَّا بِأَهْلِ الْوَلَايَةِ». (۲۰)

در رابطه با زکات نیز، پرداخت آن را فقط به «اهل ولایت» جایز می دانند و می فرمایند: «وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُعْطَى الزَّكَاةَ غَيْرَ أَهْلِ الْوَلَايَةِ الْمَعْرُوفِينَ... وَ زَكَاةَ الْفِطْرِ فَرِيضَةً... وَلَا يَجُوزُ دَفْعُهَا إِلَّا عَلَى أَهْلِ الْوَلَايَةِ». (۲۸)

در رابطه با وجوب جهاد نیز می فرمایند: «وَالْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ الْإِمَامِ الْعَادِلِ» (۳۷)

به وضوح مشخص است که منظور از «اهل ولایت» در کلام امام رضا علیه السلام، شیعیان اثنا عشری و معتقدین به ولایت ائمه اطهار می باشند.

ثالثاً؛ آن حضرت به منظور معرفی الگوهای کامل و شایسته اخلاق اسلامی، به بیان برخی از ویژگی های ائمه اطهار علیهم السلام پرداخته و برخی از صفات اخلاقی ایشان را بیان فرموده اند. (۱۳) این مطلب بدان معناست که در اندیشه امام رضا علیه السلام، ائمه اطهار، هم به عنوان رهبران دینی و سیاسی جامعه اسلامی و هم به عنوان الگوهای کامل و شایسته جهت سیر و سلوک اخلاقی و عرفانی مطرح می باشند؛ از این رو معتقدین به دیگر مذاهب و فرقه ها نیز می توانند در امور اخلاقی و زندگانی خود به ایشان اقتدا کرده، و سیره ایشان را مدنظر قرار دهند.

این مطالب با توجه به فضای حاکم بر عصر امام رضا علیه السلام و دستگاه حکومت عباسیان _ که امام صراحتاً از آن به عصر تقیه تعبیر کرده اند _ قابل تأمل است. امام در بخشی از کلام خود در این رساله می فرمایند: «وَالْتَقِيَهُ فِي دَارِ التَّقِيَةِ وَاجِبُهُ وَلَا حِثَّ عَلَى مَنْ حَلَفَ تَقِيَةً يَدْفَعُ بِهَا ظُلْمًا عَنْ نَفْسِهِ» (۳۹) و «وَإِنَّ الدَّارَ

الْيَوْمَ دَارُ تَقِيَّتِهِ وَ هِيَ دَارُ الْإِسْلَامِ لَا دَارُ كُفْرٍ وَ لَا دَارُ إِيمَانٍ وَ لَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَ لَا لِعَيْرِهِمَا فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (۵۹) و (۶۰).

رابعاً؛ امام رضا عليه السلام در این رساله، حدوداً ۷ بار نام مبارک حضرت علی علیه السلام را با تعبیر «امیرالمؤمنین» ذکر کرده و بر جایگاه برحق ایشان تأکید کرده اند. این مطلب نیز از این نظر مهم است که در آن عصر، به علت انحرافات و تبلیغاتی که دستگاه حکومت امویان از زمان معاویه در راستای دشمنی با ائمه اطهار و به خصوص حضرت علی علیه السلام به راه انداخته بودند و سپس عباسیان داعیه دار آن شدند. عبارت «امیرالمؤمنین» بیشتر به عنوان یک لقب سیاسی و حکومتی برای حاکمان و خلفا مطرح می شد و خلفای اموی و عباسی به صراحت خود را «امیرالمؤمنین» می خواندند.

تأکید چند باره امام رضا علیه السلام در این رساله، جهت تثبیت این عنوان تنها برای حضرت علی علیه السلام، بیانگر مبارزه با این انحرافات و تلاش برای تثبیت عقاید شیعیان در جامعه است و این، درست بر خلاف آن چیزی بود که مأمون عباسی انتظار داشت.

خامساً؛ امام در رساله خود بر مسأله وجوب حب و مؤدّت ائمه اطهار و براءت از دشمنان ایشان، بسیار تأکید کرده و به کرات به این مسأله اشاره کرده اند. این مطلب تا بدان حد است که امام به طور صریح و آشکار، برخی از مخالفین ائمه اطهار و به خصوص مخالفین و دشمنان امیرالمؤمنین را نام برده و بر وجوب براءت از ایشان تأکید کرده اند. ایشان از افرادی مانند معاویه، عمروعاص و ابوموسی اشعری با عناوینی همچون: «سفها»، «ملعونین توسط رسول الله»، «جاهلین مقدس مآب» و «خاسرین» یاد می کنند. بیان این مطالب، اگرچه در فضای حاکم بر جامعه زمان امام رضا علیه السلام بسیار سخت و دشوار بوده، اما بیانگر این مطلب است که

امام در جایگاه ولی عهدی مأمون _ که به اجبار بر ایشان تحمیل شده بود _ تلاش داشتند که از این موقعیت، جهت تبلیغ عقاید شیعه استفاده کرده و ماهیت حقیقی دشمنان اهل بیت و ظلم و ستمی که بر شیعیان روا شده بود را افشا کنند.

جمع بندی

هدف این نوشتار آن بود که به صورت بسیار کوتاه به بررسی اندیشه ها و گفتار حجت هشتم الهی، حضرت رضا علیه السلام در رابطه با امامت و جایگاه آن پرداخته و گزارشی از کلام آن امام همام در این خصوص ارائه دهد. گرچه در این زمینه، گزارش های حدیثی و تاریخی بسیاری موجود است، اما در منابع حدیثی معتبر، متنی دست نوشته و مکتوب از آن حضرت نقل شده است که به دلیل جمله آغازین آن، به رساله «محض الاسلام» مشهور شده است. در این رساله، جملات و تأکیدات مختلف و متعددی در رابطه با اصول و فروع احکام دین اسلام و همچنین مباحث اخلاقی به چشم می خورد که محقق با استفاده از روش تحلیل محتوای کلام تلاش کرده است این موارد را استخراج و تبیین نماید.

تحلیل های کمی نشان می دهد که حدود ۵۱ درصد از مباحث این رساله به فروع دین، ۲۵ درصد به اصول دین و ۲۴ درصد نیز به اخلاقیات، اختصاص یافته است. بیشترین موضوعات مطرح شده در این رساله، نماز، ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، برائت از دشمنان آنان و تأکید بر قرآن کریم می باشد که سنجش فراوانی آنها نشان می دهد این موارد در ذهن و اندیشه آن امام از اهمیت و جایگاهی والا، برخوردار، و در حقیقت دغدغه اصلی ایشان برای نگارش این متن بوده اند.

همچنین بیشترین کلمات کلیدی نیز پس از لفظ جلاله «الله» _ که طبیعتاً می بایست در این رساله بالاترین فراوانی را داشته باشد _ تأکید بر واژه امامت و ولایت، نماز، نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قرآن مجید است. چنان که مشخص است، موضوع

امامت در رساله امام رضا علیه السلام از اهمیت و جایگاهی والا برخوردار است؛ لذا محقق به صورت جزئی به تجزیه و تحلیل مباحث مطروحه در این زمینه پرداخته و نکات قابل تأملی را استخراج کرده است. امام علیه السلام در این رساله به بیان هفت موضوع مهم در رابطه با مفهوم امامت پرداخته اند که عبارت است از: تبیین جایگاه امام، معرفی دقیق امامان، تأکید بر نقش امامت و ولایت، بیان ویژگی های اخلاقی، تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین، وجوب حب ائمه اطهار و وجوب برائت از دشمنان ایشان.

امام علیه السلام در رساله خود به منظور تشریح احکام و دستورات شرعی، بر نقش ائمه اطهار علیهم السلام در این زمینه اشاره کرده و استخراج این احکام را وظیفه و رسالت ایشان دانسته اند؛ چراکه ایشان قرآن ناطق و بیان کننده سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند و با علم الهی که از انبیای الهی به ارث برده اند، تلاش می کنند تا موجبات هدایت و سعادت افراد و جامعه اسلامی را فراهم آورند. همچنین تأکید بر لقب «امیرالمؤمنین» برای حضرت علی علیه السلام و وجوب حب و مؤدت اهل بیت و برائت از دشمنان ایشان از دیگر مواردی است که آن حضرت در رساله خود بدان پرداخته و بر آن تأکید کرده اند.

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، به کوشش حسین اعلمی، بیروت، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱م.
۳. ابن قبه، محمد، النقص علی ابی الحسن علی بن احمد بن بشار فی الغیبه، ضمن «مکتب در فرایند تکامل»، حسین مدرس مطباطبایی، ترجمه هاشم ایزد پناه، نیوجرسی، ۱۳۷۴ش.
۴. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، تعلیق هاشم رسولی، مکتبه بنی هاشم، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۵. باردن، لورنس، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۶. پاکتچی، احمد، دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ش.
۷. چوبینه، مهدی، طرح مطالعاتی راهنمای برنامه درسی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البیت، قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ش.
۹. حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۰. خیاط، عبدالرحیم، الانتصار، به کوشش محمد حجازی، مکتبه الثقافه الدینیه، قاهره، ۱۴۱۱ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، دار العلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۲. سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات سنبله، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، مشهد، ۱۳۸۶ش.
۱۳. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
۱۴. سید مرتضی، علی، الفصول المختاره، قم، ۱۴۱۳ق.

١٥. شيخ طوسي، الغيبة، نجف، ١٣٨٥ق.

١٦. شيخ مفيد، محمد، الارشاد، نجف، ١٣٨٢ق.

ص: ٧١

۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان، قم، ۱۳۶۳ ش.

۱۸. _____، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات جهان، قم، ۱۳۶۳ ش.

۱۹. صفار، محمد، بصائر الدرجات، تبریز، ۱۳۸۱ ق.

۲۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخنامه طبری، تحقیق محمد روشن، سروش، تهران، ۱۳۷۸ ش.

۲۱. کریپندورف، کلوس، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، انتشارات روش، ۱۳۷۸ ش.

۲۲. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات توتیا، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۱ ش.

۲۳. کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۷۷ ق.

۲۴. مجلسی، محمد باقر بن مولی محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۲۵. نعمانی، محمد، الغیبه، تبریز، ۱۳۸۳ ق.

۲۶. نوبختی، حسن، فرق الشیعه، به کوشش ریتر، استانبول، ۱۹۳۱ م.

۲۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۲۸. هولستی، آل. آر، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۳ ش.

امروزه بحث پیرامون مسائل راهبردی و استراتژیک، به ویژه در حوزه سیاسی - اجتماعی، رشد فزاینده ای پیدا کرده است. با نگاه راهبردشناسانه به راهبری جامعه از منظر امام رضا علیه السلام راهبرد امامت را می توان نظام و برنامه جامعی دانست که بر اساس دین شکل گرفته و در آن، فن بکارگیری تمامی ظرفیت ها و امکانات معنوی و مادی جهت سازماندهی و هماهنگی اجزا و فرایندهای راهبردی لحاظ شده است. تعبیر «نظام» درباره امامت در کلام رضوی، نشان از آن دارد که امامت، نظام واره ای است که رشته اتصال و سبب انسجام تعاملات خدا، انسان و هستی است. این نظام و راهبرد از حیث مبدأ شناختی، خدا محور؛ از حیث غایت شناختی، شامل سه هدف ابتدایی، میانی و نهایی؛ از حیث قلمرو شناختی، جامع محور (پیوند و درهم تنیدگی دنیا و آخرت)، و از حیث راهکارشناختی نیز بر اساس روش انتصاب ماورایی و اصطفایی سامان یافته است که محور اول (یعنی ماورایی) ناظر به مبدأ راهبرد، و محور دوم (اصطفایی) ناظر به ملاک و معیار

راهبرد امامت بر اساس منشور و سند جاویدان قرآن کریم است؛ چرا که امام رضا علیه السلام بر جامعیت قرآن و اکمال آن تأکید ویژه می نماید. ایشان جایگاه علمی، حقوقی و شرعی امام و رهبر جامعه را نیز بر اساس «الامام، عالم بالسیاسه، مستحق للرئاسه، مفترض الطاعه» تبیین نموده است. بر اساس کلام رضوی، راهبرد امامت را باید به عنوان الگویی بی بدیل در نظام مدیریتی و سیاسی دنیا دانست که واجد بیشترین مزیت و کارکرد، و کمترین عوارض و آسیب بوده و با هنر هماهنگی میان خرده سیستم های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قادر است راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت نهد.

واژگان کلیدی: راهبرد، راهبردشناسی دینی، راهکار سیاسی و اجتماعی، امامت، امام رضا علیه السلام.

طرح بحث

با توسعه روزافزون قلمرو و مرزهای حیات بشری، ضرورت تدوین برنامه های راهبردی (استراتژیک) و بنیادین دوچندان می شود. یکی از این عرصه ها، موضوع رهبری و مدیریت کلان جامعه است که گذر زمان نتوانسته است ذره ای غبار کهنگی بر روی آن بنشانند؛ بلکه بحث درباره فلسفه و کارکردهای آن، رشد فزاینده ای به خود گرفته است.

در جهان معاصر، حکومت ها سیطره خود را بر همه انسان ها گسترانده اند و هر حکومتی بر پایه فلسفه سیاسی خاصی استوار است که در آن مسائل مهمی مطرح می باشد. سستی و تزلزل حکومت با فلسفه سیاسی آن ارتباط تنگاتنگ دارد و

یکی از عوامل پایداری هر حکومتی، قدرت اقناع و تبلیغی آن است که در راستای فلسفه سیاسی آن حکومت اعمال می شود (۱).

هر نظام و حکومتی می کوشد که با ترسیم راهبرد رهبری و فلسفه سیاسی مطلوب و جامع خود، باورهای مردم را بر اساس نظام ارزشی حاکم بر جامعه جهت دهد و با ارائه تحلیل های جامع و پاسخ های روزآمد به مشکلات، آنان را به سوی اهداف خود هدایت کند. در نظام های سیاسی دنیا، مدل ها و راهبردهای گوناگونی وجود دارد که هر یک می توانند روش حکومت بر مردم و نوع حقوق و وظایف آنها را معین کنند.

در تفکر شیعی، این مهم، در قالب نظام امامت تعریف می شود که تنها یک مدل سیاسی نیست؛ بلکه امری فراسیاسی است و با ایمان و اعتقاد مردم گره خورده و کارکردها و شاخصه های فراتر از یک مدل سیاسی را در خود گنجانده است.

به بیان متفکر شهید، مرتضی مطهری، همین مفهوم جامع و همه جانبه امامت است که آن را در ردیف نبوت و به عنوان خط استمرار آن قرار داده است. زیرا ختم نبوت به معنای ختم وحی الهی است، نه ختم رهبری الهی. امامت و نبوت، دو منصب و دو شأن اند و احیاناً قابل تفکیک می باشند (۲).

به دیگر معنا می توان گفت که در منشور معرفتی امامان شیعه، مدل سیاسی یک جامعه، بخشی از راهبرد کلان امامت است که البته شاخصه ها و مبانی این راهبرد کلان با خرده سیستم های سیاسی رایج در دنیای معاصر، متفاوت و متمایز می باشد.

هدف اصلی این مقاله، نگاه راهبردشناسانه به راهبری جامعه از منظر امام

ص: ۷۵

۱- فلسفه سیاست، ص ۱۹.

۲- امامت و رهبری، ص ۲۸.

رضا علیه السلام بوده، که در واقع، نوعی راهبردشناسی دینی با خصوصیات ممتاز خود است. به بیان دیگر، ارائه راهبرد و تبیین شاخصه های راهبردی در موضوع رهبری جامعه از منظر امام رضا علیه السلام و تطبیق آن با مدل های سیاسی جهان معاصر، هدفی است که این نوشته آن را دنبال می کند.

فرضیه مقاله آن است که بهترین الگوی مدیریت سیاسی که واجد بیشترین مزیت و کارکرد و کمترین عوارض و آسیب را دارد _ نظام امامت است؛ برنامه و الگویی جامع که با کاربست تمامی ظرفیت های موجود هستی شناسانه و انسان شناسانه، راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت معاصر نهاده است.

مفهوم شناسی

راهبرد: برخی، راهبرد یا استراتژی(۱) را چنین تعریف کرده اند: «آگاهی های منظم که نحوه به خدمت گرفتن قدرت (توان) سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدف های مورد نظر نشان می دهد»(۲).

در تعریف دیگری نیز آمده است: «راهبرد، بیانگر فن، هنر یا دانش تصمیم گیری های منظم و حساب شده در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی و بر مبنای اطلاعات است»(۳). چنین به نظر می رسد که راهبرد، روشی آمیخته با دانش است که نحوه تحقق تصمیم ها را فراروی رهبران و مدیران یک مجموعه می نهد. در واقع راهبرد را می توان هنر و مدل (برنامه) بکارگیری امکانات و ظرفیت های موجود، جهت نیل به هدفی مشخص دانست که از سه بخش ترسیم

ص: ۷۶

۱- Strategy .

۲- مسائل نظامی و استراتژیکی، ص ۱۵.

۳- تحول در مفهوم استراتژی، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، ج ۱، ص ۳۳.

اهداف، شناخت شرایط و امکانات، و اجرای بهترین برنامه و شیوه تشکیل می شود.

باید توجه داشت که راهبرد، یک علم به شمار می رود و مانند علوم دیگر ممکن است در راه خیر یا شر به کار گرفته شود. این مهم، ایجاب می کند که به اصطلاح دیگری یعنی «راهبردشناسی دینی» پردازیم. عبارت راهبردشناسی دینی می تواند به یکی از معانی زیر باشد:

۱) راهبردشناسی ای که منبع و مبنای آن بر اساس منابع دینی باشد؛ یعنی دو حجت عقل و نقل، با خصوصیتی که دین برای آن ها بیان کرده است.

۲) راهبردشناسی ای که موضوع آن در قلمرو دین باشد، مانند حوزه های اخلاقی، عقیدتی و...

۳) راهبردشناسی که در خدمت دین و بشریت گام بردارد؛ نه آنکه علیه دین به کار گرفته شود و یا در راه خیانت و ظلم به بندگان طراحی شود.

اما اگر دین را برنامه ماورایی و جامع سعادت و کمال انسان تعریف کنیم که از حیث مبدأ به خداوند متعال، از حیث منبع به عقل و نقل، از حیث قلمرو به دنیا و آخرت و از حیث اجزا به بینش ها (عقاید)، ارزش ها (اخلاقیات) و روش ها (احکام و قوانین انسان و جهان هستی) باز گردد، [\(۱\)](#) آنگاه می توان راهبردشناسی دینی را چنین تعریف کرد:

«نظام و برنامه ای که بر مبنای دین، جهت نیل به اهدافی خاص طراحی می شود. در این برنامه، فن و هنر بکارگیری ظرفیت های گوناگون لحاظ شده، و مبدأ، منبع، قلمرو و اجزای برنامه، بر اساس دین مشخص می شود و در مجموع، یک راهبرد دینی را ارائه می دهد.»

نکته دیگر آنکه در راهبردشناسی دینی (مانند راهبردشناسی امامت از منظر

ص: ۷۷

۱- بدین معنا که کلیه احکام و قوانین برخاسته از دین، راه و روشی به شمار می آیند برای نیل به حیات برتر و کمال انسانی.

امام رضا علیه السلام) و راهبرد شناسی غیردینی و بشری، تمایزاتی وجود دارد. از جمله آنکه در راهبردشناسی دینی، طراحی و برنامه ریزی راهبرد، بر اساس آیات قرآن (کتاب صامت) و روایات معصومین (کتاب ناطق و همچنین ناطق کتاب) می باشد و با پردازش قوه عقل صورت می گیرد. روشن است که این دو ثقل گران سنگ، بر اساس شناخت تام از قوانین و حقایق موجود در جهان بیرون (هستی) و جهان درون (انسان)، ارائه راهبرد و برنامه می کنند و این موضوع، به نوبه خود، باعث می شود که کلیه جوانب امر و خطرهای فراوی، در برنامه مورد ملاحظه قرار گیرد. اما راهبرد شناسی بشری که از ظرفیت و معرفت ماورایی و دینی محروم است و تنها به مدد قوای عقل، حس و تجربه طراحی می شود، فاقد جامعیت برنامه فوق و واجد نواقص و کاستی های گوناگون خواهد بود؛ چرا که محدودیت های بشری و نواقص و امیال مختلف او، خود را در برنامه ریزی ها و طراحی مدل ها نشان خواهد داد. به عبارت دیگر، از آنجایی که انسان، محدود است، برنامه های او نیز از محدودیت و نقص برخوردار است.

«الوین تافلر» در کلامی قابل تأمل که مرتبط با موضوع راهبرد شناسی دینی و همچنین راهبرد امامت است، چنین می نویسد:

«فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است، تمامی ندارد. علاوه بر فروپاشی پیایی نهادهای تمدن صنعتی در حال نزاع به درون غرقاب بی کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن ها نیز مشام را می آزارد. در نتیجه، ناخشنودی و فشار برای تغییرات، فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها، هزاران طرح و برنامه ارائه می شود که همگی ادعا دارند اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی اند. اما مقررات، قوانین، طرح ها و دستور العمل های جدید _ که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده اند _ کمانه می کنند و بر مشکلات ما می افزایند و احساس عجز و یأس را دامن می زنند. این احساس برای هر نظام دموکراسی،

خطرناک است و نیاز به وجود «مرد سوار بر اسب» ضرب المثل‌ها را بیشتر می‌کند»^(۱).

این سخن، حاوی دو نکته کلیدی است؛ یکی آنکه تاکنون راهبردها و برنامه‌های طراحی شده در نظام‌های سکولار غربی، نه تنها موفق نبوده؛ بلکه روز به روز بر وخامت اوضاع افزوده‌اند. دیگر آنکه ضرورت نیازمندی به دین و راهبردهای دینی و راهبران و پیشوایان مذهبی در لسان نخبگانی چون تافلر، ولو به صورت تمثیلی، ظهور و بروز نموده است و آنها نیز چاره برون رفت از فضای کنونی را تمسک به دین و منجی الهی (به تعبیر شیعی، اقامه نظام راهبردی امامت) می‌دانند.

به هر روی، در راهبرد شناسی بشری، برخلاف راهبردشناسی دینی، شناخت زوایای هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی با محدودیت و نقصان مواجه است و این عوامل، موجبات جزئی‌نگری، تزلزل در برنامه‌ها و در نتیجه، عدم موفقیت آنها را به همراه خواهد داشت.

نکته دیگر آنکه مناسب است واژه «راهبرد دینی» در مواردی استعمال شود که آن راهبرد، دین محور، دارای هدف بلند و با آثار و کارکردهای مهم و فراوان باشد؛ مانند راهبرد امامت که در آن، این سه شاخصه به وضوح به چشم می‌خورد. در غیر این صورت، کاربست واژه راهبرد برای اموری که دارای هدف کوچک و کارکردهای اندک می‌باشند، غریب و نامانوس است.

امامت و رهبری

از حیث لغوی، به معنای رهبری و پیشوایی و مقتدایی به کار می‌رود؛^(۲) اما از

ص: ۷۹

۱- رک: نگین آفرینش، ص ۱۲۷؛ به نقل از تافلر، الوین، به سوی تمدن جدید .

۲- رک: العین و الصحاح فی اللغه، ذیل امم.

حیث اصطلاحی، در تعریف واژه امامت و رهبری تفاوت وجود دارد. در اصطلاح علم مدیریت، رهبری، «تأثیرگذاری بر افراد برای انجام وظایفشان از سرِ میل و علاقه»^(۱) و یا «تأثیرگذاری بر افراد برای تحقق هدف مشترک» تعریف شده است^(۲). شهید مطهری با نگاه مدیریتی و راهبردی، رهبری جامعه را به فن بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی معنا کرده است.^(۳)

اما از حیث کلامی، رهبری و امامت جامعه، «ریاست و سرپرستی عمومی مردم به نیابت از پیامبر در امور دین و دنیا» تعریف شده است؛^(۴) هم چنین آن را به معنای «ولایت در تصرف امور دینی و دنیایی امت» آورده اند^(۵).

خاطر نشان می شود که در فرهنگ اسلامی، رهبری و امامت جامعه، امری فرا مدیریتی و فراسیاسی بوده و طبق حدیث رضوی، منزلت انبیاء، خلافت خدا و رسولش،^(۶) و یک عهد معنوی میان خداوند و امام است^(۷) و مسائلی نظیر تأثیرگذاری هدفمند، هنر بسیج کردن، سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی، تنها بخشی از کارکردهای این عهد می باشد.

ص: ۸۰

-
- ۱- مدیریت عمومی، ص ۱۰۹.
 - ۲- مدیریت رفتار سازمانی، ص ۷۱.
 - ۳- مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مقاله امامت و رهبری، ص ۲۳۵.
 - ۴- «الامامه رئاسه عامه لشخص من الناس فی امور الدین و الدنیا». النجاه فی القیامه، ص ۴۱.
 - ۵- شرح الاصول الخمسه، ص ۷۵۰.
 - ۶- چنانچه در حدیث رضوی آمده است: «إن الامامه منزله الانبیاء وإرث الاوصیاء، إن الامامه خلافه الله وخلافه رسوله صلی الله علیه واله ومقام امیر المؤمنین علیه السلام وخلافه الحسن والحسین علیهما السلام» که بر موضوع جانشینی پیامبر تأکید کرده است. تحف العقول، ص ۴۴۰.
 - ۷- تعبیر و تعریفی که می توان از آیه ((و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین))، (بقره، ۱۲۴) استنباط نمود، این است که خداوند، امامت را عهد و پیمانی نامیده است که از امامان و رهبران جامعه اخذ می نماید.

با نگاه راهبردهشناسانه به امامت، می توان آن را نظام و برنامه ای جامع دانست که بر اساس دین شکل گرفته و اهداف خاصی را دنبال می کند. در این برنامه، هنر و فن بکارگیری تمامی ظرفیت ها و امکانات معنوی و مادی به بهترین شکل لحاظ شده، و سازماندهی و هماهنگی اجزا و فرایندهای برنامه در عالی ترین سطح به چشم می خورد.

این برنامه جامع را می توان در واقع یک نظام جامع دانست؛ یعنی جریانی که به مجموعه های مرتبط هدفمند، معنا می دهد و آنها را تبیین و تحلیل می کند، جریانی که مبنا، مقصد، روش، راه و مراحل را مشخص می کند. (۱) همان طور که در واژه «نظام»، مفهوم انسجام و سامان دهی اجزا و عناصر به چشم می خورد، (۲) در امامت نیز این معنا مشهود و محسوس است؛ به طوری که در راهبرد امامت، تمامی ظرفیت های هستی شناسانه و انسان شناسانه به طور منسجم و منظم گرد آمده و به کار گرفته می شوند.

دقیقاً یکی از تعبیرات و توصیفات که امام رضا علیه السلام درباره امامت به کار برده اند، تعبیر «نظام» است. امام می فرماید:

«إن الامام زمام الدین ونظام المسلمین وصلاح الدنیا وعز المؤمنین» (۳) یعنی آن رشته اتصال و انسجام بندگان خدا و ریسمان پیوند آنها با خود، خدا و هستی، نظام و راهبرد امامت است.»

ص: ۸۱

۱- دین و نظام سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، ص ۹۱.

۲- «النظام الخیط الذی ینظم به اللولو و کل خیط ینظم به لولو او غیره فهو نظام؛ نظام در لغت به معنای ریسمان و نخ است که با آن، دانه های مروارید و نظایر آن را به رشته می کشند». لسان العرب، ذیل نظم.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۲۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۲۷؛ غایه المرام، ج ۳، ص ۳۱۴.

نظام و راهبرد امامت از اجزا و عناصر مختلفی برخوردار می باشد که در ادامه، با توجه به تبیینی که از راهبردشناسی دینی ارائه شد، عناصر بنیادین راهبرد امامت ذکر می شود.

حیث مبدأ شناختی

شاکله راهبرد امامت بر اساس توحید استوار است؛ به گونه ای که بدون ملاحظه اصل توحید، این نظام و راهبرد فرو خواهد ریخت؛ امامت، هم جوهره و هویت خود را از خدا می گیرد و هم به او ختم می شود؛ یعنی آغاز و انجام و اول و آخر راهبرد امامت، به توحید و خدا محوری باز می گردد. اساساً نظام امامت (راه) و امام (راهبر) برای دعوت انسان ها به سوی خداوند هستند. از سوی دیگر، پذیرش عقلی و نقلی امامت هم در گرو باور توحیدی است.

جایگاه و کارکرد اصل توحید در این مسئله را می توان در نمودار زیر مشاهده کرد:

نمودار شماره (۴)

حیث غایت شناختی

اگر راهبرد را نوعی الگوی تحقق تصمیم ها و اهداف بدانیم، در آن صورت، بسته به نوع هدف یا اهداف مورد نظر، الگو و برنامه طراحی می شود. در راهبرد و

ص: ۸۲

نظام امامت نیز این اهداف ترسیم شده است که البته می توان آنها را به اهداف بنیادین و نهایی، میانی و ابتدایی تقسیم نمود.

در اهداف ابتدایی راهبرد امامت، مواردی همچون عدالت، امنیت، رفاهت، و تربیت نهفته است. در هدف میانی راهبرد، فراهم کردن بستر بندگی و عبودیت خدا مد نظر می باشد و در هدف نهایی، مسأله رساندن فرد و جامعه به کمال و قرب الهی مطرح است که این موضوع، جز در سایه نظام راهبردی امامت تحقق نخواهد یافت.

نمودار غایت شناسی در راهبرد امامت:

نمودار شماره (۵)

به عنوان مثال، وقتی امام رضا علیه السلام یکی از اهداف و کارکردهای امامت را «خیر و صلاح دنیا و عزت مؤمنین»^(۱) بیان می کند، این موضوع، خود می تواند در بر گیرنده اهدافی نظیر تربیت، عدالت، رفاهت و در نهایت زمینه سازی بستری برای عبودیت خداوند باشد.

ص: ۸۳

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۹۶.

یکی از ویژگی های نظام های سکولاری جهان معاصر، تفکیک قلمرو دین و دنیاست. آنها کوشیده اند تا دین و دینداری را به حوزه خاصی محدود کنند و از دخالت و حضور آن در سایر حوزه ها، از جمله نظام سیاسی و حکومتی جلوگیری کنند.

سکولار شدن جوامع اروپایی و آمریکایی و سایر نقاط به این معناست که در آن جوامع، حوزه های عمل دینی و عمل دنیوی از هم تفکیک شده اند. معبد و کلیسا، حوزه دین، و خارج از معبد، حوزه عمل غیرمقدس و دنیوی است. گویی اتصال خداوند با دنیا قطع شده و تنها یک طریق اتصال باقی مانده و آن معبد است. (۱) اما راهبرد رهبری و امامت از منظر امام رضا علیه السلام، تنها یک امر دنیایی و سیاسی صرف؛ بلکه قلب تپنده راهبردشناسی دینی در امامت، حضور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رهبر زندگی بشر است که با دین و دنیای مردم، پیوند عمیق برقرار ساخته است. اساساً ارتباط امامت و زعامت سیاسی مردم با دین و آخرت آنها، تا حدی است که وارد شوندگان به حریم ولایت و امامت در واقع به حریم امن و قدسی خداوند متعال وارد شده اند. حضرت حق در حدیثی قدسی _ که از امام رضا نقل شده است _ ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام را دژ و قلعه مستحکم خود نامیده است؛ به طوری که واردشوندگان در این دژ، از عذاب الهی در امان خواهند بود. (۲) به دیگر معنا، اگر کسی زعامت سیاسی و اجتماعی امامان را نپذیرد، اساساً از مدار توحید و بندگی خداوند خارج گشته و آخرتی ویران و نافرجام خواهد

ص: ۸۴

۱- در آمدی بر کلام جدید، ص ۲۹۳.

۲- «حدثنا علی بن بلال عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن أبيه عن آبائه عن علی بن أبي طالب عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم عن جبرئيل عن ميكائيل عن إسرافيل عن اللوح عن القلم قال: يقول الله عز وجل ولایه علی بن أبي طالب حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی». عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۷.

حیث راهکار شناختی

الف. برنامه جامع

بدون تردید یکی از عوامل موفقیت یک نظام و راهبرد اجرایی، جامعیت مدل و برنامه آن است. در راهبرد امامت، قرآن کریم به عنوان منشور و سند اجرایی امام به شمار می آید که کلیه خرده سیستم های جامعه بر اساس آن شکل گرفته و سامان می یابد. امام رضا علیه السلام قبل از طرح مسأله امامت، بر جامعیت قرآن و اکمال دین تأکید کرده و می فرماید خداوند متعال، تمامی نیازمندی ها و احتیاجات یک امت را در کتاب خود آورده و آنها را تبیین نموده است. در ادامه، ایشان هشدار می دهند که باور به جامعیت و اکمال دین و قرآن کریم امری ضروری است و منکر این حقیقت، در واقع منکر قرآن بوده و به مرز کفر پا نهاده است. (۱)

به عبارت دیگر، امام علیه السلام منشور و سند اجرایی راهبرد امامت را سندی محکم، کامل، مبین و عاری از هر گونه نقص و عیب معرفی می نمایند.

امروزه اهمیت و کارکردهای بی شمار یک برنامه جامع در مدیریت، بر استراتژیست ها پوشیده نیست. بنابراین، نقشه راهی که فراروی امام و امت در تفکر شیعی قرار می گیرد، نقشه ای بی بدیل است؛ اما این گوهر گران سنگ، مجری و مدیری بی بدیل نیز می طلبد، که به تبیین برخی از خصوصیات او، از منظر امام هشتم علیه السلام می پردازیم.

ص: ۸۵

۱- «لم یقبض نبیه حتی اکمل له الدین و انزل علیه القرآن.... و أقام لهم علیا علیه السلام علما و إماما، و ما ترک شیئا مما تحتاج إلیه الامه إلا وقد بینه. فمن زعم أن الله لم یکمل دینه فقد رد کتاب الله، و من رد کتاب الله فقد کفر». تحف العقول، ص ۴۳۷؛ الفصول المهمه فی اصول الائمه، ج ۱، ص ۴۹۱.

امام علیه السلام در کلامی سترگ، جایگاه علمی، حقوقی و شرعی امام و رهبر جامعه را چنین تبیین می فرماید:

«عالم بالسیاسه، مستحق للرئاسه، مفترض الطاعه»؛ یعنی امام کسی است که عالم به سیاست و مدیریت جامعه بوده، و از این جهت، اندکی جهل و نقص در برنامه ریزی های او راه ندارد. از حیث حقوقی نیز امام، مستحق این امر می باشد؛ یعنی امامت و رهبری او حقی اعطایی از جانب خداوند عالم به اوست. بر این اساس امام، مفترض الطاعه می شود؛ یعنی از حیث عقلی و شرعی، اطاعت از او واجب و لازم است و با توجه به موارد سه گانه (علمی، حقوقی و شرعی) کسی حق سرکشی از فرمان او را ندارد.

در راهبردشناسی دینی، ژرف نگری و نیازسنجی جامعی در برنامه و مدل به چشم می خورد و همواره شرایط و لوازم یک راهبرد جامع، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در دین مورد ملاحظه قرار گرفته است. از جمله این قوانین و شرایط، دو شرط اساسی و بسیار راهبردی «علم» و «عصمت» است. این دو شرط، کارکردها و قابلیت‌های نظام «امام _ امت» را به طور فوق العاده، افزایش، و آسیب و عوارض احتمالی را در امام تا حد صفر و در امت تا حد چشمگیری کاهش خواهد داد.

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «امامت، منت والا و گران سنگی است که برتر از مقام و منزلت نبوت و خُلّت (خلیل اللّهی) است و حتی حضرت ابراهیم علیه السلام پس از آنکه به مقام امامت رسید، با شوق و رغبت فراوان درخواست کرد که این مقام، به فرزندان او هم برسد؛ اما از خداوند متعال، پاسخ «لاینال عهدی

الظالمين؛ (۱) عهد من به ظالمين نمی رسد» را شنید؛ یعنی امامت، عهد و پیمانی است که خداوند از امامان و رهبران جامعه اخذ می کند و این عهد به کسانی که اهل ظلم (در حق خدا، خود و دیگران) باشند، نمی رسد. (۲) امام علیه السلام در ادامه چنین نتیجه می گیرد:

«فأبطلت هذه الآية إمامه كل ظالم إلى يوم القيامة وصارت في الصفوة؛

خداوند متعال با این آیه، امامت و رهبری هر انسان نالایق و ظالمی را تا روز قیامت باطل کرد و آن را تنها در میان خالصان و معصومین قرار داد».

امام می افزاید: منزلت پیشوایی معصومانه در ذریه صالح حضرت ابراهیم استمرار پیدا کرد (و وهبنا له إسحاق ويعقوب نافله وكلا- جعلنا صالحين) تا در نهایت، به پیامبر اسلام و اهل بیت مکرمش رسید که ویژگی بارزشان، علم و ایمانی است که خداوند متعال به آنها اعطا نموده است. ایشان در این باره به آیه «وقال الذين اوتوا العلم والایمان لقد لبثتم فی کتاب الله إلى يوم البعث فهذا يوم البعث ولكنكم كنتم لا تعلمون» (۳) استناد می کند. و در ادامه می فرماید: «این راهبرد و روند تا روز

ص: ۸۷

۱- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲- «إن الامامه خص الله بها إبراهيم الخليل عليه السلام بعد النبوه والخله مرتبه ثالثه و فضيله شرفه بها وأشاد بها ذكره، فقال عزوجل: وإذ ابتلى إبراهيم ربه بكلمات فأتمهن قال إني جاعلك للناس إماما»، قال الخليل سرورا بها: "ومن ذريتي قال لا ينال عهدى الظالمين". تحف العقول، ص ۴۴۰.

۳- سوره روم، آیه ۵۶. علامه طباطبایی درباره این آیه شریفه می نویسد: «این آیه، حکایت کلام مؤمنین در رد سخن مجرمین است که می گفتند: "ما لبثوا غير ساعه" چون مجرمین به خاطر روحیه مادی، و فرو رفتن در دنیا، روز قیامت و فاصله آن تا دنیا را محکوم به همان نظام دنیا می دانستند، و با آن مقیاس می سنجیدند. لذا گفتند: "غیر از ساعتی درنگ نکردند" و یک ساعت، مقدار کمی از زمان است. گویا خیال می کردند که هنوز هم در دنیا هستند، چون فهم و شعورشان همین قدر بود. لذا اهل علم و ایمان سخن ایشان را رد کرده اند، که درنگ آنان یک ساعت نبوده، بلکه به مقدار فاصله بین دنیا و آخرت بوده است، همان فاصله ای که آیه "و من ورائهم بزخ إلى يوم يُبعثون" آن را بیان می کند. اهل علم و ایمان نتیجه گرفتند که این همان روز قیامت است، و لیکن مجرمین از آنجا که همیشه در باره قیامت در شک بودند، و جز به امور مادی دنیوی یقین پیدا نمی کردند، لذا پنداشتند که بیش از یک ساعت از ساعت های دنیا از مُردنشان نگذشته است. این است معنای کلام اهل علم و ایمان که گفتند "لقد لبثتم فی کتاب الله إلى يوم البعث فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لا تعلمون" یعنی شما جاهل و شکاک بودید، یقین به چنین روزی نداشتید، و به همین جهت امروز امر بر شما مشتبه شده است. از اینجا معلوم می شود که مراد از علم و ایمان در جمله "أوتوا العلم و الإيمان" یقین و التزام به مقتضای یقین است، و اصولا- "علم" در زبان قرآن، عبارت است از یقین به خدا و آیات او، و "ایمان" به معنی التزام به آنچه یقین، اقتضای آن را دارد می باشد که خود موهبتی است الهی. و نیز از اینجا روشن می شود که مراد از "کتاب الله"، کتابهای آسمانی، و یا خصوص قرآن کریم است». ترجمه

قیامت ادامه پیدا خواهد کرد» که این مطلب می تواند ناظر به وجود حضرت ولی عصر و امامت او نیز باشد. (۱)

امام رضا علیه السلام امام را مطهر از گناهان و منزّه از هر گونه عیب توصیف می نماید، فردی که علم ویژه به او اختصاص داده شده و حلم یکی از ویژگی های بارز اوست. (۲)

بدون تردید، یکی از قواعد بدیهی در روش شناسی علمی و نظام مدیریت جهان معاصر، قاعده «اول کسب شناخت صحیح و کافی، سپس ارائه حکم» است. به تعبیر راهبردشناسان، اگر تجزیه و تحلیل را کلمه رمز راهبرد بدانیم، کلمه عبور آن، داده (معلومات) خواهد بود؛ (۳) یعنی علم و آگاهی نسبت به امور، یک شرط بنیادین است. موضوعی که در راهبرد امامت، بارزترین شاخص بوده و عالی ترین

ص: ۸۸

۱- «فلم تزل ترثها ذریته علیه السلام بعض عن بعض قرنا فقرنا حتی ورثها النبی صلی الله علیه واله، فقال الله: " إن أولى الناس بإبراهیم للذین اتبعوه وهذا النبی والذین آمنوا " فكانت لهم خاصه فقلدها النبی صلی الله علیه واله علیا علیه السلام، فصارت فی ذریته الاصفیاء الذین آتاهم الله العلم والایمان وذلك قوله: " وقال الذین اتوا العلم والایمان لقد لبثتم فی کتاب الله إلی یوم البعث فهذا یوم البعث ولكنکم کنتم لا تعلمون " علی رسم ما جرى وما فرضه الله فی ولده إلی یوم القیامه. إذ لا نبی بعد محمد صلی الله علیه وآله» .

۲- «الامام مطهر من الذنوب، مبرء من العیوب، مخصوص بالعلم، موسوم بالحلم، نظام الدین وعز المسلمین وغيظ المنافقین و بوار الکافرین» .

۳- دیدگاه های کلیدی در مدیریت، ص ۱۲۴.

مراتب آن در شخص امام دیده می شود.

حضرت رضا علیه السلام آیه «أم يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله» را ناظر به مقام امامت و اهل بیت علیهم السلام دانسته و می فرماید: «وقتی خداوند فردی را برای راهبری جامعه بر می گزیند، به او شرح صدر عطا می فرماید و قلب او را چشمه حکمت و معرفت قرار می دهد؛ به طوری که بعد از این، امری ناصواب از او صادر نمی شود. امام فردی است که به توفیق، هدایت و تأیید خاص الهی، جامعه را رهبری می کند و از هر گونه خطا و لغزش مصون است. (۱) ایشان در حدیثی عمیق و انیق، موضوع تأیید خاص امام (موید بودن) را کمی بیشتر می شکافد می فرماید: «خداوند متعال ما امامان را با روح مقدس و مطهری از جانب خود تأیید و مدد می کند که این روح، یک فرشته نیست و با هیچ یک از انبیای پیشین جز پیامبر اسلام همراه نبوده است. آن روح همواره با ما ائمه بوده و عمودی از نور است که بین ما و خداوند متعال قرار دارد.» (۲)

این همه باعث می شود که در نظام راهبردی امامت _ که در واقع، یک نظام مدیریتی جامع و برتر را نیز در خود پوشش داده است _ آسیب ها و انحرافات علمی و عملی رهبر و مدیر جامعه، به طور صد در صد منتفی شود. و این راهبردی است که بشریت معاصر در نظام رهبری و سیاسی خویش، بیش از پیش بدان نیاز دارد و احساس تشنگی او به این نیاز روز افزون است. این موضوع در

ص: ۸۹

-
- ۱- «قال فی الائمه من اهل بيته وعترته وذريته: " أم يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله - إلى قوله - سعيرا ". وإن العبد إذا اختاره الله لامور عباده شرح صدره لذلك وأودع قلبه ينابيع الحكمة وأطلق على لسانه فلم يعى بعده بجواب ولم تجد فيه غير صواب، فهو موفق مسدد مؤيد، قد أمن من الخطأ والزلل . . كافي، ج ۱، ص ۲۰۲؛ امالی، ص ۷۷۸؛ معانی أخبار، ص ۱۰۱.
 - ۲- «فقال الرضا عليه السلام: إن الله عز وجل ايدنا بروح منه مقدسه مطهره ليست بملك لم تكن مع أحد ممن مضى إلا مع رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وهي مع الائمه منا تسددهم وتوفقهم وهو عمود من نور بيننا وبين الله عز وجل»؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۱۷.

تفکر شیعی و فرهنگ انتظار، معنا و مفهوم خاص خود را می یابد.

امام رضا علیه السلام فلسفه نیازمندی راهبرد امامت به علم و عصمت رهبر را چنین ذکر می کند: «خداوند، این ویژگی ها را در امام قرار داد تا حجت بر مردم و گواه و شاهد بر آنان باشد و برای کسی عذر و بهانه ای باقی نماند». و در ادامه این سؤال را مطرح می فرماید که: «آیا مردم بر ترسیم چنین راهبردی و آوردن چنین امامی (و مدیری) توانایی دارند؟»^(۱)

به هر روی، در فرمانروایی و مدیریت خرده سیستم های جامعه اسلامی از سوی ائمه، امر و خواست خدا، شاخص است؛ بدون اینکه ذره ای در این راه، دچار انحراف نظری و عملی گردند؛ چرا که براساس روایات، قلوب امامان، ظرف مشیت الهی بوده و همواره اراده آنان در راستای اراده خداوند متعال قرار دارد^(۲). امام رضا علیه السلام صفات و خصوصیات دیگری را نیز برای امامت بر می شمارد که در علم مدیریت، از لوازم و شاخصه های بنیادین یک رهبر استراتژیست موفق به شمار می آید^(۳).

از جمله آنکه رهبر باید امین باشد تا مجموعه تحت رهبری، به او اعتماد کنند و بتواند با طیب خاطر و آرامش روانی وظایف خود را انجام دهد. دیگر آنکه همانند پدری مهربان و دلسوز به مجموعه خود بنگرد تا قدرت تصرف قلوب را داشته باشد و این امر، موجبات افزایش انگیزه کاری را در مجموعه سبب خواهد شد. دیگر آنکه رهبر و مدیر، باید شخصیتی باشد که اعضای مجموعه و نظام بتوانند به او پناه ببرند و نقش ملجأ و پناهگاهی را داشته باشد که همگان در سایه

ص: ۹۰

۱- «خصه بذلك ليكون ذلك حجه على خلقه شاهدا على عباده، فهل يقدر على مثل هذا». تحف العقول، ص ۴۴۱.

۲- دلائل الامامه، ص ۵۰۶.

۳- جهت بررسی تطبیقی مصادیق رك: اخلاق مدیریت و فرماندهی، سایت تبیان، به نشانی www.tebyan.net

قدرت و معنویت او آرامش یابند. (۱)

در بیان امام رضا علیه السلام وجود چنین رهبر و پیشوایی، تنها در راهبرد امامت یافت می شود و در نظام های مشابه سیاسی و مدیریتی، نظیر و بدیلی برای آن وجود ندارد. (۲)

ج. روش انتخاب رهبر در راهبرد امامت

در نظام امامت، روش نصب رهبر و امام مسلمین، بر اساس انتصاب ماورایی و اصطفایی است. تعبیر امام هشتم شیعیان، «ثم أكرمها الله بأن جعلها في ذرية أهل الصفوة والطهاره» (۳) می باشد؛ بدین معنا که در این راهکار، رهبر جامعه از جانب خداوند متعال برگزیده، و به مردم معرفی می شود. در کلام حضرت، دو محور لحاظ شده است. محور اول، ماورایی بودن است که مبدأ نصب و جعل امام را مشخص نموده و بیان می دارد که اساس نصب و مشروعیت نظام امامت، بر اساس حکم و گزینش خداوند است و نه آنکه این مسئولیت سنگین _ یعنی انتخاب شایسته ترین فرد برای رهبری _ متوجه مردم باشد. محور دوم در این راهکار، اصطفایی بودن است که ناظر به ملاک و معیار انتخاب شخص امام است. واژه «صفو» در اصل به معنای خلوص شیء از هرگونه اختلاط و ناخالصی بوده و «اصطفا» یعنی دستیابی به خلوص محض یک شیء (۴)؛ فردی که به عنوان رهبر نظام اسلامی برگزیده می شود، اصطفا می گردد یعنی خالص شده و تمام شرایط و نیازمندی های رهبری و مدیریت تام و

ص: ۹۱

۱- «الامام الامين الرفيق، والولد الشفيق و والداعى إلى الله و الذاب عن حريم الله». تحف العقول، ۴۳۹؛ بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۳.

۲- «الامام واحد دهره، لا يدانيه أحد و لا يعادله عالم و لا يوجد له بدل ولا له مثل ولا نظير». غيبت نعماني، ص ۲۲۰؛ مسند امام رضا عليه السلام، ج ۱، ص ۹۸.

۳- تحف العقول، ص ۴۳۷

۴- رك: مقاييس اللغة و المفردات، ذيل «صفو».

ایده آل به او اعطا می شود تا از حیث ایجابی، جامع شرایط بوده و جامعیت رقم خورد و از حیث سلبی، عاری از هر گونه نقص بوده و شرط مانعیت (از غیر شان رهبر) محقق شود.

با فرض اینکه خداوند، نظام امامت و رهبری جامعه را به مردم تفویض می نمود آیا مردم می توانستند برترین و شایسته ترین فرد را انتخاب کنند؟ اساساً جایگاه و منزلت امامت، فراتر از آن است که در اذهان و افکار مردم آید و از این رو، تنها انتصاب ماورایی را می طلبد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «آیا مردم قدر و جایگاه امامت را می شناسند تا انتخاب و اختیار امام به وسیله آنها جایز باشد؟ جایگاه و شأن امامت، بزرگتر، و مکانت آن، رفیع تر و دسترسی به کنه و حقیقت آن دورتر از آن است که مردم با عقولشان یا با آرایشان به آن دست یابند و یا بتوانند با انتخاب و اختیارشان امامی را نصب نمایند». ایشان نه تنها از عجز و ناتوانی مردم سخن می گویند، بلکه در ادامه از ناتوانی اهل علم و خرد در شناخت و اختیار امام خبر می دهد. (۱)

بنابر این فرمایش امام رضا علیه السلام در راهبرد امامت، نقش مردم، نقش مشارکتی در نصب و مشروعیت بخشی به امام نیست؛ بلکه نقش مشارکتی در به راه انداختن نظام و اجرای برنامه و پیشبرد آن است.

ص: ۹۲

۱- «هل يعرفون قدر الامامه ومحلها من الامه، فيجوز فيها اختيارهم. (إن الامامه أجل قدرا واعظم شأنًا وإعلا مكانًا وأمنع جانبًا وأبعد غورا من أن يبلغها الناس بعقولهم أو ينالوا بأرائهم أو يقيموا اماما باختيارهم). هيهات هيهات، ضلت العقول وتاهت الحلوم وحارت الالباب وحصرت الخطباء وكلت الشعراء وعجزت الادباء وعييت البلغاء وفحمت العلماء عن وصف شأن من شأنه أو فضيله من فضائله، فأقرت بالعجز والتقصير فكيف يوصف بكليته، أو ينعت بكيفيته، أو يوجد من يقوم مقامه، أو يغني غناه. فمن أين يختار هذه الجهال الامامه بأرائهم». تحف العقول، ص ۴۳۸.

جهت یک سیر تطبیقی مناسب است ابتدا مروری بر مدل‌های سیاسی و نظام‌های رهبری رایج دنیا داشته باشیم که در هر یک از آنها هدف و کیفیت بکارگیری پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود، متفاوت است. این نظام‌ها در جهان معاصر، بر اساس محورهای زیر تقسیم بندی می‌شوند:

الف) بر اساس تعداد حاکمان:

۱) حکومت فردی: که سلطان یا شاه در رأس حکومت قرار دارد و به میل و رأی خود اعمال قدرت می‌کند.

۲) حکومت گروهی (طبقاتی): که در آن، قدرت از آن گروه خاصی است، گروهی که مدعی برتری فکری یا طبقاتی اند.

۳) حکومت جمهوری: که اقتدار و مناصب دولتی از طرف مردم به طور مستقیم یا غیر مستقیم به حاکمان واگذار می‌شود.

ب) بر اساس مشارکت شهروندان:

۱) حکومت توتالیتر: سیستمی که در آن، همه چیز برای دولت است و هیچ چیز خارج از دولت و علیه دولت نیست (۱).

۲) حکومت دموکراسی: که در آن، شهروندان در امور حکومتی مشارکت دارند و احزاب و جامعه مدنی فعال اند. در این نوع حکومت، حاکمیت از آن مردم، و تدوین خط مشی‌های اساسی بر عهده مردم است.

ج) بر اساس جهان بینی

۱) حکومت الهی: در این حکومت، منبع قانون، خداوند است که بر اساس حکمت، مصالح و شناختی که از ابعاد وجودی انسانی دارد، تشریح می‌کند و

ص: ۹۳

حکومت، امانتی است در دست حاکمان.

۲) حکومت طاغوتی: نظام های سیاسی مبتنی بر اومانیزم که حاکمیت را از آن انسان می دانند، در هر شکلی که تجلی یابند، طاغوتی می باشند. (۱)

اگر بخواهیم برخی از شاخصه های راهبرد امامت از منظر امام رضا علیه السلام را با تقسیم بندی های فوق تطبیق دهیم، باید بگوییم که بر اساس جهان بینی، حکومت امام و حکومت در نظام امامت، حکومتی الهی است و قانون و سند اجرایی برنامه های امام، از اراده و مشیت خداوند نشأت می گیرد، اراده ای که در قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام تجلی نموده است.

حکومت در راهبرد امامت، بر اساس مشارکت مردم، بر محور مردم سالاری دینی است؛ چرا که از سویی حکومت با حضور مردم در صحنه تحقق می یابد و از دگر سو، با حاکمیت دین و اطاعت مردم از امام معصوم، آمال و حقوق مردم احیا شده و این مردم هستند که کرامت، عدالت و منزلت حقیقی خود را باز خواهند یافت. (۲)

و اما بر اساس تعداد حاکمان باید گفت که در راهبرد رهبری شیعی، حاکم تنها خداست و اوست که حق حکمرانی دارد، و امام تنها خلیفه خدا و مجری برنامه و خواست حضرت حق است. از این رو، این گونه نیست که نصب و مشروعیت حکومت و رهبری، از طرف مردم، به طور مستقیم یا غیر مستقیم به

ص: ۹۴

۱- رک: فلسفه سیاست، صص ۱۰۴-۱۱۳، با تلخیص و اندکی تصرف.

۲- امیرمؤمنان حقوق و وظایف متقابل حاکم و مردم را چنین برمی شمارد: « أَتَيْهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَمَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعِهِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ ؛ مردم مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی را از شما دریغ نکنم، و حقی را که از بیت المال دارید بگزارم، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید، و آداب آموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکارا حق خیرخواهی را ادا کنید. چون شما را بخوانم بیابید، و چون فرمان دهم بپذیرید، و از عهده برآید». نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

امام واگذار شود. حتی در دوران غیبت که راهبرد «ولایت فقیه» جریان دارد، مشروعیت و حق حاکمیت از سوی خداوند و امام به فقیه جامع شرایط تفویض می شود و او در حقیقت، منصوب امام است نه منصوب مردم. و ساز و کار انتخاب غیر مستقیم رهبر نیز جهت کشف نائب امام معصوم است نه نصب او. البته باید افزود که چه در عصر حضور امام و چه در دوران غیبت او، نقش مردم در راه اندازی و تحقق حکومت، نقشی مهم و اساسی است و بدون حضور و پذیرش مردم، اساساً راهبری و مدیریت امام در جامعه، یا رقم نخواهد خورد و یا با مشکلات عدیده مواجه خواهد شد.

آثار و کارکردهای راهبرد امامت

اگر راهبرد امامت را دارای سه رکن قانون و برنامه جامع، رهبری و امام و جامعه انسانی بدانیم، مهم ترین و بارزترین کارکرد این راهبرد، ایجاد سازواری و هماهنگی بین این سه رکن خواهد بود؛ بدون آنکه اندکی تنافی و تضاد بین ارکان این راهبرد به چشم بخورد این موضوع، حیاتی ترین بخش یک برنامه راهبردی در مدیریت مدرن به شمار می آید. علت این موضوع را نیز می توان در آن دانست که طراح این راهبرد، واحد است؛ یعنی خداوند مدیر، مدبر، عالم و ناظم. (۱)

امام رضا علیه السلام محور این هماهنگی را امام و رهبر دانسته و درباره تلائم و سازواری این راهبرد می فرماید: «امام، زمام دین، هدایت کننده نظام مسلمین تأمین کننده خیر و صلاح و عزت مؤمنان است» (۲).

به عبارت دیگر در سیستم مدیریت راهبردی امامت، آنچه باعث می شود برنامه

ص: ۹۵

۱- این صفات در دعای جوشن کبیر ذکر شده است.

۲- «إن الامام زمام الدین ونظام المسلمین وصلاح الدنیا وعز المؤمنین». غیبت نعمانی، ص ۲۲۶؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۲۷؛ غایه المرام، ج ۳، ص ۳۱۴.

و قانون (دین) دچار تحریف و انحراف نشود و و از سوی دیگر، امور مردم سامان یافته و سعادت دنیوی و اخروی آنان محقق شود، وجود امام و رهبر است که مانند روح، موجبات طروات و شادابی جسم جامعه را فراهم می آورد. اگر بخواهیم تعریف تخصصی راهبرد را مد نظر قرار دهیم _ یعنی «آگاهی های منظم که نحوه به خدمت گرفتن قدرت (توانایی) سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را برای رسیدن به هدف های مورد نظر نشان می دهد»^(۱) _ این امام است که با صفات و ویژگی های موهبتی خاص خود، توان بکارگیری تمام ظرفیت ها و امکانات موجود را دارد تا بندگان خدا را به سرمنزل مقصود و ساحل سعادت رهنما باشد. به تعبیر امام رضا علیه السلام خیر و صلاح دنیوی و عزت اخروی بندگان، با مدیریت و سیاست فوق العاده امام است که تأمین خواهد شد.

از نگاه مدیریت استراتژیک، برخی دیگر از کارکردهای نظام راهبردی امامت را چنین می توان برشمرد:

۱. امام با شناخت کامل از فرصت ها و اولویت ها فراروی موجب می شود که جامعه، به طور حداکثری از فرصت ها آگاهی یابد و با اولویت بندی مناسب، از آنها بهره برداری نماید.

۲. مجموعه خرده سیستم های جامعه با نگاه واقع بینانه به مسائل و مشکلات به سوی حل آنها گام برخواهند داشت.

۳. چارچوب و برنامه مدونی جهت هماهنگی و سازماندهی فعالیت ها وجود خواهد داشت و آینده نگری نسبت به مسائل و پیش بینی چالش ها و بحران های فراروی، واقع بینانه خواهد بود.

۴. منابع، امکانات، زمان و ظرفیت ها، به طور بهینه و مناسب تخصیص خواهند

ص: ۹۶

۵. نشاط اداری و سازمانی و رفتار هماهنگ و یکپارچه مجموعه ها اتفاق خواهد افتاد.

۶. خوش بینی، روشن بینی، نشاط و دلگرمی معقول و واقع گرایانه نسبت به کار و زندگی در جامعه گسترش خواهد یافت.

مجموعه این عوامل، راه را برای تحقق اهداف ابتدایی، میانی و نهایی راهبرد امامت _ که پیش از این گذشت _ هموار نموده و از سوی دیگر، موجبات قدرت و صلابت نظام را در تعاملات خارجی رقم خواهد زد.

جمع بندی و نتیجه

راهبرد امامت، «برنامه و نظام جامعی است که بر مبنای و شاخصه های دین و جهت نیل به اهدافی خاص پی ریزی شده است». در این برنامه، فن و هنر بکارگیری ظرفیت های گوناگون لحاظ شده است. کلیه مبادی مبدأ شناختی، غایت شناختی، قلمرو و شناختی و راهکار شناختی این راهبرد، بر اساس دین استوار است که در مجموع، یک راهبرد دینی را ارائه می دهد. شاخصه ها و امتیازات نظام راهبردی امامت در مواردی همچون «جامعیت برنامه (دین)»، «وجود دو ویژگی علم و عصمت در مدیر (امام)» و «قالب انتصاب ماورایی و اصطفایی در تعیین مدیر و رهبر جامعه»، باعث شده که راهبرد امامت به عنوان الگویی بی بدیل در نظام مدیریتی و سیاسی دنیا بدرخشد و واجد بیشترین مزیت و کارکرد، و کمترین عوارض و آسیب باشد؛ برنامه و الگویی جامع که با کاربست تمامی ظرفیت های موجود معرفت شناختی، هستی شناختی و انسان شناختی، راه سعادت و کمال فردی و اجتماعی را فراروی بشریت معاصر نهاده است.

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن میثم بحرانی، النجاه فی القیامه، موسسه الهادی، قم، ۱۴۱۷ق.
۵. الوانی، مهدی، مدیریت عمومی، نشر نی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۶. بحرانی، سید هاشم، غایه المرام، جلد سوم، تحقیق سیدعلی عاشور، بی جا، بی تا.
۷. پورسید آقایی، سیدمسعود، دین و نظام سازی در نگاه استاد علی صفایی حائری، انتشارات لیله القدر، قم، ۱۳۸۹ش.
۸. جلیل روشندل، تحول در مفهوم استراتژی، «مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰ش.
۹. جوهری، اسماعیل، الصحاح، تحقیق احمد عطار، دارالعلم للملآئین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۱۰. حائری پور و همکاران، نگین آفرینش، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۱. حر عاملی، الفصول المهمه فی اصول الائمه، موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بی جا، طلیعه النور، ۱۴۲۶ق.
۱۳. سید رضی (موسوی)، محمد، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸ش.
۱۴. شیروودی، مرتضی، مسائل نظامی و استراتژیکی، زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۵. صادقی، هادی، درآمدی بر کلام جدید، نشر معارف، قم، ۱۳۸۲ش.
۱۶. صدوق، محمد، امالی، موسسه البعثه، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۷. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق شیخ حسین اعلمی، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۱۸. _____، معانی الاخبار، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش.

۱۹. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر، موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۴ ش.

ص: ۹۸

۲۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دارالنعمان، نجف، ۱۳۶۸ق.

۲۱. طبری، محمد بن جریر (شیعی)، دلائل الامامه، موسسه البعثه، قم، ۱۴۱۳ق.

۲۲. عطاردی، عزیزالله، مسند امام رضا علیه السلام، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۶ق.

۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، بی جا، موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.

۲۴. کلینی، محمد، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.

۲۵. کارلتون کلایمری، توتون جیمز آندرسن، کارل کویمبی کریستول، آشنایی با علم سیاست، ترجمه بهرام ملکوتی، سیمرغ، تهران، ۱۳۵۶ش.

۲۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۵، دار الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۷. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، مقاله امامت و رهبری، صدرا، قم، ۱۳۶۴ش.

۲۸. نعمانی، محمد، الغیبه، مکتبه صدوق، تهران، بی تا.

۲۹. نوروزی، محمد جواد، فلسفه سیاست، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۷۸ش.

۳۰. هرسی پال، کنت بلانچارد، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علاقه بند، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹ش.

۳۱. همدانی معتزلی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، مکتبه وهبه، قاهره، ۱۴۰۸ق.

هویت شناختی جریان های فکری و فرقه گرایی در اسلام، یک بحث سؤال برانگیز و دارای بنیاد های عمیق است و پژوهشگران اسلامی و غیر اسلامی درباره علل و انگیزه های پیدایش، گسترش و انشعاب آن داوری های متفاوتی را ارائه نموده اند. تفاوت های نظری در این زمینه، غالباً بر اساس جهت گیری ها، انگیزه های متعصبانه مذهبی و رقابت های ناسالم میان برخی عالمان و پیروان مذاهب به وجود آمده اند؛ به گونه ای که در مواردی، حتی بدون رعایت ملاک ها و آموزه های دینی سخن گفته اند. تحلیل واقعیت ها و داوری مطالب موجود در این زمینه، مجال و فرصت بیشتری می طلبد و در خور کتابی مستقل است؛ اما آنچه را که در میان این نزاع ها به عنوان یک مسئله مسلم نمی توان نادیده گرفت، تأکید بر این مطلب است که در همان روزهای اول رحلت آخرین سفیر هدایت، اولین جرقه های آتش اختلاف و فرقه گرایی در جامعه اسلامی نسبت به جریان امامت و خلافت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وجود آمد و مسلمانان در یک صف بندی ناهمگون با

اندیشه هایی خطرناک در برابر هم قرار گرفتند. گروهی، مسئله رهبری بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را یک امر عادی تلقی کردند و اهمیت آن را در حد برقراری نظم اجتماعی دانستند با حضور شتابانه در سقیفه، برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جانشین تعیین نمودند.

اما گروه دوم، مسئله امامت و رهبری پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تداوم نبوت می دانستند و ادعا داشتند که امامت، همانند نبوت، مقام و منصبی الهی است و بر اساس مبانی اعتقادی، همانگونه که انتخاب نبی از عهده بشر خارج است، انتخاب امام نیز _ با آن شرایط ویژه ای که دارد _ از عهده بشر خارج بوده و تنها خداوند باید کسی را به امامت برگزیند. این گروه معتقد بودند که خداوند، علی بن ابی طالب علیه السلام را برای امامت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انتخاب کرده و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی نموده است.

از پی آمد ناگوار این دو گانه اندیشی در جامعه اسلامی، می توان به این واقعیت تلخ اشاره نمود که وجود همین اختلافات، سرمنشأ و بستری شد برای پیدایش مذاهب فکری و اندیشه های سیاسی در زمان های بعد، که با انگیزه های متفاوت و به سرعت در جامعه اسلامی گسترش یافتند. پس از آن، جامعه شیعه و سنی بر شکل اولیه خود باقی نماندند؛ بلکه به مرور زمان، انشعاب هایی در آن ها به وجود آمد که علت ها و زمینه های مشترک یا مختلفی دارند و در اینجا مجال بحث تفصیلی آن نیست. اما به تناسب موضوع این نوشتار، به برخی فرقه گرایی ها در مذهب شیعه اشاره می شود. این مذهب نیز همانند دیگر مذاهب در طول حیات سیاسی و فرهنگی خود، به علت عوامل درونی و بیرونی گرفتار انشعاب هایی شد که طبق اسناد و مدارک موجود در منابع تاریخی و کلامی، یکی از مهم ترین علت های ظهور این انشعاب ها، جریان مهدویت و مباحث آن در منظومه اعتقادی شیعه بوده است. برخی افراد با اغراض سیاسی یا کج اندیشی و در مواردی هم با

پشت گرمی به وعده های دسیسه جویانه حکومت ها و نهاد های ضد شیعه، از بحث مهدویت سوء استفاده کردند و باعث اختلاف در میان شیعیان شدند. در این مقاله، به فرقه واقفیه و موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر آن خواهیم پرداخت.

بخش اول: واقفیه از پیدایش تا ادعای مهدویت

اشاره

برای پیدایش هر فرقه ای، دو زمینه باید وجود داشته باشد:

الف - سیاسی و اجتماعی

ب - فرهنگی و انگیزه های مدعیان آن فرقه

فرقه واقفیه (۱) در زمانی تشکیل شد که وجود نورانی امام رضا علیه السلام با آن شخصیت ممتاز و انبوه روایاتی که نسبت به امامت ایشان در دسترس بود، رهبری جامعه را بر عهده گرفت؛ اما عده ای که از خواص و افراد نامدار و آشنا با مذهب شیعه بودند، امامت ایشان را انکار کردند و با سوءاستفاده از آموزه های اصیل شیعی، قائمیت و مهدویت امام قبل از ایشان را تبلیغ نمودند. لذا هر دو زمینه، دقت و موشکافی ویژه ای را می طلبد که در اینجا به اختصار، مطرح می شود:

الف) زمینه سیاسی و اجتماعی

باید به این نکته اساسی توجه کرد که گرچه پیدایش و ظهور واقفیه بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام بود؛ (۲) اما برای دست یافتن به سبب و زمینه پیدایش آن باید مقداری زمان را به عقب برگرداند و فضای فرهنگی، سیاسی و

ص: ۱۰۳

۱- یادآوری می شود که این فرقه در منابع با دو واژه واقفه (بدون ی) و واقفیه (همراه با ی) معرفی شده است و در این بین بیشترین کاربرد واژه اول (واقفه) در روایات و واژه دوم (واقفیه) در اصطلاحات عرفی است؛ لذا واژه صحیح برای نام بردن از این فرقه، واژه واقفه می باشد. در این مقاله به هر دو کاربرد توجه شده است.

۲- فرق الشیعه، ص ۸۲.

اجتماعی عصر صادقین و عصر امام کاظم علیه السلام را واکاوی کرد. با تحلیل کلی و جامعه شناسانه از عصر آن سه امام به این واقعیت دست می یابیم که حدوداً از اواخر دوره امامت امام باقر علیه السلام، بنی امیه به جهت قدرت طلبی و اختلافات درونی، گرفتار تنش ها و تضاد های فراوان شده بود و از جانب دیگر، انقلاب ها و شورش های برخی علویون، دست در دست هم داده، آنان را در سراشی و معرض زوال قرار داده بود. (۱)

در این فرصت، امام باقر علیه السلام با تدبیر حکیمانه خود و با به راه انداختن نهضت علمی، خدمات فراوانی برای معرفی مذهب شیعه انجام داد و در این زمینه، شاگردانی _ که هر یک، منادیان و مدافع مذهب شیعه بودند _ تربیت نمود. (۲)

پس از آن، در سال ۱۱۱ هجری _ که حدوداً مصادف با چهار سال آخر دوران امامت امام باقر علیه السلام بود _ دعوت عباسیان آغاز شد و آنان که شاخه ای از بنی هاشم بودند، با استفاده از جایگاه اهل بیت و با شعار «الرضا من آل محمد» وارد میدان مبارزه شدند (۳). با پیروزی بنی عباس بر بنی امیه، طبیعی بود که آنان به عنوان نظام حکومتی جدید، احتیاج به آرام سازی جامعه و جلب توجه مردم به سوی خود داشتند. به همین جهت، اولین خلیفه عباسی، ابوالعباس سفاح، و پس از او عمویش و منصور عباسی در دورانی از خلافتش، تا حدودی به مردم، از جمله علویون، آزادی دادند که در این فضای آزادی نسبی، اندیشه های فکری و سیاسی جدید در جامعه اسلامی پیدا شد.

در این میان، امام صادق علیه السلام در تداوم کار علمی پدرش، امام باقر علیه السلام، توانست پایه علمی، حقوقی، فرهنگی و سیاسی تشیع را روی مبانی اصیل اسلامی استوار سازد

ص: ۱۰۴

۱- مقاتل الطالین، ص ۲۰۷.

۲- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۹۵؛ رجال طوسی، ص ۱۰۲ به بعد.

۳- ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۸۰؛ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۱۹.

و نیز با تربیت شاگردان در تمام رشته های علوم اسلامی، مکتبی را با شاخصه های ممتاز به وجود آورد که در آن، کلیت تفکر شیعی گنجانده شده بود.^(۱) نتیجه این فعالیت و آزادی سیاسی امام صادق علیه السلام گسترش تشیع و معرفی خاندان علوی به عنوان رهبران دینی بود؛ اما از آنجا که بنی العباس نمی خواستند که علویون به عنوان یک نیروی رقیب برای آنها مطرح شود، پس از تثبیت پایه های حکومتشان در زمان منصور و سال های آخر امامت امام صادق علیه السلام، رفتار های خشونت آمیز را علیه امام صادق علیه السلام آغاز، و مزاحمت هایی را برای آن حضرت ایجاد کردند.^(۲)

مبارزه همه جانبه منصور با اندیشه شیعی و جریان تعیین امام از خاندان علوی، آن گونه با شدت دنبال شد که حتی امام صادق علیه السلام برای حفظ جان امام بعد از خود، نتوانست در وصیت نامه اش با صراحت از امام کاظم علیه السلام به عنوان جانشین خود یاد کند.^(۳)

پس از شهادت امام صادق علیه السلام و فرارسیدن دوران امام کاظم علیه السلام فشار حاکمان عباسی هم عصر با آن حضرت بیشتر شد و از منصور گرفته تا فرزندان او، مهدی و هادی عباسی و نیز هارون الرشید، همگی، عرصه را بر امام تنگ تر کرده و ایشان را بارها به زندان انداختند.^(۴)

در اثر همان جو اختناق و فشار های سیاسی بنی العباس علیه امامان شیعه، و برای ساماندهی شیعیان و نیز بیرون نمودن آنان از تحیر و سردرگمی، با تدبیر امام صادق علیه السلام نهادی به نام سازمان وکالت به وجود آمد که در یک مجموعه هماهنگ، تحت فرمان امام صادق علیه السلام فعالیت می کردند.

ص: ۱۰۵

۱- اختیار معرفه الرجال، ص ۱۳۵؛ الامام الصادق و مذاهب اربعه، ج ۱، ص ۶۷.

۲- تاریخ الخلفاء، ص ۲۶۱؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۰۲.

۳- کافی، ج ۱، ص ۳۱۰.

۴- تذکره الخواص، ص ۴۳۸.

نهاد وکالت _ که در حقیقت شبکه ارتباطی میان امام و شیعیان بود _ در دوران امام کاظم علیه السلام نیز استمرار یافت؛ منتهی با این ویژگی که در دوران امام کاظم علیه السلام به جهت زندان رفتن های مکرر آن حضرت و نیز تشدید رفتار حاکمان عباسی با این نهاد، در بسیاری از موارد، ارتباط و کلا با شخص امام قطع می شد.

پس از ارائه این تحلیل و گزارش درباره وضعیت اجتماعی آن روز، به تناسب بحث این مقاله اشاره می شود که برخی از وکیلان امام کاظم علیه السلام از وضعیت آشفته و ظلمانی آن روزگار، سوء استفاده کرده و مذهب واقفیه را به وجود آوردند که اصلی ترین ادعای آن ها، مهدی بودن امام کاظم علیه السلام بود که از همین ناحیه، تردید هایی را برای بعضی افراد نسبت به امام رضا علیه السلام به وجود آوردند که در ادامه، به آن خواهیم پرداخت.

(ب) زمینه فرهنگی

اشاره

در زمینه فرهنگی پیدایش گروه واقفه نیز باید اول به این نکته توجه شود که پس از روی کار آمدن عباسیان و تجربه ای که آنان از رفتار اختناق آمیز بنی امیه داشتند، مانند فضای باز سیاسی که در ابتدا برای تحکیم قدرت خود به وجود آوردند، در بخش فرهنگی نیز ابتدا سیاست سازش کارانه ای را پی گرفتند که آن فضای باز سبب شد تا فرقه گرایی مذهبی و ورود اندیشه های کلامی و فلسفی در حوزه اسلامی به اوج خود برسد و در همین راستا بود که مسئله مهدویت و انتظار برای ظهور قائم و عدالت گستری او در میان شیعیان به شدت مطرح شد و بنا به دلایلی _ که بعداً نگارش خواهد یافت _ برخی یاران امام کاظم علیه السلام از اخباری که درباره قائم بودن آن حضرت رسیده بود سوء استفاده کردند و رحلت ایشان را انکار نمودند و در یک اقدام به ظاهر فرهنگی، تفسیر نادرستی از روایاتی که آن

امام را به عنوان قائم معرفی کرده بود، ارائه دادند(۱) و توانستند در فضای فرهنگی شیعی نسبت به مسئله مهدویت، تردید ایجاد کنند.

بنابراین یکی از علت های مهم در پیدایش واقفیه، تأثیر پذیری از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی در عصر صادقین علیهم السلام و امام کاظم علیه السلام بوده است.

بنیان گذاران فرقه واقفه و مدعیان مهدویت

همانگونه که در گزینه پیشین اشاره شد، در عصر امام صادق علیه السلام و پس از آن در عصر امام کاظم علیه السلام نهادی به عنوان وکالت با تدبیری خاص به وجود آمد که با شرایط ویژه در جامعه شیعی فعالیت می نمود. وکلا در شهرهایی که دسترسی شیعیان به امام ممکن نبود، به مشکلات اعتقادی، سیاسی و مالی شیعیان رسیدگی می کردند و وجوهات مالی مردم را جمع آوری، و دور از دید حکومت، به دست امام می رساندند که این مسئله در دوران امام کاظم علیه السلام به علت زندانی شدن های مکرر امام با مشکلاتی روبرو شد و مقداری از آن اموال در دست وکیلان باقی ماند؛ (۲) چنانچه در این زمینه از یونس بن عبدالرحمن نقل شده است: «مات ابوابراهیم(۳) و لیس من قوامه احد الا و عنده مال کثیر کان عند زیاد بن مروان القندی سبعون الف دینار و عند علی بن ابی حمزه ثلاثون الف دینار(۴) و عند عثمان بن عیسی الرواسی ثلاثون الف دینار و خمس جوار و

ص: ۱۰۷

۱- الفصول المختاره، ص ۳۱۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۰ به بعد.

۲- علل الشرایع، ۲۳۵؛ غیبت طوسی، ص ۶۴.

۳- کنیه دیگر امام هفتم.

۴- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۱۳؛ رجال کشی، ص ۳۶۸.

بر اساس همین گزارش است که علامه مجلسی می‌نگارد: «فروی الثقات ان اول من اظهر هذا الاعتقاد (واقفیه) علی بن ابی حمزه البطائی و زیاد بن مروان القندی و عثمان بن عیسی الرواسی».(۲)

این سه نفر به دلیل انگیزه مالی(۳) بعد از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام از پذیرفتن امامت امام رضا علیه السلام امتناع کرده و آن اموال را به بهانه اینکه امام هفتم، همان مهدی موعود است، به امام رضا علیه السلام تحویل ندادند و پس از آن هم، این تفکر و اندیشه میان برخی شیعیان مورد پذیرش واقع شد و افراد دیگری راه آنان را ادامه دادند.

برخی از آنها بعد از مدتی و با فعالیت‌ها و روشنگری‌های امام رضا علیه السلام از واقفی بودن برگشته و امامت امام رضا علیه السلام را قبول که ما به جهت رعایت اختصار و طولانی‌نشدن حجم این نوشتار، از ذکر تفصیلی آن خودداری می‌کنیم(۴) و به مطالب مهم‌تر در این زمینه می‌پردازیم:

رهیافت عینی بر ادعای مهدویت توسط واقفه

ادعای مهدویت و قائم‌بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط گروه واقفه، یکی از شاخصه‌های مهم بنیانگذاران فرقه واقفیه است که بدون هیچ‌گونه ابهام و توجیه در منابع ذکر شده است. واژه «واقفه» _ که برگرفته شده از واژه «وقف» است _ در

ص: ۱۰۸

-
- ۱- غیبت طوسی، ص ۴۷؛ علل الشرایع، ص ۲۳۶.
 - ۲- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۱.
 - ۳- شواهد این ادعا در ادامه مباحث خواهد آمد.
 - ۴- برای مطالعه بیشتر، رک: بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۸.

لغت به معنای درنگ کردن، دو دل بودن در کاری و خودداری کردن از اظهار قطعی در یک مسئله می باشد. (۱) و در اصطلاح فرقه شناسی و نیز در متون رجالی به افرادی گفته می شود که رحلت موسی بن جعفر علیه السلام را منکر شده و هیچ کس را به عنوان جانشین آن حضرت نپذیرفتند. (۲) درباره شناخت هویت واقعی واقفه و نیز منظومه فکری و اعتقادی این فرقه، هیچ گونه منبع مستقلی که خودشان نوشته باشند و بیانگر اعتقادات آنها باشد در دسترس نیست؛ اما دیگر دانشمندان درباره معرفی آنها مطالب قابل اعتمادی نگاشته اند. چنانکه شیخ مفید در معرفی واقفیه می نگارد: «آخر الفرق التي افرقت عن الامامیه هی الواقفه الذین وقفوا علی موسی بن جعفر و انکرو امامه علی بن موسی». (۳) و همو در جای دیگر می نویسد: بعد از شهادت موسی بن جعفر بسیاری از شیعیان در راه حق قرار گرفته و به امامت امام رضا علیه السلام گردن نهادند. (۴)

مطلب قابل توجه دیگر درباره ادعای مهدی بودن موسی بن جعفر علیه السلام توسط واقفیه، این است که تمام افراد واقفیه قائم بودن آن حضرت را تبلیغ می کردند؛ اما نسبت به رحلت و ظهور آن حضرت عقیده یکسانی نداشتند؛ بلکه بعضی از آنها می گفتند آن حضرت زنده است و فعلاً در حال غیبت به سر می برد و بعد از مدتی ظهور می کند و بعضی می گفتند آن حضرت از دنیا رفته و بعد از مدتی دوباره بازگشته و قیام می کند. (۵)

علامه مجلسی در معرفی واقفیه می نگارد: «قال واقفیه انه

ص: ۱۰۹

۱- فوق اللغه، ماده وقف.

۲- فرق الشیعه، ص ۸۲.

۳- اوائل المقالات، ص ۲۸.

۴- الفصول المختاره، ص ۳۱۳.

۵- رجال خاقانی، ص ۱۶۵؛ مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۴۰.

نامگذاری واقفیه به ممطوره و علت آن

در منابع فرقه شناسی و رجالی، در کنار واژه مشهور واقفیه به واژه «ممطوره» نیز برمی خوریم. در تبیین این واژه بیان شده است که ممطوره نام دیگر فرقه واقفیه است. در وجه تسمیه این نام، مطالب فراوانی گفته شده است. برای مثال در بعضی منابع آمده است: «یقال لهم ممطوره سماهم بذلك علی بن اسماعیل» (۲). بر اساس این ادعا، جریان نامیده شدن واقفیه به ممطوره توسط علی بن اسماعیل و در حین مناظره ای بوده است. در آن مناظره، علی بن اسماعیل به آن فرد واقفی گفت: «انتم کالکلاب الممطوره؛ شما مانند سگ باران خورده هستید».

علامه مجلسی درباره وجه نام گذاری واقفیه به ممطوره می نگارد: «یقال لهم ممطوره لكثره ضررهم علی الشيعه و افتتانهم بهم كانوا کالکلاب التي اصابها المطر» (۳). و هم چنین در این باره نقل شده است: «الممطوره هم الواقفیه ذمهم و انهم سمو بذلك لسرایه خبثهم الی من یقربهم» (۴).

در مجموع، از آنچه درباره نامگذاری واقفیه به ممطوره نگارش یافت می توان به این مطلب دست یافت که نوع حرکت ابزاری و فریب کارانه و خزنده ای که این

ص: ۱۱۰

۱- بحار الانوار، ج ۷، ج ۱۷، ص ۲۳۹.

۲- ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۳.

۴- مستدرک سفینه البحار، ج ۹، ص ۴۰۴.

فرقه علیه شیعه انتخاب کرده بودند، سبب شد که آنها را به سگ خیس شده از باران تشبیه کرده و اینگونه لقب دهند.

گونه هایی از فعالیت های انحرافی واقفیه درباره مهدویت

درباره فعالیت تبلیغی و ادعای فریب کارانه مهدویت و قائم بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام توسط فرقه واقفیه و هم چنین گرفتار شدن بعضی شیعیان در دام فریب این گروه، بیش از همه توجه به این نکته تاریخی اهمیت دارد که شهادت موسی بن جعفر علیه السلام در زندان، پس از تحمل سال ها اسارت و نوع خفقانی که وجود داشت سبب شد تا شهادت آن امام برای بسیاری از شیعیان مخفی بماند. به همین علت، وقتی بنیانگذاران واقفیه خبر شهادت حضرت را شنیدند با انتخاب سیاست اغفال گری، از نام و نشان خود که به عنوان وکیل امام شناخته می شدند سوءاستفاده کردند و در همان زمان، بدون از دست دادن فرصت، با طرح مهدویت ایشان، شهادت آن حضرت را انکار نمودند؛ چنانکه درباره دو وکیل امام، حیان بن سراج و یکی دیگر از همکارانش، نقل شده است: «انکرا موته و اذاعا فی الشیعه انه لا یموت لانه القائم و اعتمدت علیه طائفه من الشیعه و انتشر قولهما فی الناس؛ (۱) آن دو، رحلت امام کاظم علیه السلام را انکار کردند و در میان شیعه شایعه نمودند که آن حضرت رحلت نکرده، چون او همان امام قائم است و گروهی از شیعیان به گفته آنها اعتماد نموده و ادعای آنان را تبلیغ کردند».

این فرقه در تبلیغ مهدی بودن امام کاظم علیه السلام چنان با گستاخی حرکت می کردند که علناً در برابر امام رضا علیه السلام موضع می گرفتند. برای مثال، هنگامی که امام رضا علیه السلام

ص: ۱۱۱

۱- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۶؛ رجال کشی، ص ۴۶۰.

بعد از شهادت پدرش به آنها نامه نوشت و اموالی را که نزد آنها بود درخواست نمود در جواب امام نوشتند: «فکتب الیه ان اباک لم تمت... و ان کان مات فلم یأمرنی بدفع شیئی الیک؛ (۱) پدرت فوت نکرده و اگر هم فوت کرده باشد، او به من امر نکرده بود که چیزی به تو تحویل دهم».

اینگونه پاسخ دادن به نامه امام معصوم، نشان دهنده این است که آنها با صراحت، امامت و جانشینی امام رضا علیه السلام را انکار می کردند و به دنبال زنده جلوه دادن امام کاظم علیه السلام بودند.

سران واقفیه در تبلیغ مهدویت و قائم بودن امام هفتم چنان بی ملاحظه پیش رفتند که بنا به نقل ابی حازم، عده ای از آن ها، از جمله علی بن حمزه بطائنی، محمد بن اسحاق بن عمار، حسن بن مهران و حسین بن سعید مکاری، بر امام رضا علیه السلام وارد شدند. علی بن حمزه به امام رضا علیه السلام گفت: «به ما از پدرت خبر بده. امام فرمود: «پدرم درگذشت». علی بن حمزه به امام گفت: «پدرت) به چه کسی عهد (امر امامت) را واگذار کرد؟» امام فرمود: «به من». علی بن حمزه گفت: «تو سخنی گفتی که هیچ یک از پدران آن را نگفته بود» (۲).

حرکت تبلیغی واقفیه آن گونه موزیانه و خطرناک بود که در بعضی موارد، حتی علناً رشوه می دادند و سعی در خرید افکار دیگران داشتند. (۳)

تبلیغات انحرافی واقفیه درباره مهدویت و قائم بودن امام هفتم به گونه ای فریب دهنده بود که بسیاری از شیعیان با اینکه در ابتدا به امامت امام رضا علیه السلام عقیده پیدا کرده بودند، اما در ادامه مسیر، متزلزل شده و علناً رو در روی امام

ص: ۱۱۲

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲۰، ص ۱۰۳؛ قرب الاسناد، ص ۷۵؛ علل الشرایع، ص ۲۳۵.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۳؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۶۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۱.

می گفتند: «در روایات اجداد تو آمده است که امامی نیست مگر اینکه امام و جانشین پس از خود را می بیند، اما تو چندین سال از عمرت گذشته و فرزندی نداری؛ پس امام نیستی» (۱).

گرچه فرقه واقفیه در فضای فرهنگی شیعه دوام نیافت اما برای مدت کوتاهی در زمان امامت امام رضا علیه السلام توانست حرکت ایدائی و بازدارنده ای را در برابر شیعه اثنی عشری که زمامش در دستان امام هشتم بود، ایجاد کند.

حرکت توجیهی واقفیه نسبت به شخصیت امام رضا علیه السلام

در تحلیلی کلی از اعتقاد و اندیشه واقفیه نسبت به سلسله امامت، این مسئله روشن می شود که آنها تا امام هفتم، هماهنگ و هم اعتقاد با بدنه اصلی امامیه بودند و در ترتیب امامان و شرایط امامت _ از جمله عصمت و واجب اطاعه بودن _ مشکلی نداشتند؛ اما لغزش اصلی آنها پس از امام هفتم آغاز شد که بر خلاف عقیده رسمی شیعی، مصداق مهدی منتظر و قیام کننده به عدل را امام کاظم علیه السلام معرفی کردند. اما مانعی بر سر راه آن ها وجود داشت و آن وجود مقدس امام رضا علیه السلام بود که خود را جانشین پدر می خواند و بیشتر شیعیان نیز امامت آن حضرت را قبول کرده بودند؛ لذا واقفیه مجبور بود برای اثبات قائم و مهدی منتظر بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام موضع خود را در برابر امام رضا علیه السلام مشخص نماید.

شیخ مفید درباره مواضع واقفیه در قبال امام رضا علیه السلام می نگارد: «اختلفت الواقفه فی الرضا و من قام من آل محمد بعد ابی الحسن موسی قال بعضهم هولاء خلفاء ابی الحسن و امرائه و قضاته الی اوان خروجه و انهم لیسوا بائمة و ما ادعوا الامامه قط و

ص: ۱۱۳

قال الباقر انهم ضالون مخطئون ظالمون و قالوا في الرضا خاصه قولاً عظيماً و اطلقوا تكفيره و تكفير من بعده من ولده» (۱).

بنابر این گفتار، واقفیه نسبت به شخصیت امام رضا علیه السلام و امامان بعد از ایشان دو ادعا داشتند:

الف) آنها خلیفه، امیر و قاضیان بعد از امام کاظم علیه السلام هستند، نه ائمه و پیشوایان.

ب) آنها گمراه، خطاکار و ظالم هستند که درباره امام رضا علیه السلام با گستاخی بیشتری سخن می گفتند.

در برخی منابع دیگر نیز شبیه مطلب شیخ مفید درباره مواجهه واقفیه با امام رضا علیه السلام و امامان بعد از ایشان نقل شده است و گفته اند که بعضی از واقفیه، آن امامان را گمراه می دانستند و برخی دیگر، آنان را مجریان امر و قاضیان از جانب امام موسی بن جعفر علیه السلام محسوب می کردند که تا زمان ظهور آن حضرت، وظیفه اجرای امور را داشتند. (۲)

نگرشی بر ادله واقفیه، بر مهدویت امام هفتم

اشاره

از آنجا که گروه واقفیه، برخاسته از متن تشیع و افراد تربیت شده در مکتب امام و آشنا با راهبرد های اصیل شیعی بودند، طبیعی به نظر می رسد که آنها برای پیش برد ادعای انحرافی خود نسبت به مسئله مهدویت، باید راهبردی را انتخاب می کردند که در افکار عمومی شیعیان مورد پذیرش قرار گیرد. قرائن و شواهد، نشان دهنده این امر است که آنان در کنار طرح مهدویت امام کاظم علیه السلام روایاتی را به عنوان دلیل و اثبات کننده این عقیده مطرح نمودند که ظاهر بعضی از این روایات

ص: ۱۱۴

۱- الفصول المختاره، ص ۳۱۳.

۲- رجال خاقانی، ص ۱۶۵.

با فرهنگ انتظار در تشیع هم خوانی داشته و در دل های بعضی افراد، این امید را ایجاد کرده بود که شاید آن ظلم و ستم ها به واسطه قیام موسی بن جعفر علیه السلام پایان یابد که به نمونه هایی از آن روایات اشاره می شود:

الف) روایت غسل امام توسط امام بعدی

در این زمینه روایتی را از امام صادق علیه السلام نقل نموده اند که آن حضرت فرمود: «الامام لا یغسله الا امام؛ امام را (بعد از رحلت) غسل ندهد مگر امام (بعدی)».

واقفیه با این حدیث استدلال می کردند و می گفتند که امام کاظم علیه السلام در بغداد رحلت کرده و در آن زمان امام رضا علیه السلام در مدینه بوده است و کسان دیگری (مأمورین حکومت) امام کاظم علیه السلام را غسل داده، و دفن نمودند. بنابراین، امام رضا علیه السلام امام کاظم علیه السلام را غسل نداده؛ پس او امام نیست. (۱)

شیخ صدوق در جواب این استدلال می نگارد: «این حدیث، دلیل بر واقفه نیست؛ زیرا اولاً امام صادق علیه السلام نهی کرده که امام را کس دیگری غیر از امام غسل کند؛ پس اگر فردی به نهی امام عمل نکرده و در این امر دخالت نموده و امام را غسل دهد، با این دخالت، امامت امام بعدی باطل نمی شود؛ زیرا امام صادق علیه السلام نفرموده است: امام نمی باشد مگر کسی که امام قبلی را غسل دهد.

ثانیاً ما در روایات داریم که امام رضا علیه السلام بدون اینکه دیگران متوجه شوند مخفیانه پدر خود را غسل داد و واقفیه نمی توانند منکر این مطلب شوند که خداوند می تواند طی کردن مسافت دور را برای امام در زمان کوتاه میسر نماید. (۲)

ص: ۱۱۵

۱- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۴.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۷.

علاوه بر روایات پیشین، واقفه روایات دیگری را نیز عنوان دلیل بر مهدویت امام کاظم علیه السلام آورده اند که در آن روایات، واژه قائم برای آن حضرت به کار رفته است.

برای مثال، در یک روایت طولانی آمده است که امام صادق علیه السلام به بعضی از یاران خود فرمود: «روزهای هفته را حساب نمایید». آنها تا سبت را شمردند؛ امام فرمود: «سبت السبوت و شمس الدهور... و هو سابقکم قائمکم هذا و اشاره الی ولده موسی الکاظم». (۱) در اینجا واژه قائم بر امام هفتم اطلاق شده است.

در روایت دیگری که مورد استدلال واقفیه قرار گرفته است، آمده که هنگام تولد امام کاظم علیه السلام، امام صادق علیه السلام به مادر ایشان فرمود: «وسئل عن اسم القائم». (۲)

در روایت دیگری آمده است که هنگام تولد امام کاظم علیه السلام پدرش امام صادق علیه السلام میان دو چشم او را بوسید و فرمود: «انت القائم بعدی». (۳)

واقفیه با نگرش سطحی به ظاهر این روایات، از واژه قائم سوء استفاده کردند و این روایات را بر اینکه آن حضرت، همان مهدی منتظر و قائم موعود است، دلیل گرفتند.

گرچه جواب اصلی این ادله در فصل بعدی _ که عبارت است از موضع گیری امام رضا علیه السلام _ خواهد آمد، اما در اینجا تنها به این جواب فرعی اشاره می شود که علما و دانشمندان اثنی عشری در جواب این گونه روایات با دید تحلیلی و انتقادی

ص: ۱۱۶

۱- ملل و نحل، ج ۱، ص ۱۵۰ و غیبت طوسی، ص ۳۹ به بعد.

۲- الفصول المختاره، ص ۳۱۳.

۳- الخرائج و الجرایح، ج ۱، ص ۱۱۱.

نگریسته و دو گونه جواب داده اند:

الف) در کاربرد واژه قائم بر موسی بن جعفر، شکی نیست؛ زیرا هر امامی بعد از پدرش، قائم و عهده دار امامت است؛ اما آن قائم منتظر که عدالت با دستان پرتوان او برقرار می شود، فرزند امام عسکری علیه السلام است. (۱) شیخ مفید در این رابطه می نگارد: «مراد از واژه قائم در مورد امام کاظم علیه السلام، قائم بالسیف نیست؛ بلکه قائم به امامت بعد از پدرش امام صادق علیه السلام است». (۲)

ب) جواب دیگری که در بحار و غیبه شیخ طوسی آمده است این است که برای کذب ادعای واقفیه، اخبار متواتر درباره شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام کافی است؛ در حالی که اخباری که واقفیه نقل نموده اند همگی خبر واحد است. علاوه بر اینکه راویان واقفیه، همگی مورد طعن هستند و نمی توان به روایات آنها در برابر اخبار متواتر شهادت امام کاظم علیه السلام اعتماد نمود. (۳)

بنابراین، ادله واقفیه بر قائم بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام، وجهی ندارد.

انگیزه واقفیه در طرح مهدویت موسی بن جعفر علیه السلام

انگیزه به عنوان نیروی حرکت دهنده در درون انسان شکل می گیرد و او را به سوی انجام کارهایش به تحریک وادار می دارد. بر این اساس، هر انسانی وقتی ادعای بزرگی می کند یا کار مهمی انجام می دهد اولین پرسشی که مطرح می شود این است که انگیزه او از طرح این ادعا یا انجام فلان کار چیست. هر مقدار که آن انگیزه به واقعیت ها نزدیک تر و دارای مبانی اصولی باشد کارها نیز عاقلانه تر و بادوام خواهد بود.

ص: ۱۱۷

۱- الخرائج و الجرایح، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲- الفصول المختاره، ص ۳۱۴.

۳- غیبت شیخ طوسی، ص ۷۶ به بعد؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۰ به بعد.

نسبت به انگیزه واقفیه در طرح و ادعای مهدویت و قائم به عدل دانستن موسی بن جعفر علیه السلام با تمسک به تعدادی از روایات ائمه معصوم علیهم السلام، ممکن است این طور به نظر بیاید که انگیزه آنان در طرح این مسئله، تنها جنبه مذهبی و فرهنگی دارد.

اما با دقت درباره عملکرد بنیانگذاران واقفیه به دست می آید که رو آوردن آنها به روایات، در حقیقت، به علت ایجاد پوششی حفاظتی و چتر امنیتی است برای مخفی نگه داشتن انگیزه واقعی شان که صرفاً یک مسئله مادی و دنیا گرایی بوده است؛ زیرا طبق آنچه از گزارش ها به دست می آید، طراحان این فرقه، عده ای از وکیلان موسی بن جعفر علیه السلام و خزانه دارانی بودند که اموالی از شیعیان نزد آنها جمع آوری شده بود و پس از شهادت امام هفتم علیه السلام تمایلات نفسانی و دنیا گرایی، آنها را واداشت تا رحلت آن حضرت را انکار نموده و از تحویل آن اموال به علی بن موسی الرضا علیه السلام به بهانه اینکه امام کاظم علیه السلام زنده است و ما تا او ظهور نکرده این اموال را به دیگری تحویل نمی دهیم _ امتناع کردند.

بنا به گزارشی، اموال فراوانی از زکات و دیگر حقوق مالی نزد بنی اشعث جمع آوری شده بود که آنها را به دو نفر از وکلای امام کاظم علیه السلام در کوفه سپرد. آن دو وکیل، در زمانی که امام در زندان بود، با اموال یاد شده خانه هایی خریدند و معاملات دیگری انجام دادند و پس از شنیدن خبر شهادت امام در زندان هارون، آن را انکار نموده و شایعه کردند که امام نمرده، چرا که او قائم و مهدی موعود است. (۱)

بنا به گزارش دیگری درباره وکیل امام کاظم علیه السلام در مصر، که نام عثمان بن عیسی نام داشت و اموال فراوان و تعدادی کنیز نزد وی جمع شده بود، بعد از

ص: ۱۱۸

۱- الامامه و التبصره، ص ۷۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۳؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۶.

شهادت امام کاظم علیه السلام و درخواست امام رضا علیه السلام برای تحویل دادن آن اموال، او نیز رحلت امام کاظم علیه السلام را منکر شد و آن اموال را تصرف نمود و از تحویل آنها به امام رضا علیه السلام خودداری ورزید. (۱)

بر اساس همین روایات است که در منابع قابل اعتماد شیعه، درباره انگیزه علی بن ابی حمزه، زیاد بن مهران قندی و عثمان بن عیسی روایی _ که سه نفر از وکلای امام در کوفه و مصر بودند _ نقل شده است: «طمعوا فی الدنیا و مالوا الی حطامها و استمالوا قوماً فبدلوهم شیئاً مما اختانوه من الاموال نحو حمزه بن بزيع و ابن المکاری و کرام الخثعمی و امثالهم؛ (۲) آن سه نفر در دنیا طمع ورزیده و دل به زخارف آن بستند. پس گروهی را به خدمت گرفته و از آن اموال که در آن خیانت کرده بودند به آنها بخشیدند که آن افراد، حمزه بن بزيع و ابن مکاری و کرام الخثعمی و... بودند».

بنابراین مال دوستی، افرادی غیر از بنیان گذاران اصلی واقفیه را نیز در این مسیر قرار داده بود. درحقیقت دخالت داشتن انگیزه مالی در ادعای واقفیه چنان روشن بود که بعد از مدت کوتاهی برای همه شیعیان معلوم شد که آنها این ادعا را به جهت دنیا دوستی کرده اند. (۳)

در انتهای این بخش، به همین مقدار از مطالب مرتبط با پیدایش واقفیه و انگیزه های آن ها اکتفا نموده و تکمیل این بحث را در بخش دوم (موضع گیری امام رضا علیه السلام) پی خواهیم گرفت.

ص: ۱۱۹

-
- ۱- علل الشرایع، ص ۲۳۵؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۱.
 - ۲- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۲؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۰۳.
 - ۳- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۶.

پیش از پرداختن به راهبرد های امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه و تکذیب ادعای مهدویت امام موسی بن جعفر علیه السلام از سوی آنها، توجه به این مسئله تاریخی ضرورت دارد که از نظر پیشینه شناسی، اصل موضوع مهدویت و ظهور و قیام فردی عدالت گستر از خاندان پیامبر علیهم السلام با عنوان و لقب «قائم» و «مهدی» از قدیم و قبل از انشعاب فرقه های انحرافی، میان مسلمانان به ویژه میان شیعیان و پیروان امیرالمؤمنین مطرح بوده است که در حقیقت چنین باورداشتی برخاسته از روایات فراوان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی موعود و قیام عدالت گسترانه او بوده است که در اینجا مجال و گنجایش پرداختن به آن روایات نیست.

تنها از باب نمونه اشاره می شود که احادیث معرفی ائمه اثنی عشر و نیز روایات تفسیر آیه اولی الامر از جابر بن عبدالله انصاری _ که در آن غیبت و قیام مهدی مطرح شده است _ و نیز روایت حدیث لوح و صدها روایت دیگر، اندیشه مهدویت و انتظار قیام مهدی را در میان شیعیان به وجود آورده بود.

با دقت به ادعای فرقه های جدا شده از بدنه تشیع به مواردی بر می خوریم که با بهره برداری از این اندیشه، مدعی مهدویت برای خود یا برای فردی از خاندان پیامبر علیهم السلام می شدند.^(۱) از باب نمونه برخی از محققین، انگیزه اصلی کیسانیه را _ که قائل به امامت محمد بن حنفیه بودند _ این مطلب می دانند که آنها معتقد بودند

محمد بن حنفیه امام مهدی و جانشین پدرش امام علی علیه السلام است. (۱)

حتی بنا به گزارش نوبختی، بعد از شهادت امام باقر علیه السلام عده ای از یاران آن امام، قائل به مهدویت نفس زکیه و عده ای معتقد به مهدویت خود آن حضرت شدند. (۲)

پس از آن در دوران امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام نیز در فرقه هایی نظیر زیدیه و انشعابات آنان و نیز در فرقه های فطحیه و اسماعیلیه و برخی شاخه های آنان، شاهد ادعای مهدویت برای آن دو امام بزرگوار یا فرد دیگری از خاندان پیامبر علیهم السلام هستیم. (۳)

در نهایت تأکید می شود که مسئله مهدویت و اندیشه انتظار در هر دوره ای، در میان شیعیان این امید را ایجاد می کرد که مهدی نجات بخش در دوره آنها ظهور کند و نظام های ستمگر را از میان بردارد و بر همین اساس، عده ای با اهداف و اغراض سیاسی و مادی سوار بر امواج آن اندیشه شده و ادعای مهدویت می کردند. از جانب دیگر، هر یک از امامان در عصر خود با این ادعای انحرافی به مبارزه برخاسته و باطل بودن آن را افشا می نمودند. (۴) اما اوج ادعای مهدویت در دوره امام هشتم علیه السلام و پس از شهادت امام کاظم علیه السلام توسط واقفیه به راه افتاد که در این فصل به راهبردهای مبارزاتی امام رضا علیه السلام در برابر آنان می پردازیم:

نوع شناسی و کیفیت موضع گیری امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه

اشاره

در هر نوعی از نزاع و تخاصم فکری، سیاسی و نظامی، نحوه و کیفیت موضع گیری افراد، به دانایی و فهم آنها از نوع ابزار و وسیله ای که طرف مقابل در دست دارد وابسته است تا به تناسب آن ابزار، برای پیش برد اهداف مبارزاتی به

ص: ۱۲۱

۱- نشأه الفكر الفلسفی، ج ۲، ص ۴۷ به بعد؛ تاریخ اندیشه های کلامی، ص ۷۵.

۲- فرق الشیعیه، ص ۹۴.

۳- فرق الشیعیه، ص ۱۰۰؛ ملل و نحل، ص ۱۴۰.

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

دفاع برخیزد. بر این اساس، و از آنجا که فرقه واقفیه _ آنگونه که قبلاً نگارش یافت _ در ادعای انحرافی خود از روایات ائمه معصوم علیهم السلام به عنوان ابزار و وسیله استفاده می کردند، طبیعی بود که امام رضا علیه السلام نیز در برابر آنان از جنس ابزار و وسیله آنان استفاده نماید. با دقت در روایاتی که امام رضا علیه السلام برای نقد و تکذیب واقفه استفاده کرده، مشخص می شود که ایشان، شیوه های گوناگونی را در برابر آنها انتخاب کرده بود که به بخش هایی از آن اشاره می شود:

۱ _ مذمت و لعن سران واقفیه

روایات فراوانی در مذمت و دروغگو دانستن واقفیه نقل شده، که در این میان، بسیار جالب است که حتی خود امام کاظم علیه السلام نیز ادعای واقفیه را پیش بینی کرده و آنها را مذمت نموده است. شیخ طوسی در کتاب غیبه از علی بن حمزه بطائنی که از بزرگان واقفیه بوده _ نقل کرده است: «قال لی ابوابراهیم (موسی بن جعفر) انما انت و اصحابک یا علی اشباه حمیر».(۱)

هم چنین از عثمان بن عیسی رواسی و زیاد قندی و دو نفر از بزرگان واقفیه نقل شده است که ما نزد امام کاظم علیه السلام بودیم. آن حضرت به ما فرمود: «در این لحظه بهترین اهل زمین بر شما وارد می شود». در آن هنگام امام رضا علیه السلام وارد شد؛ ما با تعجب سؤال نمودیم: «او بهترین اهل زمین است؟» امام کاظم علیه السلام فرزندش را به سینه چسباند و فرمود: «فرزندم دانستی آنچه را این دو نفر گفتند؟» امام رضا علیه السلام جواب داد: «آری ای آقایم! این دو نسبت به من شک دارند».(۲)

در ادامه همین حدیث از علی رثاب نقل شده است که امام کاظم علیه السلام به آن دو

ص: ۱۲۲

۱- غیبت طوسی، ص ۶۷.

۲- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۶.

نفر فرمود: «ان حجدتماه حقه فعليكما لعنه الله و الملائكه و الناس اجمعين؛(۱) اگر شما او (امام رضا علیه السلام) را انکار نمایید یا به او خیانت کنید، پس لعنت خدا و ملائک و تمام مردمان بر شما باد».

و هم چنین علاوه بر این مذمت های امام کاظم علیه السلام، عبارات تند و صریحی از امام رضا علیه السلام درباره واقفیه نقل شده است. محمد بن سنان گوید: نزد امام رضا بودم که سخن از «علی بن ابی حمزه» به میان آمد. امام او را لعن فرمود و گفت: «او می خواست خداوند در زمین و آسمان عبادت نشود؛ اما خداوند نور خود را تمام نمود اگرچه لعین مشرک را خوش نیاید». و در ادامه فرمود: «ابن حمزه و امثال او کسانی هستند که می خواهند نور خدا را خاموش کنند».(۲)

۲- خبر از آینده اندوهناک برخی از واقفیان

در این بخش از روایات، امام رضا علیه السلام عاقبت سوء و ناگوار واقفیان و بی دین مردن آن ها را خبر داده است که این، نزد همه علامتی بود برای باطل بودن فرقه واقفیه.

محمد بن اسماعیل می گوید: امام رضا علیه السلام درباره جایگاه امامت و مذمت اندیشه واقفیه فرمود: «من مات و لیس له امام مات میتة جاهلیة فقلت له کل من مات و لیس له امام مات میتة جاهلیة قال نعم و الواقف کافر و الناصب مشرک».(۳) از سؤال و جوابی که در متن حدیث مطرح شده، این طور به نظر می آید که در ابتدا، شنیدن این حدیث اشتغال آن بر واقفیه _ که تا هفت امام را قبول داشتند _ برای محمد بن اسماعیل بعید بوده است؛ اما امام در

ص: ۱۲۳

۱- غیبت طوسی، ص ۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۸ و غیبت طوسی، ص ۵۰.

۳- کمال الدین، ص ۶۶۸.

جواب او تصریح می کند که واقفیه کافر بوده و فرقی میان آنها و ناصبیان که اصلاً امام را قبول ندارند نمی باشد.

از ابراهیم بن یحیی ابی ولاد نقل شده است که امام رضا علیه السلام از من سؤال کرد: «حمزه بن بزیع شقی (یکی از واقفیه) در چه حال است؟» گفتم: «او همانند سابق در شک و دودلی است». امام فرمود: «او گمان می کند پدرم موسی بن جعفر علیه السلام زنده است» و در ادامه فرمود: «هم الیوم شکاک و لایموتون غذا الا علی الزندقه؛ آنان (واقفی ها) امروز در حال شک هستند و از دنیا نمی روند مگر مانند زندیق بی دین». راوی می گوید: من بعد از این گفتار امام، احوال حمزه بن بزیع را پی جویی می کردم تا اینکه از یکی از همفکران او شنیدم که گفت: در حالت انکار خداوند از دنیا رفت». (۱)

همچنین درباره زیاد قندی نیز از حسن بن محبوب نقل شده است که او زندیق و در حالت کفر به خداوند از دنیا رفت. (۲)

شبهه این روایت از ابن فضال درباره احمد بن ابی بشر سراج نقل شده است که در هنگام مرگ خود فریاد می زد: «شما را به خدا، مرا از آتش نجات دهید». (۳)

درباره ابن حمزه بطائنی از حسن بن علی و شاء نقل شده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «بعد از دفن او، مأموران الهی از وی درباره خدا و رسول سؤال نمودند. او جواب داد. سپس از امامش سؤال نمودند و او تا امام هفتم علیه السلام جواب داد و بعد از آن ساکت ماند و نتوانست جواب گوید. و مأموران به او گفتند: افسوس بن جعفر امرک بهذا؟ پس از آن آتشی در قبرش افروخته شد که تا

ص: ۱۲۴

۱- غیبت طوسی، ص ۶۹؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۴.

۲- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۶.

۳- غیبت طوسی، ص ۴۸.

۳_ مناظره امام با برخی واقفه

یکی از راهبرد های امام رضا علیه السلام در برابر واقفیه، رویارویی و مناظرات علمی با آنان بود که در حضور افراد دیگر انجام می گرفت.

ابن حازم گوید: روزی جماعتی از واقفه نزد امام رضا علیه السلام حضور به هم رساندند و از آن حضرت درباره پدرش سؤال کردند. امام فرمود: «پدرم از دنیا رفت و من جانشین ایشان هستم». ابن مهران گفت: «اگر چنین است پس چرا این مطلب را آشکارا بیان نمی کنی؟» امام فرمود: «آیا منظورت این است که من نزد هارون رفته، به او بگویم من امامم و تو هیچ کاره هستی؟ بدان که سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز رسالتش اینگونه نبود؛ بلکه ابتدا رسالت خود را تنها با اهل و افراد مورد اطمینان خود در میان گذاشت و من هم اگر با شما از امامت خود سخن می گویم به جهت این است که شما امامت امامان قبل از من را قبول دارید که همه از پدران من هستند و شما در حق من نگوئید که علی بن موسی نسبت به پدرش تقیه نموده و می گوید او زنده نیست؛ زیرا من نزد شما نسبت به خودم تقیه نمی کنم و می گویم من امام هستم، پس چگونه نسبت به پدرم تقیه کنم؟» (۲).

در گفتگوی دیگر امام با واقفه، وقتی آن حضرت شنید که آنها می گویند: «موسی بن جعفر رحلت نکرده است»، فرمود: «سبحان الله مات رسول الله و لم یمت موسی بن جعفر بلی والله لقد مات و قسمت امواله». (۳).

ص: ۱۲۵

۱- مناقب، ج ۴، ص ۳۶۶.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۱.

۳- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۷.

در یکی از مناظره ها، هنگامی که امام، لجاجت ابن مهران را در ادعای مهدویت امام هفتم مشاهده نمود، او را نفرین کرد و فرمود: «اذهب الله نور قلبك و ادخل الفقر بيتك» و در اثر همین نفرین امام او در بدترین حال گرفتار شد.^(۱)

و در گفتار دیگری، امام به نقد و تکذیب برخی ادعاهای ابن حمزه برآمد و فرمود: «الیس هو الذی یروی ان رأس المهدی یهدی الی عیسی بن موسی و هو صاحب السفیانی و قال ان ابوالحسن یعود الی ثمانیه اشهر فما استبان لهم کذبہ»؛^(۲) آیا ابن حمزه نمی گفت سر مهدی (محمد فرزند منصور) به سوی عیسی بن موسی (فرزند عموی منصور) هدیه می شود؟ آیا ابن ابی حمزه نمی گفت امام کاظم علیه السلام بعد از شش ماه برمی گردد؟ در حالی که هر دو خبر او تحقق نیافت. پس آیا دروغ های او بر شما (مردم) آشکار نشده است؟»

و در مورد دیگری، یکی از یاران امام رضا علیه السلام به نام احمد بن محمد می گوید: روزی امام در محله بنی زریق توقف نموده و با صدای بلند من را صدا کرد و من جواب گفتم. پس، آن حضرت فرمود: «هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود مردم کوشش نمودند نور خدا را خاموش سازند و خداوند مانع شد و نور خود را به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام نگه داشت و چون ابوالحسن موسی بن جعفر رحلت نمود، علی ابن ابی حمزه و یارانش کوشش نمودند تا نور خدا را خاموش کنند؛ اما خداوند مانع از آن شد. اهل حق کسانی هستند که از پیوستن دیگران به آنها خوشحال می شوند، اما از جدا شدن دیگران ناراحت نمی شوند اما واقفه بر عکس

ص: ۱۲۶

۱- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۱؛ غیبت طوسی، ص ۷۰.

۲- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۱.

اینان هستند؛ زیرا خودشان در حال شک زندگی می کنند»^(۱).

۴_ نامه نگاری امام به برخی واقفه

روش دیگری که امام در مبارزه با واقفه پی گرفت، نامه نگاری هایی بود که میان امام و بعضی از واقفیان رد و بدل می شد. به احتمال قوی، اولین نامه از جانب امام رضا علیه السلام به سه نفر از سران واقفه راجع به مطالبه اموال امام کاظم علیه السلام ارسال شده است. در آن نامه _ که به علی بن ابی حمزه و زیاد قندی و عثمان بن عیسی نگاشته شد _ آمده است: «آنچه در زمان پدرم از اموال و کنیزان نزد شما جمع شده است را اکنون به من تحویل دهید؛ زیرا من جانشین و وارث او هستم و میراث پدرم را تقسیم می کنم و برای شما نیز عذری نیست که آن اموال را بیش از این، نزد خود نگه دارید».

بعد از رسیدن نامه امام، علی بن ابی حمزه و زیاد قندی در جواب نامه امام، بدون اینکه نامی از اموال ببرند، رحلت امام کاظم علیه السلام را انکار نموده و مهدویت او را مطرح کردند اما عثمان بن عیسی در جواب نامه به امام نوشت: «اما بدان که پدرت موسی بن جعفر رحلت نکرده و هو حی قائم و من ذکر انه مات فهو مبطل بدان که اگر بنا بر ادعای تو رحلت هم کرده باشد، باز هم از این اموال چیزی به تو داده نمی شود زیرا پدرت در این رابطه چیزی نگفته بود»^(۲).

گاهی افرادی از واقفه برای امام نامه می نوشتند و از ایشان جواب می خواستند. در این باره از احمد بن ابی نصر بزنطی نقل شده است: من در امامت موسی بن جعفر توقف نموده و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نداشتم تا اینکه نامه ای به امام

ص: ۱۲۷

۱- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۶۱.

۲- الامامه و التبصره، ص ۷۵؛ علل الشرایع، ص ۲۳۶.

هشتم نوشتیم و مسائل را از او سؤال کردم. در این میان، یکی از مسئله‌های مهم را فراموش کردم؛ اما هنگامی که جواب امام را دریافت نمودم دیدم جواب تمام مسئله‌ها و از جمله آن مسئله که فراموش کرده بودم نگاشته شده است. من از این جریان به خود آمدم و از ادعای مهدویت نسبت به موسی بن جعفر بازگشتم و امامت امام رضا علیه السلام را قبول نمودم و پس از آن از امام تقاضای ملاقات کردم و امام در آخر همان روز مرا پذیرفت. (۱)

و در مواردی از این نامه نگاری‌ها، امام موضع منفی اتخاذ می‌کرد و از جواب دادن خودداری می‌نمود. در این رابطه نقل شده است که عده‌ای به امام نامه نوشته و سؤالاتی را مطرح کردند. در میان آن نامه‌ها، نامه فردی از واقفیان نیز بود. اما امام، نامه همه را جواب داد، جز نامه فرد واقفی را. (۲)

۵- استدلال به روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصوم علیهم السلام

یکی دیگر از رویکرد های مبارزاتی امام رضا علیه السلام در برابر ادعای واقفه، استدلال به روایات اجدادش درباره امامت دوازده امام و تبیین و تطبیق مصداق مهدی موعود به دوازدهمین امام بود. ایشان، بر این اساس اثبات می‌کردند که ادعای مهدی بودن امام هفتم از سوی واقفه، بر خلاف روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصوم علیهم السلام است.

در روایتی از حسین بن خالد نقل شده است که امام رضا علیه السلام در روایتی که به واسطه اجدادش از رسول خدا روایت شده بود، فرمودند: «هر کس دوست دارد که به دین من تمسک جوید، باید به علی بن ابی طالب علیه السلام که وصی و جانشین من است اقتدا نماید و پس از امیرالمؤمنین به دو فرزندم حسن و حسین، و پس از

ص: ۱۲۸

۱- الخرائج و الجرایح، ج ۲، ص ۶۶۲.

۲- الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۶۷.

آنها به فرزندان حسین، تسعه ائمه تاسعهم القائم من ولدی» (۱).

همچنین در روایت دیگری، امام رضا علیه السلام از پدرانش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که ایشان فرمود: «من و علی پدران این امت هستیم؛ هر کس ما را بشناسد خدا را شناخته و هر کس ما را انکار کند، خدا را انکار کرده است. بعد از ما، دو فرزندم سید جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، و بعد از ایشان، نه نفر از فرزندان حسین، پیشوایان این امت هستند که تاسعهم قائمهم و مهدیهم» (۲).

استدلال امام رضا علیه السلام به اینگونه روایات که مستند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و باقی معصومین بوده و در آنها بدون هیچ گونه ابهامی، نهمین فرزند از فرزندان معصوم امام حسین علیه السلام به عنوان مهدی و قائم معرفی شده بود، برای توجه دادن شیعیان به سوی مصداق واقعی مهدی موعود و ابطال اندیشه واقفه در طرح مهدویت نسبت به امام کاظم علیه السلام راهکاری بسیار ارزشمند بود که در اثر آن تعداد فراوانی از افراد فریب خورده به راه راست هدایت شدند (۳).

۶_ بیان علامات ظهور و نشانه های مهدی موعود

یکی دیگر از روش های علمی و کاربردی امام برای ابطال ادعای واقفه، بیان علامات و نشانه های عصر ظهور مهدی موعود و تطبیق آن با شخصیت امام دوازدهم بود که با شیوه های مناسب بازگو می شد.

در روایتی از ابا صلت هروی نقل شده است: از امام رضا علیه السلام سؤال نمودم: ما

ص: ۱۲۹

۱- کمال الدین، ص ۲۶۰.

۲- کمال الدین، ص ۲۶۱.

۳- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۴.

علامه القائم منکم اذ اخرج فقال علامته ان يكون شيخ السن شاب المنظر حتى ان الناظر اليه ليحسبه ابن اربعين سنه او دونها و اذا خرج القائم يقال له في التسليم السلام عليك يا بقيه الله؛ (۱) نشانه قيام کننده از شما خاندان چيست؟ امام فرمود: «نشانه او اين است که سنش بالا است؛ اما چهره اش جوان است و کسی که به او نگاه می کند گمان می کند که چهل ساله و یا کمتر است و زمانی که قيام کند در سلام ها به او گفته می شود سلام بر تو ای ذخيره خداوند».

همچنين علی بن فضال از پدرش نقل نموده که امام رضا عليه السلام فرمود: «شیعیان بعد از درگذشت سومین فرزندم، گرفتار حیرت می شوند؛ زیرا امام آنها از نظرشان غائب می شود» سپس درباره فلسفه غیبت او فرمود: «لثلا يكون في عنقه لاحد حجه اذا قام بالسيف» (۲).

همچنين امام رضا عليه السلام در موارد ديگري برای اینکه توجه شیعیان را از مهدی موعود بودن امام هفتم برگرداند و افکارشان را به سوی آینده رهنمون کند، مسئله انتظار مهدی موعود را مطرح می کرد و می فرمود: «ما احسن الصبر و انتظار الفرج فعليكم بالصبر ان هذا الامر ليس يجيى على ما يريد الناس انما هو من امر الله تبارك و تعالى؛ (۳) چه نیکو است صبر و انتظار کشیدن فرج؛ پس بر شما باد که صبر نمایید و این امر (فرج) آنگونه که مردم می خواهند واقع نمی شود؛ بلکه امر فرج از امور خداست».

ص: ۱۳۰

۱- الخرايج و الجرايح، ج ۳، ص ۱۱۷.

۲- علل الشرايع، ص ۲۴۵.

۳- قرب الاسناد، ص ۲۲۴.

این دعوت امام رضا علیه السلام برای انتظار کشیدن برای آینده، در مقابل ادعای واقفه بود که مهدویت را مسئله ای مربوط به گذشته و زمان امام هفتم می دانستند.

همچنین آن حضرت درباره زمان ظهور می فرمود: «لا یأتیکم الا بغته؛ (۱) وقت آن معین نیست» و نیز از جدش رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می نمود: «افضل عمال امتی انتظار فرج الله». (۲)

هم چنین در حدیث دیگری از پیامبر روایت کردند: «سوگند به آن خدایی که مرا به حق برگزید، یکی از فرزندانم غائب می شود تا زمانی که بعضی مردم ناامید شده و گویند ما دیگر احتیاج به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نداریم و بعضی در ولادت او شک کنند». (۳)

این روایات مربوط به نشانه ها و زمان ظهور، نمایانگر این حقیقت است که آن حضرت با تطبیق زمان ظهور بر آینده می خواست آشفتگی ها و تزلزلی را که توسط واقفه در فرهنگ شیعی ایجاد شده بود برطرف کرده، و فرهنگ انتظار را برای شیعیان زنده نماید.

۷ _ معرفی مصداق مهدی منتظر

با نگاهی تحلیلی و کاربردی به این بخش از روایات حضرت رضا علیه السلام می توان به این نتیجه دست یافت که تعیین مصداق مهدی منتظر از صریح ترین و روشنگرانه ترین موضع گیری های امام در برابر واقفه بوده است که در یک عملیات مقابله ای، ادعای آنان را باطل کرده است. در این قسمت به شواهدی در این زمینه اشاره می شود:

ص: ۱۳۱

۱- کمال الدین، ص ۳۷۲.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۶.

۳- کمال الدین، ص ۵۱.

ریان بن صلت می گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال نمودم: آیا شما صاحب این امر (امامت) هستید؟ امام فرمود: «آری؛ (یعنی امام هفتم) اما صاحب آن امر که زمین را پر از عدل می کند نیستم. ذلك الرابع من ولدی یغیبه الله ثم یظهره؛ (۱) آن آوردنده عدالت، چهارمین نفر از فرزندانم است که به امر خداوند، غائب شده، پس از آن به امر خدا ظاهر می شود». بیان «چهارمین نفر از فرزندانم»، نفی کننده ادعای واقفیه درباره امام کاظم علیه السلام بود.

در روایت دیگری از علی بن خالد نقل شده است که امام رضا علیه السلام درباره مصداق قائم فرمود: «روزی جدم امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: التاسع من ولدك یا حسین هو القائم بالحق المظهر للدين و الباسط للعدل؛ (۲) یا حسین! نهمین فرزند تو قیام کننده به حق و یاری کننده دین و گسترش دهنده عدالت است».

و نیز آن حضرت، در معرفی قائم فرمود: «بابی و امی سمی جدی رسول الله و شبیه موسی بن عمران یتوقد من شعاع ضیاء القدس؛ (۳) پدر و مادرم فدایش باد که هم نام جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و شبیه به موسی بن عمران است و از روشنایی انوار قدس، روشنی می گیرد».

هم چنین از ریان بن صلت نقل شده است که درباره قائم از امام رضا علیه السلام سؤال شد، حضرت فرمود: «لا یری جسمه و لا یسمی اسمه». (۴)

بنا به روایت دیگری در زمان امامت امام رضا علیه السلام درباره مصداق قائم، میان مردم،

ص: ۱۳۲

۱- الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۹.

۲- کمال الدین، ص ۲۰۳.

۳- الامامه و التبصره، ص ۱۱۴.

۴- کمال الدین، ص ۳۷۰؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

اختلاف افتاده بودند و حتی بعضی شیعیان، مانند ایوب بن نوح، خود آن حضرت را قیام کننده به عدل می دانستند. امام رضا علیه السلام برای برطرف شدن آن شبهات می فرمود: «بیعث الله لهذا الامر غلاماً منا خفی الولاده و المنشأ غیر خفی نسبه؛ (۱) خداوند برای این امر (اقامه عدل) یکی از جوانان ما را برمی گزیند که ولادت و محل زندگی او مخفی است، اما نسبش آشکار است».

و هم چنین از حسین بن خالد نقل شده که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: مراد از قائم خاندان شما کیست؟ حضرت فرمود: «الرابع من ولدی ابن سیده الاماء یطهر الله به الارض من کل جور و یقدسها من کل ظلم هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبه قبل خروجه فاذا خرج اشرفت الارض بنوره و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم احدٌ احداً و هو الذی ینادی من السماء یسمعه جمیع اهل الارض بالدعأ الیه یقول الا ان حجه الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه فان الحق معه و فیه؛ (۲) چهارمین فرزندم، پسر سروران کنیزان که خداوند، زمین را به واسطه او از هر ستم و جور پاک می گرداند. او کسی است که مردم در ولادت او شک می کنند و قبل از قیامش، غیبت می کند و زمانی که ظهور کند ترازوی عدل را میان مردم استوار می سازد».

دقت در فقرات حدیث و اوصافی که برای قائم بیان شده است روشن می کند

ص: ۱۳۳

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- کمال الدین، ص ۳۷۱ و ینابیع الموده، ص ۵۳۷.

که هیچ کدام با امام موسی بن جعفر علیه السلام قابل تطبیق نیست. از این رو می توان ادعا نمود که امام رضا علیه السلام در بیان این حدیث، به دنبال مبارزه با واقفه و تبیین مصداق واقعی مهدویت در اندیشه شیعه اثنی عشری بوده است.

همچنین آن حضرت درباره مصداق مهدی موعود به ریان بن صلت فرمود: «یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان ذلك الرابع من ولدی یغیبه الله فی ستره ما شاء ثم ینظره فیما الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛ (۱) عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست. او چهارمین فرزندم است که خداوند او را تا زمانی که بخواهد در پناه خود نماند، پس از آن، او را آشکار می سازد و زمین را با او پر از عدل می کند، آنگونه که پر از جور و ستم شده بود».

روایات فراوانی از امام رضا علیه السلام درباره تعیین مصداق مهدی منتظر در منابع وجود دارد که ما به جهت طولانی نشدن مقاله، از نگارش آن خودداری می نمایم.

۸_ منع شیعیان از ارتباط با واقفه

پس از ذکر هفت دسته از روایات امام رضا علیه السلام در مبارزه با واقفه، اینک مناسب است بر هشتمین راهکار مبارزاتی آن حضرت با واقفه اشاره شود که در حقیقت، این راهکار در کنار آن روایات، یک ضربه اساسی روحی و روانی علیه واقفه بود. حضرت می خواستند با به انزوا کشاندن واقفه، صف آنان را از صف شیعیان خود جدا نمایند؛ از این رو به شیعیان خود دستور می دادند که از مجالست و همراهی با واقفه دوری نمایند.

در بعضی منابع آمده است: «ینهی شیعه عن مجالستهم و

ص: ۱۳۴

مخالطهم»^(۱) و بر اساس همین ارشاد امام رضا علیه السلام بود که درباره رفتار شیعیان با واقفه نقل شده است: «فان الامامیه کانو فی غایه الاجتناب و التباعد عنهم حتی انهم کانوا یسمونهم الممطوره ای الکلاب التی اصابها المطر»^(۲)

در اثر همین روشنگری های امام رضا علیه السلام بعضی از شیعیان با واقفه مبارزه نمودند. به عنوان نمونه یونس بن عبدالرحمن گوید: پس از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام و ادعای مهدویت آن حضرت توسط وکلای ایشان، من دریافتم که آنان نسبت به حضرت رضا ستم می کنند؛ لذا پیوسته امامت امام رضا علیه السلام را تبلیغ می نمودم تا اینکه مروان بن زیاد قندی و علی بن ابی حمزه نزد من آمده، و به من گفتند: «چرا مردم را به سوی او (امام رضا علیه السلام) می خوانی؟ اگر مال می خواهی ما تو را بی نیاز می کنیم و برای توده هزار دینار ضمانت می کنیم تا از تبلیغ علی بن موسی الرضا دست برداری». من در برابر آنان مقاومت نموده، گفتم: «ما و شما از امامان معصوم علیهم السلام روایت می کنیم که آنها فرمودند: هر گاه بدعت ها آشکار شود بر عالمان و دانشمندان است که علم خود را آشکار سازند و اگر چنین نکنند نور ایمان از قلبشان بیرون می رود و ما کنت لادع الجهاد فی امر الله علی کل حال فناصبانی و اضمرالی العداوه»^(۳)

جمع بندی

از آنچه درباره واقفه نگارش یافت، می توان نتیجه گرفت که فرقه واقفه به

ص: ۱۳۵

۱- نهاییه الدراییه، ص ۴۴۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۹.

۳- علل الشرایع، ص ۲۳۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۳؛ غیبت طوسی، ص ۶۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۵۱.

دنبال زمینه های سیاسی و فرهنگی و با انگیزه صرفاً دنیایی بعد از شهادت امام کاظم به وجود آمد، آنان با سوء استفاده از اندیشه مهدویت در جامعه شیعی، و برای رسیدن به آرزوهای مادی شان رحلت امام موسی کاظم علیه السلام را انکار کرده و با ارائه تفسیر غلط از بعضی روایات، در میان شیعیان این شبهه را ایجاد کردند که امام موسی بن جعفر از دنیا نرفته؛ بلکه او همان امام قائم است.

امام رضا در برابر این گروه، موضع گیری می کرد و با روش های مناسب با آنها به مبارزه برمی خواست که در مسیر این مبارزه، بعضی از اصحاب و یاران امام نیز نقش داشتند.

در مجموع، بازتاب روشن مبارزه امام، بیدارسازی افکار شیعیان در برابر واقفه بود که حتی طبق اسناد و مدارک، افراد زیادی از پیروان واقفه به امام پیوسته و از واقفی گری توبه نمودند.

ابن شهر آشوب گوید: «عده ای از عقیده واقفه و مهدویت موسی بن جعفر برگشتند که نام آنها به این شرح است: عبدالرحمن بن حجاج، رفاعه بن موسی، یونس بن یعقوب، جمیل بن دراج، حماد بن عیسی، احمد بن محمد بن ابی نصر و حسن بن علی الوشا و...»^(۱)

همچنین علامه مجلسی می نگارد: «به جهت مبارزات امام رضا با واقفه و برخی معجزات آن حضرت، رجع جماعه من القول بالوقف مثل عبدالرحمن بن الحجاج، رفاعه بن موسی، یونس بن یعقوب، جمیل بن دراج، حماد بن عیسی و غیرهم و هولاء اصحاب ابیه الذین شکوفیه ثم

ص: ۱۳۶

رجعوا» (۱).

سرانجام اینکه گر چه دامنه بحث واقفه و مبارزه امام رضا و پس از ایشان، امام جواد با واقفه گری بیش از این هاست، اما در این اثر محدود، بیش از این، گنجایش بحث وجود ندارد.

ص: ۱۳۷

۱- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۵۸.

۱. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، مؤسسه اعلمی بیروت، ۱۰۳۹ق.
۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، منشورات شریف رضی، قم، ۱۴۱۶ق.
۳. احمد امین مصری، ضحی الاسلام، دارالکتب العربی، بیروت، بی تا.
۴. اسد، حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۹۰ش.
۵. امین، سید محسن، اعیان الشیعہ، تحقیق حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات بیروت، بی تا.
۶. بدوی، عبدالرحمن، تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام، ترجمه حسین صابری، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ش.
۷. بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعہ، مطبعه العلمیه، قم، ۱۳۶۶ش.
۸. حمیری، قمی، قرب الاسناد، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۳ق.
۹. خاقانی، شیخ علی، رجال خاقانی، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۰. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرایح، مؤسسه الامام المهدي، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۱. سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۷۰ش.
۱۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۳ش.
۱۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعہ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰ جلدی.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، مؤسسه اعلمی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۵. _____؛ الخصال، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات اسلامی، تهران، بی تا.
۱۶. _____؛ علل الشرایع، تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، مکتبه حیدریه نجف، ۱۳۸۵ش.
۱۷. _____؛ کمال الدین، تصحیح و تعلیق غفاری، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۵ق.
۱۸. _____؛ من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۴ق.

١٩. شيد مفيد، ابي عبدالله محمد بن محمد نعمان، الارشاد، مكتبه بصيرتي، قم، بي تا.

٢٠. _____؛ الفصول المختاره، دارالمفيد للطباعه و النشر، بيروت، ١٤١٤ق.

٢١. _____؛ اوائل المفايلات، تحقيق شيخ ابراهيم انصاري، دارالمفيد للطباعه و النشر، بيروت، ١٤١٤ق.

٢٢. صدر، سيد حسن، نهايه الدرايه، نشر مشعر، قم، بي تا.

ص: ١٣٨

۲۳. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، منشورات الاعلمی، تهران، ۱۳۶۲ش.

۲۴. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مؤسسه بعثت، قم، ۱۴۱۳ش.

۲۵. طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال، تلخیص رجال کشی، تصحیح حسن مصطفوی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مشهد، ۱۳۴۸ش.

۲۶. _____؛ الرجال، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۵ق.

۲۷. _____؛ الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ق.

۲۸. عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، المکتبه المرتضویه لاحیاء التراث الجعفریه، بی تا.

۲۹. عاملی، جعفر مرتضی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۱ش.

۳۰. علامه سبط بن جوزی، تذکره الخواص، انتشارات ذوی القربی، قم.

۳۱. قمی، ابن بابویه، الامامه و التبصره، تحقیق مدرسه الامام المهدی، قم، ۱۳۶۳ش.

۳۲. قدوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.

۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق غفاری، دارالکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۳ش.

۳۴. مازندرانی، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، انتشارات ذوی القربی، قم، ۱۴۲۱ق.

۳۵. مامقانی، اسدالله، تنقیح المقال فی احوال الرجال، المرتضویه، تهران، بی تا.

۳۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۳۷. نشار علی سامی، نشأه الفكر الفلسفی فی الاسلام، دارالمعارف مصر، قاهره، ۱۹۹۷م.

۳۸. نمازی، شیخ علی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۹ق.

۳۹. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعہ، مکتبه مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۵ش.

فرهنگ انتظار و مهدویت _ که راهبرد عصر غیبت است _ باید مورد اهتمام شیعیان و ارگان های جامعه شیعه، از جمله تولیت حرم های اهل بیت علیهم السلام باشد. در این میان، آستان قدس رضوی، به دلیل برخورداری از امکانات و شرایط بهتر و بیشتر، وظیفه سنگین تری دارد و باید با مدیریت امکانات، همه توان خود را صرف ترویج فرهنگ انتظار کند و در بنا و ساختمان ها، در نامگذاری صحن ها و رواق ها و سایر بخش های حرم، در تزئین و کاشی کاری ها و ... مسأله مهدویت را لحاظ کند و تالارهایی به یاد جلسات مناظره و شعر حضرت رضا علیه السلام برای مناظره و مشاعره های مهدوی اختصاص دهد. هم چنین می بایست برای استفاده در موزه و نمایشگاه ها، محصولاتی در موضوعات مختلف گردآوری شود، در بخش انتشارات، با محدود کردن حوزه چاپ به کتاب های اسلامی، از هدر رفتن هزینه ها جلوگیری، و در نشر کتاب های تحقیقی و ارزشمند برای گروه های مختلف

تلاش شود، با انتشار روزنامه و مجلات تخصصی و در زمینه مهدویت جای خالی این گونه نشریات، پر شود، برای استفاده بهینه مردم از کتابخانه، کتاب ها در موضوعات گوناگون بدون سختگیری در اختیار مردم قرار گیرد، برای استفاده از هنر، با رعایت همه جوانب احکام اسلامی برنامه ریزی شود، برای استفاده از وسایل ارتباطی جدید، مانند شبکه های ماهواره ای و اینترنت، تلاش شود و برای برگزاری همایش ها، مسابقات و مراسم ساده و ماندگار فکری کرد.

واژگان کلیدی: آستان قدس رضوی، فرهنگ انتظار و مهدویت، امکانات و راهکارهای تبلیغ.

مقدمه

مذهب شیعه، در هر عصری، یک استراتژی و راهبرد برای خود دارد که توسط امامان معصوم علیهم السلام مشخص شده است و ترسیم کننده بسیاری از وظایف فردی و اجتماعی شیعیان می باشد. اگر در عصر خلفای نخستین، پرهیز از مناقشه و احیاناً یاری رساندن به خلفا، در عصر حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام حضور در صحنه مدیریت، در عصر امام حسین علیه السلام، مبارزه با حکومت و در عصر صادقین علیهما السلام فرهنگ سازی و تعمیق باورهای اعتقادی و دینی، دل مشغولی اصلی شیعیان بود، در عصر غیبت نیز _ که بشر از ارتباط مستقیم با امام خویش محروم است _ فرهنگ انتظار، راهبرد می باشد که در برخی از روایات «افضل اعمال» شمرده شده است.^(۱)

بنابراین وظیفه هر فرد و ارگان شیعه، تعریف و تبلیغ این فرهنگ و عنصر اصلی آن، یعنی شناخت امام عصر علیه السلام می باشد؛ خصوصاً اینکه این فرهنگ _ به

ص: ۱۴۲

جهت شخصیت اصلی آن، از نظرها پنهان است _ همواره در معرض آسیب ها و انحرافات قرار دارد و ترویج آن، نیازمند دقت کامل است و باید دانشمندان و ارگان های مهم شیعه، متولی امر تبلیغ آن باشند تا از دستبرد شیادان در امان بماند.

حرم های مطهر ائمه علیهم السلام در هر کشوری به سبب انتسابی که به خاندان اهل بیت علیهم السلام دارند، باید در این زمینه، پیش قدم باشند؛ مخصوصاً آستان قدس رضوی علیه السلام که به جهت داشتن امکانات بسیار و قرار گرفتن در کشوری که حکومت آن نه تنها مانعی برابر تبلیغات دینی ایجاد نمی کند، بلکه خود پرچمدار تبلیغات دینی می باشد، وظیفه سنگین تری به دوش دارد. آستان قدس باید امکانات بالقوه و بالفعل خود را بشناسد و آنها را برای تبلیغ دین، به خصوص فرهنگ انتظار و مهدویت بسیج کند.

آنچه در این مقاله به آن پرداخته می شود امکاناتی از آستان قدس رضوی علیه السلام می باشد که می توان با مدیریت عاقلانه و دقیق برای تبلیغ فرهنگ انتظار و مهدویت به کار گرفته شوند، اما در حال حاضر استفاده بهینه و کارآمد از آنها نمی شود. این امکانات، تحت چند عنوان بررسی می شوند.

بنا و ساختمان

اشاره

در همه جای دنیا، مکان هایی که پذیرای جمعیت فراوانی می باشند، فرصتی بزرگ برای شرکت ها و ارگان های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی محسوب می شوند تا بتوانند خود و محصولات خود را معرفی و تبلیغ کنند و برای این کار، حاضرند مبالغ کلانی را صرف نمایند. شاهد این ادعا، تبلیغات گسترده ای است که در ورزشگاه ها، جاده ها و ... صورت می گیرد.

آستان قدس رضوی علیه السلام همه ساله پذیرای میلیون ها زائر از داخل و خارج از ایران می باشد که این جمعیت، در ایام تعطیل، نوروز و شهادت حضرت رضا علیه السلام

به اوج خود می‌رسد و این فرصتی بسیار ارزشمند برای آستان قدس است که با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت درست، از آن استفاده کند. یکی از مهمترین امکانات تبلیغی آستان قدس، نوع معماری و چهره و تزئینات ساختمان حرم است که تولید برای بهره‌برداری درست از این امکان، چند مهم را باید انجام دهد:

۱_ تبلیغ با استفاده از چهره ظاهری ساختمان حرم

بناها همیشه گویای مذهب و فرهنگ خاصی هستند. معماری اسلامی با معماری یهودیت و مسیحیت، و این سه، با معماری زرتشتیان و بوداییان تفاوت آشکاری دارد. هم‌چنین هر آئین و مذهبی در عصرهای مختلف، معماری ویژه خود را دارد، مثلاً میان معماری عصر بنی‌امیه با بنی‌عباس و عثمانی، یا صفویه با قاجاریه تفاوت روشنی دیده می‌شود. این تفاوت‌های آشکار به جهت مؤلفه‌هایی است که در هر آئین و هر عصری مراعات می‌شود و بیشتر به سبب برداشتی است که پیروان هر دینی از اعتقادات و فرهنگ دینی خود دارند و می‌خواهند با آن معماری، تابلو و پرچمی برای دین خود ایجاد کنند تا هر بیننده‌ای، در هر زمانی، با نگاه به آن معماری و مضامین دینی که در تزئینات و کاشی‌کاری‌ها استفاده شده است، به فرهنگ و آئین آنان پی‌برد.

به همین دلیل، در نوع معماری ساختمان و نامگذاری قسمت‌های مختلف آن و نیز در تزئینات آن، از منابع دینی خود بهره‌می‌برند و تا این بنا پا برجاست، پرچمی بزرگ برای آن آئین و فرهنگ خواهد بود.

گفتنی است هر اندازه که متولی امر ساختمان، دانشمندتر و به منابع دینی و اولویت‌های آن واقف‌تر باشد، استفاده‌ای که از منابع دینی در ساختمان می‌شود، بهتر و بجاتر خواهد بود. به همین سبب در ساختمان‌هایی که توسط علما ساخته

می شود، از اعتقادات اصیل و روایاتی استفاده می شود که در شأن دین و مذهب باشد، اما در بناهایی که توسط افراد ناآگاه ساخته می شود _ مانند بناهایی که در عصر قاجار زیر نظر روضه خوانان ساخته شد _ به امور سطحی پرداخته می شود. مقایسه ساختمان مدرسه چهارباغ اصفهان با خانقاه دراویش در خیابان بهشت تهران و مدرسه قنبرعلی خان تهران برای اثبات ادعا کافی است.

اگر آستان قدس رضوی علیه السلام می خواهد از این مهم به درستی استفاده کند تا هر زائری با ورود به بخش های مختلف حرم، با عقاید و فرهنگ اسلامی از جمله فرهنگ انتظار آشنا شود و در واقع، ساختمان حرم، معرف و زبان معارف اسلام، باشد باید همه ساخت و سازها را تحت نظارت مدیرتی واحد و متمرکز و عالم قرار دهد که در امور مختلف معماری، هنری و دینی، مشاورینی قوی داشته باشد تا بتواند در همه مراحل ساخت و ساز، نامگذاری اماکن مختلف حرم و نیز استفاده ای که از مضامین دینی در کاشی کاری ها و تزئینات می شود، همه جوانب فرهنگ اسلامی را با رعایت اولویت ها و اهمیت ها مد نظر قرار دهد. مثلاً صحن ها و مکان های مهم تر را به مسائل اصلی شیعه مانند غدیر، عاشورا و مهدویت اختصاص دهد و مسائل فرعی را به مکان های فرعی واگذارد. اما آنچه که اکنون در بناهای حرم مشاهده می شود، نشان از بی دقتی و درهم ریختگی و آشفتگی مدیریتی دارد که در شأن چنین بنای با عظمتی نیست.

زائر آستان با نگاه به اسامی صحن ها و رواق ها و مضامین دینی استفاده شده، نمی تواند به مسائل اصیل اسلام پی ببرد، بلکه متوجه بی دقتی می شود و دیگر توجهی به مضامین نمی کند. مثلاً از میان چند صحن معدودی که آستان قدس دارد، سه صحن آن به نام های مشابه «جمهوری اسلامی»، «انقلاب» و «آزادی» اختصاص داده شده است، که هر چند تبلیغ نظام اسلامی ضروری است _ زیرا در دنیای کنونی، تنها پرچم برافراشته شیعه و عدالت خواهی می باشد _ اما نامگذاری

یکی از صحن ها به این مضمون کافی بود و می شد که بقیه صحن ها را به نام های دیگری، مانند غدیر، عاشورا و مهدویت اختصاص داد که خود، ریشه تشکیل جمهوری اسلامی هستند.

چقدر زیبا و ماندگار و مؤثر بود اگر یکی از صحن ها را به مهدویت اختصاص می دادند و از نامگذاری صحن و ورودی های آن گرفته تا تزئین و کاشی کاری ها، تنها از عناوین و احادیثی که مربوط به امام زمان علیه السلام و مهدویت هستند، استفاده می کردند؛ احادیث مربوط به نام، ولادت و اوصاف آن حضرت، نشانه های ظهور و احوال آخرالزمان، ارزش و فضیلت انتظار و منتظران و موضوعاتی از این قبیل، تا زائری که وارد آن صحن می شود و در آن قدم می زند، هنگام خروج، اطلاعات جامعی درباره مهدویت پیدا کند. در واقع، آن صحن می توانست کتابی بزرگ باشد که در یک زمان، افراد بسیاری مشغول مطالعه آن هستند.

تنها در این صورت است که مضامین استفاده شده، ارزش واقعی خود را پیدا می کنند، و گرنه جز زیبایی و تزئین، کاربردی نخواهند داشت. در نامگذاری سایر بخش های حرم هم، آشفتگی و عدم رعایت اولویت کاملاً مشهود است. آیا نام و عنوانی مهم تر از «دارالتلاوه» و «دارالزهد» وجود ندارد؟ در نامگذاری بست ها هم تنها نام علمایی آمده است که یا خراسانی هستند و یا در خراسان به خاک سپرده شده اند؛ اما آیا اولوبتی مهم تر از آن یافت نمی شد؟

۲_ ایجاد تالارهای ویژه

یکی از کارهایی که اگر در ساختمان حرم لحاظ شود، بسیار مؤثر واقع خواهد شد، احداث تالارهای ویژه است؛ مثلاً برای یادمان جلسات مناظره عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امام رضا علیه السلام با بزرگان ادیان و مذاهب گوناگون، تالاری ساخته شود تا با تاسی به ایشان، در آن مکان درباره مسائل مختلف، از جمله مسأله مهدویت و انتظار، مناظره و بحث های آزاد صورت گیرد. در چنین تالاری، باید همه شرایط

مناظرات امام رضا علیه السلام نیز کاملاً- مراعات شود؛ مثلاً- اینکه بحث میان نفرات اول یا برترین های هر آئین و مذهبی برگزار می شود،(۱) طرف های بحث، از شرایط مساوی برخوردار باشند و با آزادی کامل به دفاع از عقاید خود بپردازند. هم چنین باید مانند آن دوران، اطلاع رسانی کافی صورت گیرد و امکان حضور اقشار مختلف مردم در جلسه مناظره فراهم شود و مناظرات، از شبکه های مختلف به صورت زنده پخش شود و در روزنامه و مجلات، مخصوصاً نشریات حرم، انعکاس یابد.

این هنر آستان قدس است که با فراهم کردن شرایط، از بزرگان آئین ها و مکاتب دعوت به عمل آورد و هیچ ملاحظه سیاسی و غیر سیاسی را در بحث ها دخالت ندهد. کاملاً پیداست که اگر مناظرات با همان اوصاف برگزار گردد، طولی نمی کشد که شهرت و سر و صدای این جلسات به سراسر دنیا می رسد. در این صورت، چهره واقعی اسلام و مذهب تشیع - که ارزش والایی برای دانش و تحقیق قائل است(۲) - رخ می نماید و چهره مخدوش آن که توسط دشمنان و جاهلان ترسیم شده است از بین می رود و تمایزی کامل با مذاهب منحرف - که به نام اسلام، چهره آن را خراب کرده اند - پیدا می کند. در این صورت، دیگر تبلیغات منفی دشمنان، اثری در چهره پر فروغ تشیع ایجاد نخواهد کرد. همچنین با گسترش این نوع مباحث است که در ذهن مردم و جوانان سؤال و پرسش، ایجاد می شود و باعث کنجکاوی و رشد استعدادها و تعمیق باورهای آنان می گردد؛ چون در سایه ذهن فعال و پرسشگر است که انسان، فعال می شود و به دنبال واکاوی منابع دینی می رود، و گرنه ذهن خمود و خاموش، جز تن پروری نتیجه ای به دنبال نخواهد داشت.

هم چنین مناسب است که تالاری هم برای جلسات شعر و مشاعره ساخته شود

ص: ۱۴۷

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۳.

۲- رک: اصول کافی، ج ۱، باب فضل العلم.

تا یاد جلساتی که حضرت امام رضا علیه السلام با شاعران داشتند زنده گردد؛ جلساتی که شاعرانی چون دعبیل خزاعی اشعار خود را برای حضرت می خواندند(۱) و مورد تشویق ایشان واقع می شدند. تشکیل این جلسات در حرم، هم یادمانی از جلسات حضرت امام رضا علیه السلام است و هم در رشد و شکوفایی ادبیات و شعر آئینی و دینی تأثیر بسزایی دارد؛ مخصوصاً اگر مدیریت عاقل و کاردانی جلسات را مدیریت کند و در گروه های مختلف سنی و تحصیلاتی، جلسات شعر برگزار کند و در ایام خاص، مانند محرم، و ایام ولادت و شهادت ائمه علیهم السلام اشعار مناسبی خوانده شود و در روزهای جمعه و ایام شعبان جلسات را به مهدویت و انتظار اختصاص دهند و امکان پخش جلسات از شبکه ها، مخصوصاً شبکه مخصوص حرم فراهم شود و در نشریات آستان قدس نیز بازتاب پیدا کند و قبل از جلسات، اطلاع رسانی کافی صورت بگیرد. در این صورت می توان امیدوار بود که شاعران و ادیبان زیادی به سمت مسائل دینی، خصوصاً مسأله مهدویت و انتظار روی آورند و از این طریق نیز _ که بسیار مؤثر و کارساز است _ مسأله مهدویت ترویج پیدا کند. چرا که یکی از مهم ترین خواسته های هر ادیب و شاعری، امکان نشر و پخش آثارش می باشد که با این روش، نتیجه از قبل کاملاً معلوم و مشخص می باشد.

۳_ ایجاد محیط نشاط آور و روح بخش در حرم

برای هر فعالیت فرهنگی یا اقتصادی ایجاد محیط مناسب از مهم ترین شرایط موفقیت می باشد که ساختمان و نوع معماری و نحوه شکل ظاهری و رنگ آمیزی آن در رسیدن به هدف مورد نظر کمک کند. امروزه این مقوله در شرکت های بزرگ فرهنگی و اقتصادی کاملاً مراعات می شود؛ مثلاً غذاخوری های زنجیره ای «مک دونالد» _ که هدفی جز جذب مشتری ندارد و در بسیاری از کشورها

ص: ۱۴۸

شعبه هایی را احداث کرده است _ در رنگ آمیزی سالن، از ترکیب دو رنگ قرمز و نارنجی استفاده می کند که اولاً بسیار جذاب است و هر رهگذری را به سمت خود می کشاند و ثانیاً پس از دقایقی خسته کننده می شود و مشتری را مجبور می کند که زود بیرون رفته و جای خود را به دیگری بدهد.

آستان قدس رضوی علیه السلام هم نباید از این مقوله غافل باشد؛ بلکه باید ساخت و سازها را در جهت اهداف عالی خود قرار دهد. یکی از مهم ترین مقوله ها در مسائل معنوی، احساس آرامش در محیطی است که قرار است کاری دینی و معنوی در آن انجام گیرد و درست به همین دلیل است که آستان قدس در بند سوم از بخش «اماکن» چشم انداز بیست ساله خود، ایجاد فضایی آرامش بخش و سرشار از معنویت و روحانیت را در دستور کار خود قرار داده است. (۱) اما آیا واقعاً ساخت و سازهای آستان در این جهت قرار دارد؟

امروز، انسان خسته از ماشین و صنعت، دنبال مکانی می گردد که طبیعت را کاملاً در آن حس کند و در واقع به اصالت طبیعی خود باز گردد که اتفاقاً در فرهنگ انتظار و مهدویت هم عنصر بازگشت انسان به اصالت خویش، عنصری بسیار برجسته است؛ مثلاً در دعای عهد، از ظلم و فساد گسترش یافته توسط بشر، شکایت می شود. (۲)

این در حالی است که هیچ اثری از طبیعت در حرم موجود نمی باشد و با آنکه آستان قدس در بند هفتم از بخش «اماکن» چشم انداز بیست ساله خود تأکید کرده است که باید «حافظ میراث فرهنگی، هنری و معماری اصیل ایرانی اسلامی باشد» (۳) و از سویی، حضور طبیعت در معماری ایرانی _ اسلامی کاملاً مشهود و

ص: ۱۴۹

-
- ۱- پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، به نشانی www.agrazavi.org.
 - ۲- مفاتیح الجنان، ص ۹۴۳؛ المصباح، ص ۷۳۰.
 - ۳- پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، به نشانی www.agrazavi.org.

هویدا است و در این معماری، صحن‌ها به صورت چهارباغ ساخته می‌شوند و صحنی بدون درخت یافت نمی‌شود، اما صحن‌های آستان از حضور درخت، محروم است و اگر هم سابقاً در صحن انقلاب آبی جاری بوده و درختانی کاشته شده بودند، امروزه خبری از آنها نیست.

واقعاً چه ضرورتی دارد که همه اطراف حرم ساخت و ساز شود و به صورت صحن درآید؟ آیا نمی‌شد در کنار صحن‌های موجود، اطراف حرم را به صورت فضای آزاد درست می‌کردند و دور آن را درخت چنار می‌کاشتند یا فضای باز را با کاشت درخت به صورت صحن در می‌آوردند که در آن صورت، یک هزارم هزینه فعلی را هم صرف نمی‌کردند؟ درحالی که صحن‌های جدید، هزینه‌های بسیاری را _ از هزینه میله‌های آهنی و بتون کاری گرفته تا تزئین و کاشی کاری _ داشته است و در عین حال، زیبایی بناهای سابق را هم ندارد. آیا شکوه ساختمان، این اندازه مهم است که در چشم انداز نیز در بند اول قرار گرفته است؟ (۱) آیا شکوه ساختمان به این است که اثری از طبیعت در آن نباشد و کارهای زیبای کم‌خرج، جای خود را به کارهای نازیبا و پرخرج دهند؟ آیا ساختن مناره‌های متعدد بی‌فایده پرخرج، از شکوه ساختمان محسوب می‌شود؟!

موزه

از آنجا که موزه‌ها در بردارنده اشیای ارزشمند و آثار باستانی و ماندگار هستند، یکی از ضمانت‌های بقای تمدن‌ها و فرهنگ‌ها محسوب می‌شوند و امروزه در کشورهای مهم، سرمایه‌گذاری فراوانی برای آنها می‌شود؛ به گونه‌ای که با صرف هزینه‌های بسیار، نفایس همه کشورها و فرهنگ‌ها را به موزه‌های خود جذب می‌کنند تا در مدتی کوتاه، به یکی از پر درآمدترین محل‌های توریستی تبدیل

ص: ۱۵۰

شوند. آنان در کار خود آن چنان جدی هستند و پشتکار دارند که موزه های آنها از مهم ترین مراکز تحقیق درباره هر کشور و فرهنگی محسوب می شود و هیچ محققی در هیچ کشوری از مراجعه به آنها بی نیاز نیست و بسیاری از گردشگران می گویند برای بازدید از تخت جمشید باید به موزه فرانسه رفت!

در یک گزارش از موزه «لوور» فرانسه آمده است: «تعداد بازدید کنندگان لوور از هر مکان توریستی بیشتر است. سال گذشته، از این موزه که ۳۵۰۰۰ قطعه هنری را در مساحتی بالغ بر ۵۶۰۰ متر جای داده است، بالغ بر سه میلیون نفر، یعنی بیش از جمعیت سوئیس و دانمارک، بازدید کردند. این موزه آنچنان گسترده است که می تواند کشوری محسوب شود»^(۱). درباره موزه «علوم» لندن نیز چنین گزارش شده است: «در لندن چندین موزه قرار دارد که موزه علوم آن از همه جذاب تر است؛ بلکه جذاب ترین مرکز نمایشگاهی و علوم و فناوری در سراسر جهان محسوب می شود. این نمایشگاه بزرگ، از یک نمایشگاه ساده شروع شد و باعث شد که چندین موزه هم در کنار آن احداث شود. در این مرکز، بیش از ۳۰ گالری وجود دارد که در آن، طیف وسیع و هیجان انگیزی از علوم، مانند انرژی، اکتشافات فضایی، روان شناسی، اندازه گیری زمان، کشتیرانی، آنتن و ... در چهار گروه علوم پزشکی، فناوری اطلاعات، ارتباطات و مهندسی نمایش داده می شود. در این مجموعه بالغ بر ۱۲ هزار وسیله متنوع از عصر سنگی تا به امروز موجود است و ابداعات و اکتشافات تمام کشورها و سرزمین ها _ از تولید آتش به روش خاص اسکیموهای آمریکای شمالی گرفته تا ابزار آلات عجیب و غریب اروپای شرقی و ژاپن _ را در خود جای داده است. می باشد همچنین زندگی در عصر ۲۰۵۰ و مسافرت های فضایی در گالری آینده نمایش داده می شود و از

ص: ۱۵۱

بازدیدکنندگان می خواهند که درباره فناوری هایی که فکر می کنند در آینده تولید می شود صحبت کنند» (۱).

با توجه به ارزش بالای موزه است که آستان قدس در بند چهارم از بخش «فرهنگی» چشم انداز بیست ساله خود تأکید می کند که غنی ترین و فعال ترین موزه را میان موزه ها و گنجینه های اسناد و نفایس، در منطقه و جهان اسلام ایجاد خواهد کرد؛ اما موزه آستان قدس، تا کنون در میان موزه های برتر و مطرح دنیا قرار نگرفته است. این در حالی است که آستان قدس رضوی می تواند به واسطه موزه نیز فرهنگ تشیع و از جمله، فرهنگ انتظار و مهدویت را گسترش دهد.

اما باید نکاتی را مدنظر قرار دهد. یکی از آن نکات، این است که با گسترده تر کردن موزه، به فکر کسب درآمد نباشد و برای بازدید عموم و نمایش در شبکه های تلویزیونی مانع ایجاد نکند. همچنین می بایست همه توان و نفوذ خود را برای جذب آثار و نفایس بر اساس اولویت ها و اهمیت ها به کار بندد و اولویت اصلی خود را آثار ارزشمند اسلامی قرار دهد که برای اثبات عقاید شیعه ضروری هستند؛ چرا که دیدن یک چیز، بسیار مؤثرتر از شنیدن آن است. مثلاً برای اثبات تواتر حدیث غدیر، ممکن است چندین سخنرانی انجام شود، اما هیچ کدام اثری را که با دیدن نسخه خطی جمله معروف امام الحرمین، جوینی، حاصل می شود ندارد. جمله ای که در آن با تعجب گفته بود: «کتابی را در بغداد، نزد صحافی دیدم که روایات غدیر در آن نوشته شده بود: و روی آن نوشته بودند جلد بیست و هشتم از اسناد حدیث غدیر، و بعد از آن، جلد بیست و نهم بود» (۲).

باید هر یک از عقاید شیعه را در بخشی قرار دهند؛ مثلاً بخشی را به امامت اختصاص دهند و آثار باقی مانده از کاشی کاری ها و نسخ خطی حدیث و اشعار

ص: ۱۵۲

۱- خبرگزاری ایسنا، به نشانی kermanshah.isna.ir/default.aspx.

۲- ینابیع الموده، ص ۳۹.

قدیمی و قطعه های ادبی مرتبط با آن را در آن بخش گردآورند. و هر چقدر می توانند عناوین را کوچک تر قرار دهند تا اثرش در ذهن بازدید کننده ماندگارتر و برای محقق راه گشایتر باشد. در همه بخش ها، اولویت را به آثاری دهند که به دلایل مختلف، مورد بی مهری مخالفین قرار گرفته و سعی شده است که نابود شوند؛ مثلاً آثار باستانی که در آن نشانه های پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان، مخصوصاً حضرت امام زمان آمده است باید مورد پیگرد جدید آستان باشد و همین طور نسخ خطی کتاب های تفسیری و حدیثی که از اهل سنت به رشته تحریر در آمده و در ضمن آنها، فضایل و مناقب اهل بیت ذکر شده و برای اثبات امامت و فرهنگ تشیع کاربرد مؤثر دارد، باید جمع آوری شود و در دسترس محققین قرار گیرد. به دلیل اهمیت و ارزش این سندهاست که اهل سنت از چاپ آنها خودداری می کنند و حتی گفته می شود آن احادیث را از کتاب هایشان حذف کرده اند.

از آیت الله علامه امینی نقل شده است: «در سال ۱۳۱۳ وقتی کتاب شرح عقاید چاپ شد، هفت صفحه از این کتاب حذف گردید. از جمله مطالب حذف شده، حدیث معروف نبوی است که حضرت می فرمایند: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة!»^(۱)

بنابراین آستان قدس به عنوان حافظ میراث اسلامی باید با تمام توان از محو شدن آثار نبوی و اسلامی جلوگیری کرده و آنها را در معرض استفاده قرار دهد. همچنین موزه آستان مانند سایر موزه های بزرگ می بایست به فکر ایجاد نمایشگاه های موقت در شهرها و کشورهای مختلف باشد و با این شیوه، مجموعه های نفیس فرهنگی خود را _ که در واقع سند معارف تشیع می باشد _

ص: ۱۵۳

شهر به شهر به نمایش در آورد و با این کار، از هر گونه انحراف فکری و تحریف اسناد اسلامی جلوگیری کند.

اگر آستان قدس بخواهد در امر مهدویت، موفقیت کامل را به دست آورد، باید با برنامه ریزی دقیق و در عنوانهای کوچک و اثرگذار، آثار ارزشمند را جمع آوری کرده و در معرض نمایش قرار دهد؛ مثلاً نسخه ها و آثاری دال بر این هستند که امام زمان علیه السلام از فرزندان امام حسین علیه السلام می باشد یا آثار مرتبط؛ ولادت ایشان، علائم ظهور، فتنه های آخر الزمان، ارزش انتظار و استواری بر عقاید در آخر الزمان، نواب اربعه، نواب عام، وظیفه منتظران در عصر غیبت در مواجهه با حوادث و وقایع و رجوع به فقیه عادل، ارتباط با امام عصر علیه السلام و مسائلی از این قبیل، برای این کار، مناسب هستند. هم چنین می توان درباره راز طول عمر آن حضرت، علاوه بر احادیث اسلامی، از آثار سایر ادیان درباره انبیاء، کشفیات باستان شناسان و زیست شناسان درباره امکان طول عمر انسان و سایر موجودات استفاده کرد.

موزه آستان قدس باید بخشی را به کسانی اختصاص دهد که با سند صحیح و درست، روایت شده که موفق به دیدار حضرت شده اند و آثار ارزشمند آنان و دلایل صدق رؤیت را در آنجا جمع کنند. یا بخشی را به کسانی اختصاص دهند که با ادعای نیابت، باعث انحراف و گمراهی شدند، مانند سران بایه؛ و هر چه سند درباره دروغگویی، خیانت و وابستگی آنان به اجانب موجود است، در آنجا گرد آورند. و نیز قسمتی را به کسانی اختصاص دهند که با ادعای مهدویت قیام کرده و شکست نخورده اند، مانند بعضی از سادات حسنی علیه السلام. این بخش از آن جهت سودمند است که میزان قوت و قدمت مهدویت را، که حتی پیش از ولادت حضرت امام زمان علیه السلام مطرح بوده، نشان می دهد. تا حدی که با شکست خوردن یک مدعی، مدعی دیگری می توانسته است با این ادعا یار و انصاری جمع کند و پیروزی و شکست خوردن مدعیان، آسیبی به اصل اعتقاد به وجود حضرت

مهدی علیه السلام و قیام آن حضرت نمی زد.

اگر با این برنامه ریزی و تقسیم بندی، موزه حرم را شکل دهند، بازدیدکنندگان در حالی از موزه خارج می شوند که گویا کتاب های متعدد و سودمندی را مطالعه، و اطلاعات کافی و کاملی را درباره مهدویت کسب کرده اند. این تقسیم بندی را در بقیه معارف، مانند غدیر و عاشورا و شهادت حضرت زهرا علیها السلام هم می توانند انجام دهند؛ اما آنچه اکنون در موزه حرم مشاهده می شود، از سکه هایی که در گوشه ای قرار داده شده تا ماهی آدم نما، نشان از بی دقتی در امر موزه داری است.

نمایشگاه

یکی از اقدام های تبلیغاتی در عصر حاضر، ایجاد نمایشگاه است که با موضوعات مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برگزار می شود و بسته به کیفیت، کمیت و اهمیت نمایشگاه، بازدیدکنندگان را به خود جذب می کند. بعضی از نمایشگاه ها به سبب تنوع محصول و حضور مستمر بازدیدکنندگان به صورت دائمی برگزار می گردند؛ اما برخی دیگر به صورت موقت برگزار می شوند و هر نوعی هدفی را دنبال می کند. نمایشگاه آنقدر اثر دارد که برای حضور در آن، مبالغ کلانی توسط شرکت ها و ارگان های فرهنگی و اقتصادی صرف می شود. بنابراین آستان قدس رضوی هم باید برای استفاده از این ابزار تبلیغی در عرصه های دینی از جمله فرهنگ انتظار و مهدویت برنامه ریزی نماید.

آستان قدس می بایست همه توان و امکانات خود را برای گسترش و کارآمدتر کردن نمایشگاه به کار ببرد و مانند برخی از نمایشگاه ها تنها به نمایش چند کتاب و سی دی سخنرانی و فروش آنها اکتفا نکند؛ چراکه اساساً نمایشگاه برای فروش محصولات نیست، آنگونه که در برخی از نمایشگاه های ایران مرسوم است؛ بلکه تنها جنبه معرفی و تبلیغ محصول، مد نظر می باشد.

آستان قدس به علت رفت و آمد مستمر زائران می تواند در شهر مشهد

نمایشگاه دائمی برگزار کند و هم در کشورها و شهرهای مختلف نمایشگاه های موقتی برپا نماید. و باید برای برپایی این نمایشگاه ها در موضوعات مختلف برنامه ریزی کند و از فرصت های به دست آمده استفاده برد. مثلاً هنگامی که پاپ، اسلام را متهم به خشونت کرد و یا در کشورهای غربی با کشیدن کاریکاتور، به پیامبر اسلام توهین شد، آستان قدس می تواند در همان شهری که پاپ سخنرانی کرد و در کشورهایی که آن کاریکاتورها منتشر شد، نمایشگاهی برپا کند و با جمع آوری اسناد معتبری که در موزه خود دارد و با امانت گرفتن اسنادی که در سایر ارگان ها و موزه هاست و نمایش دادن اسناد انسان دوستی حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام جنگ و صلح، منع کردن ایشان از کشتن ناتوانان و کودکان و زنان در جنگ ها، جلوگیری از آسیب رساندن به حیوانات و مزارع، آغازگر نبودن در جنگ ها، انعقاد پیمان های صلح با کفار و اهل کتاب باقی جلوه های محبت در سیره ایشان و سایر اهل بیت علیهم السلام، پاسخ روشن و دندان شکنی به آنها بدهد. کسانی که از حرف ها و کاریکاتورهای موهن متأثر شده بودند نیز با دیدن این اسناد، می توانند درباره طرفین قضاوت کنند.

یا در همین مورد اخیر، که آن گستاخ آمریکایی، قرآن مجید را به اتهام خشونت گرا بودن به آتش کشید، نظیر این کار باید در شهرها و کشورهای مختلف انجام می شد.

در زمینه مهدویت نیز در شهرها و کشورهای مختلف، در ایام مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند جمعه ها و ایام شعبان می توان نمایشگاه هایی ترتیب داد و یا هنگامی که در شهر یا کشوری شبهات مؤثری مطرح می شود، در همان زمینه، برپایی نمایشگاه بسیار مؤثر خواهد بود و همه اثرات منفی شبهات را از بین خواهد برد. مهم ترین رکن موفقیت، برنامه ریزی و استفاده از همه توان و در نظر گرفتن جوانب مسائلی است که درباره آن نمایشگاه برپا شده است.

پیدا کردن محصولات نمایشگاهی در همه بخش ها و موضوعات مربوط به مهدویت یا هر موضوعی مانند شهادت حضرت زهرا علیها السلام یا غدیر، راحت تر از پیدا کردن اقلام موزه ای است؛ زیرا اقلام موزه ای را می توان در نمایشگاه استفاده کرد _ همان طور که موزه های مختلف دنیا، نمایشگاه هایی هم در کشورها و شهرهای مختلف برگزار می کنند _ اما همه محصولات نمایشگاهی در موزه کاربرد ندارد.

انتشارات

آستان قدس رضوی، تولید چندین انتشارات را بر عهده دارد که از جمله آنها «نشر به نشر» و «انتشارات بنیاد پژوهش های آستان قدس» است که برخی از آنها، مخصوصاً انتشارات بنیاد، بسیار موفق بوده، و توانسته اند بسیاری از کتب مرجع را به صورت روشمند و درست، تصحیح و تحقیق کرده و به چاپ برسانند؛ اما این تلاش ها نمی تواند در حد و اندازه چشم اندازی باشد که آستان قدس در امور فرهنگی ترسیم، و در بند دوم آن تأکید کرده است که باید جایگاه والایی در رشد و تعمیق باورهای اعتقادی و اخلاقی و پاسخگویی به سؤالات امت اسلامی کسب کند. (۱)

بررسی ساده کتاب های انتشار یافته توسط آستان، عدم اختصاص وقت کافی برای کتاب ها و عدم رعایت اولویت ها را گواهی می دهد که ناشی از نبود مدیریت آگاه به اولویت ها است. هر چند آستان قدس در چشم انداز بیست ساله خود تأکید می کند که در تعمیق باورهای اعتقادی جایگاه برتری خواهد یافت، اما بودجه محدود خود را صرف موارد بی ربط به اعتقادات می کند. برای اثبات این ادعا کافی است سری به فروشگاه انتشارات آستان بزنیم. نشر کتاب های مختلف در زمینه های گوناگون، از برخی از انتشارات آستان قدس تعجب آور نیست؛ آنچه

ص: ۱۵۷

باعث حیرت است کتاب هایی است که توسط بنیاد پژوهش های آستان نشر یافته است، در حالی که در اساسنامه آن آمده است: «محور اصلی فعالیت های بنیاد عبارت است از توسعه فرهنگ اسلامی در جهت عمق بخشیدن به باورهای دینی و گسترش معارف شیعی، نشر علوم اسلامی و معارف حقه جعفری در پرتو پژوهش های بنیادی، احیاء و نشر ذخایر و نفایس علمی _ اسلامی و ارتقای سطح علمی نیروهای پژوهشی در حوزه علوم اسلامی». (۱) مثلاً در کتابنامه ای که در سال حاضر، توسط بنیاد، منتشر، و در آن، همه کتاب های نشر یافته بنیاد، معرفی شده است، چندین کتاب در حوزه علوم ریاضی، طبیعی و تکنولوژی به چشم می خورد. (۲)

همچنین کتاب های متعددی درباره تاریخ و جغرافیای بعضی از شهرها به چاپ رسیده است که ربطی به مسائل اسلامی ندارد. مانند کتاب «افغانستان و ایران»، «تاریخ آسیای مرکزی»، «تاریخ آفریقای مرکزی» و کتاب هایی از این دست که در کتابنامه مذکور ذکر شده اند. (۳)

یکی دیگر از عیوبی که انتشارات بنیاد دچار آن شده است و گویا آن را اولوبیتی برای کارهای خود قرار داده است، پرداختن به فرهنگ و تاریخ و جغرافیای شهرهای استان خراسان می باشد، هر چند که ربطی به مسائل اسلامی نداشته باشند و کمکی به محقق علوم اسلامی محسوب نشوند. مانند کتاب «از جیحون تا و خش» و «جغرافیای شهرستان قاینات». (۴)

در حالی که اولاً اینگونه فعالیت ها با اساسنامه بنیاد _ که صرفاً مسائل اسلامی را سر لوحه کار خود قرار داده است _ منافات دارد. از آستان قدس انتظار نمی رود

ص: ۱۵۸

-
- ۱- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۳.
 - ۲- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۲۰.
 - ۳- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۸۲.
 - ۴- کتابنامه پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ص ۱۸۲.

که در این مسائل فعالیت داشته باشد، زیرا امکانات آستان قدس محدود، و نیازهای اساسی معارف اصیل تشیع، مانند غدیر و مهدویت و فرهنگ انتظار بسیار زیاد است، اما از این مرکز اسلامی، اولویت دادن به مسائل و معارف اسلامی، مورد انتظار و توقع است.

و ثالثاً: مراکز بسیاری در کشور هستند که درباره ریاضی و علوم تجربی و تاریخ و جغرافیای شهرها تحقیق کرده و کتاب نشر می دهند و برخی از آنها مانند انتشارات دانشگاه تهران و بقیه دانشگاه ها بودجه خوبی هم در اختیار دارند و به جهت آنکه در آن مراکز از افراد متخصص و برتر همان رشته ها استفاده می شود، بیشتر از کتاب های آستان مورد استقبال واقع می شوند. به علاوه آنکه باید گفت آستان قدس متعلق به همه جهان تشیع است، نه کشور و منطقه ای خاص؛ از این رو نباید توان خود را صرف امور منطقه ای بکند، بلکه باید اساس معارف اسلامی مانند مهدویت و مصلحت جهان تشیع و مشکلات اساسی آن را محور فعالیت های خود قرار دهد.

درباره فعالیت های انتشارات آستان، مخصوصاً انتشارات بنیاد پژوهش ها در زمینه معارف اسلامی، نکاتی به نظر می رسد که رعایت آنها برای موفقیت و بهره وری بهتر از امکانات بسیار ضروری می باشد که ظاهراً مورد غفلت واقع شده است. یکی از آن نکات، رعایت اولویت در نشر آثار اسلامی است که باید رتبه اول به مسائل اساسی و تأثیرگذار در معارف شیعه، مانند غدیر، عاشورا، شهادت حضرت زهرا علیها السلام و فرهنگ انتظار و مهدویت اختصاص یابد؛ در حالی که این مهم به هیچ وجه مراعات نشده است مثلاً از میان ۵۵ کتاب نشر یافته در بخش حدیث، تنها یک کتاب به موضوع مهدویت اختصاص یافته است در حالی که کتاب های سطحی مانند «پرتویی از آفتاب» و «هفتصد نکته از نهج البلاغه» و «هشتاد و هشت کلام از هشتمین امام» در این بخش به چاپ رسیده و مسائل مهم و

اساسی دیگر مانند عاشورا کاملاً مغفول مانده است.^(۱) از میان ۱۱۱ کتاب چاپ شده در بخش سرگذشت و سیره معصومین علیهم السلام تنها پنج کتاب به مسائل مهدویت اختصاص یافته که سه مورد از آنها، یعنی «الامام المهدی فی القرآن و السنه و بشائر الامام المنتظر فی الکتاب و السنه و الاثر» و «مهدی موعود» در موضوع واحدی می باشند و باز مسأله مهم عاشورا در این بخش کاملاً از یاد رفته است در حالی که در این بخش نیز کتاب های سطحی و فرعی، فراوان دیده می شود؛ مانند کتاب «خلاصه ای از زندگانی پیشوایان اسلام» و «جلوه های تقوا» و «از علی آموز اخلاص عمل» و کتاب هایی از این دست که در کتابنامه بنیاد معرفی شده اند.^(۲)

نکته دیگر در آثار منتشره آستان قدس _ که عیب کار تحقیقی محسوب می شود _ کلی بودن عناوین و محورهاست. این ایراد مربوط به کتاب های بنیاد پژوهش ها می باشد که عهده دار کارهای تحقیقی است، و گرنه باقی انتشارات، اگر چنین آثاری چاپ کنند چندان ایرادی به آنها وارد نیست؛ زیرا مخاطب آنان، عوام مردم هستند نه خواص.

امروزه کارهای تحقیقی ارزشمند، آثاری است که درباره جزئی ترین موضوعات نوشته شده باشد و گرنه بسیار سطحی از آب در خواهد آمد. جزئی کردن موضوعات _ که بیشتر در آثار مغرب زمین دیده می شود _ در برخی از آثار بنیاد هم موجود است که یکی از آنها کتاب «اندیشه های کلامی علامه حلی» است که که نوشته خانم «اشمیتکه» از محققین غربی می باشد.^(۳) اما بیشتر آثار در موضوعات کلی منتشر شده است.

ص: ۱۶۰

۱- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۳۸.

۲- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۵۳.

۳- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۶۰.

بنیاد برای برطرف کردن این نقیصه، باید عناوین محوری خود را جزئی تر نماید، عناوینی مانند علوم قرآن و حدیث، سیره معصومین، فقه (۱) و مانند آن ها.

این نقیصه در کتاب هایی که توسط بنیاد و درباره مهدویت منتشر شده نیز موجود است که سه نمونه از آن، ذکر شد؛ تنها کتاب «نشانی از امام غائب» است که به موضوعی جزئی اختصاص یافته و درباره پرسش و پاسخ از حضرت امام زمان علیه السلام است. پس باید این قبیل آثار افزایش یابد و هزینه محدود بنیاد صرف آثار سطحی نگردد و آن آثار را به انتشارات های دیگر آستان قدس و سایر مؤسسات واگذارند تا این بنیاد بتواند به جایگاه مطلوب میان محققان داخلی و خارجی نائل شود و رسالت خود را به خوبی انجام دهد. این همه منوط به مدیریت بخش فرهنگی و انتشارات آستان قدس می باشد که برای هر کدام از انتشارات، مسئولیتی را معین کند.

آستان باید در بخش هایی مانند کودک و نوجوان نیز چنین تفکیک مسئولیتی را انجام دهد و آثار تحقیقی که توسط محققین آن رشته ها نگارش یافته، در انتشارات مخصوص آثار تحقیقی، و آثار عام در انتشارات مخصوص به آن نشر یابد.

یکی دیگر از نکاتی که باید در آثار تحقیقی آستان قدس و بنیاد پژوهش های آستان مراعات شود، انجام تحقیقات به صورت گروهی می باشد. کار گروهی بسیار سودمندتر از کارهای فردی است. در این نوع تحقیقات است که از کارهای موازی جلوگیری می شود، آثار جامع تر و کامل تری عرضه می گردد، همه جوانب مسأله، واکاوی می شود و خلاقیت ها و استعداد های فردی محققان به سمت و سوی از پیش تعیین شده، سوق می یابد: مثلاً آستان قدس می تواند با دعوت از محققین رشته های مختلف علوم اسلامی و طبیعی، اثری ماندگار در

ص: ۱۶۱

زمینه مهدویت منتشر کند و در هر موضوعی از آن، همه جوانب مسأله را بررسی کند.

مثلاً- درباره سن طولانی حضرت، احادیث توسط حدیث شناس بررسی شود، متخصصین، نظر ادیان مختلف را در این باره جستجو کنند، دانشمندان علم زیست شناسی با تحقیقات خود در این باره نظر بدهند، متخصصین تغذیه تأثیر رژیم های غذایی را در افزایش سن انسان بررسی کرده و نتیجه را به گروه ابلاغ کنند و همین طور، هر دانشی که تأثیری در مسأله دارد، توسط دانشمندان آن رشته بررسی شود و این الگو را باید در بقیه مباحث تحقیقی نیز رعایت کنند.

آستان قدس رضوی در صورتی می تواند در این امر موفق باشد و از دانش دانشمندان مختلف بهره برد که سعه صدر خود را افزایش دهد و هیچ ملاحظه سیاسی و غیرسیاسی را در کارهای علمی و دعوت از دانشمندان دخیل نکند.

البته آثار حاصل از کار گروهی میان کتاب های بنیاد یافت می شود و هر چند گستره گروهشان محدودتر از آنچه گفته شد، می باشد، اما همین اندازه هم در خور تقدیر است و اتفاقاً همین آثار در برخی از دوره های انتخاب کتاب سال، اثر برگزیده شناخته شده اند. (۱)

یکی از محورهایی که بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، در آن فعالیت دارد و در اساسنامه بنیاد به آن تصریح شده است، احیا و نشر ذخایر علمی و اسلامی می باشد. آستان قدس هر چند در احیا و تصحیح کتب قدیمی و نسخ خطی موفق بوده است، اما برای موفقیت بیشتر باید برنامه ریزی درستی برای فعالیت های خود داشته باشد و با بررسی موضوعات مختلف، مسائل اصلی و مهم، مانند مهدویت و انتظار را در اولویت قرار دهد.

ص: ۱۶۲

یکی از اولویت های دیگر بنیاد باید به آثاری اختصاص یابد که اهل سنت در شأن اهل بیت علیهم السلام و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته اند یا فضائلی از آنان را بازگو کرده اند و امروزه مورد بی مهری اهل سنت واقع شده است. همچنین با همکاری سایر بخش های آستان قدس، از جمله موزه و کتابخانه، آثار نفیس را در اختیار محققان خود قرار دهد یا از نفوذ و اعتبار خود استفاده کرده و آثار ارزشمند و اصلی را از مراکز نگهداری اسناد و موزه ها و کتابخانه ها به امانت گرفته و در اختیار گروه های تحقیقی بگذارد؛ و گرنه دسترسی به نسخ خطی بسیار هزینه بردار است و صاحبان آنها هم به راحتی آثار و اسناد با ارزش خود را در اختیار هر کسی قرار نمی دهند.

کتابخانه

یکی از امکانات مهمی که آستان قدس دارد و باید از آن در ترویج مهدویت و فرهنگ انتظار استفاده کند، کتابخانه های متعددی است که تحت اشراف آستان قدس رضوی اداره می شود؛ اما اگر بخواهد به موفقیت خوبی دست یابد باید کتابخانه هایی تخصصی در موضوعات جزئی، مانند مهدویت و انتظار، تأسیس کند و همه آثار منتشره درباره آن را اعم از آثار تحقیقی و غیرتحقیقی گرد آورد و در حد توان، در شهرهایی که در معرض انحراف یا شبهات قرار دارند، کتابخانه هایی تخصصی مرتبط با مسأله مورد مناقشه تأسیس کند. همچنین می بایست کتابخانه را به کتاب هایی با زبان های مختلف مجهز کند، مخصوصاً کتابخانه های موجود در محوطه حرم باید به زبانهای زائرین، مانند عربی، اردو، ترکی و ... مجهز باشد تا با گسترش فضای آنها و ایجاد بخش های مختلف در گروه های گوناگون سنی و علمی، مراجعین بیشتری را جذب کنند. هم چنین از روش های محدودکننده، مانند عضوگیری و قراردادن اوقاتی خاص برای کتابخانه پرهیز کنند؛ چراکه حرم مطهر رضوی علیه السلام در همه ساعات شبانه روز، زائران بی شماری را پذیرا می باشد و به بهانه حفظ کتب نباید زائران را از مطالعه کتاب محروم کرد؛ بلکه باید برای

حفاظت از کتب کتابخانه، روش های دیگری را جایگزین کنند.

نشریات

امروزه یکی از اثرگذارترین رسانه ها، رسانه های نوشتاری می باشند که به صورت روزنامه، هفته نامه، فصل نامه، سال نامه، گاهنامه و مجلات مناسبی منتشر می شوند، تأثیر این نوع رسانه ها آنقدر زیاد است که همه احزاب و گروه های موفق، مخصوصاً گروه های سیاسی در مواقع مختلف، به ویژه هنگام انتخابات، از آن بهره می گیرند.

یک روزنامه معروف و پرتیراژ می تواند باعث عزل وزیر یا یکی از مسئولان شود و حتی زمینه را برای تغییر دولت ها و حکومت ها فراهم آورد و یا مخالفان حکومت ها را در نظر مردم منفور کند و زمینه موفقیت حکومت ها را ایجاد کند.

آستان قدس رضوی هم از این رسانه اثرگذار برخوردار بوده و تولیت، چندین روزنامه و مجله را به عهده دارد. از این رو، باید از این ابزار برای تبلیغ و ترویج امور دینی از جمله مهدویت استفاده کند. اما برای موفقیت در این امر، رعایت چند نکته ضروری به نظر می رسد.

یکی آنکه نشریه ای در کار تبلیغی موفق است که محبوبیت کافی میان مردم را داشته باشد و حداقل به تناسب هزینه ای که صرف آن می شود بتواند مخاطب جلب کند. چند مسئله در جلب اعتماد مخاطب بسیار مؤثر است؛ از جمله رعایت عفت قلم در همه زمینه ها، مخصوصاً انتقاد از مخالفان و اعتراض به آنها که از لغزشگاه های قلم محسوب می شود. دیگر اینکه از دفاع بی دلیل از کسی یا گروهی یا دولتی خودداری کند و در مواردی که انتقاد وارد است، پیش قدم باشد. همچنین بدون دلیل هم انتقاد و اعتراض ننماید و در اعتراض به اشخاص حقیقی و حقوقی هم تنها جانب حق را لحاظ کند و ملاحظه های گروهی و حزبی و غیره را دخیل نکند. در خبررسانی کاملاً صادق باشد و از نوشتن اخبار دروغ بپرهیزد و

در مواجهه با دولت ها و حکومت ها جانب مردم را لحاظ کند و برای گرفتن حق مردم از حکومت ها تلاش نماید.

اگر نشریه های آستان قدس همین موارد را رعایت کنند، نیازی به روش های جذب مخاطب نیست _ چنانکه که در برخی از روزنامه ها مرسوم است و برخی از آنها خلاف شرع هم می باشد _ چون نشریات آستان قدس به سبب انتسابی که به بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه السلام دارند از زمینه مساعدی برخوردار هستند و مخاطبان بالقوه زیادی دارند و باید با برنامه ریزی صحیح، از این نعمت و فرصت استفاده بهینه کنند؛ اما واقعیت این است که نشریات آستان قدس، میان مردم، آن چنان معروف و محبوب نیستند.

نکته دیگر درباره این نشریات همان رعایت اولویت هاست که در این بخش نیز مراعات نشده است و در موضوعات اصیل و مهم و ضروری دینی، مانند مهدویت، اصلاً نشریه ای دیده نمی شود و در عوض، درباره مسائل کم اهمیت تر، مجلاتی منتشر شده است؛ مانند مجله «رساله الاسلام»^(۱) که درباره وحدت میان شیعه و سنی است یا مجله «خراسان پژوهی»^(۲) که از نام آن، سطح فعالیت آن هویداست و اگر مجله ای مانند «مشکوه»^(۳) هم موجود باشد موضوع آن، آن چنان گسترده است که فایده چندانی بر آن مترتب نمی شود. آستان قدس با توجه به امکانات خود می تواند خلأ موجود در بخش مهدویت را کاملاً پر کند و برای انتشار مجلات بین المللی با زبان هایی مانند اردو و ترکی چاره ای بیندیشد.

ص: ۱۶۵

۱- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۲۴۰.

۲- کتابنامه بنیاد پژوهش ها، ص ۲۴۰.

۳- مجله مشکوه، در دو گرایش «قرآن و حدیث» و «تاریخ و فرهنگ اسلامی» منتشر می شود.

اثر گذارترین هنری که می‌تواند مسیر فرهنگی جوامع را رهبری کند، هنر هفتم یا همان سینما است. هر مقدار که در استفاده از این هنر موفق‌تر عمل شود، مخاطبان بیشتری جلب خواهد شد. بنابراین هر گروه و ارگانی به فکر استفاده از این هنر است. آستان قدس رضوی نیز با توجه به امکانات و محبوبیتی که میان هنرمندان مسلمان دارد، می‌تواند از این هنر بهره‌بردار اما رعایت و ملاحظه نکاتی در استفاده از هنر هفتم ضروری می‌نماید.

یکی از آن نکات این است که هنوز کسانی در کارکرد اسلامی این هنر تردید جدی دارند و در واقع آن را متعلق به فرهنگ غرب می‌دانند که قابل تفکیک از آن و استفاده در فرهنگ دیگری نیست و بالاجبار حامل آن فرهنگ می‌باشد. (۱)

بنابراین آستان قدس رضوی _ که باید در درجه اول حافظ احکام اسلامی باشد _ نباید در استفاده از این هنر و هر ابزار دیگری از مباحث پیرامون آن غافل شود تا ناخواسته نقض غرض نماید. نکته دیگر این که در این هنر، به دلیل خاستگاه اصلی آن، احکام اسلامی درست رعایت نمی‌شود و در بسیاری از موارد، اختلاط زن و مرد در آن عادی است. آستان قدس باید به این مهم توجه داشته باشد و کمترین مسامحه‌ای در این موارد ننماید.

همچنین اگر می‌خواهد در این عرصه موفقیت خوبی داشته باشد، باید دست همکاری به سوی هنرمندان مطرح داخلی و خارجی دراز کند و در این باره ملاحظات کم‌ارزش سیاسی و غیره را دخیل نکند. هم‌چنین، از صرف هزینه برای فیلم‌های سطحی و شعاری، که نه مخاطب چندانی دارند و نه اثر مطلوبی بر آنها مترتب است، کاملاً خودداری کند؛ چراکه اگر هزینه‌های هنگفت ساخت این نوع

ص: ۱۶۶

فیلم ها، خرج یک فیلم ماندگار و اثرگذار شود، بسیار عاقلانه و به جا خواهد بود.

اما در استفاده از این هنر در مسأله مهدویت باید چند هدف را دنبال نمود. یکی از هدف ها، بازسازی چهره مخدوش شده آخرالزمان و مصلح موعود است؛ چراکه غرب، چهره ای بسیار خشن برای آن ساخته است. آنان در فیلم های خود، مسلمانان را انسان هایی معرفی می کنند که دنیا را در معرض نابودی قرار داده اند و باید از بین بروند. در مقابل آمریکایی ها را منجی بشریت معرفی می کنند. آنان در فیلم های خود، آخرالزمان را دوره آشفتگی در همه طبیعت نشان می دهند؛ به گونه ای که گویا این دنیا مدیری ندارد و غربیان باید برای نظم عالم چاره ای بیندیشند.

یکی دیگر از اهداف، مبارزه با خرافاتی است که سودجویان از مسأله مهدویت کرده و انحرافات بزرگ را ایجاد نموده اند؛ مانند فرقه بابیه که در آغاز با ادعای نیابت، به گمراه کردن مردم پرداخت که می توان در این باره، فیلم های مستندی ساخت و اسناد انحراف و خیانت و وابستگی آنان به کشورهای استعماری را در آنها نمایش داد.

خوشبختانه آثار ازشمند مکتوب که اسناد و مدارک کافی را دال بر وابستگی آنان به استعمارگران جمع آوری کرده اند، بسیار است،^(۱) اما جای خالی فیلم های داستانی و مستند واقعاً احساس می شود که یا کاری در این باره نشده و اگر هم شده، از چند دقیقه در برخی از شبکه های تلویزیونی تجاوز نکرده است.

رسانه های جدید

در چشم انداز بیست ساله آستان قدس رضوی علیه السلام در بخش فرهنگی آمده است: «آستان قدس در بیست سال آینده باید به مرکزی تبدیل شود که فعال و مؤثر در

ص: ۱۶۷

۱- مانند کتاب «بهایان»، نوشته محمدباقر نجفی.

فضای فرهنگی کشور و منطقه و جهان اسلام شود است». همچنین در ششمین بند آن تأکید شده است: «آستان قدس باید در عرصه تبلیغی و اطلاع رسانی، با بهره مندی از کارآمدترین شیوه های مناسب هنری و رسانه های نوین، فعال باشد».(۱)

اما بررسی فعالیت های فعلی آستان نشان می دهد که این چشم انداز، آرزو و آرمانی دست نیافتنی محسوب می شود؛ مگر آنکه آستان قدس در این زمینه طرحی نو دراندازد و راهکاری برای استفاده از رسانه های نوین، مانند شبکه های ماهواره ای و اینترنتی پیدا کند. چون با استفاده از این رسانه های فراگیر است که می تواند نور معنویت را در منطقه بگستراند.

استفاده از شبکه مخصوص تلویزیونی و ماهواره ای یکی از چاره های مؤثر می باشد و به جهت اینکه آستان قدس، تحت امر ولی فقیه و رهبر معظم انقلاب فعالیت می کند، منافاتی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیدا نمی شود؛ چرا که صدا و سیما نیز زیر نظر رهبری قرار دارد.(۲)

برای استفاده بهینه از این نوع رسانه هم باید مواردی مراعات شود. یکی آنکه در برنامه ها ملاحظات حزبی و گروهی کنار گذاشته شود و اساس اسلام و معارف تشیع، خصوصاً فرهنگ انتظار و مهدویت مدنظر باشد. از دفاع افراطی و بی دلیل از حکومت ها پرهیز شود و سعی کنند که نظرات همه مراجع مطرح در حوزه علمیه را رعایت کنند. در این صورت هم جایگاهی عالی در مقایسه با سایر شبکه ها میان مردم پیدا می کنند و هم می توانند از کمک و یاری مراجع بهره مند گردند. دیگر اینکه برنامه های مناظره ای آزاد و مستقیم را در صدر برنامه های خود قرار دهند و در این برنامه ها هم ملاحظات دولت ها و حکومت ها را کنار بگذارند و برای معارف

ص: ۱۶۸

۱- قانون اساسی، اصل ۱۱۰.

۲- پایگاه اطلاع رسانی، آستان قدس رضوی، به نشانی www.agrazavi.org

مهم شیعه، از جمله مهدویت، برنامه های متعدد روزانه و مناسبتی تهیه کنند و برنامه های حرم های ائمه علیهم السلام را در فعالیت های خود مدنظر قرار دهند که در این صورت، حلقه اتصال کننده ای خواهند بود که انسجام برنامه ها و همکاری حرم ها را تضمین خواهد کرد؛ به خصوص آنکه در بند هشتم از چشم انداز بیست ساله به تعامل مطلوب با سایر مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه تأکید شده است. (۱)

برگزاری همایش ها و مسابقات

یکی دیگر از روش هایی که در تبلیغ و گسترش فرهنگ مؤثر است، برگزاری همایش و مسابقات است که در هر کدام باید شرایطی فراهم گردد تا اثر مطلوب به دست آید. در همایش ها باید موضوعاتی که مهم و اثرگذار هستند، مانند مهدویت، محور قرار گیرند و همه دانشمندان را برای حضور دعوت کنند و در این امر، هیچ ملاحظه سیاسی و غیرسیاسی را نباید مدنظر قرار دهند.

در اجرای مسابقات هم باید سیاستی به کار بسته شود تا برای گروه های گوناگون سنی و تحصیلاتی، مسابقات برگزار شود. دخیل کردن مخاطبان ایرانی و غیر ایرانی می تواند در تنوع بخشیدن به مسابقات کمک کند. در این بخش باید اولویت ها را مدنظر قرار داد و بودجه محدود آستان را در امور کم اهمیت خرج نکرد.

مراسم ساده و ماندگار

در میان روش های مختلف، برخی از آنان، در عین سادگی بسیار ماندگار و مؤثر می باشند؛ مثل انواع عزاداری در عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام که در اوج سادگی بسیار مؤثر و هم جاودانه هستند و اثرشان از هر روش تبلیغی بیشتر است

ص: ۱۶۹

و آنچنان میان مردم نفوذ کرده که در شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ، در زمستان و تابستان و در شرایط سخت و آسان انجام می گیرد.

این مراسم بزرگ، آن چنان با عنصر ساده بودن عجین شده است که اگر در برخی موارد، از آن فاصله گرفته شده، آن جذابیت و اثر نیز کم رنگ شده است. این مراسم به گونه ای است که همه اقشار جامعه از علماء و مراجع و دانشمندان و مسئولان ارشد مملکتی گرفته تا مردم کوچه و بازار می توانند در آن شرکت نمایند. از این گونه مراسم در وقایع دیگر نیز یافت می شود، هر چند در مقیاس بسیار ناچیزی نسبت به عزاداری حضرت سیدالشهدا علیه السلام انجام می گیرند.

یکی از همین مراسم ها، مراسم خطبه خوانی است که روز شهادت حضرت امام رضا علیه السلام با حضور تولیت و خدام آستان قدس رضوی برگزار می شود که بسیار جذاب و ماندگار است و اگر از همین مراسم درست استفاده شود، اثرات خوبی قابل برداشت خواهد بود.

یکی از روش های استفاده درست از این مراسم، دعوت از بزرگان و سران کشورهای شیعه و غیر شیعه اما دوستدار اهل بیت علیهم السلام می باشد. همه ساله در مراسم حج، از برخی رؤسای کشورهای اسلامی دعوت می شود که در مراسم حج حضور یابند. آیا آستان قدس نمی تواند برای این مراسم از رؤسای جمهور کشورهای شیعه و رؤسای که محب اهل بیت علیهم السلام هستند دعوت به عمل آورد؟ اگر چنین دعوتی صورت گیرد، قطعاً آنان می پذیرند. تنها چیزی که باید مراعات شود، پرهیز از شعارهای سیاسی تفرقه انگیز در مراسم است که ممکن است مانع حضور رؤسای کشورها شود.

آستان قدس رضوی با فراخوان هنرمندان و تاریخ شناسان و جامعه پژوهان، باید به فکر ابداع مراسمی از این دست برای بزرگداشت مهدویت باشد. گویا سابقاً مراسم هایی در گوشه و کنار کشورهای اسلامی در این باره برگزار می شده است؛

مثلاً ابن خلدون در تاریخ خود می گوید: «شیعیان اثنی عشریه قائلند مهدی، دوازدهمین امام آنها، در سرداب منزلش غائب شده و در آخر الزمان خروج کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند آنان تا به امروز منتظر هستند و هر شب پس از نماز مغرب بر در سرداب می ایستند و مرکبی را برای او آماده می کنند و او را دعا می کنند و این کار ادامه دارد تا ساعتی که ستارگان آسمان را فراگیرد و باز شب بعد، آن را تکرار می کنند» (۱) و می گویند زمانی در شهر کاشان سران شهر، هر روز هنگام سپیده دم از دروازه خارج می شدند و اسب زین کرده ای را یدک می بردند تا قائم مهدی علیه السلام در صورت ظهور بر آن سوار شود (۲) و در عصر سربداران نظیر همین عمل در شهر سبزوار معمول بوده است و هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان علیه السلام اسب هایشان را آماده می کردند (۳).

بنابراین آستان قدس رضوی با ملاحظه موارد مذکور و مشابه آن و با نظرخواهی از محققان و صاحب نظران و هنرمندان می تواند عیوب آن مراسم ها را از بین ببرد و با افزودن موارد بهتر، مراسم های ماندگار و اثرگذاری را ابداع کند و در برگزاری مؤثرتر آن کوشش نماید.

از همه آنچه که گفته شد معلوم می گردد که آستان قدس رضوی امکانات مهم و اثرگذار بالقوه و بالفعل فراوانی در اختیار دارد؛ اما هر چند چشم انداز مهمی برای فعالیت های خود ترسیم کرده، هنوز نتوانسته است از آن امکانات به صورت بهینه استفاده نماید و باید با برنامه ریزی دقیق و عالمانه و با استفاده از کارشناسان مربوطه برای ترویج و تبلیغ مسائل اصیل و حیاتی اسلامی، مانند مسأله مهم مهدویت و فرهنگ انتظار اقدام نماید.

ص: ۱۷۱

۱- تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۹۶.

۳- نهضت سربداران، ص ۱۵.

۱. آوینی، مرتضی، آئینه جادو، نشر نی، تهران، بی تا.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۳. پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس، www.agrazavi.org.
۴. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۲۷ق.
۵. حسینی میلانی، سید علی، مبانی امامت، مرکز حقائق الاسلامیه، قم، بی تا.
۶. حموی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بی نا، بیروت، بی تا.
۷. خبرگزاری ایسنا، www.ISNA.ir.
۸. خبرگزاری تابناک، www.tabnak.ir.
۹. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
۱۰. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه استاد کمره ای، انتشارات صبا، تهران، چاپ سوم.
۱۱. قندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینایع الموده، منشورات بصیرتی، قم، چاپ هشتم، ۱۳۸۵ق.
۱۲. کتابنامه بنیاد پژوهش های اسلامی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۳. کفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، منشورات اعلمی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۲۴ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، المكتبه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، لبنان، ۱۴۰۳ق.
۱۶. موسوی خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۷. نجفی، محمدباقر، بهائیان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا.
۱۸. وفشسکی، ای پی پطر، نهضت سربداران خراسان، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۱ش.

امامت از بحث برانگیزترین مباحث کلام اسلامی است. در طول تاریخ اندیشه اسلامی چنان منازعات و مناظرات جدی درباره این اصل رخ داده که برخی بی محابا ادعا کرده اند که «شمشیری که برای امامت در همه زمان ها کشیده شد، برای هیچ اصل دینی از نیام بر نیامد.»^(۱) اختلاف طوایف مختلف اسلامی در این مسئله، تنها به تعیین مصداق برای این منصب خلاصه نمی شود؛ بلکه جدی تر از آن، مبانی فکری و کلامی این اصل دینی است؛ به طوری که برخی آن را یکی از اصول دین دانسته و برخی دیگر آن را در حدّ یکی از فروعات فقهی تنزل داده اند. افزون بر آن، سخن از چیستی امامت، صفات امام، شئون و وظایف امام، مقامات امام و... همگی از مسائلی است که منجر به اختلاف و تشتت در حوزه اندیشه ورزی اندیشمندان مسلمان شده است.

ص: ۱۷۳

یکی از چالشی ترین مباحث مطرح در اصل امامت، بحث از صفات امام است که از نخستین روزهای پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مورد نزاع مسلمانان واقع شد، ضمن آنکه بحث از قلمرو و ماهیت این صفات نیز به بحثی جنجالی میان متکلمان امامیه تبدیل شده است. از این رو مراجعه به صاحبان حقیقی این منصب، جهت یافتن حقیقت ضروری می نماید.

به نظر می رسد تبیین صفات امام از دو راه امکان پذیر است:

الف. تعیین چستی و حقیقت مقام امامت و رسیدن به صفات امام؛

در این روش، ابتدا حقیقت مقام امامت تبیین شده، آنگاه به لوازم آن پرداخته می شود که از جمله آن لوازم، همان صفات امام است. به دیگر بیان، در این روش از علت به معلول دست می یابیم.

ب. اثبات مستقیم صفات امام؛

در این روش _ که روشی متداول در منابع کلامی امامیه است _ بدون مراجعه مستقیم به حقیقت مقام امامت، به تعیین صفات امام و اثبات آنها پرداخته می شود.

آنچه مورد تأکید نگارنده در این نوشتار است، تعیین صفات امام از منظر عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم با استفاده از هر دو روش است. پیش از آن تبیین دورنمایی از عصر امامت امام رضا علیه السلام ضروری است.

۱. دورنمایی از دوران امامت امام رضا علیه السلام

امامت امام رضا علیه السلام حدود بیست سال به درازا کشید. ده سال نخست، مقارن با زمامداری هارون الرشید بود. امام علیه السلام پنج سال دوم را همراه با حاکمیت متزلزل امین عباسی و پنج سال سوم را در عصر حکومت مأمون عباسی سپری کرد. امام رضا علیه السلام در دو یا سه سال آخر عمر خود، در سرزمین خراسان، به عنوان ولی عهد مأمون عباسی زندگی می کرد.

شکل گیری فرقه واقفیه و بالا-گرفتن اختلاف روش میان اهل حدیث و معتزله _ که اولی، جمودی ملال آور بر ظاهر آیات و روایات داشت و دومی به گونه ای افراطی استفاده از عقل را پیشه خود ساخته بود _ این دوران را آّبستن مباحث کلامی می کرد؛ از این رو وظیفه ای سنگین متوجه پیشوای حقیقی امت، یعنی امام رضا علیه السلام بود. بدون شک مسئله ولایت عهدی امام رضا علیه السلام و حضور وی در ایران، به علاوه علاقه مندی مأمون به مباحث علمی، برکات فراوانی را به همراه داشت، از این جهت که حضور امام علیه السلام در مناظرات دربار عباسی _ که انبوهی از اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان از گروه های مختلف دینی در آن ها حاضر شدند _ موجب بیان معارف اعتقادی می شد و راه هدایت را در گرداب آشفته مباحث اهل حدیث و معتزله برای حق پویان روشن می کرد.^(۱)

۲. چیستی امامت در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

از دیدگاه امام رضا علیه السلام، صاحب منصب امامت دارای جایگاه بسیار رفیعی است؛ از این ور، ایشان در توصیف جایگاه امامت از بیانات بلندی استفاده کرده است. ^(۲) برخی از مؤلفه های معنایی آن عبارت اند از:

۲-۱. حجت الله

«الحجه» در لغت، به معنای سبب پیروزی بر خصم، ^(۳) برهان ^(۴) و دلیل روشن برای احتجاج ^(۵) آمده است. به گفته ارباب لغت، جمع این واژه «حُجَج» است و

ص: ۱۷۵

۱- برای تفصیل بیشتر رک: حیات فکری و سیاسی امامان شیعه: ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۲- امام رضا علیه السلام در برخی از بیانات خود به تفصیل از جایگاه امامت سخن به میان آورده است که نقل تمام آنها خارج از حوصله این نوشتار می باشد، از این رو به مهم ترین مؤلفه های موجود در این بیانات اشاره می شود. برای تفصیل بیشتر رک: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳- العین، ج ۳، ص ۱۰؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۱۷.

۴- الصحاح، ج ۱، ص ۳۰۴؛ تاج العروس، ج ۲، ص ۱۷.

۵- المفردات، ج ۱، ص ۲۱۸.

هنگامی که عرب «احتجّ بالشیء» می گوید مقصودش این است که از آن شیء به عنوان حجت و دلیل خود استفاده کرده است. (۱)

از دیدگاه امام رضا علیه السلام، صاحب منصب امامت، تنها یک حاکم سیاسی و یا حتی یک مرجع دینی نیست؛ بلکه همچون پیامبر، حجت خداوند بر بندگان اوست که خداوند به واسطه او در قیامت، بر بندگان احتجاج خواهد کرد. در این باره محمد بن عماره از امام رضا علیه السلام نقل می کند:

«حجت خدا بر مردم استوار [و تمام] نمی شود مگر به وسیله امامی که برای مردم شناخته شود.» (۲)

در همین باره سلیمان جعفری از امام رضا علیه السلام پرسید که آیا زمین از حجت خدا خالی می ماند؟ امام علیه السلام فرمودند: «اگر زمین لحظه ای از حجت خالی بماند، با اهل آن از میان خواهد رفت.» (۳)

چنین تصویری از مقام حجت الهی بیانگر عظمت مقام امامت است؛ از این روست که امام رضا علیه السلام در موضعی دیگر پس از تأکید بر حجت بودن ائمه به گوشه ای از لوازم این مقام اشاره می کند:

«... خداوند به وسیله ماست که مانع از زوال آسمان ها و زمین می شود و به واسطه ماست که باران می بارد و رحمت خداوند گسترده می شود... اگر روزی زمین از حجت، خالی بماند، اهل آن در آن فرو می روند، چنان که دریا اهل آن را در خود غرق می کند.» (۴)

ص: ۱۷۶

۱- لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- کافی، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳- بصائر الدرجات، ص ۴۸۹؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴- «بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَبِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يُنَشِّرُ الرَّحْمَةَ وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِّنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَ لَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ» کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

اینک باید دانست که چه صفاتی از مقام حجت الهی قابل انتزاع است. روشن است که اگر ائمه کسانی هستند که خداوند با وجود آنها می تواند بر مردم احتجاج کند، لازم است که ایشان به گونه ای باشند که حجت بر مردم تمام شود و کسی عذر و بهانه ای در قیامت نداشته باشد. از این رو، اگر امامان دچار اشتباه و گناه شوند، مردم نیز به همین امر مبتلا شده و خداوند نمی تواند بر آنها احتجاج کند. بنابراین لازم است که امام، معصوم از گناه و اشتباه باشد.

افزون بر آن، اگر امام به زبان تمام انسان ها آشنا نباشد، چگونه می تواند با آنها سخن گفته و پیام خدا را به آنها برساند و عذر و بهانه را از مردم بگیرد؟ اگر علم امام، علمی بشری و خطاپذیر، و یا علمی ناقص باشد، به گونه ای که نتواند به تمام نیازهای بشر پاسخ دهد، چگونه حجت بر مردم تمام می شود؟ بنابراین لازم است که امام، آشنا به زبان تمام انسان ها، دارای علم الهی و پاسخ گوی تمام پرسش های مردم باشد.

افزون بر آن، می توان گفت کسی که حجت خدا، معصوم و دارای چنین علمی است، نمی تواند به وسیله مردم انتخاب شود؛ بلکه باید به نصب الاهی تعیین گردد. همچنین اگر خداوند در هر دوره یک حجت روی زمین داشته باشد، به حکم عقل لازم است آن حجت، افضل الناس باشد تا قبح تقدیم مفضول بر افضل، بر دامن کبریایی خداوند ننشیند.

۲-۲. خلیفه الله

«خلیفه» به معنای کسی یا چیزی است که پس از کسی یا چیزی دیگر می آید و جانشین او می شود. (۱) خداوند متعال در قرآن کریم از انسان به عنوان جانشین و خلیفه خود یاد کرده است. (۲) نخستین جانشین او حضرت آدم علیه السلام بود.

ص: ۱۷۷

۱- رک: العین، ج ۴، ص ۲۶۶؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۸۲؛ المفردات، ص ۲۹۳.

۲- سوره بقره، آیه (۲): ۳۰.

از مباحث مهم در این حوزه، تعیین قلمروی خلافت و جانشینی خلیفه از جانب خداوند است. اصول محاوره و گفتگو میان عقلای عالم به ما چنین می گوید که وقتی فردی، فرد دیگر را به عنوان جانشین خود منصوب کرد، و این جانشینی را با قرائن حالیه و مقالیه مقید به امر خاصی نمود، دلیلی بر تقیید کلام او وجود ندارد. در قرآن کریم _ به ویژه آیه سی ام سوره بقره _ خداوند به طور مطلق انسان را به عنوان جانشین خود منصوب کرده است (۱) و تا زمانی که مقیّدی ارائه نشود، نمی توان از این اطلاق دست برداشت؛ از این رو می توان «خلیفه» را جانشین خداوند در تمام کارهای او و به اذن او دانست. چنانکه حضرت عیسی ۷ با گل کبوتر ساخته و با دمیدن در آن، به اذن خداوند موجب حیات او می شد بیماران را شفا می داد و حتی مرده را به اذن خداوند زنده کرد. (۲) هم چنین سلیمان پیامبر ۷ با هدهد سخن می گفت، (۳) کلام مور را می دانست، (۴) باد به فرمان او حرکت می کرد (۵) و ...

نتیجه ارزشمندی که از این بحث می توان به دست آورد، آن است که خلیفه خداوند، کسی است که نمایان گر تمام صفات وجودی و آثار و احکام و تدابیر خداوند بوده و خلافت و جانشینی او در تمام شئون هستی و بر همه موجودات حتی جمادات، نباتات و حیوانات حاکم است. چنین کسی لزوماً باید منصوب از طرف او باشد؛ چرا که تنها خداوند می داند که چه کسی شأنیت دریافت منصب خلافت را دارد.

ص: ۱۷۸

-
- ۱- «و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه...» سوره بقره، آیه ۳۰.
 - ۲- «أَنْتَ أَخْلَقْتَ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ الْأُخْيَ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ» سوره انعام، آیه ۴۹، و نیز رک: سوره مائده، آیه ۱۱۰.
 - ۳- سوره نمل، آیه ۲۰_ ۲۸.
 - ۴- سوره نمل، آیات ۱۹ و ۲۰.
 - ۵- «فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» سوره نمل، آیه ۳۶.

داشتن ولایت تکوینی و علم و عصمت الاهی کم ترین ویژگی های امام است؛ زیرا بدون داشتن چنین ویژگی هایی نمی تواند کار خدایی بکند و مسئولیت خود را در مقام خلافت انجام دهد. یادکرد این نکته نیز ضروری است که چنان که برخی مفسران شیعه و سنی بیان کرده اند، سنت جعل خلیفه از جانب خداوند، سنتی مستمر و دائمی است؛ (۱) چنان که واژگانی همچون «جاعل» _ که نشان از استمرار دارد _ در آیه سی ام سوره بقره بیان گر همین نظریه است.

اینک که عظمت مقام خلیفه الاهی و وجود آن در هر دوره زمانی تبیین شد، نوبت به بررسی این پرسش می رسد که پس از درگذشت پیامبر اکرم ۶ خلفای الاهی چه کسانی هستند؟ امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «ائمہ، جانشینان خدا روی زمین هستند.» (۲)

اگر چه امام رضا علیه السلام بیان نورانی خود را چندان تفصیل نداده اند، اما توضیحات یاد شده راجع به مقام خلیفه الاهی بیانگر اهمیت کلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و تعیین صفاتی همچون علم الاهی، عصمت و منصوب بودن از جانب خداوند است.

۲-۳. امین الله

«امین» در لغت به معنای کسی یا چیزی است که مورد اطمینان بوده یا

ص: ۱۷۹

۱- ملاصدرا، تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۳۰۸؛ معارف قرآن، ج ۳-۱، ص ۳۶۷؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۲۲۲. گفتنی است برخی دیگر از مفسران اگر چه تصریح به این امر نکرده اند، اما تحلیل آنها از دلیل جعل خلیفه به گونه ای است که ناگزیر باید قول به وجود خلیفه در تمام اعصار را بپذیرند؛ چرا که آنها در تحلیل خود، بر نقص عالم از دریافت مستقیم فیض خداوند و نیاز به واسطه فیض _ که امری دائمی است _ تأکید کرده اند. رک: انوار التنزیل، ج ۱، ص ۶۸؛ تفسیر روح البیان، ج ۱، ص ۹۳ و ۹۴؛ التفسیر المظهری، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ج ۱، ص ۱۲۷؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳.

موجب امنیت دیگران است. (۱) ائمه اطهار علیهم السلام در تبیین جایگاه منصب امامت بر «امین الله» بودن خود تأکید کرده اند. درباره اینکه مقصود از این مقام چیست، بیانات گوناگونی از ائمه علیهم السلام صادر شده است. رسول گرامی اسلام ۶ اهل بیت خود را موجب در امان ماندن اهل زمین دانسته است، همان گونه که اهل آسمان به وسیله ستارگان در امان هستند. (۲)

امام باقر علیه السلام در بیانات خود به تبیین بیشتری از این مقام پرداخته است. ایشان وجود امام روی زمین را موجب در امان ماندن اهل زمین از فرورفتن در زمین دانسته است، به گونه ای که اگر خداوند در صدد باشد اهل زمین را هلاک گرداند، ابتدا امام را از بین آنها می برد. (۳) امام صادق علیه السلام نیز در این باره بر امین بودن ائمه بر وحی خداوند تأکید کرده است. (۴)

البته روشن است که هیچ یک از بیانات یادشده منافاتی با یکدیگر نداشته و هر کدام به زوایای مختلفی از این مقام اشاره کرده اند. عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز در این باره به گوشه ای دیگر از این مقام اشاره می فرماید: «ما امینان خداوند روی زمین هستیم. علم به بلایا و منایا و... نزد ماست و هنگامی که مردم را می بینیم حقیقت ایمان و نفاق را در آنها می شناسیم». (۵)

ص: ۱۸۰

- ۱- العین، ج ۸، ص ۳۸۸؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱؛ المفردات، ج ۱، ص ۹۰.
- ۲- «أهل بیتی أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء...». كفايه الاثر، ص ۲۹.
- ۳- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ ثُمَّ لَا يُمَهِّلُهُمْ وَلَا يُنْظِرُهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ». كمال الدين، ج ۱، ص ۲۰۴.
- ۴- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى انْتَجَبْنَا لِنَفْسِهِ فَجَعَلْنَا... أَمْنَاءَ عَلَى وَحْيِهِ وَ... أَمْنَاؤُهُ عَلَى مَا نَزَلَ مِنْ عِذْرٍ وَ نَذْرٍ وَ حِجَّةٍ». بصائر الدرجات، ص ۶۲.
- ۵- «فَنَحْنُ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَ الْمَنَائِي وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلَادُ الْإِسْلَامِ وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ وَ حَقِيقَةِ النُّفَاقِ...». الكافي، ج ۱، ص ۲۲۳. این روایت با دو سند متفاوت دیگر نیز نقل شده است. رک: بصائر الدرجات، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۲۸۷ و تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۴.

از بیان یادشده می توان چنین برداشت کرد که چون خداوند متعال، ائمه را امین و مورد اعتماد خود می داند، علوم غیبی را به آنان عطا کرده است. از این روست که امام رضا علیه السلام در بیانی دیگر می فرماید: «ما حجت های خدا بر مردم و جانشینان او میان بندگان و امینان بر سرّ او هستیم»^(۱).

بنابراین از مقام امین الهی ائمه دانسته می شود که ایشان مورد اعتماد خدا و امین وی هستند و علم الاهی به آنها داده شده است. روشن است که فرد گنهگار نمی تواند مورد اعتماد و امین خداوند باشد؛ از این رو می توان نتیجه گرفت که ائمه علیهم السلام معصوم بوده، ضمن آنکه از علم الاهی خطاناپذیر نیز برخوردار هستند.

۲-۴. نتیجه گیری

از تبیینی که راجع به چیستی مقام امامت از کلام عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ارائه شد، روشن می شود که برجسته ترین صفات امام عبارت اند از:

الف. عصمت

ب. علم الاهی و خطاناپذیر

ج. نصب الاهی

د. افضلیت.

۳. صفات امام در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

اگر چه توجه به بیانات امام رضا علیه السلام در باب جایگاه مقام امامت خود بیان گر صفات ویژه ای برای امام بود، اما فارغ از آن، عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم به طور جداگانه نیز به تبیین این صفات پرداخته است. برخی از این صفات عبارت اند از:

۳-۱. عصمت

اشاره

در نظام اندیشه ورزی شیعه امامیه _ همچون برخی دیگر از فرق شیعه، مانند

ص: ۱۸۱

۱- «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ». کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

اسماعیلیه (۱) و زیدیه (۲) _ یکی از صفات لازم و حتمی امام، عصمت اوست. در مقابل، متکلمان اهل سنت، هرگز به این شرط تن نداده و عدالت و تقوا را شرط لازم و کافی برای امام به شمار آورده اند.

پیش از بررسی بیانات امام رضا علیه السلام درباره عصمت امام، آشنایی با ماهیت عصمت ضروری می نماید.

۳-۱-۱. ماهیت عصمت

ارباب لغت در تبیین معنای «عصمت» نظریات همנוایی ارائه کرده اند. از باب نمونه، خلیل فراهیدی، عصمت را به معنای دفع کردن می داند. (۳) ابن فارس، زبیدی، فیومی و راغب اصفهانی عصمت را به معنای منع دانسته اند؛ (۴) چنان که جوهری، حفظ را نیز از معانی عصمت دانسته است. (۵)

در علم کلام، دست کم دو معنا برای عصمت ارائه شده است. بر اساس منابع کلامی موجود، مرحوم شیخ مفید (۴۱۳ق) نخستین کسی است که به تعریف عصمت پرداخت. وی در این باره با لطف و توفیق دانستن عصمت از سوی خداوند متعال گفته است:

«عصمت از ناحیه خداوند همان توفیق و لطف او برای حجج خود بوده و اعتصام به این عصمت به وسیله حجج الاهی برای حفظ از گناهان و خطا در دین

ص: ۱۸۲

۱- اغلب متکلمان اسماعیلیه بر لزوم عصمت امام تأکید کرده اند. رک: المصابیح فی اثبات الامامه، ص ۹۹-۹۶؛ تاج العقاید و معدن الفوائد، ص ۷۸.

۲- عده الاکیاس فی شرح معانی الاساس، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳- العین، ج ۱، ص ۳۱۳.

۴- معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۳۳۱؛ تاج العروس، ج ۸، ص ۳۹۸ و ۳۹۹؛ المصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۱۴؛ المفردات، ص ۳۳۶.

۵- «اعتصمت بالله ای امتنعت بلطفه من المعصیه». الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۸۶.

تعریف عصمت به «لطف» قرن ها مورد توجه متکلمان امامیه بود و بزرگانی همچون سیدمرتضی (۴۳۶ق)، (۲) شیخ طوسی (۴۶۰ق)، (۳) نوبختی (اواخر قرن پنجم)، (۴) نباطی (۸۷۷ق) (۵) و مانند آنها در آثار خود از آن استفاده کرده اند. (۶)

پس از تعریف عصمت به لطف، از سوی شیخ مفید و پذیرش آن از سوی دیگران، مرحوم خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ق) تعریف دیگری از عصمت ارائه داد که همان تعریف به «ملکه» به نقل از فلاسفه بود. وی در این باره می نویسد:

«عصمت، ملکه ای است که باعث می شود از صاحب آن، گناهی صادر نشود و این بنا بر اندیشه حکماست.» (۷)

پس از خواجه، برخی متکلمان متأخر از او نیز این تعریف را در کتاب های خود ارائه کردند. (۸) با وجود این، باید توجه داشت که اگر چه معنای لغوی عصمت _ مانند حفظ _ به نوعی در این تعریف نیز حضور دارد، اما در این تعریف، «معصومیت الهی» به نوعی تبدیل به «مصونیت» شده است.

۳-۱-۲. عصمت در کلام امام

از جمله مباحث اعتقادی که در دربار مأمون عباسی به دفعات از محضر امام

ص: ۱۸۳

-
- ۱- تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۲۸.
 - ۲- الامالی، ج ۲، ص ۱۳۵؛ الذخیره، ص ۱۸۹.
 - ۳- الاقتصاد، ص ۷۷ - ۷۹؛ التبیان، ج ۸، ص ۳۳۹.
 - ۴- انوار الملکوت، ص ۱۹۵.
 - ۵- الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۵۰.
 - ۶- گفتنی است متکلمان معتزلی نیز در این باره با تبیین شیعه از عصمت موافقت کرده اند. رک: المغنی، ج ۱۳، ص ۱۵؛ شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۸.
 - ۷- تلخیص المحصل، ص ۳۶۹. عضدالدین ایچی نیز این تعریف را به حکماء نسبت می دهد. رک: شرح المواقف، ج ۸، ص ۲۸۰.
 - ۸- النجاه فی یوم القیامه، ص ۵۵؛ کشف المراد، ص ۴۹۴.

رضا علیه السلام سؤال می شد، مسئله عصمت و خصوصاً عصمت پیامبران بوده است.

در این راستا اباصلت هروی نقل می کند که روزی مأمون عباسی، بزرگان ادیان و مذاهب را جمع کرد. علی بن محمد بن جهم از امام علیه السلام سؤال کرد: «ای فرزند رسول خدا، آیا قائل به عصمت پیامبران هستی؟» فرمود: «بله.»^(۱)

حضرت آدم، ابراهیم، یونس، یوسف، داود، موسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرانی بودند که راجع به عصمت آنها سؤالات و شبهاتی از سوی خود مأمون عباسی و دیگران مطرح شد و امام علیه السلام به آنها پاسخ داد.^(۲)

مسئله عصمت امامان نیز بارها از سوی پیامبر اکرم ۶ و ائمه اطهار ۷ و نیز اصحاب ایشان مورد تأکید قرار گرفته، و در دوران امام صادق علیه السلام به اوج خود رسیده بود، تا آنجا که براهین عقلی و نقلی فراوانی نیز در این باره اقامه شده بود.^(۳) این مسئله در دوران امام رضا علیه السلام نیز تثبیت شد. بر اساس آثار موجود، امام رضا علیه السلام دست کم در سه موضع، راجع به مسئله عصمت امام بیاناتی داشته اند:

۱. عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از بیانات نورانی خود، آنگاه که در صدد شمردن ویژگی های امام بود، فرمود:

«امام نشانه هایی دارد. او عالم ترین مردم، ... و مطهر است.»^(۴)

آنچه در این عبارت حائز اهمیت می باشد، این است که متعلق «مطهر بودن» امام روشن نشده است؛ اما به نظر می رسد، مطهر بودن امام، دست کم از گناهان، روشن ترین مصداق آن است.

ص: ۱۸۴

-
- ۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۰.
 - ۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۰؛ ۱۷۱.
 - ۳- در این باره رک: پایان نامه بررسی مسئله عصمت امام از دیدگاه متکلمان امامیه تا پایان قرن پنجم هجری .
 - ۴- «للامام علامات یكون اعلم الناس... و یكون مطهرا». الخصال، ج ۲، ص ۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۳؛ معانی أخبار، ص ۱۰۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۲. عبدالعزیز بن مسلم نقل می کند که همراه با امام رضا علیه السلام در مرو بودیم. روزی وارد مسجد شدم و دیدم مردم جمع شده و مشغول بحث راجع به مسئله امامت هستند. نزد امام رضا علیه السلام رفته و ایشان را در جریان گذاشتم. امام علیه السلام با تأکید بر اینکه منزلت و جایگاه امام چنان رفیع است که هرگز به عقول مردم نمی رسد، فرمودند:

«... خداوند مقام امامت را در مرتبه سوم، پس از مقام نبوت و دوستی خود، به ابراهیم خلیل الله اختصاص داد... امام از گناهان، پاک و از عیوب، مبرا و مخصوص به علم [الاهی] است... او معصوم، تأیید شده، توفیق داده شده و محکم شده و از اشتباهات و گمراهی ها و لغزش ها در امان است. خداوند او را به این امور مختص ساخته تا حجت او بر بندگان باشد.» (۱)

بر اساس این روایت، اولاً امام، نه تنها معصوم از گناه است، بلکه از تمام عیب ها و اشتباهات نیز مصون است.

ثانیاً عصمت امام، امری است که به تأیید و امداد الاهی به وی داده شده است.

ثالثاً دلیل برخورداری امام از این صفات، حجت بودن او بر مردم است.

۳. در برخی منابع روایی، روایتی بدون سند از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

ص: ۱۸۵

۱- «... ان الامامه خص الله بها ابراهيم الخليل بعد النبوه و الخله مرتبه ثالثه و فضيله شرفه بها و اشاد بها ذكره فقال عز وجل: ((اني جاعلك للناس اماما)) ... الامام المطهر من الذنوب المبرأ من العيوب مخصوص بالعلم... و هو معصوم مؤيد موفق مسدد قد امن الخطايا و الزلل و العثار يخرجه الله بذلك ليكون حجه على عباده و شاهده على خلقه...». گفتنی است اگر چه روایت یادشده خبر واحدی است که کلینی [الكافی، ج ۱، ص ۱۹۸] و ابن شعبه حرانی [تحف العقول، ص ۴۳۷] آن را به صورت مرفوعه نقل کرده اند و کلینی آن را در باب نوادر کتاب خود آورده و نعمانی [الغیبه، ص ۲۱۶] نیز این روایت را از خود کلینی نقل کرده است، اما فراوانی نقل آن در متون روایی به اسناد مختلف، اطمینان ما را به صحت صدور آن فزونی می بخشد. رک: الامالی، ص ۶۷۵؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ معانی أخبار، ص ۹۶.

«امام به وسیله روح القدس تأیید می شود و میان او و خداوند، عمودی از نور است که اعمال بندگان را در آن می بیند و هر گاه که به راهنمایی او نیاز پیدا کند، آن عمود باز می شود تا امام، علم پیدا می کند، سپس بسته می شود و امام دیگر نمی داند. امام، زاده می شود و فرزند به دنیا می آورد و سالم و مریض می شود... و فراموش می کند و اشتباه می کند و خوشحال و ناراحت می شود».^(۱)

بر اساس این روایت، امام علیه السلام اگر چه مؤید به روح القدس است و علم الاهی به او تفویض می شود، اما همچون مردم عادی، مرتکب فراموشی نیز می شود؛ از این رو نمی توان او را معصوم از اشتباه و فراموشی دانست.

ممکن است این روایت در نگاه اول، با روایات پیشین منافات داشته باشد، اما با دقت می توان به این نتیجه رسید که بر فرض صحت صدور آن _ این روایت به جهت دفع اندیشه های غالیانه رایج در آن دوران، صادر شده است. ضمن آنکه روایت نخست از دو روایت پیشین، تنها در صدد تثبیت عصمت از گناه بوده و روایت دوم نیز اگر چه عصمت از اشتباه را مورد تأکید قرار داده، اما از آنجا که به طور مطلق بر این مطلب صحه گذاشته است، قابلیت تقیید به «عصمت از اشتباه در امور دینی» را دارد. از این رو می توان نتیجه گرفت که _ بر فرض صحت صدور روایت اخیر _ امام کسی است که دست کم از گناه و اشتباه در امور دینی معصوم است، اما امکان اشتباه در امور عادی زندگی از جانب وی وجود دارد.

با این وجود، انصاف این است که چون روایت اخیر مقطوع بوده و شرایط حجیت را ندارد، نمی تواند ملاک داوری قرار گیرد، بنابراین نمی توان بر این باور

ص: ۱۸۶

۱- «ان الامام مؤید بروح القدس وینه و بین الله عمود من نور یری فیه اعمال العباد و کلما احتاج إلیه لدلاله اطلع علیه و بیسطة فیعلم و یقبض عنه فلا یعلم والامام یولد و یلد و یصح و یمرض... وینسی و یسهو و یفرح و یحزن...». الخصال، ج ۲، ص ۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۴؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۷.

شد که امام از اشتباه در امور عادی زندگی، معصوم نیست.

نتیجه گیری

از بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این مقام این نتیجه به دست می آید که اولاً امام علیه السلام نه تنها از گناهان، بلکه از تمام اشتباهات معصوم است؛ ثانیاً این عصمت، مرهون لطف و عنایت پروردگار است.

۲-۲. علم

اشاره

از دیگر مسائلی که از دیرباز مورد توجه متکلمان و دیگر اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است، مسئله علم امام است. ویژگی و قلمرو علم امام از مهم ترین مسائلی است که بیشترین حجم را در منابع کلامی به خود اختصاص داده است. با توجه به بیانات نورانی امام رضا علیه السلام مباحث راجع به علم امام را می توان در دو قسمت عمده ارائه کرد:

۳-۲-۱. ماهیت علم امام

آیا علم امام _ دست کم علوم مربوط به امر امامت _ اکتسابی و حصولی است یا آنکه خداوند متعال این علوم را به وی عطا می کند؟

روشن است که اگر علم امام، علمی اکتسابی و بشری باشد، امکان اشتباه در آن قابل تصور است؛ در حالی که اگر این علم از چشمه سار خزانه علم الاهی به قلب امام سرازیر شده باشد، خطا و اشتباه در آن راه نخواهد داشت.

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بیانات متعدد خود بر موهبتی بودن علم ائمه علیهم السلام تأکید کرده است:

«[الامام] المخصوص بالعلم... مخصوص بالفضل كله من غير طلب منه له ولا اكتساب... إن الانبياء والائمة صلوات الله عليهم يوفقههم الله و يؤتيهم من

ص: ۱۸۷

مخزون علمه و حکمه ما لا یؤتیه غیرهم؛^(۱)

امام کسی است که خداوند، علم و تمام فضایل را _ بدون آنکه آن را طلب، یا اکتساب کند _ به او اختصاص داده است... همانا خداوند، پیامبران و ائمه علیهم السلام را توفیق داده و آنها را از خزانه علم و حکمت خود چنان می دهد که به کسی جز آنان نمی دهد.»

بر اساس عبارت فوق، ائمه و پیامبران، علوم خود را از خزانه حکمت خداوند دریافت می کنند و چنان نیست که همچون سایر دانشمندان به طور اکتسابی به تحصیل آن پرداخته باشند.

در همین باره، فضل بن شاذان از محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل می کند که وی سؤالاتی را از امام رضا علیه السلام پرسید. امام علیه السلام در ضمن پاسخ به یکی از سؤالات، به مسئله علم امام اشاره کرد و فرمود:

«إِنَّهُمْ عُلَمَاءُ صَادِقُونَ مُفَهَّمُونَ مُحَدَّثُونَ»^(۲)

عبارت یادشده بر مَفَهَّم و مُحَدَّث بودن ائمه از ناحیه خداوند تأکید می کند. این دو ویژگی از دیرباز به وسیله رسول گرامی اسلام^(۳) و ائمه پیشین نیز بیان شده بود.^(۴)

اینکه خداوند متعال، چگونه به ائمه علیهم السلام علومی را عطا کرده است، مسئله ای است که پاسخ آن را می توان در بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم یافت. حضرت ثامن الائمه ۷ در این باره می فرماید:

«هنگامی که خداوند، بنده ای را برای رسیدگی به امور بندگانش بر می گزیند،

ص: ۱۸۸

-
- ۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ تحف العقول، ص ۴۴۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱؛ الامالی، ص ۶۷۹؛ معانی أخبار، ص ۱۰۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۸۰؛ غیبت نعمانی، ص ۲۲۲؛ الاحتجاج، ص ۴۳۶؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷.
 - ۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸ - ۲۰.
 - ۳- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من اهل بیتی اثنی عشر محدثا». بصائر الدرجات، ص ۳۲۰.
 - ۴- رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۷۱؛ بصائر الدرجات، ص ۳۲۰ - ۳۲۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۰۱.

سینه او را وسعت می بخشد و چشمه های حکمت را در قلب او به ودیعه می گذارد و علم را به او الهام می کند» (۱).

روشن است که در جایی که علم، صبغه الهی به خود بگیرد، سخن از خطاپذیر بودن آن، بی معنا است.

۳-۲-۲. قلمرو علم امام

اشاره

از جنجالی ترین مباحث در حوزه علم امام، بحث از قلمرو این علم است. آیا خداوند، تمام علوم _ اعم از علوم دینی و غیر دینی _ را به امام تفویض کرده یا آنکه تنها علوم دینی را به وی داده است؟

بحث یادشده در تاریخ کلام امامیه، همواره شاهد نظرات گوناگونی بوده است. چنان که بزرگانی همچون سید مرتضی (۴۳۶ق)، (۲) شیخ طوسی (۴۶۰ق) (۳) و سدید الدین حمصی (۵۸۵ق) (۴) بر انحصار علم امام در علوم مربوط به دین تأکید کرده اند؛ اما در مقابل، متکلمانی همچون ابوالصلاح حلبی (۴۴۷ق) (۵) و ابن میثم بحرانی (۶۹۹ق) (۶) علم امام را شامل علوم غیر دینی نیز دانسته اند. به طور کلی قلمرو علم ائمه در بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در قالب عناوین زیر قابل بحث است:

ص: ۱۸۹

۱- «وإن العبد إذا اختاره الله عز وجل لامور عباده، شرح صدره لذلك و أودع قلبه يتابع الحكمة، وألهمه العلم إلهاماً الكافي، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ تحف العقول، ص ۴۴۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱؛ الامالی، ص ۶۷۹؛ معانی أخبار، ص ۱۰۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۸۰؛ غیبت نعمانی، ص ۲۲۲، طبرسی؛ الاحتجاج، ص ۴۳۶؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

۲- الشافی، ج ۳، ص ۱۶۵.

۳- تمهید الاصول، ص ۳۶۶؛ تلخیص الشافی، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴- المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۹۲.

۵- تقریب المعارف، ص ۱۷۴.

۶- قواعد المرام، ص ۱۷۹؛ النجاه فی القیامه، ص ۱۵۲.

الف. برتری علم امام، بر علم سایر عالمان عصر خود

امام رضا علیه السلام علم ائمه را برتر از علم عالمان عصر خود می داند:

«امام عالمی است که جهل در او راه ندارد... پس علم آنها برتر از تمام مردم عصر خود است»^(۱).

ب. علم به بلایا و منایا و انساب عرب

در بیان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، امام کسی است که علم به بلایا و منایا و انساب عرب دارد.^(۲) امام رضا علیه السلام پس از بیان اینکه ائمه، امین الله هستند، می فرماید: «نزد ما علم بلایا و منایا و انساب عرب وجود دارد...»^(۳).

ج. علم امام به باطن و حقیقت ایمان افراد

امام کسی است که به باطن افراد علم دارد. امام رضا علیه السلام در ادامه روایت پیشین می فرماید:

«... همانا ما هنگامی که کسی را می بینیم، او را در این باره که ایمان یا نفاق دارد، می شناسیم»^(۴).

بر اساس این روایت، امام از حقیقت ایمان یا نفاق افراد و اینکه چه کسی حقیقتاً بر اسلام تولد یافته است، خبر دارد.

نکته شنیدنی این است که اصحاب امام رضا علیه السلام _ که از برخوردارای امام از چنین علمی خبر داشتند _ گاه با مراجعه به امام، از ایشان درخواست می کردند تا

ص: ۱۹۰

۱- «و الامام عالم لا یجهل... فیکون علمهم فوق علم أهل الزمان.» الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲- مقصود از علم منایا علم به زمان و نحوه مرگ مردم است و مقصود از علم بلایا آگاهی از حوادث ناگواری است که برای مردم رخ می دهد. رک: علم امام از دیدگاه کلام امامیه، ص ۵۲.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ بصائر الدرجات، ص ۱۳۹، ۱۳۸ و ۲۸۷؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۴- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۳

وضعیت ایشان را روشن سازد؛ چنان که مرزبان بن عمران روزی از امام علیه السلام خواستار این مطلب شد و امام نیز به وی یادآور شد که نام او در زمره نام شیعیان قرار دارد. (۱)

د. علم امام به زمان، مکان و کیفیت شهادت خود

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بیانات خود تأکید می کند که امام از زمان وفات خود خبر دارد. (۲) ایشان افزون بر آنکه علم امیرالمؤمنین علیه السلام به زمان وفات و نیز قاتل خود را تأیید می کند، (۳) از زمان، مکان و کیفیت وقوع وفات خود نیز برای اصحاب خود خبر داده است، چنان که خود به دفعات بر مسموم شدن خود تأکید کرده است. (۴)

همچنین در این باره از مسافر، یکی از اصحاب امام رضا علیه السلام، نقل شده است که شب پیش از شهادت امام علیه السلام، از ایشان شنید که فرمودند: «دیشب رسول اکرم ۶ در خواب دیدم و ایشان فرموده اند: یا علی، آنچه نزد ماست برای تو بهتر است.» (۵)

هم چنین عبدالسلام بن صالح هروی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: «من مظلومانه با سم کشته می شوم و کنار هارون دفن خواهم شد.» (۶) همچنین یک بیت شعر منسوب به امام رضا علیه السلام است که در آن، طوس را مکان دفن خود دانسته اند و این شعر نیز بیان گر علم آن حضرت به مکان دفن خود می باشد. (۷)

ص: ۱۹۱

-
- ۱- رک: بصائر الدرجات، همان، ص ۱۷۲.
 - ۲- بصائر الدرجات، ص ۴۸۱.
 - ۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۵۹.
 - ۴- الامالی، ص ۶۱۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰۴ و ج ۲، ص ۲۰۳.
 - ۵- «إِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص الْبَارِحَةَ وَهُوَ يَقُولُ يَا عَلِيُّ مَا عِنْدَنَا خَيْرٌ لَكَ» بصائر الدرجات، ص ۴۸۳.
 - ۶- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۷.
 - ۷- «وقد قبر بطوس يا لها من مصيبه توقد في الاحشاء بالحرقات» عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۴؛ روضه الواعظین، ج ۱، ص ۲۳۶.

ه. علم به تمام لغات

بر اساس تصویری که از جایگاه مقام امامت در سخنان امام رضا علیه السلام ارائه گشت، گفته شد که از آنجا که امام، حجت و خلیفه خدا بر تمام کائنات است، باید به تمام لغات و زبان تمام انسان ها و حیوانات آگاه باشد. در این باره نقل شده است که اباصلت هروی از اینکه امام رضا علیه السلام با تمام مردم با زبان خودشان سخن می گفت، شگفت زده شده و از ایشان در این باره سؤال کرد. امام در پاسخ فرمودند: «ای اباصلت! من حجت خدا بر خلق او هستم و خداوند، کسی را که زبان اقوام مختلف را نداند، به عنوان حجت خود بر نمی گزیند».(۱)

و. علم به اعمال شیعیان

از برخی بیانات امام رضا علیه السلام استفاده می شود که امام علیه السلام از اعمال شیعیان خود خبر دارد. عبدالله بن ابان الزیات نقل می کند که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «برای خود و خانواده ام دعا کنید». امام علیه السلام فرمود: «آیا من چنین نمی کنم؟ به خدا سوگند، اعمال شما هر روز و شب بر ما عرضه می شود».(۲)

ز. مطلق بودن علم امام

از برخی بیانات امام رضا علیه السلام استفاده می شود که خداوند متعال، علم مطلق را به امام عنایت کرده است. عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس از تبیین جایگاه امامت می فرماید:

«هنگامی که خدای عزوجل، بنده ای را برای اصلاح امور بندگانش انتخاب فرماید، سینه اش را برای آن کار باز می کند و چشمه های حکمت را در دلش می گذارد و علمی به او الهام می کند که از آن پس از پاسخی در نماند و از درستی

ص: ۱۹۲

۱- «يَا أَيُّهَا الصَّلْتِ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَتَّخِذَ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ وَ هُوَ لَمَّا يَعْرِفُ لُغَاتِهِمْ». عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۲۸؛ كشف الغمه، ج ۲، ص ۳۲۹؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۸۷.

۲- بصائر الدرجات، ص ۴۲۹ و ۴۳۰.

نتیجه گیری

بر اساس بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، علم امام که موهبتی از جانب خداوند به او می باشد، افزون بر آنکه خطاناپذیر و برتر از علم تمام عالمان است، علمی کامل و مطلق بوده و شامل علم به باطن افراد، علم به منایا و بلایا، علم به تمام لغات، علم به زمان و مکان و کیفیت شهادت و علم به اعمال شیعیان می شود.

۳-۳. نصب

از جمله مهم ترین مسائل در حوزه امامت، مسئله راه تعیین امام است. در منظومه اندیشه ورزی عالمان اهل سنت، راه تعیین خلیفه، چیزی جز انتخابات مردمی یا شورای اهل حلّ و عقد نیست؛ (۲) اما شیعه امامیه با اعتقاد به نظریه «نصب الاهی امام»، راه خود را از اهل سنت جدا کرده است. در حقیقت، آنجا که عصمت به عنوان رکن اساسی متصدی منصب امامت شناخته شد، راه اثبات نظریه نصب الاهی امام نیز هموار می شود.

ائمه اطهار علیهم السلام، افزون بر نظریه پردازی در این باره، عملاً به معرفی جانشینان خود _ که از طرف خدا منصوب شده بودند _ نیز پرداخته اند. (۳)

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم پس از ارائه تصویری شامخ از مقام امامت، نسبت به کسانی که راجع به مقام امامت سخن به میان می آورند، فرمود: «آیا آنها منزلت امامت و

ص: ۱۹۳

-
- ۱- «وإن العبد إذا اختاره الله عز وجل لأمور عباده شرح صدره لذلك و أودع قلبه ينابيع الحكمة و ألهمه العلم إلهاماً فلم يعى بعده بجواب و لا- يحير فيه عن الصواب...»؛ الكافي، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳؛ تحف العقول، ص ۴۴۱؛ غیبت نعمانی، ص ۲۲۳؛ الامالی، ص ۶۸۰؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۲؛ معانی أخبار، ص ۱۰۱.
 - ۲- به عنوان نمونه رک: شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۵۲ و ۲۵۳؛ شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۵۱.
 - ۳- در این باره رک: الكافي، ج ۱، ص ۲۹۲ - ۳۲۹.

جایگاه آن نسبت به امت را می دانند تا انتخاب امام برایشان جایز باشد، همانا امامت اندازه ای فراتر و مقامی والاتر و موقعیتی بالاتر و آستانی منبع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود بدان رسند یا با نظر خود آن را درک کنند یا به انتخاب خود امامی بگمارند» (۱).

ایشان با انتقاد از کسانی که به دنبال یافتن مصداق امام در غیر خاندان پیامبر اکرم ۶ هستند، امامت را فضلی از جانب خداوند دانسته اند که عقول ناقصه از تعیین آن ناتوان است. (۲)

همچنین امام رضا علیه السلام در مجلسی با شکوه در دربار مأمون عباسی _ که با حضور اندیشمندان اهل سنت برگزار شده بود _ با استناد به آیات قرآنی دالّ بر نصب الاهی حضرت ابراهیم علیه السلام به مقام امامت، و حضرت آدم و حضرت داود ۸ به مقام خلافت، به تبیین مقام امامت ائمه اطهار: و مقام امامت و خلافت پیامبران یاد شده پرداخته و بر نظریه نصب الاهی امام تأکید کرده اند. (۳)

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم افزون بر تبیین نظری این مسئله، با معرفی امام جواد علیه السلام به عنوان امام پس از خود، به طور عملی نیز به تثبیت این نظریه نزد شیعیان کمک

ص: ۱۹۴

۱- «هل يعرفون قدر الامامه ومحلها من الامه فيجوز فيها اختيارهم، إن الامامه أجل قدرا وأعظم شأنًا وأعلاما مكانا وأمنع جانبا وأبعد غورا من أن يبلغها الناس بعقولهم، أو ينالوها بأرائهم، أو يقيموا إماما باختيارهم» الكافي، همان، ج ۱، ص ۱۹۹؛ الامالی، ص ۶۷۵.

۲- «أتظنون أن ذلك يوجد في غير آل الرسول محمد صلی الله علیه و آله كذبتهم والله أنفسهم... راموا إقامة الامام بعقول حائره بائره ناقصه.... بل هو فضل الله يؤتیه من يشاء والله ذو الفضل العظيم فكيف لهم باختيار الامام؟» الكافي، ص ۲۰۱؛ الامالی، ص ۶۷۸.

۳- «إِنَّ الْإِمَامَةَ لَا تَكُونُ بِفِعْلِ مَنْهُ فِي نَفْسِهِ وَلَا بِفِعْلِ مَنْ النَّاسِ فِيهِ مِنْ اخْتِيَارٍ أَوْ تَفْضِيلٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ وَ إِنَّمَا يَكُونُ بِفِعْلِ مَنْ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ كَمَا قَالَ لِإِبْرَاهِيمَ عِزِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا وَ كَمَا قَالَ تَعَالَى لِدَاوُدَ عِزِّي يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ وَ كَمَا قَالَ عِزِّي وَ حِجْلٌ لِلْمَلَائِكَةِ فِي آدَمَ عِزِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً فَالْإِمَامُ إِنَّمَا يَكُونُ إِمَامًا مِنْ قِبَلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ بِاخْتِيَارِهِ إِيَّاهُ...» عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۳-۴. افضلیت

سخن از لزوم افضلیت امام و چستی ملاک افضلیت، حکایتی کهن میان متکلمان شیعه و سنی دارد. برخی متکلمان معتزلی و اشعری، افضلیت را به معنای کثرت ثواب می دانند. (۲) متکلمان شیعی نیز در مواردی یکی از وجوه افضلیت را همین نکته دانسته و بر ارتباط وثیق، میان اطاعت خداوند و کثرت ثواب تأکید کرده اند، چنان که افضلیت در افعال ظاهری و امور مربوط به امامت نیز از دیگر وجوه افضلیت شمرده شده است. (۳)

به نظر می رسد افضلیت معنای روشنی داشته باشد و آن هم برتری در صفات کمالیه برای یک انسان است. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

«امام نشانه هایی دارد؛ از جمله اینکه عالم ترین و برترین مردم در حکم کردن، باتقواترین، صبورترین، شجاع ترین، باسخاوت ترین، عابدترین... و مطهر باشد». (۴)

صفات بیان شده در این روایت، همگی از صفات کمالیه به شمار می آیند و براین برتری امام در این صفات، چیزی است که می توان آن را افضلیت امام دانست.

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بیان دیگری، امام را فردی بی بدیل در عصر خود معرفی کرده و می فرماید:

«برای امام بدل و مثل و نظیری یافت نمی شود». (۵)

ص: ۱۹۵

۱- رک: الکافی، ج ۱، ص ۳۲۰ - ۳۲۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- رک: شرح الاصول الخمسه، ص ۵۱۹؛ شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۷۲.

۳- الذخیره، ص ۴۲۹؛ تلخیص الشافی، ج ۱، ص ۲۰۹؛ المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۸۶.

۴- «للامام علامات یكون اعلم الناس و احکم الناس و اتقى الناس و احلم الناس و اشجع الناس و اسخى الناس و اعبد الناس... و یكون مطهرا» الخصال، ج ۲، ص ۵۲۸؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۳؛ معانی أخبار، ص ۱۰۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۵- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ الامالی، ص ۶۷۷.

کلام یادشده نیز تأکیدی بر افضلیت امام از سوی امام رضا علیه السلام دارد، از این رو می توان یکی از صفات امام را از منظر امام رضا علیه السلام افضلیت وی دانست.

جمع بندی نهایی

نتایج به دست آمده از این نوشتار عبارت اند از:

بر اساس بیانات امام رضا علیه السلام متصدی منصب امامت، جایگاهی والا و رفیع داشته که با عناوینی همچون حجت الله، خلیفه الله و امین الله به آن اشاره شده است.

عناوین به کار رفته در شأن مقام امامت از سوی عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم حکایت از واسطه فیض بودن امام دارد؛ به گونه ای که نبودن امام روی زمین، موجب در هم پیچیده شدن نظام کیهانی عالم خواهد شد. ضمن آنکه صفاتی همچون عصمت، علم الاهی، نصب و افضلیت از اموری است که مقتضای روشن این مقامات است.

در دوران امامت حضرت رضا علیه السلام، مسئله عصمت پیامبران، بحثی جنجالی به شمار می آمد و ایشان با دفع شبهاتی در این باره، کمک شایانی به هموار شدن پذیرش عصمت امامان کردند.

عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم افزون بر آنکه عصمت امام را موهبتی الاهی دانسته، قلمرو آن را علاوه بر عصمت از گناهان به عصمت از اشتباهات نیز توسعه داده است.

بیانات امام رضا علیه السلام در مسئله علم امام، گویای الاهی و خطاناپذیر بودن آن است؛ افزون بر آن، این علوم در علم احکام یا مطلق دینی خلاصه نمی شود؛ بلکه امام علیه السلام عالم به جمیع علوم معرفی شده است.

امام رضا علیه السلام از کسانی که انتخاب امام را به عهده مردم می دانند، شدیداً نکوهش کرده و بر نصب الاهی امام تأکید می کند.

از جمله صفات امام در بیانات عالم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم، افضلیت در صفات کمالیه همچون علم، شجاعت، عبادت، قضاوت و... است.

قرآن کریم.

۱. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، دارالحیل، بیروت، ۱۹۹۱م.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۹۵م.
۶. اسدآبادی معتزلی، عبدالجبار، شرح الاصول الخمسه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۷. _____، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، مطبعه دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۹۶۲م.
۸. اربلی، محمد بن عیسی، کشف الغمه، نشر بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.
۹. اوجاقی، ناصرالدین، علم امام از دیدگاه کلام امامیه از قرن اول تا هفتم هجری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۰. بحرانی، میثم بن علی بن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام، کتابخانه مهر، قم، ۱۳۹۸ق.
۱۱. _____، النجاه فی القیامه، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۱۳. تفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۴. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه: انتشارات انصاریان، قم، ۱۳۸۷ش.
۱۵. جرجانی، میرشریف، شرح المواقف، نشر الشریف الرضی، قم، ۱۳۲۵ق.
۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، دارالملاّئین، قم، ۱۹۹۰م.
۱۷. حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، تحقیق فارس تبریزیان، ناشر المحقق، ۱۴۱۷ق.

١٨. حقی برسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دار الفکر، بیروت، بی تا.

١٩. حلّی، حسن بن یوسف، انوار الملکوت فی شرح الیاقوت، تحقیق محمد نجمی زنجانی، انتشارات الرضی، انتشارات بیدار، بی تا.

٢٠. _____، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ١٤٢٢ق.

ص: ١٩٧

٢١. حمصى رازى، سديدالدين محمود، المنقذ من التقليد، موسسه النشر الاسلامى، قم، ١٤١٢ق.

٢٢. خزاز قمى، على بن محمد، كفايه الاثر، انتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ق.

٢٣. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، المكتبه المرتضويه، تهران، ١٣٣٢ش.

٢٤. زبيدى، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالمكتبه الحياه، بيروت، بى-تا.

٢٥. زحيلي، وهبه بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج، دار الفكر المعاصر، بيروت، ١٤١٨ق.

٢٦. شهرستانى، محمد بن عبدالكريم، الملل و النحل، الشريف الرضى، قم، ١٣٦٤ش.

٢٧. شيخ صدوق، محمد بن على بن حسين، الامالى، الاعلمى، بيروت، ١٤٠٠ق.

٢٨. _____، الخصال، جامعه مدرسين، قم، ١٣٦٢ش.

٢٩. _____، عيون أخبار الرضا عليه السلام، نشر جهان، تهران،

١٣٧٨ق.

٣٠. _____، كمال الدين، اسلاميه، تهران، ١٣٩٥ق.

٣١. _____، معانى الاخبار، جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٣ق.

٣٢. _____، من لا يحضره الفقيه، جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٤ق.

٣٣. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، ١٤٠٤ق.

٣٤. شرفى، احمد بن محمد بن صلاح، عده الاكياس فى شرح معانى الاساس، دارالحكمه اليمانيه، صنعاء، ١٩٩٥م.

٣٥. طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج، نشر مرتضى، مشهد، ١٤٠٣ق.

٣٦. شيخ طوسى، محمد بن حسن، الاقتصاد الهادى الى طريق الرشاد، تحقيق حسن سعيد، مكتب جامع چهل ستون، تهران،

١٤٠٠ق.

٣٧. _____، التبيان فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت، بى-تا.

٣٨. _____، تلخيص الشافى، مكتبه العلمى الطوسى و بحرالعلوم، نجف اشرف، ١٣٨٣ق.

٣٩. _____، تمهيد الاصول فى علم الكلام، تصحيح عبدالمحسن مشكوه الدينى، انتشارات

دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ش.

۴۰. طوسی، خواجه نصیر الدین، تلخیص المحصل، دارالاضواء، بیروت، ۱۹۸۵م.

۴۱. علم الهدی، سیدمرتضی، الامالی، دار الفکر العربی، قاهره، ۱۹۹۸م.

۴۲. _____، الذخیره فی علم الکلام، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.

ص: ۱۹۸

٤٣. _____، الشافى فى الامامه، موسسه اسماعيليان، قم، ١٤١٠ق.

٤٤. فارياب، محمد حسين، پايان نامه بررسى مسئله عصمت امام از ديدگاه متكلمان اماميه تا پايان قرن پنجم هجرى، مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى رحمه الله، قم، ١٣٨٦ش.

٤٥. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، دارالهجره، قم، ١٤٠٥ق.

٤٦. فيومى، احمد بن محمد، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، دارالهجره، قم، ١٤٠٥ق.

٤٧. القمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، دار الكتاب، قم، ١٣٦٧ش.

٤٨. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، نشر اسلاميه، تهران، ١٣٦٢ش.

٤٩. كرماني، حميد الدين، المصاييح فى اثبات الامامه، منشورات احمد، بيروت، ١٩٦٩م.

٥٠. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٤ق.

٥١. مصباح يزدى، محمد تقى، معارف قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى رحمه الله، قم، ١٣٧٦ش.

٥٢. مظهرى، محمد ثناء الله، التفسير المظهرى، مكتبه رشديه، پاكستان، ١٤١٢ق.

٥٣. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، تصحيح اعتقادات الاماميه، دارالمفيد، بيروت، ١٤١٤ق.

٥٤. ملاصدرا، محمد بن ابراهيم، تفسير القرآن الكريم، انتشارات بيدار، قم، ١٣٦٦ق.

٥٥. نباطى بياضى، على بن يونس، الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، تحقيق محمد باقر بهبودى، مكتبه المرتضويه لاحياء الآثار الجعفرية، بى جا.

٥٦. النسفى، ميمون بن محمد، تبصره الادله فى اصول الدين، دمشق، ١٩٩٣م.

٥٧. نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبه، نشر صدوق، تهران، ١٣٩٧م.

٥٨. نيشابورى، محمد بن فتال، روضه الواعظين، انتشارات رضى، قم، بى تا.

٥٩. الوليد، على بن محمد، تاج العقائد و معدن الفوائد، موسسه عزالدين، بيروت، ١٤٠٣ق.

0 علیرضا پاکدین امیری

چکیده

هدف از مقاله حاضر، شناسایی و رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس می باشد. در این مسیر با اساس قرار دادن سه حدیث امام رضا علیه السلام در توصیف ویژگی مدیریتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان معیار در درخت تصمیم سلسله مراتبی، و استخراج متغیرهای زیر مجموعه به عنوان گزینه، با استفاده از ابزارهای مراجعه به اسناد و مدارک، در قالب روش تحقیق غیرآزمایشی، به تجزیه و تحلیل وضعیت متغیرها پرداخته شده است. لذا درخت تصمیم، کامل و مسأله با کمک الگوریتم یاد شده حل شد. از این میان، نتایج تحقیق نشان داده است که از متغیرهای شناسایی شده، کنترل، رهبری، دادگستری، زهد، انصاف، برنامه ریزی و بی ریایی نسبت به دیگر متغیرها

ص: ۲۰۱

در اولویت قرار دارند. در پایان مقاله، نتیجه گیری و مواردی چند در خصوص ادامه و پیگیری تحقیقات مشابه در آینده ارائه شده اند.

واژگان کلیدی: سیره مهدوی، کنترل، رهبری، دادگستری، زهد، تاپسیس.

مقدمه

با عنایت به ازدیاد تمرکز محققان علوم سازمانی بر ویژگی های مدیریتی و جهت گیری مقاله حاضر بر سیره حضرت حجت علیه السلام از نگاه امام رضا علیه السلام، شالوده های اصلی این اثر را بر سه حدیث رضوی در بیان سیره مهدوی قرار می دهیم. این احادیث شریف با مرکزیت ساده زیستی، سیاستمداری و عدالت بیان شده اند.

امام صادق علیه السلام شیوه زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سیره امیرالمؤمنین علیه السلام را الگوی عملی امام زمان معرفی کرده است. امام رضا علیه السلام درباره ساده زیستی و رعایت زهد در زندگی آن حضرت می فرمایند:

«وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشْبُ؛

لباس او پارچه خشن و غذای او بسیار ساده است.»

امام رضا علیه السلام درباره توان رهبری و سیاستمداری آن حضرت می فرماید:

«مُضْطَلَعٌ بِالْإِمَامَةِ، عَالِمٌ بِالسِّيَاسَةِ؛

او بر امر امامت و رهبری امت، توانمند، و به نحوه اداره امور جامعه آگاه است.»

همچنین در برخی از زیارات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را «صاحب تدبیر» صفت داده اند:

«السلام عليك يا صاحب التدبير؛

سلام بر تو ای صاحب تدبیر.»

در این عبارت، سلام با وصف صاحب تدبیر همراه شده است. شاید در نگاه

نخست به نظر برسد که وصف مدبّر برای بیان تدبیر رساتر باشد، ولی با دقت در تفاوت این دو، ظرافت های نهفته در این تعبیر بیشتر آشکار می شود. «صاحب» همراهی مستمر و زندگی با شخص یا چیزی را می رساند و «تدبیر» به معنای عمق و استمراربخشی به کار و برنامه ریزی است؛ به گونه ای که کار ابتر نماند و ادامه یابد. این معنا ریشه در بررسی امور پنهان حوادث و کارها و عاقبت آنها دارد که معنای دیگر تدبیر است. بنابراین «صاحب تدبیر» کسی را گویند که همیشه همراه تدبیر و هم نشین آن است؛ کسی که با همه تدبیرها _ در هر گوشه عالم و در هر کجای تاریخ که باشند _ همراهی دارد و آغاز و انجام و پنهان و آشکار آن را می داند. این همراهی و هم نشینی، بینش و بصیرتی می آورد که به طور طبیعی، هر تدبیری را در طرح او قرار می دهد.

عدالت از جمله خصوصیات بارز در سیره امام مهدی علیه السلام است؛ چنان که در دعای افتتاح، به «عدل» یعنی مجسمه تمام نمای عدالت، ملقب شده است:

«اللّهُمَّ وَصِّلْ عَلِيَّ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ؛

خدایا بر ولی امرت، قائمی که مردم آرزومند ظهورش هستند و آینه تمام نمای عدالت، که همه در انتظارش به سر می برند، درود فرست.»

در زمان ظهور، عدالت به همه زوایای جامعه نفوذ خواهد کرد و جهان آکنده از عطر آن خواهد شد. همچنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أما والله ليدخلنَّ عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحرُّ والقرُّ؛

به خدا قسم عدالت درون خانه ها و زندگی مردم راه یافته و در همه جا گسترش می یابد، همان طور که سرما و گرما در آنها رخنه می کند.»

و فراگیری و گسترش عدالت تا حدّی است که هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند و امنیت اجتماعی استقرار کامل می یابد. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«فإذا خرَّج أشرقت الأرض بنور ربّها ووضعت ميزان العدل بين الناس فلا يظلم أحدٌ أحدًا؛

وقتی آن حضرت قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشنایی می یابد. او عدالت را در بین مردم برپا می کند، به گونه ای که هیچ فردی، دیگری را مورد ظلم و ستم قرار نمی دهد».

و این همان عدالتی است که در روایات فراوانی، به تحقق آن بشارت داده اند. امام رضا علیه السلام در نقل روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

دنیا سپری نمی شود تا اینکه مردی از نسل امام حسین علیه السلام به امر امت قیام نموده و آن را همچنان که از ظلم و ستم پر شده، مملو از عدالت سازد».

با توجه به آنچه از احادیث امام رضا علیه السلام با محوریت ساده زیستی، سیاستمداری و عدالت بیان شد و از آنجا که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان ظهور به عنوان مدیری توانمند در جهان حکومت خواهند کرد، می توان سیره آن حضرت را به عنوان مکتب عملی پیروان ایشان مد نظر قرار داد. بنابراین مدیران سازمان ها با اخذ این خصیصه و پیاده سازی متدهای رفتاری می توانند به بالا- بردن توان خود در اداره سازمان نائل آیند. در ذیل به بیان ادبیات موضوعی از مدیریت سازمان خواهیم پرداخت.

ظهور سازمان های اجتماعی و گسترش روزافزون آنها، از ویژگی های بارز تمدن بشری است؛ به طوری که با توجه به عوامل گوناگون مکانی و زمانی، و ویژگی ها و نیازهای خاص جوامع مختلف، روزه، همه سازمان های اجتماعی گوناگونی ظهور و گسترش می یابند و بر تعدادشان افزوده می شود. در این زمینه نزدیک معتقد است: «از زمان پیدایش زندگی اجتماعی انسان و شروع تاریخ، مردم همیشه با هم کار می کنند. افراد، قبائل، شهرها و ملت ها، به منظور نیل به اهداف و رسالاتی که تنهایی قادر به دسترسی به آنها نیستند، در قالب تشکیل سازمان ها به هم

می پیوندند و هماهنگ با هم عمل می کنند» (۱).

«اتزیونی»، اجتماع امروز را جامعه سازمانی معرفی می کند و معتقد است: «که انسان امروزی از لحظه تولد در بیمارستان تا لحظه مرگ و دفن شدن در گورستان، در سازمان ها به سر می برد. زایشگاه، مهد کودک، کودکستان، مدرسه، دانشگاه، محل خدمت سی ساله و بالاخره گورستان، از جمله سازمان هایی هستند که انسان ها مستقیماً با آن ها در ارتباط است؛ ضمن آنکه به صورت غیرمستقیم با سازمان های بی شمار دیگری نیز ارتباط دارد» (۲).

بدیهی است هر سازمان اجتماعی برای نیل به اهداف خود، به نوعی مدیریت متناسب با ساختارش نیازمند است. درک ضرورت اداره کردن، مربوط به روزگار اخیر نیست؛ بلکه از دیرباز، بشر متوجه شده است که برای رسیدن به یک هدف، لازم است به بسیج امکانات و رهبری آنها برای تحقق آن هدف اقدام کند» (۳).

امروزه سازمان ها به مدیران و کارکنان اثربخش و کارآمد نیاز دارند تا بتوانند به اهداف خود و رشد و توسعه همه جانبه دست یابند. مدیر، به عنوان نماینده رسمی سازمان، برای ایجاد هماهنگی و افزایش بهره وری در رأس سازمان قرار دارد و موفقیت سازمان در تحقق اهداف در گرو چگونگی اعمال مدیریت و سبک های مؤثر رهبری اوست. الگوهای رفتاری مناسب مدیر در هر سازمان باعث به وجود آمدن روحیه و انگیزه قوی در کارکنان می شود و میزان رضایت آنها را از شغل و حرفه خویش افزایش می دهد. تقریباً بیشتر متخصصان علم مدیریت بر این نکته توافق دارند که سبک رهبری، مجموعه ای از نگرش ها، صفات و مهارت های مدیران است که بر پایه چهار عامل نظام ارزش ها، اعتماد به کارمندان، تمایلات رهبری و

ص: ۲۰۵

۱- Analysis of success factors of public

۲- Management of organization behavior

۳- مبانی سازمان مدیریت.

احساس امنیت در موقعیت های مبهم شکل می گیرد.

امروزه اکثر متخصصان مدیریت، نظیر «لوسیر» (۱۹۹۷)، «فیدلر» (۱۹۸۸)، «هرسی و بلانچارد» (۱۹۹۳) و «گوردون» (۱۹۹۴) معتقدند سبک رهبری یک مدیر با توجه به متغیرها و عواملی که شکل می گیرد در محیط سازمانی و یا حتی خارج سازمان وجود دارد. از این رو یک مدیر می تواند در موقعیت های گوناگون، سبک های متفاوت را برای رهبری مجموعه زیردست خود برگزیند. (۱) تحقیقات نشان داده است که بهره وری و تعهد سازمانی، رابطه تنگاتنگی با سبک مدیریت مدیر دارد. (۲)

مستند به بیان مسئله مذکور _ که بیانگر نقش و اهمیت توجه به موضوع است _ در این تحقیق، عوامل مدیریتی مورد بررسی و تبیین قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر رویکرد این مقاله، ارائه پژوهشی نوع شناسانه بر عوامل مدیریتی مبتنی بر سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس خواهد بود که دارای سه معیار ساده زیستی، سیاستمداری و عدالت، و دوازده گزینه شامل ساده زیستی با دو گزینه زهد و بی ریایی، معیار سیاستمداری با شش گزینه برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل، ارتباطات، رهبری و سرمایه انسانی، و معیار عدالت با چهار زیر مجموعه انصاف، دادگستری، متانت و تعادل فکری می باشد، که در شکل ذیل مشاهده می شود.

ص: ۲۰۶

۱- predictors of leaders ... education, p۶-۹۰۰

۲- On the heritability of personality, p۷۵۰

عموما در تحقیقاتی که به دنبال یافتن چستی پدیده هستیم و یا افراد را در مورد پدیده‌های مختلف، جستجو می‌کنیم، باید به طرح سؤال اقدام کنیم. (۱) بنابراین در این قسمت، به جای بیان فرضیه (یا فرضیات)، سؤال ویژه تحقیق بدین شرح بیان می‌شود. رتبه بندی عوامل مدیریتی مبتنی بر معیارهای سیره مهدوی از نگاه رضوی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس چگونه است؟

مواد و روش ها

در مورد روش شناسی تحقیق در کتاب های مختلف، نظر ها و دیدگاه های متفاوتی عنوان شده است. (۲) تَشْت آرا در این زمینه _ مانند سایر مباحث در علوم انسانی _ به حدی است که نمی توان نظر واحدی ارائه کرد. با توجه به دو رویکرد «خردگرایانه» و «طبیعت گرایانه» و دو دسته روش های تحقیق منتج از آنها به

ص: ۲۰۷

۱- کاربرد روش های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت ؛ بررسی عوامل مؤثر بر تغییر قیمت شاخص سهام در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد فازی .

۲- ارائه مدل پیشی بینی شاخص کل قیمت با رویکرد شبکه های عصبی، ص ۸۳ _ ۱۰۸.

نام های روش های کمی و کیفی (۱) تحقیق حاضر در هر دو گروه قرار می گیرد و با توجه به ویژگی آزمایشی یا غیر آزمایشی بودن تحقیقات، روش تحقیق حاضر، روشی پیمایشی (۲) محسوب می شود. در کلی ترین تقسیم بندی، روش تحقیق را کتابخانه ای و میدانی در نظر گرفته اند که در تحقیق حاضر، از هر دوی این روش ها استفاده شده است.

بر این اساس ابتدا جوانب و موضوعات مطالعاتی مربوط به ساختار و هم چنین مطالعات و تحقیقات مشابه انجام شده در مورد موضوع تحقیق، مورد بررسی قرار گرفتند و سپس با استفاده از مطالعات میدانی انجام شده، داده ها ارزیابی شدند. جمع بندی نهایی این که، در تحقیقات مدیریتی به دو روش، فرضیات (سؤالات) تأیید یا رد خواهند شد که عبارتند از:

۱- استفاده از فنون آماری

۲- استفاده از فنون غیر آماری مانند تحقیق در عملیات.

در گروه اول از فنون آمار استنباطی و آزمون فرضیات استفاده خواهد شد ولی در گروه دوم با استفاده از فنونی مانند تحقیق در عملیات از طریق بهینه سازی مسأله تصمیم، فرضیات (سؤالات) تأیید یا رد خواهند شد. (۳) تحقیق حاضر با توجه به این تقسیم بندی در گروه دوم قرار می گیرد.

قلمرو موضوعی تحقیق حاضر را مباحث مرتبط با علوم مدیریت و سازمان تشکیل داده اند. متغیرهای تحقیق _ از نظر نقشی که در پاسخ دادن به سؤالات یا آزمون فرضیات ایفا می کنند _ به سه معیار عوامل ساده زیستی، سیاستمداری و عدالت تقسیم شده اند.

ص: ۲۰۸

۱- روش های تحقیق در علوم رفتاری، ص ۷۷.

۲- روش های تحقیق در علوم رفتاری، ص ۷۹.

۳- فنون آمار استنباطی در پژوهش های مدیریتی و رفتاری، ص ۳۴.

روش های مختلفی برای تعیین اعتبار (روایی) ابزار اندازه گیری وجود دارد که یکی از آنها پرسش از متخصصان و خبرگان است. (۱) ابزار اندازه گیری تحقیق حاضر دارای اعتبار است؛ زیرا معیار مورد اندازه گیری، از ادبیات موضوعی تحقیق گرفته شده اند و به عبارتی توافق خبرگان امر در مورد آنها اکتیاع شده است.

TOPSIS

این روش در سال ۱۹۸۱ توسط «هوانگ» و «یون» ارائه شد. (۲) در این روش، m گزینه به وسیله n شاخص ارزیابی می گردد و هر مسئله را می توان به عنوان یک سیستم هندسی شامل m نقطه در یک فضای n بعدی در نظر گرفت. این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با ایده آل مثبت ($A+$) و بیشترین فاصله را با ایده آل منفی ($A-$) داشته باشد. (۳)

ماتریس D را به کمک نرم اقلیدسی به یک ماتریس بی مقیاس شده تبدیل می کنیم:

$$r_{ij} = r_{ij} / \sqrt{r_{ij}^2} \quad j = (1, \dots, n) \quad (1)$$

ماتریس به دست آمده ND نامیده می شود. پس از آن، ماتریس بی مقیاس موزون را به دست می آوریم:

$$V = ND \times W \quad n \times n \quad (2)$$

که در این رابطه V ماتریس بی مقیاس موزون و W یک ماتریس قطری از وزن های به دست آمده برای شاخص ها می باشد. سپس با توجه به فرمول زیر $A+$ و $A-$ را به دست می آوریم:

ص: ۲۰۹

۱- روش های تحقیق در علوم رفتاری، صص ۱۶۶ _ ۱۷۱؛ روش تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۳۹؛ تبیین مدل معادلات ساختاری... بهادار تهران و بررسی عوامل موثر بر تغییر... رویکرد فازی.

۲- multiple ... application.

۳- Mutti ... comparison; Fuzzy ... provider.

(۴) معادله شماره (۴)

(۵) معادله شماره (۵)

(۶) معادله شماره (۶)

(۷) معادله شماره (۷)

اندازه فاصله بر اساس نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل منفی و گزینه مثبت و همین اندازه را به ازای راه حل ایده آل مثبت و گزینه منفی به صورت زیر به دست می آوریم:

(۸) معادله شماره (۸)

(۹) معادله شماره (۹)

نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل را به صورت زیر محاسبه می کنیم.

(۱۰) معادله شماره (۱۰)

هر گزینه به راه حل ایده آل نزدیک تر باشد، مقدار آن به یک نزدیک تر خواهد بود. بر اساس ترتیب نزولی ها، می توان گزینه های موجود را بر اساس بیشترین اهمیت رتبه بندی نمود. (۱)

نتایج و یافته ها

محاسبه نرخ ناسازگاری ماتریس های مقایسه ای در صورتی که تعداد پرسش شوندگان بیش از یک نفر باشد، بر اساس میانگین هندسی پرسش شوندگان صورت خواهد گرفت. با توجه به آنچه ذکر شد، ابتدا ماتریس تصمیم را تشکیل می دهیم. (جدول شماره ۱)

ص: ۲۱۰

ساده زیستی

سیاستمداری

عدالت

زهد

۸

۶

۹

بی ریایی

۸

۵

۸

برنامه ریزی

۵

۹

۷

سازماندهی

۴

۸

۶

کنترل

۷

۸

۸

ارتباطات

۶

۷

۵

رهبری

۶

۸

۸

سرمایه انسانی

۵

۸

۷

انصاف

۵

۷

۹

دادگستری

۶

۷

۹

متانت

۴

۶

۷

تعادل فکری

۵

۶

۸

جدول شماره یک- ماتریس تصمیم تحقیق

بعد از تشکیل ماتریس تصمیم، ماتریس تصمیم نرمالایز شده را با توجه به فرمول (۱) ایجاد می کنیم:

ساده زیستی

سیاستمداری

عدالت

زهد

۰.۶۴۴۶۵۸۳۷۱

۰.۳۹۲۲۳۲۲۷

۰.۶۱۶۶۶۹۸۳۹

بی ریایی

۰.۶۴۴۶۵۸۳۷۱

۰.۳۲۶۸۶۰۲۲۵

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

برنامه ریزی

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۵۸۱۳۴۸۴۰۵

۰.۴۷۹۶۳۲۰۹۷

سازماندهی

۰.۳۲۲۳۲۹۱۸۶

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۴۱۱۱۳۲۲۶

کنترل

۰.۵۶۴۰۷۶۰۷۵

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

ارتباطات

۰.۴۸۳۴۹۳۷۷۸

۰.۴۵۷۶۰۴۳۱۵

۰.۳۴۲۵۹۴۳۵۵

رهبری

۰.۴۸۳۴۹۳۷۷۸

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

سرمایه انسانی

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۵۲۲۹۷۶۳۶

۰.۴۷۹۶۳۲۰۹۷

انصاف

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۴۵۷۶۰۴۳۱۵

۰.۶۱۶۶۶۹۸۳۹

داد گستری

۰.۴۸۳۴۹۳۷۷۸

۰.۴۵۷۶۰۴۳۱۵

۰.۶۱۶۶۶۹۸۳۹

متانت

۰.۳۲۲۳۲۹۱۸۶

۰.۳۹۲۳۲۲۲۷

۰.۴۷۹۶۳۲۰۹۷

تبادل فکری

۰.۴۰۲۹۱۱۴۸۲

۰.۳۹۲۲۳۲۲۷

۰.۵۴۸۱۵۰۹۶۸

جدول شماره دو- ماتریس تصمیم نرمالایز شده

با توجه به اهمیت نسبی هر شاخص برای تصمیم گیری، ماتریس تصمیم به مقیاس موزون را تشکیل می دهیم:

ص: ۲۱۱

ساده زیستی

سیاستمداری

عدالت

زهد

۰.۱۶۱۱۶۴۵۹۳

۰.۱۳۷۲۸۱۲۹۵

۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶

بی ریایی

۰.۱۶۱۱۶۴۵۹۳

۰.۱۱۴۴۰۱۰۷۹

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

برنامه ریزی

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۲۰۵۹۲۱۹۴۲

۰.۱۹۱۸۵۲۸۳۹

سازماندهی

۰.۰۸۰۵۸۲۲۹۶

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۱۶۴۴۴۵۲۹

کنترل

۰.۱۴۱۰۱۹۰۱۹

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

ارتباطات

۰.۱۲۰۸۷۳۴۴۵

۰.۱۶۰۱۶۱۵۱

۰.۱۳۷۰۳۷۷۴۲

رهبری

۰.۱۲۰۸۷۳۴۴۵

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

سرمایه انسانی

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۱۸۳۰۴۱۷۲۶

۰.۱۹۱۸۵۲۸۳۹

انصاف

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۱۶۰۱۶۱۵۱

۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶

داد گستری

۰.۱۲۰۸۷۳۴۴۵

۰.۱۶۰۱۶۱۵۱

۰.۲۴۶۶۶۷۹۳۶

متانت

۰.۰۸۰۵۸۲۲۹۶

۰.۱۳۷۲۸۱۲۹۵

۰.۱۹۱۸۵۲۸۳۹

تعادل فکری

۰.۱۰۰۷۲۷۸۷۱

۰.۱۳۷۲۸۱۲۹۵

۰.۲۱۹۲۶۰۳۸۷

جدول شماره سه- ماتریس تصمیم به مقیاس موزون

با عنایت به مراحل فوق، اقدام به محاسبه راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی می نمایم

$$A_{+}=[0.246667936, 0.205921942, 0.16164593]$$

$$A_{-}=[0.080582296, 0.114401079, 0.137037742]$$

در این مرحله، اندازه فاصله بر حسب نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل مثبت و منفی را محاسبه میکنیم:

جدول شماره چهار- اندازه فاصله بر حسب نرم اقلیدسی به ازای راه حل ایده آل مثبت

ص: ۲۱۲

Ranking

گزینه ها

مقدار نزدیکی نسبی به راه حل ایده آل

اندازه فاصله بر حسب نرم اقلدییسی به ازای راه حل ایده آل منفی

اندازه فاصله بر حسب نرم اقلدییسی به ازای راه حل ایده آل مثبت

۴

زهد

C1

۰.۶۶۷۷۷۸۱۸۶

-d1

۰.۱۳۷۹۷۰۲۵۱

+d1

۰.۰۶۸۶۴۰۶۴۷

۷

بی ریایی

C2

۰.۵۴۶۴۹۵۴۱۷

-d2

۰.۱۱۵۱۲۶۳۲۱

+d2

۰.۰۹۵۵۳۶۶۰۱

۶

برنامه ریزی

C۳

۰.۵۷۰۹۲۴۸۵۸

-d۳

۰.۱۰۸۵۶۶۱۴۳

+d۳

۰.۰۸۱۵۹۲۲۳۱

۱۰

سازماندهی

C۴

۰.۳۸۶۳۸۱۴۴۶

-d۴

۰.۰۷۳۹۱۰۱۶۳

+d۴

۰.۱۱۷۳۷۷۹۱۲

۱

کنترل

C۵

۰.۷۵

-d۵

۰.۱۲۲۹۸۲۵۱۶

+d۵

۰.۰۴۰۹۹۴۱۷۲

۱۲

ارتباطات

C۶

۰.۳۲۷۰۶۹۴۴۱

-d۶

۰.۰۶۰۹۷۰۴۳۳

+d۶

۰.۱۲۵۴۴۳۹۰۴

۲

رهبری

C۷

۰.۶۸۰۰۷۴۳۸۵

-d۷

۰.۱۱۴۴۳۵۴۷۷

+d۷

۰.۰۵۳۸۳۳۵۸۳

۸

سرمایه انسانی

C۸

۰.۵۱۵۳۹۲۰۹۲

-d۸

۰.۰۹۰۱۲۲۵۶۹

+d۸

۰.۰۸۴۷۳۹۵۸۱

۵

انصاف

C۹

۰.۶۱۳۸۲۳۱۰۵

-d۹

۰.۱۲۰۴۹۳۳۲۲

+d۹

۰.۰۷۵۸۰۶۴۲۸

۳

داد گستری

C۱۰

۰.۶۷۲۹۳۰۵۵۹

-d۱۰

۰.۱۲۵۴۴۳۹۰۴

+d۱۰

۰.۰۶۰۹۷۰۴۳۳

۱۱

متانت

C۱۱

۰.۳۳۲۵۷۳۱۳۵

-d۱۱

۰.۰۵۹۳۹۸۶۴۶

+d۱۱

۰.۱۱۹۲۰۴۶۱۳

۹

تبادل فکری

C۱۲

۰.۴۷۸۷۵۷۰۳۹

-d۱۲

۰.۰۸۷۶۹۲۱۴۲

+d۱۲

نتیجه گیری

مستند به آنچه بیان شد می توان دریافت که عوامل مؤثر بر مدیریت متنوع می باشد. لذا مقاله حاضر با پایه قرار دادن سه حدیث امام رضا علیه السلام در توصیف ویژگی مدیریتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان معیار درخت تصمیم سلسله مراتبی (که در شکل یک آمد) و اخذ گزینه های مبتنی بر معیار، به تکمیل درخت تصمیم همت گماشته شد. سپس با استفاده از الگوریتم تاپسیس به حل مسأله پرداختیم. با عنایت به نتایج حاضر، می توان اولویت های عوامل رفتار فردی تاثیر گذار بر متغیر وابسته را شامل کنترل با امتیاز ۰.۷۵، رهبری با امتیاز ۰.۶۸۰۰۷۴۳۸۵، دادگستری با امتیاز ۰.۶۷۲۹۳۰۵۵۹، زهد با امتیاز ۰.۶۶۷۷۷۸۱۸۶، انصاف با امتیاز ۰.۶۱۳۸۲۳۱۰۵، برنامه ریزی با امتیاز ۰.۵۷۰۹۲۴۸۵۸، بی ریایی با امتیاز ۰.۵۴۶۴۹۵۴۱۷، سرمایه انسانی با امتیاز ۰.۵۱۵۳۹۲۰۹۲، تعادل فکری با امتیاز ۰.۴۷۸۷۵۷۰۳۹، سازماندهی با امتیاز ۰.۳۸۶۳۸۱۴۴۶، متانت با امتیاز ۰.۳۳۲۵۷۳۱۳۵ و ارتباطات با امتیاز ۰.۳۲۷۰۶۹۴۴۱ دانست. از آنجا که مقاله حاضر با هدف تدوین مدل و اولویت دادن به متغیر های مدل برای مدیران امروزی

تدوین شد، می توان پیشنهاد کرد که مدیران محترم سازمان ها به نتایج این مقاله در جهت ارتقای قدرت مدیریتی جهت نزدیکی به سینرژیک سازمانی توجه نمایند.

با توجه به مستندات ارائه شده در متن مقاله، موارد زیر به عنوان پیشنهاداتی به منظور انجام تحقیقات آتی در ارتباط با موضوع مقاله حاضر می تواند ارائه می شود:

تبیین مدل معادله ساختاری عوامل مؤثر بر ارتقای سطح مدیریتی با رویکردی از احادیث.

تبیین مدل های بومی اسلامی - ایرانی جهت ارائه راهکارهای اصلاح کاهش بهره وری مدیریت در سازمان.

ص: ۲۱۴

۱. آذر، عادل و رجب زاده، علی، تصمیم گیری کاربردی؛ رویکرد M.A.D.M، نشر نگاه دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۲. آذر، عادل، فنون آمار استنباطی در پژوهش های مدیریتی و رفتاری، فصل نامه علمی پژوهشی دانش مدیریت، شماره ۲۶، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۳. بازرگان، عباس و دیگران، روش های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۷ش.
۴. برزگر، قدرت...؛ پاکدین امیری، علیرضا و پاکدین امیری، مرتضی، تبیین مدل معادلات ساختاری عوامل مالی مؤثر بر شاخص قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی حسابداری مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸ش.
۵. پاکدین امیری، علیرضا، بررسی عوامل مؤثر بر تغییر قیمت شاخص سهام در بورس اوراق بهادار تهران با رویکرد فازی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، ۱۳۸۷ش.
۶. پاکدین امیری، علیرضا، شناسایی و رتبه بندی تاثیر تیزرهای بهره وری در رسانه بر رفتار فردی با بهره گیری از الگوریتم تاپسیس، دومین همایش ملی توسعه و تحول در فرهنگ و هنر، ۱۳۸۹ش.
۷. پاکدین امیری، علیرضا؛ پاکدین امیری، مجتبی و پاکدین امیری، مرتضی، ارائه مدل پیش بینی شاخص کل قیمت سهام با رویکرد شبکه های عصبی (مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران)، مجله جستارهای اقتصادی، سال ششم، شماره ۱۱، ۱۳۸۸ش.
۸. رضاییان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ش.
۹. ساروخانی، باقر، روش تحقیق در علوم اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۲ش.
۱۰. ظهوری، قاسم، کاربرد روش های تحقیق علوم اجتماعی در مدیریت، انتشارات میر، تهران، ۱۳۷۸ش.
۱۱. مصدق راد، محمد علی، بررسی رابطه رضایت شغلی کارکنان با سبک مدیریت مدیران بیمارستان های دانشگاهی شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۲. Chen, M. F., Tzeng, G. H., Ding, C. G., Fuzzy MCDM approach to select service provider, IEEE International Conference on Fuzzy Systems, ۲۰۰۳.

- Heresy, PK. Blanchard, Management of Organization behavior: utilizing Human.١٣
.Resources.٤th.Ed. India: prentice-hall, ١٩٨٥
- Hobbs, B. F. Meier, P. M., Multi criteria methods for resource planning: An.١٤
.experimental comparison. IEEE Transactions on Power Systems, ١٩٩٩
- Hwang, C. L., Yoon, N. , Multiple attributes decision making methods and.١٥
.application. Berlin: Springer-Verlag, ١٩٨٧
- R. Ilies, T.A. Judge, On the heritability of job satisfaction: the mediating role of.١٦
.personality; JAppl Psychol - , ٢٠٠٣
- Sriratanaban, M. Chiravisit, O. Viputsiri, Predictors of leadership styles of medical.١٧
.students: implications for medical Education; J Med Assoc Thai ١٩٩٩
- .Tvrdik, A. Analysis of success factors of public/private partnership, U.S.A, ٢٠٠٠.١٨

سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که ویژگی های نظام حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر امام رضا علیه السلام و روایات ایشان چیست؟

برای پاسخ به این پرسش، نظام حکومتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ساختار نظام سیاسی ایشان در دو سطح ساختار و کارویژه نظام مهدوی، از نظر احادیث امام رضا علیه السلام بررسی شده است.

نظام حکومتی مهدوی _ که در رأس آن امام معصوم قرار دارد _ به دنبال پیاده کردن قوانین اصیل اسلامی است؛ چرا که با از بین رفتن اختلافات و درگیری ها در سطح زمین، بشریت به یک امت واحده جهانی - اسلامی تبدیل می شود. این مهم و رسالت الهی، به وسیله نیروهای غیبی و نیز نیروها و تشکیلات نظامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد که روایات فراوانی از آنها سخن گفته اند. عنصر مهم دیگر در نظام سیاسی مهدوی، عنصر جغرافیا است؛ به این معنا که محل ظهور و شروع مبارزه آن حضرت، مکه و محل استقرار حکومت، شهر کوفه خواهد بود.

در بخش کارویژه های حکومت مهدوی، حاکم ساختن نظام توحیدی در سرتاسر جهان به عنوان یکی از کارویژه های اساسی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بحث گذاشته خواهد شد.

حاکم ساختن عدالت و امنیت الهی بر تمام گیتی نیز از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شود؛ زیرا نظام مهدوی به همراه خود، عدالت، صلح و امنیت را برای تمام گیتی به ارمغان خواهد آورد.

واژگان کلیدی: حکومت امام مهدی، نظام سیاسی مهدوی، نیروی نظامی، امت واحده جهانی، اسلامی.

مقدمه

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان، از موضوعاتی است که در احادیث پیامبر و امامان علیهم السلام مورد توجه و اهتمام خاصی قرار گرفته است. موضوع حکومت آخر الزمانی، در طول تاریخ، از طریق شیعه و اهل سنت به طور مبسوط و گسترده مطرح شده است، اما با وجود روایات فراوان در این زمینه، تقسیم بندی نظام مندی درباره اندیشه سیاسی شیعه و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان، وجود ندارد.

بحث از نظام حکومتی و ساختار سیاسی شیعه در رابطه با حکومت آخر الزمانی، جای کار فراوانی دارد؛ چرا که با وجود منبع سرشار احادیث پیامبر و ائمه علیهم السلام _ که بنیان تفکر شیعی و اسلامی را تشکیل می دهند _ مورد اهتمام جدی محققان واقع نشده است. اما علی رغم اینکه بحث از روایات ائمه در مورد مسائل گوناگون و از جمله مسأله آخر الزمان، همواره با جرح و تعدیل های سندی مواجه بوده است، با این حال، آنچه از احادیث معصومین علیهم السلام درباره نظام سیاسی مهدوی در آخر الزمان فهمیده می شود، اندیشه مترقی و اصیل اسلامی است که ساختار نظام سیاسی مهدوی را آشکار می کند، ساختاری که در رأس هرم آن، امام معصوم و انسان کامل _ که نمود و مظهری از حاکمیت خداوند در زمین است _ قرار دارد

و به تبع این حاکمیت و استخلاف است که امت جهانی معنا و مفهوم پیدا می کند.

مسأله ای که در رابطه با نظام های سیاسی حاکم بر دنیا می توان یادآور شد، این نکته است که آن نظام ها در برخورد با مسائل اجتماعی و اقتصادی و نیز سیاسی، حاکمیت خداوند را نادیده گرفته و با شکست و فضاخت روبرو شده اند؛ از این رو، حاکمیتی که ائمه اطهار برای آینده بشریت ترسیم کرده اند، حاکمیت الهی است که به عنوان تنها عامل رستگاری بشر و رسیدن به عدالت واقعی مطرح می باشد. نظامی که در آن، زمام امور به دست انسان کامل سپرده می شود و به دنبال ضرر و منفعت شخصی، رسیدن به قدرت به هر قیمتی نیست، بلکه قدرت را برای اهداف الهی در نظر می گیرد. به واسطه این نظام، خلق خدا نیز از نظر معنوی و مادی به تکامل و پیشرفت نائل می شوند.

بر اساس احادیث امام رضا علیه السلام ساختار نظام حکومت مهدوی، یک ساختار الهی است و با تمامی نظام های دنیوی تفاوت دارد. برای نظام حکومتی مهدوی کارویژه های خاصی از احادیث امام رضا علیه السلام استنباط می شود. این کارویژه ها در احادیث سایر معصومین، به ویژه، احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز به صورت مبسوطی مورد توجه و تأیید قرار گرفته است. با مقایسه آنها، به این نتیجه می رسیم که این احادیث، یک خط سیر را به مثابه نور ساطع شده از خورشید طی کرده، و به امام رضا علیه السلام و سایر امامان رسیده است.

در قسمت ساختار نظام سیاسی مهدوی، ابتدا ضرورت تأسیس حکومت جهانی از نظر تکوینی، تشریحی و نیاز به حاکمیت و رهبری انسان کامل _ به عنوان تنها فرد نجات دهنده جامعه انسانی _ مطرح شده است. در بخش بعدی عناصر تشکیل دهنده نظام سیاسی و حکومت مهدوی از دیدگاه امام رضا علیه السلام، مورد بررسی قرار گرفته اند که عبارتند از:

۱. امامت و رهبری

۲. امت واحده جهانی - اسلامی

۳. نیروی نظامی

۴. منطقه جغرافیایی ظهور و حکومت.

در بخش کارویژه ها، نیز بحث هایی اساسی از روایات امام رضا علیه السلام فهمیده می شود که عبارتند از:

۱. حاکم ساختن نظام توحیدی در سرتاسر جهان

۲. حاکم ساختن عدالت بر تمام گیتی

۳. برقراری امنیت و آرامش الهی

الف. ساختار نظام سیاسی

۱. ضرورت تاسیس نظام حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. نیاز تکوینی (ولایت تکوینی)

از دیدگاه شیعه، نظام امامت قبل از نظام حکومت قرار دارد. تشیع این مسئله را که از سوی اهل سنت و غریبان مطرح شده، مبنی بر اینکه هر کس قدرت را در دست دارد، مشروع است، قبول ندارد. وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قبل از اینکه به عنوان یک مصلح و رهبر تام و کامل مطرح باشد، یک ضرورت برای حفظ نظام تکوین است؛ چرا که بدون وجود آن حضرت، نظام تکوین از بین خواهد رفت، از دیدگاه شیعه، در هر عصر و زمانی باید فیض کامل از طرف خداوند جاری و ساری باشد تا نقصی در مبدأ فیاض لازم نیاید، گرچه بشر به درجه ای از بلوغ نرسیده باشد که توان درک این فیض را داشته باشد و امام در پس پرده غیبت به سر برد.

در این باره محمد بن فضیل نقل کرده که از امام رضا علیه السلام پرسیدم: «آیا زمین بدون وجود امام باقی می ماند؟» حضرت جواب می دهند: «نه» به ایشان گفتم: «از

امام صادق روایت شده که زمین، خالی از وجود امام نمی شود مگر این که خدای تعالی بر اهل آن خشم گیرد. امام رضا علیه السلام فرمود: «نه، اگر امام نباشد، زمین از بین خواهد رفت.»^(۱)

سلیمان جعفری نیز از امام رضا علیه السلام پرسیده است: «آیا زمین از حجت، خالی خواهد ماند؟» حضرت فرمود: «اگر به میزان یک چشم برهم زدن، زمین از حجت خدا خالی بماند، به یقین ساکنان خود را فرو می بلعد.»^(۲)

اگرچه حکومت جهانی الهی، برای تأسیس، به مصلح جهانی نیاز دارد، اما روایات معصومین علیهم السلام دلالت بر این نکته می کند که قبل از مقام تشکیل حکومت و ولایت شرعی، جنبه امامت و ولایت تکوینی قرار دارد. یعنی اگر امام معصوم علیه السلام نتواند تشکیل حکومت بدهد، حق امامت و حق تشکیل حکومت از او ساقط نخواهد شد.

ب. نیاز شرعی (ولایت شرعی)

از منظر رضوی علیه السلام، حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان تنها پیاده کننده قوانین نجات بخش الهی معرفی شده است. در این باره امام رضا علیه السلام می فرماید: «بدون تردید، امامت، مهار دین، نظام مسلمین، عامل اصلاح دنیای مردم و سبب عزت و سربلندی اهل ایمان است.»^(۳)

چنان که ملاحظه می شود نیاز شرعی به وجود امام زمان، یعنی انسان کامل، برای پیاده کردن حکومت الهی و قوانین آن، در سخنان معصومین علیهم السلام از جمله امام رضا علیه السلام بسیار تأکید شده است. ضرورت حکومت اسلامی بدون در نظر گرفتن امام علیه السلام و انسان کامل بی معناست. منصب امامت، هم متضمن دین مردم و هم متضمن

ص: ۲۲۱

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲- عیون اخبار رضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۵۸.

۳- عیون اخبار رضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۲۰.

نظام حکومتی مسلمین است. دنیای مردم با انجام احکام اصیل اسلامی پیوندی عمیق با دین پیدا می کند.

امام رضا علیه السلام در مورد نیاز تشریحی به امام معصوم، چنین فرموده است:

«... همانا امامت، خلافت خدا و خلافت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مقام امیر المؤمنین علیه السلام و میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت، ریشه محکم اسلام و شاخه بلند آن است. کامل شدن نماز، زکات، روزه، حج و جهاد، و بسیار شدن غنایم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری از مرزها امام است. اوست که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می کند و حدود خدا را به پا می دارد و از دین خدا دفاع می کند و با حکمت و اندرز و حجت رسا مردم را به طریق پروردگار دعوت می نماید. امام مانند خورشیدی طالع است که نورش عالم را فرا می گیرد و خودش در افق است، به گونه ای که دست ها و دیدگان به او نمی رسد. امام، ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای است راهنما در شدت تاریکی ها و کویرها و گرداب ها (یعنی زمان جهل و فتنه و سرگردانی مردم). امام، آب گوارای زمان تشنگی و رهبر به سوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است. امام آتش روشن روی تپه (راهنمای گمشدگان) است. او وسیله گرمی سرمازدگان و راهنمای در هلاکت گاه هاست هر که از او جدا شود هلاک می شود. امام ابری است بارنده، بارانی است شتابنده، خورشیدی است فروزنده، سقفی است سایه دهنده، زمینی است گسترده، چشمه ای است جوشنده و برکه و گلستان است. امام، همدم و رفیق، پدر مهربان، مادر دلسوز و پناه بندگان خدا در گرفتاری های سخت است و امام امین خداست در میان خلقتش و حجت او است بر بندگانش و خلیفه او است در بلاش و دعوت کننده است به سوی او و دفاع کننده است از حقوق او...» (۱)

ص: ۲۲۲

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای پیاده کردن حکومت و نظام عدل الهی، باید قدرت و حاکمیت را در دست داشته باشد، تا به وسیله آن، تمامی گردن کشان و ظالمان را به سزای اعمالشان برساند. حاکمیت در اکثر جوامع بشری در دست نااهلان و نامردمان افتاده است و بشریت برای رهایی از بحران های عدیده عقیدتی، معنوی، اجتماعی، روحی، فرهنگی، ظلم و ستم، استکبار و استضعاف، و... نیاز به حاکمیت و قدرت فائقه الهی دارد. در این زمینه امام رضا علیه السلام در توضیح منصب حاکمیت امام معصوم علیه السلام چنین توضیح می دهند:

«امام از گناهان، پاک و از عیب ها بر کنار است. به دانش، مخصوص و به خویشتن داری نشانه دار است. موجب نظام دین و عزت مسلمین و خشم منافقین و هلاک کافرین است. امام یگانه زمان خویش است. کسی به طراز او نرسد و دانشمندی با او برابر نباشد. جایگزین و مانند و نظیر ندارد. به تمام فضیلت ها مخصوص است بی آنکه در طلبش رفته و آن را به دست آورده باشد، بلکه امتیازی است که خدا از سر فضل و بخشش به او عنایت فرموده است... و خدا به هر کس که بخواهد فضل می کند. علمش متری و حلمش کامل است، در امامت، قوی و در سیاست، عالم است، اطاعتش واجب می باشد. به امر خدای عزوجل قائم است، خیر خواه بندگان خدا و نگهبان دین خداست. خدا، پیغمبران و امامان را توفیق بخشیده و از خزانه علم و حکم خود، آنچه به دیگران نداده به آنها داده است. از این جهت، علم آنها برتر از علم مردم زمانشان می باشد و خدای تعالی فرموده: آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند شایسته تر است که پیروی شود یا کسی که هدایت نمی کند جز اینکه هدایت شود. شما را چه شده؟ چگونه قضاوت

می کنید؟ (۱)» (۲)

قدرت رهبری و سیاستمداری در رابطه با امام زمان عبارت است از این که وی دارای آن چنان تدبیری است که می تواند همه امور را با بهترین وجه اداره کند، و تمام نیروهای موجود را که در اختیار دارد، برای محو آثار شرک و استضعاف و برای ریشه کن کردن مشکلات روحی، معنوی و عقیدتی و به تبع آن، مشکلات مادی بشر، به بهترین وجه بسیج نماید، و با استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی - الهی، جامعه آرمانی را برای بشریت محقق سازد. (۳)

در احادیث امام رضا علیه السلام، از نظر قدرت، ویژگی های ظاهری خاصی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. دارای چهره ای جوان و شاداب

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیمای مرد چهل ساله قیام خواهد کرد. این سن، در طول زندگی انسان ها، بهترین دوره از نظر بلوغ فکری می باشد.

ابو الصلت هروی گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «علامت قائم شما در هنگام خروجش چیست؟» فرمود: «وی در هنگام ظهور از نظر سن پیرمرد است و لیکن از نظر قیافه و منظره، جوان می نماید و بیننده فکر می کند که او مردی چهل ساله یا کمتر از آن است. و یکی از علائم او این است که وی هرگز پیر نخواهد شد تا آنگاه که اجلش برسد.» (۴)

۲. توانمندی و نیرومندی کم نظیر

ریان بن صلت گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: «شما صاحب الامر

ص: ۲۲۴

۱- سوره یونس، آیه ۳۵.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۸۹.

۳- مهدی منتظر، ص ۶۹.

۴- مهدی موعود، ص ۱۰۷۳؛ زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، ص ۵۹۴.

هستید؟». فرمود: «من صاحب امر هستم، و لیکن آن صاحب امری که جهان را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد، نیستم. و چگونه با این ضعف بدن و ناتوانی صاحب امر باشم.

قائم و صاحب امر هنگامی که خروج کند در سن پیرمردان و هیکل و منظر جوانان خواهد بود.

قائم و صاحب امر از نظر بدن و جسم، بسیار قوی و نیرومند است، و اگر بخواهد، می تواند یک درخت تنومند را از جای برکند و اگر چنانچه در میان دره ها فریاد زند کوه ها از هم پراکنده می شوند. عصای موسی و انگشتر سلیمان با او خواهد بود، و او چهارمین فرزند من است که خداوند او را از انظار مخفی می کند و هر گاه اراده فرماید او را ظاهر می سازد و جهان را به واسطه او پر از عدل و داد می کند، پس از آنکه پر از جور و ستم شده باشد» (۱).

۳. صاحب شمشیر و پرچم مخصوص

شمشیر و پرچم، نماد حاکمیت هر حکومتی است. شمشیر، نماد حاکمیت و نیروی نظامی، و پرچم، نماد مالکیت سرزمینی و نیز نماد عقیده می باشد.

امام رضا علیه السلام می فرماید: «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای پرچم مخصوصی است. هر گاه زمان قیام آن حضرت فرا رسد، آن پرچم خود به خود باز می شود... همچنین شمشیر غلاف شده ای دارد که هر گاه زمان قیامش فرا رسد، آن شمشیر صدا می زند و می گوید: ای ولی خدا! قیام کن، دیگر بر تو جایز نیست از پیکار با دشمنان باز ایستی. پس حضرت قیام می کند و دشمنان خدا را در هر کجا به دست آورد، می کشد و حدود الهی را برپا و اجرا می کند» (۲).

ص: ۲۲۵

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۶۵؛ اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، ص ۴۲۲.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۱، باب ۶، حدیث ۲۹.

الف. امامت و رهبری

به نظر شیعه، هیچ حکومتی نمی تواند نظام عادلانه الهی را در زمین مستقر سازد، جز نظام حکومت الهی که در رأس آن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد. منصب امامت که از عنصر عصمت نیز برخوردار است، تنها مسیر رسیدن بشریت به حکومت الهی است. در احادیث امام رضا علیه السلام، نهاد امامت و رهبری، با نظام حکومتی که از سوی دانشمندان علم سیاست معرفی می شود و نیز با نظام های سیاسی معهود دنیا، کاملاً تفاوت می کند.

در این زمینه امام رضا علیه السلام می فرمایند: «امام ... در امامت، قوی و در سیاست، عالم، و اطاعتش واجب است. به امر خدای عزوجل قائم است و خیر خواه بندگان خدا و نگهبان دین خداست. خدا، پیغمبران و امامان را توفیق بخشیده و از خزانه علم و حکومت خود، آنچه به دیگران نداده به آنها داده است؛ از این جهت، علم آنها برتر از علم مردم زمانشان می باشد».^(۱)

نظام مهدوی، نظامی است که در پی براندازی نظام های ظالمانه و حاکم کردن نظام عادلانه الهی است. احادیث معصومین علیهم السلام و امام رضا علیه السلام، دور شدن امت اسلامی از ولایت مداری را سبب انحراف آنها دانسته اند و هیچ کس را در مقابل نظام عادلانه الهی، واجد حق و امتیاز خاصی نمی دانند. معمولاً در نظام های سیاسی دنیا عده ای برای رسیدن فرد یا گروهی به مناصب گوناگون، تلاش می کنند و بعد از به قدرت رسیدن فرد یا افراد مورد نظر، خواسته های مادی خود را مطرح می کنند. اما حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نظامی است که کسی بر گردن آن حق ندارد، تا بخواهد به خاطر آنها، مصلحت هایی را در نظر بگیرد. چنانکه از امام رضا علیه السلام درباره

ص: ۲۲۶

علت غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده شد و، حضرت پاسخ دادند:

«لَثَلَا يَكُونُ فِي عُنُقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعُهُ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ».

علامه مجلسی نقل می کند که:

شیخ صدوق رحمه الله از حسن بن فضال و او از پدرش و او از امام رضا علیه السلام روایت می کند که فرمود: «گویا شیعه را در موقع فقدان سومین امام از فرزندانم می بینم که از هر سو او را جستجو می کنند نمی یابند». سؤال شد: «یا ابن رسول الله! برای چه؟» فرمود: «برای اینکه امام آنها غائب می گردد». پرسیدند: «چرا غائب می شود؟» فرمود: «برای اینکه وقتی با شمشیر قیام می کند، بیعت هیچ کسی بر گردن او نباشد.»^(۱)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حتی به صورت ظاهری و از روی تقیه نیز با ظالمان و حکومت های ستمگر، بیعت نمی کند، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اینگونه محدودیت ها را ندارند. او آمده است که ریشه این بی عدالتی ها را، قطع کند.

ب. امت واحدہ جهانی - اسلامی

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم تمام گیتی از عناصر تشکیل دهنده حکومت جهانی او شمرده می شوند. در دوران دولت عدل بنیاد مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جهان بینی واحدی بر جهان حاکم می گردد، و راه و روش و برنامه ها نیز یکی خواهد شد و یکپارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام تمامی مردم جهان پدید خواهد آمد. مردمان، همه، یک دل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت خواهند کرد و ناسازگاری و دوگانگی در اندیشه ها و عقیده ها نخواهد ماند.

از امام رضا علیه السلام در مورد تفسیر آیه ۸۳ سوره آل عمران سؤال شد.^(۲)

ص: ۲۲۷

۱- مهدی موعود، ص ۳۸۶

۲- « أَفَعَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ؛ آیا دینی جز دین خدا را می جوئید؟ حال آنکه آنچه در آسمان ها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم فرمان اوست و به سوی او باز گردانده می شوند...»

امام فرمود: «آیه مذکور، در حق قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است. هرگاه امام زمان ظهور کند، به کافران و مرتدان مشرق و مغرب، اسلام را عرضه می کند. هر کس از روی علاقه بپذیرد، او را به نماز و زکات و دیگر فرایض فرمان دهد... در شرق و غرب عالم کسی باقی نباشد جز گروندگان به خداوند یگانه». عرض کردند: «تعداد مردمانی که یکتا پرست نیستند خیلی بیشتر از این هاست». حضرت فرمود: «هرگاه خداوند اراده کند، تعداد اکثریت را کاهش دهد و اقلیت را افزایش بخشد.»^(۱)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیق بزرگ و بی مانندی دست می یابد، و همه علل و عوامل ناسازگاری و برخورد و درگیری را رفع می کند، و تضادها و کشمکش های اجتماعی را _ که خاستگاه اصلی آن، اختلاف در عقیده و مرام جامعه است _ از ریشه قطع می کند، و با عرضه جهان بینی الهی _ که آثار آن در عمل برای همگان آشکار می گردد _ راه هر گونه اختلاف را می بندد. روش حکومت داری او، بر اساس قانون جاویدان حق و عدل استوار است و با فطرت و سرشت انسان ها هماهنگی و سازگاری کامل دارد و وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید و یکتا پرستی پی می ریزد، و همه انسان ها را زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می آورد.

در این زمینه از مالک روایت شده است که امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمود:

«یا مالک بن ضمیره! کیف انت اذا اختلفت الشیعه... فقلت یا امیر المؤمنین، ما عند ذلک من خیر؟ قال: الخیر کله عند ذلک. یا مالک عند ذلک یقوم قائمنا... ثم یجمعهم الله علی امر واحد»^(۲)

ص: ۲۲۸

۱- منتخب الاثر، ص ۴۷۱؛ مهدی موعود، ص ۱۱۲۲.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۰۶.

ای مالک! چگونه خواهی بود هنگامی که شیعیان با هم اختلاف کنند. گفتم: یا امیرالمؤمنین در این دوره خیری نیست. امام فرمود: تمام نیکی در این روزگار است. ای مالک! در این زمان قائم ما قیام می کند... و خدا همه را بر (محور) یک مرام و عقیده گرد می آورد».

در کنز الفوائد از عبایه ربعی نقل شده است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آیه >هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ...< را قرائت نمود و فرمود: «خدا این رسول و فرستاده خود را بعد از این، ظاهر خواهد کرد. قسم به خدایی که جان من به دست اوست، در زمان ظهور او قریه ای نیست که صبح و شام، بانگ «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله» در آن بلند نشود».

و هم در آن کتاب از ابن عباس روایت شده که وی در باره آیه >لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ< گفت: «این در زمانی است که تمام یهودیان و نصاری و پیروان هر کیشی به دین حنیف اسلام بگردند...»^(۱)

آنچه مسلم به نظر می رسد این است که امت واحده جهانی _ اسلامی _ که از یک مرام و عقیده تبعیت می کند _ از عناصر مهم حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شود. و در آن، تمامی مردم به دین گرایش خواهند یافت.

ج. نیروی نظامی

حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در کنار نیروی لایزال معنوی به نیروی نظامی مادی نیز احتیاج دارد. در توصیف دستگاه نظامی و نیروهای مسلح آن حضرت، روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام وارد شده است. همه عوامل طبیعی و ماوراء طبیعی دست به دست

ص: ۲۲۹

هم می دهند تا او را برای رسیدن به نظام احسن یاری رسانند. در مورد عوامل ماوراء طبیعی و معنوی، امام رضا علیه السلام به یاری رساندن جبرئیل و میکائیل به آن حضرت اشاره می کند: «او در حالی ظهور می کند که جبرئیل در دست راست او، میکائیل در طرف چپ او، و شعیب بن صالح در پیشاپیش او حرکت می کند».^(۱)

آن حضرت، درباره نیروی نظامی و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می فرمایند: «زمانی که دلایل و علامات آشکار شده باشد، خروج می کند. او دارای گنج هایی است، ولی نه از طلا و نقره؛ بلکه از اسب هایی قوی و پیاده نظامی با علامت های مشخص. خداوند تبارک و تعالی، از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر، یعنی سیصد و سیزده نفر، برای او سپاه گرد می آورد. او نوشته ای در دست دارد که مهر شده و در آن، تعداد و اسامی اصحاب او و نیز نسب، خلق و خوی، وضع ظاهری و کنیه آنان ثبت شده است. این نفرات جنگاور بوده، در اطاعت و فرمانبرداری از او کوشا هستند و مجدانه عمل می کنند...».^(۲)

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دو جبهه در مقابل هم صف آرایی می کنند:

۱. جبهه الهی و آسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش، که در مورد ویژگی ها و تعداد آنان از معصومین و از جمله، امام رضا علیه السلام روایات فراوانی نقل شده است

۲. جبهه شیطانی، که در روایات معصومین، به برخی از آنها اشاره شده است. یکی آنکه قبل از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا مقارن با آن، شخصی به نام سفیانی خروج می کند که به جنگ با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می رود و خروج او، در برخی روایات، از علائم حتمیه ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

یکی دیگر از مظاهر قدرت شیطان در زمین که در روایات ذکر شده است، دجال می باشد. سفیانی، بیشتر حالت جنگ و ستیز و خون ریزی و سفاکی و

ص: ۲۳۰

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، صص ۱۲۰-۱۲۲.

مخالفت با مؤمنین و شیعیان را دارد؛ اما دجال، علاوه بر موارد مذکور، حالت فریبکاری و شک تردید انداختن میان مردم به کمک نیروهای اهریمنی و شیطانی را نیز دارد. هر دوی این نیروهای اهریمنی، در مقابله با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از بین می روند.

نعمانی در کتاب غیبت از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) روایت نموده که فرمود: «خروج سفیانی و قیام قائم در یک سال خواهد بود»^(۱).

و نیز از موسی بن اعرین روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

«آمدن سفیانی امری حتمی است. از موقع آمدن وی تا آخر کارش، جمعاً پانزده ماه طول می کشد. شش ماه جنگ می کند و وقتی پنج منطقه را به تصرف درآورد، نه ماه سلطنت می کند و یک روز بیش از آن نمی ماند».

هم چنین از معلی بن خنیس نقل شده که گفت: شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرمود: «بعضی از وقایع، حتمی است که باید روی دهد و بعضی غیر حتمی است (و ممکن است به عللی اتفاق نیفتد) و از جمله امور حتمیه، خروج سفیانی در ماه رجب است».

زراره از برادرش عبد الملک بن اعرین روایت می کند که گفت: «در خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که از قائم سخن به میان آمد. من گفتم: امیدوارم که به زودی قائم ظهور کند و سفیانی هم نباشد. حضرت فرمود: «نه! به خدا قسم، آمدن سفیانی حتمی است و ناچار باید بیاید»^(۲).

در مورد دجال و شخصیت و اعمال زشت و فریب کارانه او نیز روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام صادر شده است.

برای مثال روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ دشتی بر روی زمین

ص: ۲۳۱

۱- مهدی موعود، ص ۱۰۲۲.

۲- مهدی موعود، ص ۱۰۲۹.

باقی نمی ماند مگر اینکه دجال، آن را زیر پا می گذارد، به جز مکه و مدینه؛ زیرا بر سر هر یک از راه های این دو شهر، فرشته ای گماشته شده است که آنها را از دستبرد طاعون و دجال حفظ می کند، و توفیق دهنده خداست» (۱).

د. منطقه جغرافیایی ظهور و اعمال حکومت

موضوعی که همواره در احادیث معصومین علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته، و از ائمه و نیز امام رضا علیه السلام سؤال می شده است، مسأله مکان ظهور و نیز منطقه جغرافیایی استقرار حاکمیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. در دوران رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماعات و نژادها و منطقه ها، یکی از عوامل اصلی تضاد و جنگ و ظلم نابود می شود، و انسان ها بدون بیم از فشار سیاست ها به زندگی طبیعی خود می پردازند، و مهربان و برادر، در کنار یکدیگر زندگی می کنند. کمبودها و عقب ماندگی های طبیعی و بشری و دیگر مشکلات و نابسامانی های جامعه بشری نیز به دست توانای امام عجل الله تعالی فرجه الشریف جبران می گردد، و به معنای واقعی کلمه، یک امت و یک خانواده از کل اجتماعات بشری تشکیل می شود.

در احادیث امامان علیهم السلام و منطقه مورد توجه قرار گرفته است؛ البته این دو منطقه نسبت به زمان ظهور و زمان استقرار حاکمیت و حکومت فرق می کنند. در روایات، مکان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شهر مکه و کنار خانه خدا ذکر شده است؛ چنانکه امام رضا علیه السلام می فرماید: «اوست کسی که منادی از آسمان به نام او فریاد کند، به طوری که همه اهل زمین، دعوت به سوی او را بشنوند و گویند به حقیقت، حجت خدا آشکار شد نزد خانه خدا، او را پیروی کنید که حق با او و در او است. و این است تفسیر گفته خدای عز و جل: اگر بخواهیم، آیه ای از آسمان بر آنها فرود می آوریم

ص: ۲۳۲

که بر آن گردن نهند (۱)». (۲)

مکان دیگری که روایات فراوانی از آن ذکر کرده اند، شهر کوفه است، که به عنوان مرکز خلافت و پایتخت آن حضرت، معرفی شده است. محل ظهور و شروع اصلاحات آن حضرت، ابتدا از شهر مکه شروع می شود، و سپس در کوفه فرود می آید؛ چنانکه امام باقر علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه حرکت می کند تا به کوفه آمده و در نجف فرود آید. آنگاه لشگرهای خود را از آنجا به شهرها و ممالک پراکنده می سازد».

ابو بکر حضرمی نیز از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «گویا حضرت قائم علیه السلام را می نگرم که از مکه به همراه پنج هزار فرشته، در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل، سمت چپ و مؤمنان پیش رویش هستند، به نجف و کوفه آمده و لشگر به شهرها می فرستد». (۳)

بنابر این برای اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بتواند اصلاحات الهی را روی زمین ایجاد کند، نیاز به مرکز حکومت و پایتخت دارد. تا از آنجا سیطره خویش را بر تمام عالم، اعمال کند؛ به گونه ای که بر طبق احادیث معصومین علیهم السلام، مکانی نمی ماند مگر اینکه دعوت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آنجا می رسد و آنها اطاعت او را می پذیرند.

ب. کارویژه های نظام حکومتی مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. حاکم ساختن نظام توحیدی

کار ویژه اصلی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ که اصلی ترین برنامه اصلاحی آن حضرت می باشد _ حاکم ساختن نظام توحیدی اصیل و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است، که با

ص: ۲۳۳

۱- سوره شعراء، آیه ۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳.

۳- ارشاد، ج ۲، ص ۳۵۴.

تمامی کژ روی ها و بدعت هایی که در طول تاریخ درباره اسلام و دین حق صورت پذیرفته است، به مبارزه خواهد پرداخت و تمامی آنها را اصلاح خواهد کرد؛ همان طور که جدشان امام حسین علیه السلام برای قیام خویش دلیلی جز اصلاح دین جدش از فساد و تباهی ذکر نمی کند. در این باره امام رضا علیه السلام از اجداد طاهرینش نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معراج به خداوند عرضه داشت:

«پروردگارا! جانشینان من چه کسانی هستند؟» ندا رسید: «ای محمد! جانشینان تو در سراپرده عرش مکتوب اند. اول ایشان، علی علیه السلام و آخرینشان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. سوگند به عزت و جلال خودم که زمین را به وسیله آخرینشان از ظلم و ستم پاک می کنم و جهان را... در تصرفش در می آورم... او را با لشکر یاری می کنم... تا اینکه دولت حق مرا بر پاسازند و خلق را در راه یگانه پرستی و توحید مجتمع کنند، سپس ملک و حاکمیتشان را ادامه دهم و ایامشان را تا روز رستاخیز تداوم بخشم» (۱). به تبع حاکم شدن نظام توحیدی و به دنبال آن نظام مهدوی، قوانین اصیل اسلامی به اجرا در می آید و شاهد عمل به قوانین و احکام اسلامی در سراسر جهان خواهیم بود. منشا قانون در حکومت مهدوی فقط و فقط خداوند خواهد بود.

۲. ایجاد عدالت الهی

دستاورد مهم دیگر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برقراری عدالت در تمام گیتی است که همراه خود، امنیت و صلح را به ارمغان خواهد آورد. این کارویژه نیز در روایات مختلف از ائمه علیهم السلام و همچنین از طرف امام رضا علیه السلام مطرح شده است.

علامه طباطبایی رحمه الله در مورد تعریف عدالت چنین می گویند: «عدالت آن است که حق هر قوه ای را به او بدهی و هر قوه ای را در جای خودش مصرف کنی؛ و افراط

ص: ۲۳۴

و تفریط عبارت می شود از ظلم و انظلام، ستمگری و ستم کشی»^(۱).

تحقق یافتن عدالت جهانی به مفهوم دسترسی هر پدیده زنده ای به حق خویشتن، بزرگترین فلسفه ظهور امام عصر است؛ به گونه ای که صدها روایت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث پیشوایان معصوم علیهم السلام بر این مطلب اشاره دارند. گره کوری که علم با آن همه ریزه کاری ها و هنر با آن همه نازک اندیشی هایش نتوانست از جسم و جان بشریت باز کند، در زمان ظهور گشوده خواهد شد. جنگ ها، اختلافات طبقاتی، استثمار با اشکال گوناگونش، ستم های ستمگران، اختناق امپریالیسم و نظام سرمایه داری، مکتب های بی خبر از خدا، کمونیسم و مارکسیسم شکست خورده، همه و همه شهادت می دهند که عدالت جهانی مرده است. اما در این بین، شیعه معتقد است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر پا کننده این عدالت جهانی خواهد بود.^(۲)

امام رضا علیه السلام درباره جاری کردن عدالت در دنیا، توسط امام زمان می فرمایند:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می گرداند تا او بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند چنان که پر از ظلم شده باشد».^(۳)

یا در جای دیگری می فرمایند: «هرگاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، زمین به نور پروردگارش می درخشد. او ترازوی عدالت را در میان مردم قرار می دهد و دیگر احدی به کسی ستم نمی کند».^(۴)

از دیگر اقدامات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای برقراری عدالت الهی، به مجازات رساندن ستمگران و رضایت دهندگان به ظلم است. چنان که عبدالسلام بن هروی از امام رضا علیه السلام پرسید: «نظر شما درباره حدیث امام صادق علیه السلام که فرمود: هرگاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۲۳۵

۱- المیزان، ج ۱، صص ۵۵۸-۵۶۰.

۲- مقاله «بقیه الله» به نقل از «مکتب تشیع»، ش ۱۸۹، ص ۹۲.

۳- مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۳۸۲.

۴- إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۰۸.

قیام (خروج) کند، ذریه‌ها و نوادگان قاتلان امام حسین علیه السلام را به قتل خواهد رساند، چیست؟» ایشان فرمودند: «روایت کاملاً صحیح است». عبدالسلام پرسید: «پس معنای این آیه چیست که هیچ کس بار گناه دیگری را نمی‌کشد؟» (۱) امام رضا علیه السلام فرمود: «خداوند در جمیع گفتارش صادق و راستگوست، ولی ذریه قاتلان امام حسین علیه السلام به اعمال زشت پدرانشان راضی هستند، و به آن جنایات افتخار می‌کنند، و هرکس به کاری راضی باشد، همچون کسی است که آن را انجام داده است؛ چنان که اگر مردی در مشرق کشته شود و مرد دیگری در مغرب به کشته شدنش راضی باشد، نزد خدای عزوجل شریک قاتل محسوب خواهد شد. بنابراین تنها به این جهت، قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام خروج، آنها را می‌کشد که از کردار پدرانشان راضی هستند.» (۲)

نمونه بارز رضایت بر اعمال و کردار زشت گذشتگان، گروهی از ناصبه و افراد فاسد هستند که در همین زمان زندگی می‌کنند که حضرت امام رضا علیه السلام نیز به آن اشاره کرده اند بی‌هیچ عذر و بهانه‌ای شیعیان را به شهادت می‌رسانند و نسبت به ائمه علیهم السلام نیز کینه و عداوت دارند.

حاکم شدن رحمت الهی و امنیت و شفای معنوی شیعه بعد از غم و سرگردانی، از دیگر مواردی است که عقده‌ها و درد دل‌ها را از بین می‌برد و در حاکمیت عدالت الهی مؤثر واقع می‌شود.

حسن بن محبوب زراد از امام رضا علیه السلام روایت کرده است، امام رضا علیه السلام به من فرمود: «ای حسن در آینده‌ای نه چندان دور گرفتاری شدید و مصیبت باری که تیغش برنده است واقع خواهد شد که در آن، دوستی‌ها و هم‌دلی‌ها از میان خواهد رفت و آن، زمانی است که شیعه سومین فرزند از اولاد مرا از دست بدهد، که برای

ص: ۲۳۶

۱- سوره انعام، آیه ۱۶۴.

۲- عیون اخبار الرضا، ص ۱۵۱.

ناپدید شدن او اهل آسمان و زمین جملگی اندوهگین شوند. چه بسیار مرد و زن با ایمان که به خاطر ناپدید شدنش متأسف و غمناک و سرگردان و دلتنگ شوند». سپس آن حضرت سر به زیر افکند و بعد سر برداشت و فرمود: «پدر و مادرم فدای آن همنام جدم که شبیه من و شبیه موسی بن عمران است. پیرامونش هاله‌هایی از نور است که از پرتو فروغ قدسی، پرتلاؤ و درخشنده است. گوئی می‌بینم که در نهایت نومیدی مردم، ندایی به گوش ایشان می‌رسد، به طوری که کسی که دور است آن را چنان می‌شنود که گویی نزدیک است. (دور و نزدیک، آن را یکسان می‌شنوند) آن آواز برای مؤمنان، رحمت و برای کافران، عذاب خواهد بود». حسین بن محبوب عرض کرد: «پدر و مادرم فدایت، آن آواز چیست؟» فرمود: «سه آواز در ماه رجب برآید.

نخستین آن می‌گوید: «هان که لعنت خداوند بر ستمگران». دومی می‌گوید: «ای گروه مؤمنان! گرفتاری هولناک فرا رسید» و سومی، دستی پیشاپیش آفتاب خواهد بود بینند که آواز می‌دهد: «هان که خداوند، فلان را برای از بین بردن ستمگران برانگیخت». در آن هنگام فرج مؤمنان فرا می‌رسد، و خداوند سینه‌های دردمندشان را شفا می‌بخشد، و خشم دل‌هایشان را فرو می‌نشاند». (۱)

ص: ۲۳۷

۱- «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَابْنَدَاذٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيُّ قَالَا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هِلَالٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبِ الزَّرَّادِ قَالَ قَالَ لِي الرِّضَاعُ إِنَّهُ يَا حَسَنَ سَيَكُونُ فِتْنَةٌ صَمَاءُ صَيْلَمُ يَذْهَبُ فِيهَا كُلُّ وَلِيَجِهِ وَ بَطَانِهِ وَ فِي رِوَايَةٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ وَلِيَجِهِ وَ بَطَانِهِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ فِقْدَانِ الشَّيْعَةِ الثَّلَاثِ مِنْ وُلْدِي يَحْزَنُ لِفَقْدِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ كَمَنْ مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ مِتَّاهُفٍ حَيْرَانَ حَزِينَ لِفَقْدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ بِأَبِي وَ أُمِّي سَيَمِي جَدِي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شِعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدْسِ كَأَنِّي بِهِ آيِسُ مَا كَانُوا قَدْ نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُهُ مَنْ بِالْبُعْدِ كَمَا يَسْمَعُهُ مَنْ بِالْقُرْبِ يَكُونُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ فَقُلْتُ بِأَبِي وَ أُمِّي أَنْتَ وَ مَا ذَلِكَ النَّدَاءُ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَصْوَاتٍ فِي رَجَبٍ أَوَّلُهَا أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ وَ الثَّانِي أَرْفَتِ الْمَازِفَةُ يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الثَّلَاثُ يَرُونَ يَدًا بَارِزًا مَعَ قَرْنِ الشَّمْسِ يُنَادِي أَلْمَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ فُلَانًا عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِينَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي الْمُؤْمِنِينَ الْفَرَجُ وَ يَشْفِي اللَّهُ صُدُورَهُمْ - وَ يَذْهَبُ غَيْظُ قُلُوبِهِمْ». غيبت نعمانی، ص ۱۸۰-۱۸۱.

سخت بودن دوره ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف یکی دیگر از علائم دوره ابتدای حکومت ایشان خواهد بود چنان که معمر بن خلاد گوید: در محضر حضرت رضا علیه السلام از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتگو شد. ایشان فرمود: «شما امروز راحت تر از هنگام ظهور قائم هستید. در آن روز در زحمت و مشقت خواهید بود. مردم همواره باید بر زین اسب سوار باشند و جهاد کنند. لباس قائم درشت و خشن و غذایش خشک خواهد بود».^(۱)

۳. برقراری امنیت، صلح و آرامش الهی

امنیت و آرامش از دغدغه های مهم مردم جهان است فقدان امنیت در بردارنده تهدیدات فراوانی در سطح داخلی حکومت ها و نیز در سطح بین المللی خواهد بود. اغلب حکومت های مادی در برقراری امنیت در سطح جهانی، ناکارآمد هستند و علی رغم ادعای ایجاد جهانی امن برای انسان ها، همواره شاهد نقض امنیت جهانی توسط آنها هستیم. بر همین اساس، یکی از کارویژه های اساسی حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، برقراری امنیت و آرامش الهی در روی زمین است، امنیت و آرامشی که به واسطه اجرای فرامین الهی، در روی زمین رخ خواهد داد. این مهم، هم در ابعاد معنوی و هم در ابعاد مادی اعم از سیاسی، اقتصادی و برای تمامی انسان ها به وجود خواهد آمد.

در زمینه امنیت و آرامشی که در دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در جهان حاکم می شود، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اگر که قائم ظهور کند، آسمان بارانش را می بارد و زمین گیاهش را می رویاند و کینه و دشمنی از دل بندگان می رود و گرگ و میش با هم آشتی می کنند (و چنان امنیتی حاکم خواهد شد که) زنی از عراق به شام رود و جز بر روی گیاه گام نهد و سبزش بر سرش باشد و درنده به او آزار نرساند

ص: ۲۳۸

و از آن نترسد...» (۱).

در کتاب کنز الفوائد از ابن عباس روایت شده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در باره آیه >لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ< (۲) فرمود: «این در زمانی است که تمام یهودیان و نصاری و پیروان هر کیشی به دین حنیف اسلام گرایش یابند و گرگ و میش و گاو و شیر و انسان و مار، از خطر ایمن باشند... و این به هنگام قیام قائم آل محمد خواهد بود» (۳).

در روایات معصومین علیهم السلام، تأکید شده است که امنیت زمان ظهور به حدی است که علاوه بر جامعه انسان ها، موجودات دیگر نیز از نعمت آن برخوردار خواهند شد.

نتیجه گیری

سؤال اصلی تحقیق حاضر عبارت بود از اینکه حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه رضوی علیه السلام و روایات آن حضرت، چه ویژگی هایی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا سعی شد که بحث حکومت و ساختار سیاسی حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را _ که از روایات امام رضا علیه السلام استفاده شده است _ در چارچوبی منظم و منطقی مطرح شود. از این رو مطالب روایاتی را که ناظر بر حکومت بود، بر دو بخش تقسیم کردیم که عبارت بود از:

۱. بحث ساختار حکومت

۲. بخش کارویژه های حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همانطور که در بحث های قبلی نیز این مطلب توضیح داده شد، نقطه قوت در

ص: ۲۳۹

۱- تحف العقول، ص: ۹۵

۲- سوره صف، آیه ۹.

۳- مهدی موعود، ص ۲۵۷.

ساختار حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نقطه ثقل و هسته مرکزی ایجاد اصلاحات الهی در روی زمین، شخص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد؛ از این رو ابتدا سعی کردیم ضرورت حکومت و امامت ایشان را از طریق روایات رسیده از امام رضا علیه السلام اثبات کنیم. ضرورت وجودی ایشان بر طبق روایات وارده از ائمه اطهار علیهم السلام، از نظر تکوین و تشریح و در نهایت از نظر حاکمیتی قابل بررسی می باشد.

هسته مرکزی ایجاد اصلاحات در اندیشه شیعه، امام زمان است؛ زیرا بشریت با حذف مرجعیت دین و با عقل ناقص خود نمی تواند و نخواهد توانست خود را از ورطه سقوط نجات دهد و این مطلبی است که روایات شیعه و اهل سنت و تمامی ادیان الهی و حتی ادیان غیر الهی روی آن تأکید دارند.

مکان استقرار حاکمیت ایشان یکی دیگر از بحث هایی است که در روایات ائمه علیهم السلام و همچنین در احادیث امام رضا علیه السلام مطرح شده است، نقطه شروع اصلاحات و انقلاب ایشان بر علیه طغیان ستمگران، کعبه و پایتخت و نقطه اعمال حاکمیت ایشان کوفه خواهد بود.

ایشان برای اعمال اصلاحات و تشکیل حکومت جهانی احتیاج به نیروی نظامی، دارد. در احادیث امام رضا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام، ویژگی های ممتازی برای یاران آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است. تعداد نفرات و کیفیت یاران در پیروزی هر نهضتی مؤثر است؛ از این رو نیروهای نظامی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر اعتقادی و همچنین از نظر جنگاوری بی نظیر می باشند. اصولاً هر اصلاحی نیازمند به یک نیروی قوی است. نیروی نظامی حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم از امدادهای غیبی کمک می گیرد و هم از امدادهای زمینی که همان نیروهای ممتاز خودشان می باشد و در بعضی روایات حتی خصوصیات جزئی آنها نیز نام برده شده است.

یکی دیگر از عوامل سازنده حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امت جهانی است که مردم دوره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جمله هستند و به عنوان کسانی که حاکمیت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف را

در جهان می پذیرند، یکی از ارکان حاکمیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شوند. مردم یا همان امت اسلامی در دوره ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با درک حاکمیت الهی در روی زمین و فلسفه وجودی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، به واسطه پیشرفت و تکاملی که خداوند توسط مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آنها ایجاد می کند، تبدیل به بهترین امت ها می شوند و به واسطه این فیض الهی به آنان، اخوت، برادری و صفات عالیه کمالی، هویدا می شود. این نکته ای است که همواره روایات بر آن تأکید دارند.

ساختار حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف که یک ساختار کاملاً الهی می باشد، دارای کارویژه های اساسی است که مهم ترین آنها بر پایی نظام و حکومت توحیدی در سراسر دنیا می باشد. در روایات معصومین علیهم السلام و امام رضا علیه السلام علت اصلی تشکیل حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حاکمیت نظام توحیدی، عنوان شده است. دستاورد دیگر حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف که روایات ائمه اطهار علیهم السلام و امام رضا علیه السلام به آن اشاره دارند، اجرای عدالت و برقراری امنیت، صلح و آرامش الهی در روی زمین است. آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف، برنامه اصلاحی خویش را ابتدا بر محور خدا پرستی و در ثانی اجرای عدالت الهی اجرا خواهد کرد و تمامی ستمگران و مستکبرین را به سزای اعمال ننگینشان خواهد رساند. از این رو، حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ایجاد حکومت الهی خویش با نیروهای اهریمنی شیطانی روبروست که در زمین به ایجاد فساد و ظلم و ستم مشغول اند؛ اما، تمامی نیروهای شیطانی اعم از سفیانی، دجال و... در مقابل نیروی الهی شکست خواهند خورد و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمین برپا خواهد شد.

۱. قرآن کریم
۲. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ترجمه محمد باقر کمره ای، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ترجمه سید هدایت الله مسترحمی، ناشر مصطفوی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۶۶ ش.
۴. _____، علل الشرائع، ناشر داوری، قم، چاپ اول، بی تا.
۵. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه حمید رضا مستفید، علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران: چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۶. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ترجمه شیخ محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، انتشارات علمیه اسلامی، تهران، چاپ اول، بی تا.
۷. _____، عیون أخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۸. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه محمد باقر کمره ای، نشر اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۹. _____، من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۱۰. شیخ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، نشر اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۱۱. شیخ مفید، ارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ناشر اسلامی، تهران، چاپ دوم، بی تا.
۱۲. _____، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. عطاردی، عزیز الله، اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، انتشارات کتابخانه صدر، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۱۴. _____، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، نشر اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ق.
۱۵. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. علامه مجلسی، مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش.

۱۷. کتابچی، محسن، مهدی منتظر، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۸ش.

۱۸. کلینی، محمد، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، کتاب فروشی علمیه، تهران، چاپ اول، بی تا.

۱۹. _____، اصول الکافی، نشر اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.

۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶ش.

ص: ۲۴۲

اشاره

O حسین الهی نژاد

مقدمه

مسأله امامت، از دیر باز در میان مسلمانان به عنوان یک بحث مهم و اساسی مطرح بوده است. خاستگاه آن به دوران حیات طیبه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم باز می گردد که حضرت با بیانات مختلف به تبیین موضوع امامت، ابعاد و ویژگی های آن پرداخته و در مواقع حساس و مهم، نظیر غدیر خم و... مسلمانان را نسبت به جایگاه آن آگاهی داده است.

مسلمانان، بلافاصله بعد از ارتحال پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، به جهت برداشت های گوناگون درباره موضوع امامت به قرائت های مختلفی رسیدند و همان، زمینه ساز برخی اختلافات و منازعات در میان آنان شد. شدت این اختلافات و منازعات به حدی بود که برخی چنین ادعا نموده اند که: «ما سل فی الاسلام علی قاعده دینیه مثل ما سل علی الامامه فی

ص: ۲۴۳

بی شک، همین اختلافات و دو دستگی، سبب شد که در جهان اسلام زمینه شکل گیری دو مذهب سنی و شیعه فراهم شود. البته مسلمانان در اصل موضوع امامت و وجوب آن در جامعه، یک صدا هستند و از این بابت هیچ گونه اختلافی در میانشان دیده نمی شود؛ موضع اختلاف در موارد زیر است:

۱- آیا تعیین امام، از سوی مردم انجام می شود یا شارع باید در این خصوص اقدام کند؟ به عبارت دیگر، آیا امامت و تعیین آن یک بحث اصلی و کلامی است یا یک بحث فرعی و فقهی؟ و به تعبیر دیگر، آیا تعیین امام و به تبع آن تعیین نایب او(۲) (نایب عام و خاص) انتخابی است یا انتصابی؟

۲- آیا علم امام، بسان علم مردم، اکتسابی و عادی است یا علمی است که از ناحیه خدا و از طریق رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آنها افاضه شده است؟

۳- آیا امام دارای مقام عصمت و پاکی از گناه و خطا است، یا مثل مردم جایز الخطا و جایز المعصیه می باشد؟

در موارد سه گانه فوق، شیعه و اهل سنت با هم اختلاف پیدا کرده و هر کدام بر اساس باورهای خویش مسیری را برگزیده اند. مثلاً اهل سنت نسبت به موارد فوق، نگرش سلبی پیدا کرده و به نحوی همه آن موارد را از امام نفی می کنند و می گویند: اولاً- امام از ناحیه شارع تعیین نمی شود. ثانیاً، دارای علم فوق بشری نیست، بلکه علم او اجتهادی می باشد. ثالثاً، امام دارای مقام عصمت و مصونیت از گناه نیست. اما نگرش شیعه در این موارد، خلاف نگرش اهل سنت می باشد؛ یعنی به تمام موارد فوق، نگرش مثبت داشته و همه آن مقامات را برای امام ثابت

ص: ۲۴۴

۱- الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۴.

۲- علما در انتصابی بودن نایبان عام امام با هم اختلاف کرده اند؛ گرچه غالب آنها به انتصابی بودن نایبان عام نظر دارند

بی شک مباحث پیش رو، تنها به یک پرسش از پرسش های فوق _ مبنی بر این که تعیین امام و نایب او، انتصابی است یا انتخابی؟ _ می پردازد و در این راستا با استفاده از آیات و روایات و با بکار گیری استدلال ها و براهین عقلی و با روش تبیینی و تحلیلی، به اثبات انتصابی بودن امام و نایبان او مبادرت می ورزد. البته در این نوشتار، بیشتر، از روایات امام رضا علیه السلام استفاده می شود، ولی در مواردی نیز از روایات دیگر معصومان علیهم السلام بهره خواهیم گرفت، زیرا سخنان همه معصومین علیهم السلام به منزله سخن واحد تلقی می شود.

چنانکه صاحب جواهر می نویسد: «لأنّ کلامهم جمیعاً بمنزله کلام واحد یفسر بعضه بعضاً؛ (۱) سخنان امامان معصوم علیهم السلام، مانند کلام واحدی است که اجزای آن با یکدیگر هماهنگ می باشد و هر یک دیگری را تفسیر می کند.» همچنین در بعضی نصوص نقل شده که از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: «اگر ما چیزی را از شما شنیدیم، آیا می توانیم این سخن را به آباء و اجداد گرامی تان نسبت بدهیم و بگوییم آنان چنین گفته اند؟» آن حضرت فرمود: «آری» (۲).

بنابر این، در مباحث نقلی اثبات انتصابی بودن امام معصوم و نایبان او، بیشتر از روایات حضرت رضا علیه السلام استفاده خواهیم برد، ولی جهت تکمیل و تبیین بحث، روایات دیگر را نیز وارد خواهیم کرد.

۱- جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۶۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۰۴، ح ۸۶.

امامت و امام

«امامت» به جایگاهی گفته می‌شود که امام به آن تکیه زده است. در عرف مردم، منظور از امام، کسی است که پیشوا و پیشاهنگ قوم و رئیس جمعیتی باشد. (۱)

همچنین، امام، کسی یا چیزی است که مورد پیروی واقع شود، چه انسان باشد (که به گفتار و کردار وی اقتدا شود)، چه کتاب و یا چیز دیگری، حق باشد و چه باطل، و جمع آن، ائمه است. (۲)

و نیز گفته اند که امام، کسی است که سرمشق و مورد اقتدای دیگران واقع شود. (۳)

ولایت

«ولایت» و «وَلَايَة» مشتق از ریشه «و ل ی» است و به همراه سایر مشتقات این ریشه در معانی متعددی به کار می‌رود. (۴) از جمله معانی شاخص آن، تصدی و سرپرستی است، یعنی کسی که متصدی و عهده دار امری شود، بر آن ولایت یافته و «مولی» و «وَلِيٌّ» آن امر محسوب می‌گردد. بنابر این، این کلمه دلالت بر معنای تدبیر، قدرت، تصرف و فعل دارد. (۵)

نصب

ص: ۲۴۶

۱- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۶؛ قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲- المفردات، ص ۲۰.

۳- صحاح اللغه، ج ۵، ص ۱۸۶۵.

۴- مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۵۶.

۵- لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷.

کلمه «نصب» در لغت به معنای وضع کردن و گماشتن آمده است.^(۱) و در اصطلاح، انتخابی است که از طرف شارع صورت می‌گیرد. مثلاً در عصر غیبت، فقیهی که واجد شرایط علمی و عملی است از سوی امامان علیهم السلام به سمت افتا و قضا و ولا نصب می‌گردد.^(۲)

وکالت

«وکالت» از ریشه «و ک ل» به معنای واگذاری و تفویض آمده، و وکیل به کسی اطلاق می‌شود که کار به او واگذار شده است.^(۳) واژه وکالت اسم است و از مصدر «توکیل» گرفته شده، و به معنای تفویض و اعتماد آمده است.^(۴)

مشروعیت

«مشروعیت» یعنی توجیه عقلی و یا عقلانی اعمال سلطه و اطاعت؛ به این معنا که اعمال قدرت و سلطه از سوی حاکم باید توجیه عقلی داشته، و در چارچوب عقل و مدار عقلانی و منطقی باشد.^(۵)

مشروعیت، به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است. یعنی وقتی می‌گوییم کدام دولت یا حکومت، مشروع است، مقصود این است که چه دولت و حکومتی قانونی است و قانون حاکم بر جامعه چه نوع حکومتی را اقتضا می‌کند؟ آیا سیستم حکومتی حاکم بر جامعه، برخاسته از قانون موجود در آن جامعه بوده و هماهنگ با آن است یا خیر؟^(۶)

ص: ۲۴۷

۱- لسان العرب، ج ۱، ص ۷۶۱.

۲- ولایت فقیه، ص ۳۸۹.

۳- قاموس اللغه، ج ۷، ص ۲۴۰.

۴- مجمع البحرين، ج ۵، ص ۴۹۵.

۵- نقد دینداری و مدرنیسم، ص ۵۱.

۶- بنیاد های علم سیاست، ص ۱۰۵.

مشروعیت، به معنای «حقانیت» نیز می باشد. به این معنا که کسی که قدرت حکومت را در دست گرفته و متصدی این پست شده، آیا حق داشته در این مقام بنشیند یا خیر؟ (۱)

مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام (فلسفه، کلام و فقه اسلامی)، به معنای مطابقت با موازین و آموزه های شریعت اسلام است؛ یعنی حکومت و حاکمی، مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد. بر این اساس، حکومتی که پایبند به موازین شرعی و الهی باشد، حقانیت دارد.

مقبولیت

منظور از «مقبولیت»، پذیرش مردمی است. اگر مردم به فرد یا گروهی برای حکومت تمایل نشان دهند و خواستار اعمال حاکمیت از طرف آن فرد یا گروه باشند، و در نتیجه حکومتی بر اساس خواست و اراده مردم تشکیل شود، گفته می شود آن حکومت دارای مقبولیت است. (۲)

ب: نصب عام و نصب خاص

نصب بر دو قسم است، نصب خاص و نصب عام. نصب خاص یعنی تعیین یک شخص معین، مانند مالک اشتر که از سوی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر ولایت و حکومت مصر منصوب شد. و مانند مسلم بن عقیل که منصوب و نماینده امام حسین علیه السلام بود. اما نصب عام یعنی تعیین فقیه جامع شرایط مقرر در فقه، برای افتاء و قضاء و رهبری، بدون اختصاص به شخص معین. (۳)

امام مهدی علیه السلام _ که آخرین وصی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آخرین حجت خدا

ص: ۲۴۸

۱- ولایت فقیه، ص ۵۲.

۲- ولایت فقیه، ص ۵۳.

۳- ولایت فقیه، ص ۳۹۱.

است _ دارای دو نوع غیبت، یعنی غیبت صغری و غیبت کبری می باشد و حضرت برای هر کدام از این مقاطع، نایبانی را برگزیده است. نایبان دوران غیبت صغری به «نایبان خاص» شهرت داشتند که عبارت اند از: «عثمان بن سعید»، «محمد بن عثمان»، «حسین بن روح» و «علی بن محمد سمری». ایشان به صورت متناوب از ناحیه امام زمان به مردم معرفی شده اند. اما در دوران غیبت کبری، امام زمان علیه السلام نایبان خاصی معرفی نکرده اند، بلکه نایبان عام را با بیان ویژگی هایی نظیر فقاقت، عدالت، دیانت، مدیریت و... _ که البته آنها را تنها در فقهای جامع الشرایط می توانیم جستجو کنیم، به مردم معرفی کرده است.

چنانکه امام حسن عسگری علیه السلام می فرماید:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ»؛ (۱)

پس هر فقیهی که مراقب نفسش، و حافظ دینش است و با نفس خود مخالف می کند و مطیع امر مولایش می باشد، بر عوام است که از چنین فقیهی تقلید کنند».

در این زمینه چنین توقیعی از امام زمان علیه السلام نیز صادر شده است:

«أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛ (۲)

در حوادث واقعه رجوع کنید به روایان حدیث ما؛ پس ایشان از ناحیه من حجت بر شما هستند و من، حجت خدا بر آنها هستم».

چند نکته از روایات بالا قابل برداشت است، مثلاً در روایت اول، چند صفت از فقها بیان شده است و در روایت دوم، نکاتی مثل انتصابی بودن فقها (فَائِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ)، انتصابی بودن امام معصوم (أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ

ص: ۲۴۹

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.

عَلَيْهِمْ) و شرط فقاہت (إِلَى زُورَاهِ حَدِيثًا) مطرح شده است.

ج: رابطه مشروعیت با مقبولیت

در حقیقت، دیدگاه انتصابی، دو بُعد دارد: مشروعیت و مقبولیت. بُعد مشروعیت آن، با نصب امام معصوم از ناحیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم یا از ناحیه امام معصوم قبلی و یا نصب فقیه از سوی امام معصوم علیه السلام به صورت سلسله مراتب با پیوستن به زنجیره ولایت الهی برآورده می شود

بر مبنای این نظریه، فقیهان با توجه به دو رکن علم (دانش و فقاہت) و عدالت (پارسایی) از جانب ائمه به مقام ولایت بر جامعه اسلامی منصوب می شوند. این انتصاب، الاهی است و مردم در مشروعیت آن هیچ نقشی ندارند؛ همان گونه که در مشروعیت ولایت رسول اکرم علیه السلام و امامان معصوم هیچ نقشی نداشته اند.

در این نظریه، نصب به این معناست که در عصر غیبت، فقیه واجد شرایط علمی و عملی، از جانب شارع مقدس به سمت های سه گانه افتاء، قضاء و ولایت منصوب و تعیین شده است.

مردم فقیه را انتخاب نمی کنند که وکیل آنان برای به دست آوردن فتوا یا استنباط احکام قضایی و اجرای آنها باشد. از دید این نظریه، مسئله ولایت و رهبری جامعه نیز همین گونه است؛ یعنی مردم مسلمان، ولی فقیه را وکیل خود برای حکومت نمی کنند، بلکه فقیه، نایب امام معصوم است و بنابراین، دارای ولایت افتاء، ولایت قضاء و ولایت سیاسی در جامعه است.

اما بُعد مقبولیت نظریه نصب، با پذیرش مردم صورت می گیرد. بنابراین، نظر و رأی مردم در اینجا نقش اساسی دارد. یعنی تا مردم، به امام معصوم علیه السلام و یا به ولی فقیه اقبال نشان ندهند و ولایتشان را نپذیرند، ولایت آنها از قوه به فعل تبدیل نخواهد شد.

چنان که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سال های خانه نشینی امام علی علیه السلام این اتفاق، رخ داده در مقابل، تحقق پنج ساله حکومت آن حضرت، محصول تطابق و در هم آمیزی دو عنصر مشروعیت و مقبولیت بود و خود آن حضرت، به صراحت، «حضور حاضر»، «وجود ناصر» و «اراده و عزم عمومی» را در کنار «عهد و پیمان الهی»، عوامل اصلی شکل گیری حکومت و پذیرش آن از سوی خود بیان کرد و می فرمود:

«لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يِقَارُؤُوا عَلَى كَظِّهِ ظَالِمٍ وَ لَا سِيَغَبُ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا؛(۱)»

اگر نه بود جمعیت بسیاری که گردا گرد من را گرفتند و به یاری ام قیام کردند، و از این رو حجت را بر من تمام کردند و اگر نبود عهد و پیمانی که خداوند از دانشمندان و علما گرفته است که در برابر پرخوری ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند، من مهار ناقه خلافت را رها می ساختم و از آن صرف نظر می کردم».

ملاحظه می شود که امام علی علیه السلام در این کلام ارزشمند، به شیوایی و گویایی، ضمن تصریح به دخالت دو عنصر مشروعیت و مقبولیت در امر حکومت اسلامی، به رابطه میان آن دو اشاره می فرماید.

فصل دوم: منصوب بودن امام معصوم علیه السلام

امامت در مذهب شیعه، جایگاهی بس مهم و خطیر دارد و دارای شاخصه ها و ویژگی هایی است که همین شاخصه ها و ویژگی ها، مذهب شیعه را از دیگر گروه های اسلامی متمایز کرده است. از جمله شاخصه های مهم امامت از منظر شیعه، منصوب بودن امام می باشند؛ یعنی مردم در تعیین امام، نقش و تأثیری ندارند، بلکه تعیین امام از ناحیه خدا صورت می پذیرد و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم،

ص: ۲۵۱

تنها، مأمور ابلاغ آن به مردم می باشد و مردم با قبول امامت زمینه مقبولیت و اجرا را برای امام فراهم می کنند.

چنانکه سید مرتضی در تعریف امامت می گوید: «الامامه ریاسه عامه فی الدین بالاصاله لا بالنیابه عمّن هو فی دار التکلیف»^(۱) امامت، ریاست عام دینی است که امام از ناحیه خدای تعالی، نه به نیابت از مکلفان، آن را دارا می شود.

علامه حلی نیز می نویسد: «امام کسی است که از سوی خدای تعالی، ریاست عام دین و دنیا را عهده دار می شود.»^(۲)

هم چنین مقدس اردبیلی می فرماید: «بدان که مسأله امامت از اصول دین است نه از فروعی که متعلق افعال مکلفان قرار می گیرد... زیرا امامت مانند نبوت، به امر خدا و رسولش، ریاست عام در دین و دنیای مکلفان است.»^(۳)

در این زمینه امام رضا علیه السلام در یک روایت طولانی فرموده است:

«... لَمْ يَمْضِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى بَيَّنَ لِأُمَّتِهِ مَعَالِمَ دِينِهِمْ وَ أَوْضَحَ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَ تَرَكَهُمْ عَلَى قَصْدِ سَبِيلِ الْحَقِّ وَ أَقَامَ لَهُمْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامَ عِلْمًا وَ إِمَامًا وَ مَا تَرَكَ لَهُمْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَّا بَيْنَهُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ وَ مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ بِهِ هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنَ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ إِنْ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ أَكْثَرُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرَائِهِمْ أَوْ يَقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ؛»^(۴)

پیغمبر از دنیا نرفت تا وقتی که برای مردم، همه معالم دین آنها را بیان کرد و راه آنان را برایشان روشن ساخت و آنها را بر جاده حق واداشت و

ص: ۲۵۲

۱- رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲- الفین، ص ۱۲.

۳- الحاشیه علی الالهیات، ص ۱۷۸.

۴- کافی، ج ۱، ص ۱۹۹.

علی علیه السلام را برای آنها رهبر و پیشوا ساخت و از چیزی که مورد نیاز امت بود صرف نظر نکرد تا آن را بیان نمود. هر که گمان برد خدا دینش را کامل نکرده، کتاب خدا را رد کرده است و هر که کتاب خدا را رد کند کافر است. آیا مردم قدر و موقعیت امامت را در میان امت می دانند تا اختیار و انتخاب آنان در آن روا باشد؟ به راستی که امامت، اندازه ای فراتر، مقامی والا-تر، موقعیتی بالا-تر، موقعیتی آستانی منبع تر و عمقی فروتر از آن دارد که مردم با عقل خود به آن رسند یا با رأی و نظر خود آن را درک کنند یا به انتخاب خود امامی بگمارند».

از روایت بالا چند نکته درباره جایگاه و نقش امام برداشت می شود:

۱- حضرت امیر مؤمنان علیه السلام که امام اول است، از ناحیه خدا تعیین و به واسطه رسول گرامی اسلام به مردم معرفی شده است.

۲- تکمیل دین به واسطه نصب امام، حاصل می شود.

۳- مردم هیچ وقت نمی توانند امام را به طور کامل بشناسند.

۴- مردم در تعیین امام هیچ گونه نقشی ندارند.

وقتی که موارد و نکات برداشت شده فوق را در کنار یکدیگر قرار می دهیم به سوی یک استدلال و برهان رهنمون می شویم و آن، اینکه امام رضا علیه السلام نصب و تعیین امام را....

نصب و تعیین امام را متفرع بر شناخت او دانسته است یعنی مردم در صورتی می توانند دست به انتخاب بزنند که شناخت کامل و جامعی نسبت به منتخبشان داشته باشد. از طرف دیگر می بینیم که امام در آن جایگاه بلند امامت دارای ویژگی هایی است که شناخت آنها برای مردم ممکن نیست، از جمله آنها می توان به مقام عصمت اشاره کرد، که یک امر پنهان و مخفی است که آگاهی پیدا کردن به آن تنها در علم و قدرت الهی می گنجد. پس وقتی که جایگاه امامت، والی و متعالی است، شناخت افراد عادی نسبت به آن غیر ممکن خواهد بود و وقتی که شناخت افراد نسبت به آن، غیر ممکن باشد، به طور طبیعی گزینش و آنان نیز،

ناصواب و غیر واقعی خواهد شد.

در روایت دیگری حضرت، امر تعیین امامت را انتصابی دانسته و آن را در دایره علم الهی تعریف نموده است.

در این روایت، شخصی نقل کرده است:

«قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَوْصِيَتْ إِلَى الذِّي يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ بِشَيْءٍ فَفَوَّضَ إِلَيْهِ فَيَجْعَلُهُ حَيْثُ يَشَاءُ أَوْ كَيْفَ هُوَ قَالَ إِنَّمَا يُوصِي بَأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ لَهُ إِنَّهُ قَدْ حُكِيَ عَن جَدِّكَ قَالَ أ تَرَوْنَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِنِنَّا نَجْعَلُهُ حَيْثُ نَشَاءُ لَا وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا عَهْدٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ص رَجُلٌ فَرَجُلٌ مُسَمَّى فَقَالَ فَالَّذِي قُلْتُ لَكَ مِنْ هَذَا؛ (۱)

به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا امام هر کس را بخواهد می تواند به جانشینی خود تعیین می کند و امر امامت را به او بسپارد یا آن شخص باید دارای خصوصیات باشد؟ فرمود: نه، بلکه کسی را تعیین می کند که خدا دستور داده. عرض کردم: از جد شما چنین نقل شده که فرموده است؛ «خیال می کنید تعیین امام به اختیار ما است و آن را به هر کس که بخواهیم، وامی گذاریم؟ به خدا قسم این طور نیست؛ بلکه این عهد و قراردادی است از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که نفر به نفر را معرفی کرده است» امام رضا فرمود: آنچه من نیز به تو گفتم، از همین جهت بود.

هم چنین امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خُلَفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ؛ (۲)

ما حجت خدا بر روی زمین، خلیفه او در میان بندگان، امین اسرار او، کلمه تقوی، دستاویز محکم، گواهان خدا و نشانه های او در میان مردم هستیم.

ص: ۲۵۴

۱- مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۰.

۲- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۴.

بی تردید، سخنان حضرت رضا علیه السلام مبنی بر اینکه امام حجت خدا و خلیفه او در روی زمین است و نیز امام معصوم علیه السلام در تعیین امام بعدی به عنوان جانشین خود، هیچ اختیاری ندارد و تنها خدا جانشین بعدی را مشخص می کند _ دلیل بر انتصابی بودن مقام امامت است. پس نتیجه سخن چنین می شود که، خدا تعیین کننده امر امامت، و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام تبلیغ کننده آن هستند.

فصل سوم: انتصابی بودن ولایت فقیه

اشاره

یکی از مسایل مهم مورد بحث درباره نظریه ولایت فقیه، منشأ و مبنای مشروعیت ولی فقیه است. در این باره، دو دیدگاه کلی وجود دارد که پایه بحث انتصابی یا انتخابی بودن ولایت فقیه را تشکیل می دهد. کسانی که مبنای مشروعیت را قرارداد اجتماعی و رأی مردم می دانند، نظر به انتخابی بودن ولایت فقیه داده اند، و کسانی که انتخاب از سوی خداوند را معیار مشروعیت می دانند، انتصابی بودن آن را پذیرفته اند.

به نظر می رسد، در بحث از مبنای مشروعیت نظام حکومتی، بین دو نظریه مذکور، اختلاف نظر عمیقی وجود دارد. زیرا، نظریه ولایت انتصابی فقیه، به مشروعیت الهی باور دارد و نقش مردم را در حدّ ایجاد مقبولیت و به فعلیت رساندن ولایت فقیه، ارزش می دهد. _ یعنی طبق این نظریه، مردم با قبول ولایت فقیه، تمامی اختیارات خویش را به او تفویض می کنند. _ اما نظریه ولایت انتخابی، فقها را تا حدّ وکیل مردم تقلیل می دهد و به مشروعیت الهی _ مردمی می اندیشد. به عبارت دیگر، مشروعیت در این نظریه، دارای دو محور اساسی است؛ یکی الهی و دیگری مردمی. در نتیجه با فقدان هر یک، حکومت اسلامی محقق نخواهد شد.

این دو نظریه، در برابر یکدیگر قرار گرفته اند. یکی، ولایت فقیه را انتصابی _ یعنی انتخاب از بالا به پائین _ و دیگری، آن را انتخابی _ یعنی گزینش از پائین به بالا، می داند. در هر صورت، مباحث بی شماری حول این دو دیدگاه، بروز و ظهور

پیدا کرده است. در این نوشتار قصد نداریم که به صورت جامع الاطراف بحث را دنبال کنیم و دیدگاه‌ها و نظریه‌های هر دو گروه را به طور مستوفی به بحث بگذاریم؛ بلکه تنها به دیدگاه انتصابی بودن ولایت فقیه _ که اثبات آن در راستای رسالت این نوشتار است _ می‌پردازیم.

نصب ولی فقیه از نظر عالمان و اندیشمندان دینی

صاحب جواهر (م، ۱۲۲۶هـ): «اگر به عموم ولایت فقیه باور نداشته باشیم، بسیاری از امور مربوط به شیعیان، معطل می‌ماند. شگفت آور است که شماری از مردم در این باره وسوسه می‌کنند. گو این که اینان، مزه فقه را نچشیده‌اند و تعبیر و معانی و رمز کلمات امامان معصوم علیهم السلام را نفهمیده‌اند و در عنوان‌هایی چون حاکم، قاضی، حجت، خلیفه و غیر اینها که در کلمات امامان علیهم السلام درباره فقها آمده است، دقت نکرده‌اند. طرح این عنوان‌ها و همانند اینها از سوی امامان علیهم السلام، دلالت دارد که آن بزرگواران در دوره غیبت، نظم و سامان یافتن امور شیعیان را خواستار بوده‌اند... اتفاق آرای فقهای شیعه بر آن است که فقیه جامع الشرایط، در کلیه شئون مربوط به امام معصوم، نیابت دارد»^(۱).

مرحوم علامه نراقی: (م، ۱۲۴۵هـ) «در هر موردی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا امامان معصوم علیهم السلام ولایت داشته‌اند، ولی فقیه و حاکم اسلامی نیز در روزگار غیبت ولایت دارد. هر کاری که مربوط به امور دینی و یا دنیوی مردم است و باید انجام گیرد، فقیه دارای شرایط، عهده دار آنها خواهد بود»^(۲).

مرحوم سید جواد حسینی عاملی: (م، ۱۲۲۶هـ) «هُوَ (فقیه) نایبٌ وَ مَنْصُوبٌ عَنِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ يَدُلُّ عَلَيْهِ الْعَقْلُ

ص: ۲۵۶

۱- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.

۲- عوائد الایام، ص ۱۸۷.

والاجماع والاختبار؛ فقيه از سوی صاحب امر عجل الله تعالى فرجه الشريف گمارده شده است. عقل و اجماع و اخبار بر این مطلب دلالت دارند.»^(۱)

امام خمینی رحمه الله: حکومت اسلامی، نه استبدادی است و نه مطلقه؛ بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین، تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد... تمام اختیاراتی که برای امام به عنوان حجت خداوند بر مردمان وجود دارد، عیناً برای فقها _ که از جانب امام به عنوان حجت بر مردمان تعیین شده اند _ نیز جاری است... ولایت که از شئون نبوت است به عنوان ارث به فقها می رسد... فقها اوصیای دست دوم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند و اموری که از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ائمه علیهم السلام واگذار شده، برای آنان نیز ثابت است و باید تمام کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انجام دهند چنان که حضرت امیر علیه السلام انجام داد... فقها از طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به خلافت و حکومت منصوب اند.»^(۲) «ولایت فقیه همان ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است، همان ولایت رسول الله است. این ها از ولایت رسول الله هم می ترسند. خدا او (ولی فقیه) را ولی امر قرار داده است.»^(۳)

مقام معظم رهبری: امام یعنی آن حاکم و پیشوایی که از طرف پروردگار در جامعه تعیین می شود... یا خدا به نام و نشان [امام را] معین می کند _ مثل این که امیر المؤمنین، امام حسن و امام حسین و بقیه ائمه را معین کرد _ یک وقت هم خدای متعال، امام را به نام معین نمی کند، بلکه تنها به نشان معین می کند مثل فرمایش امام عصر علیه السلام که فرمودند: «فأما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه،

ص: ۲۵۷

۱- مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۲۱.

۲- ولایت فقیه، امام خمینی، صفحات ۳۳ _ ۴۶ _ ۵۹ _ ۶۵ _ ۱۲۲.

۳- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶ و ۱۳۳.

حافظاً لدینہ، مخالفاً علی ہواہ، مطیعاً لامر مولاہ، فللعوام أن یقلدوہ...» هر کس که این نشان بر او تطبیق کرد، امام می شود... امام یعنی پیشوا، یعنی حاکم، یعنی زمامدار، یعنی آن کسی که هر جا او رود، انسان ها دنبالش می روند، که باید از سوی خدا باشد، عادل باشد، منصف باشد، با دین باشد، با اراده باشد... این طوری ولی را مشخص می کنند، این هم از طرف خداست. حاکم جامعه اسلامی چه کسی باشد؟ باید آن کسی باشد که خدا معین می کند...» (۱).

شہید مرتضی مطہری رحمہ اللہ: «مطابق اعتقاد شیعه و شخص امیرالمؤمنین علیہ السلام، زمامداری و امامت در اسلام، انتصابی و بر طبق نص است.» (۲) «نائب امام معصوم نیز به طور غیر مستقیم از ناحیہ خداست و مقام او مقام مقدس و الہی است.» (۳).

دلایل عقلی انتصابی بودن ولایت فقیہ

امام رضا علیہ السلام در پاسخ سائلی کہ از جایگاہ امام پرشش کرده بود، فرمود:

«فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ فَلِمَ جَعَلَ أَوْلَى الْأَمْرِ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِهِمْ قَبْلَ لِعَلِّ كَثِيرِهِ مِنْهَا أَنْ الْخَلْقَ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى حَيْدٍ مَحِيدٍ وَ أَمَرُوا أَنْ لَا يَتَعَدَّوْا ذَلِكَ الْحَيْدَ لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِهِمْ لَمْ يَكُنْ يَثْبُتُ ذَلِكَ وَ لَا يَقُومُ إِلَّا بِأَنْ يَجْعَلَ عَلَيْهِمْ فِيهِ أَمِينًا يَمْنَعُهُمْ مِنَ التَّعَدِّي وَ الدُّخُولِ فِيهَا حُظْرَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ لَكَانَ أَحِيدًا لَا يَتْرُكُ لِدَّتِهِ وَ مَنْفَعَتَهُ لِفَسَادِ غَيْرِهِ فَجَعَلَ عَلَيْهِمْ قِيَمًا يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ يُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ مِنْهَا أَنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مَلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَ عَاشُوا إِلَّا

ص: ۲۵۸

۱- ولایت، ص ۱۸ ۴۳.

۲- مجموعه آثار شہید مطہری، ج ۱۶، ص ۳۳۰.

۳- اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۱۷۱.

بَقِيْمٍ وَرَيْسٍ وَ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي اَمْرِ الدِّيْنِ وَ الدُّنْيَا فَلَمْ يَجْزُ فِي حِكْمِهِ الْحَكِيْمِ اَنْ يَتْرُكَ الْخَلْقَ مِمَّا يَعْلَمُ اَنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قَوْمًا لَهُمْ اِلَّا بِهٖ فَيَقَاتِلُوْنَ بِهٖ عَدُوَّهُمْ وَ يَقْسِمُوْنَ فِيْنَهُمْ وَ يُقِيْمُ لَهُمْ جُمُعَتَهُمْ وَ جَمَاعَتَهُمْ وَ يَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مِنْ مَظْلُوْمِهِمْ وَ مِنْهَا اَنَّهُ لَوْ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ اِمَامًا قِيْمًا اَمِيْنًا حَافِظًا مُسْتَوْدَعًا لَمَدْرَسَتِ الْمِلَّةِ وَ ذَهَبِ الدِّيْنِ وَ عُيْرَتِ السُّنَنِ وَ الْاَحْكَامِ وَ لَزَادَ فِيْهِ الْمُبْتَدِعُوْنَ وَ نَقَصَ مِنْهُ الْمُلْحِدُوْنَ وَ شَبَّهُوا ذٰلِكَ عَلٰى الْمُسْلِمِيْنَ...؛(۱)

اگر کسی بگوید چرا اولو الامر، یعنی ائمه هدایت و اوصیای پیغمبران در هر زمان منصوب شدند و به این منصب جلیل مفتخر گردیدند و خلق به اطاعت ایشان مأمور شدند، باید در جواب گفته شود که این مطلب، علت های بسیاری دارد. بعضی از آنها این است که چون خلق بر حدی محدود و احکامی مضبوط و معدود. اطلاع یافتند و مأمور شدند که از این حد تجاوز نکنند _ چرا که با تجاوز از آن حد، فسادهایی به بار می آمد _ آن کار، انجام نمی گرفت و اقامه نمی شد، مگر به اینکه در میان خلق، امینی قرار داده شود که آنها را از تعدی از حدود و داخل شدن در آنچه بر ایشان ممنوع شده است، منع کند. چه اگر این طور نشود، احدی لذت و منفعت خود را به جهت نابودی غیر خود کنار نمی گذارد. پس حقتعالی در میان مردم امامی قرار داد که ایشان را از فساد، منع و حدود و احکام الهی را اقامه کند. از این رو، هیچ فرقه ای از فرق و ملتی از ملل نیست که باقی باشند و زندگی کنند، مگر به وجود قیّم و رئیسی در میان ایشان که به او در امر دین و دنیای خود نیاز دارند. پس در حکمت حکیم جایز نیست که مردم را واگذارد و در میان آنان، کسی را که به او نیاز دارند و جز با کمک او استوار نمی ممانند، قرار ندهد. پس با کمک او با دشمنان خود می جنگند و غنیمت های خود را قسمت می کنند و او برای ایشان نماز جمعه و جماعت، اقامه می کند و ظلم ظالم را از مظلوم دفع می کند. از دلایل دیگر نصب امام، این است که اگر برای مردم قرار داده نمی شد امامی که قیّم ایشان و امین و حافظ و نگهبان شریعت باشد، هر آینه ملت

ص: ۲۵۹

از هم گسسته می شد و دین از میان می رفت و سنن و احکام الهی تغییر می کرد، بدعت کنندگان بر احکام می افزودند و ملحدان از آن می کاستند. و امر را بر مسلمانان مشتبه می ساختند.»

امام رضا علیه السلام در روایت مذکور، جعل و نصب اولی الامر را دارای علت های بسیاری دانسته است که به صورت اجمال عبارت اند از:

۱_ طبیعت زیاده خواه انسان

۲_ لزوم وجود قانون در جوامع بشری و ضرورت اجرای آن

۳_ ضرورت وجود مجریان امین و عادل در میان انسان ها

۴_ شواهد تاریخی مبنی بر احتیاج ابنای بشر به رهبر

۵_ برهان عقلی بر اساس حکمت خدا

موارد فوق از ظاهر سخن حضرت رضا علیه السلام برداشت می شود و هر کدام از آنها جهت روشن شدن بحث، نیاز به تفصیل و تبیین مستقلی دارند. بی شک پرداختن تفصیلی به تک تک آنها، نوشتار را طولانی کرده و آن را از قالب یک مقاله خارج می کند؛ از این رو موارد فوق، به صورت کلی و در قالب یک برهان ارائه می شود.

استاد جوادی آملی در این زمینه می نویسد:

«عقل می گوید سعادت انسان، به قانون الهی بستگی دارد و بشر به تنهایی نمی تواند قانونی بی نقص و کامل برای سعادت دنیا و آخرت خود تدوین نماید و قانون الهی، توسط انسان کاملی به نام پیامبر، برای جامعه بشری به ارمغان آورده می شود و چون قانون، بدون اجرا، تاثیر گذار نیست و اجرای بدون خطا و لغزش، نیازمند عصمت است، خداوند، پیامبران و سپس امامان معصوم را برای ولایت بر جامعه اسلامی و اجرای دین، منصوب کرده است و چون از حکمت خداوند و لطف او به دور است که در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مسلمانان را بی رهبر رها سازد و دین و شریعت خاتم خویش را بی ولایت واگذارد، فقیهان جامع شرایط را _ که نزدیک ترین انسان ها به امامان معصوم، از حیث سه شرط «علم»، «عدالت» و

ص: ۲۶۰

«تدبیر و لوازم آن» می باشند _ به عنوان نایب از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به ولایت جامعه اسلامی منصوب ساخته است. مردم مسلمان و خردمند که ضرورت امور یاد شده را به خوبی می فهمند و در پی سرکشی و هواپرستی و رهایی بی حد و حصر نیستند، ولایت چنین انسان شایسته ای را می پذیرند تا از این طریق، دین خداوند در جامعه اجرا گردد.

حاکمیت فقیه جامع الشرایط، همانند حاکمیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام است؛ یعنی همان گونه که مردم، پیامبر و امامان را در اداره جامعه اسلامی و کیل خود نکردند، بلکه با آنان بیعت نموده و ولایت آن بزرگان را پذیرفتند، در عصر غیبت نیز مردم با جانشینان شایسته و به حق امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف _ که از سوی امامان معصوم به عنوان حاکم اعلام شده اند _ دست و پیروی و بیعت می دهند.

آیا اگر کسی دین اسلام را پذیرفت و آن را برای خود انتخاب کرد و به دین الهی رأی «آری» داد، به این معناست که با دین و صاحب آن قرارداد دوجانبه و کالتی بسته است؟ آیا در این صورت، پیامبر، وکیل مردم است؟ روشن است که چنین نیست و آنچه در اینجا مطرح می باشد، همانا پذیرش حق است، یعنی انسانی که خواهان حق و در پی آن است، وقتی حق را شناخت، آن را می پذیرد و معنای پذیرش او آن است که من، هوای نفس خود را در برابر حق قرار نمی دهم و آنچه را که حق تشخیص دهم، از دل و جان می پذیرم و در مقابل «نص»، اجتهاد نمی کنم.

در جریان غدیر خم، ذات اقدس اله به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور ابلاغ داد: > یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک <. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز پیام الهی را به مردم رساند و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» و مردم نیز ولایت حضرت علی علیه السلام را پذیرفتند و گفتند. «بخ یخ لک یا بن ابی طالب» و با او بیعت کردند. آیا معنای بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام این است که ایشان را «وکیل» خود کردند یا اینکه او را به

عنوان «ولّی» قبول کردند؟ اگر علی بن ابی طالب علیه السلام وکیل مردم باشد، معنایش این است که تا مردم به او رأی ندهند و امامت او را امضا نکنند، او حقی ندارد. آیا چنین سخنی درست است؟» (۱)

در این خصوص، برخی دیگر از بزرگان نیز، مطالبی را در راستای اثبات عقلانیت نصب ولی فقیه ارائه کرده اند که در ذیل بدان اشاره می شود:

صاحب «مفتاح الکرامه» در خصوص نصب فقیه در عصر غیبت می نویسد: «عقل و اجماع و اخبار، دلالت بر نصب فقیه از سوی امام معصوم علیه السلام دارد. اما دلالت عقل آن است که اگر امام علیه السلام، فقیه را منصوب نکند و اجازه ندهد که به امور سر و سامان دهد، سبب حَرَجی شدید و اختلال نظام می شود.» (۲)

مرحوم نراقی نیز می فرماید: «به طور کلی، فقیه عادل در دو چیز حق ولایت دارد:

۱. در همه اموری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان در آنها صاحب اختیار بوده و حق سرپرستی و ولایت داشته اند.

۲. در همه اموری که با دین و دنیای بندگان خدا، ارتباط دارد و باید انجام شود.»

ایشان در جای دیگر می نویسد: «بی تردید بر خداوند رثوف و حکیم است که در هر امری از اموری که این گونه با زندگی انسان آمیخته باشد، والی و سرپرست و مسئولی معین کند. فرض این است که از طرف شارع دلیلی بر نصب شخص معین، یا بیان کلی و معین، یا نصب گروهی خاص جز شخص فقیه نداریم. و این در حالی است که برای فقیه، صفاتی زیبا و فضایی نیکو وارد شده، و این همه برای اثبات آن که وی از طرف شارع مقدّس به این مقام، «نصب» شده باشد،

ص: ۲۶۲

۱- ولایت فقیه، ص ۲۱۲.

۲- مفتاح الکرامه، ج ۱۰، ص ۲۱.

کافی است.

و بعد از آن که ثابت شد که باید برای اداره این گونه امور، سرپرستی باشد و امکان ندارد که این امور، بدون ولی و حاکم بماند و از هیچ کس خلاف این مطلب شنیده نشده است، می‌گوییم: در میان کسانی که امکان دارد نسبت به این امور، مقام ولایت و سرپرستی داشته باشند، و از این راه برای ایشان ولایت ثابت شود، قطعاً «فقیه» ارجح است؛ زیرا آن افراد، مسلماً باید مسلمان، عادل و مورد اطمینان باشند، اما عکس مطلب صحیح نیست»^(۱).

حضرت آیت الله بروجردی نیز، با تشکیل یک قیاس استثنایی بر نصب فقیهان، استدلال عقلی می‌کند و ضمن مطالبی می‌نویسد:

«یا امامان علیهم السلام هیچ کس را برای انجام کارهای مورد نیاز همگان، نصب نکرده و در این امر، اهمال ورزیده اند، و یا آن که فقیه را برای این کارها گمارده اند. اولی باطل است، پس دومی ثابت می‌شود»^(۲).

و نیز می‌فرماید: «فقیه عادل برای انجام کارهای مهمی که عموم مردم با آن دست به گریبان اند، منصوب شده است. با توجه به آن چه گفتیم، هیچ اشکالی در این مسئله دیده نمی‌شود و برای اثبات آن، حتی به مقبوله ابن حنظله نیز نیازی نیست، هرچند که می‌توان آن را یکی از شواهد به شمار آورد»^(۳).

آیت الله جوادی آملی نیز می‌نویسد: «سمت های الهی قابل جعل و انشا است، ولی در اختیار احدی نیست؛ بلکه فقط در اختیار خداست که بلا واسطه یا با واسطه آنها را جعل می‌فرماید. مانند سمت رسالت، خلافت، ولایت، امامت، قضا و حق افتاء... که این سمت ها همانند ریاست، وزارت، مدیریت و نظایر آنها نیست

ص: ۲۶۳

۱- حدود ولایت حاکم اسلامی، (ترجمه عوائد ایام) ص ۲۷-۳۰.

۲- البدر الزاهر، ص ۵۶.

۳- البدر الزاهر، ص ۵۲.

تا ثبوت و سقوط آنها در اختیار انسان ها باشد. لازمه سمت های یاد شده آن است که میثاق و بیعت مردم هیچ گونه تأثیری در اصل ثبوت آنها ندارد.» (۱)

به هر حال، از نقل و عقل چنین معلوم می شود که مشروعیت حکومت فقها، زاییده نصب عام آنان از سوی امام معصوم علیه السلام است که آنان نیز از جانب خدای متعال، منصوب هستند و به همان معیاری که حکومت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشروعیت داشت، حکومت امامان معصوم و در زمان غیبت، ولی فقیه واجد شرایط در زمان غیبت، مشروعیت خواهد داشت؛ یعنی مشروعیت حکومت، هیچ گاه مشروط به رأی انسان ها نبوده، بلکه امری الهی و با نصب او است. اما تفاوت نصب امام معصوم با نصب فقهای واجد شرایط در این است که معصومان علیه السلام به صورت معین و خاص نصب شده اند، ولی نصب فقها، عام بوده و در هر زمان، برخی از آنها مأذون به حکومت هستند.

امام خمینی رحمه الله که قائل به نصب ولی فقیه است می فرماید:

«از نظرگاه مذهب تشیع، این از امور بدیهی است که حجت خدا بودن امام علیه السلام، یعنی آن که او دارای منصبی الهی و صاحب ولایت مطلقه بر بندگان است، و چنان نیست که او فقط مرجع بیان احکام الهی باشد. لذا می توان از گفته آن حضرت که فرمود: «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَ هُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ» دریافت که ایشان می فرماید: هر آن چه از طرف خداوند به من واگذار شده است و من در مورد آنها حق ولایت دارم، فقها نیز از طرف من صاحب همان اختیارات هستند.» (۲)

ایشان در جای دیگر می فرماید: «لازم است که فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد واجب عینی است؛ و گرنه واجب کفایی خواهد بود در

ص: ۲۶۴

۱- وحی و رهبری، ص ۱۷۱.

۲- شئون و اختیارات ولی فقیه، (ترجمه کتاب البیع)، ص ۴۷.

صورتی هم که ممکن نباشد، ولایت ساقط نمی شود؛ زیرا از جانب خدا منصوب هستند»^(۱).

دلایل نقلی بر انتصابی بودن ولایت فقیه

پرداختن مبسوط به دلایل انتصابی بودن ولایت فقیه، اعم از آیات، روایات، اجماع، براهین عقلی و براهین تاریخی خارج از رسالت این نوشتار است؛ از این رو، به بحثی اجمالی بسنده می کنیم. درباره انتصابی بودن ولایت فقیه، به بعضی از روایات حضرات معصوم علیهم السلام تمسک جسته و در تحلیل و تبیین مسأله از آنها بهره خواهیم برد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ (۲)، به راستی که علماء، وارثان پیغمبران هستند».

اصل اول در استنباط از احادیث مؤثر معصومین علیهم السلام، این است که آن احادیث، ظهور در تشریح داشته باشند، یعنی به منظور انشای حکم یا بیان وظیفه مکلفان صادر شده باشند، نه اخبار از رخداد های تکوینی که هیچ تعهد شرعی و وظیفه دینی را به همراه ندارد. آنچه از حدیث بالا بر می آید، همانا جعل وراثت و دستور به جانشینی علمای دین برای پیامبران و احکام الهی است و جعل وراثت و انشاء جانشینی، غیر از نصب فقیهان دین شناس، معنای دیگری نخواهد داشت^(۳).

باز از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

«إِيَّاكُمْ أَنْ يُحْيَاكُمْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا إِلَى أَهْلِ الْجَوْرِ وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ - يَعْلَمُ شَيْئًا مِنْ قَضَائِنَا فَاجْعَلُوهُ بَيْنَكُمْ فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ قَاضِيًا فَتَحَاكُمُوا إِلَيْهِ» (۴)

ص: ۲۶۵

۱- شئون و اختیارات ولی فقیه، (ترجمه کتاب البیع)، ص ۴۲.

۲- امالی، ص ۶۰.

۳- ولایت فقیه، جوادی آملی، ص ۱۹۰.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳.

مبادا یکی از شما شیعیان، برای دادخواهی نزد حاکم جور برود، بلکه باید بنگرد که چه کسی در میان شما با احکام و طرز حکومت ما آشنا است تا او را برای رفع خصومت و داوری برگزیند، پس حکم را نزد او برده، و داوری و قضاوتش را بپذیرید که من نیز او را بر شما قاضی و داور قرار می دهم».

هم چنین عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام درباره مراجعه شیعیان به حاکم جور، برای رفع مخاصمه، چنین پرسیده است:

«عَنْ رَجُلَيْنِ مِنْ أَصْحَابِنَا بَيْنَهُمَا مُنَازَعَةٌ فِي دَيْنٍ أَوْ مِيرَاثٍ فَتَحَاكَمَا إِلَى السُّلْطَانِ وَإِلَى الْقُضَاةِ أَيْحَلُّ ذَلِكَ قَالَ مَنْ تَحَاكَمَ إِلَيْهِمْ فِي حَقٍّ أَوْ بَاطِلٍ فَإِنَّمَا تَحَاكَمَ إِلَى الطَّاعُوتِ وَ مَا يَحْكُمُ لَهُ فَإِنَّمَا يَأْخُذُ سِيحْتًا وَ إِن كَانَ حَقًّا ثَابِتًا لِأَنَّهُ أَخَذَهُ بِحُكْمِ الطَّاعُوتِ وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرَ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى <يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ> (۱) قُلْتُ فَكَيْفَ يَصْنَعَانِ قَالَ يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَيْدِثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامِنَا فَلْيُرِضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا (۲):

دو نفر از ما راجع به قرض یا میراثی نزاع دارند و برای محاکمه نزد سلطان و قاضیان وقت می روند آیا این عمل جایز است؟ آن حضرت فرمود: «کسی که در موضوعی، حق باشد یا باطل، نزد آنها به محاکمه رود، چنان است که نزد طاغوت به محاکمه رفته باشد و آنچه طاغوت برایش حکم کند و او بگیرد، اگر چه حق مسلم او باشد، مانند این است که مال حرامی را گرفته است؛ زیرا آن را به حکم طاغوت گرفته است. در صورتی که خدا امر فرموده است که به طاغوت کافر باشند. و می فرماید: می خواهند نزد طاغوت به محاکمه بروند در صورتی که مأمور بودند به او کافر شوند؟» عرض کردم: پس چه کنند؟ «فرمود: نظر کنند به شخصی از خود شما که حدیث ما را روایت می کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و

ص: ۲۶۶

۱- سوره نساء، آیه ۶۰.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۶۸

احکام ما را می فهمد، پس به حکم او راضی شوند که همانا من او را حاکم شما قرار دادم.»

مقبوله عمر بن حنظله، مشتمل بر دو توصیه ایجابی و سلبی است. امام صادق علیه السلام از یک طرف مراجعه به سلطان ستمگر و قاضیان دولت نامشروع را مطلقاً حرام معرفی می کند و احکام صادره از سوی آنها را _ گرچه صحیح باشد، فاقد ارزش و باطل می خواند و از طرف دیگر، شیعیان را برای رفع نیازهای اجتماعی و قضایی به مراجعه به فقهای جامع الشرایط مکلف می سازد.

بنابراین:

اولاً از عبارت «فَأَنِّي قَدْ جَعَلْتَهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» با توجه به واژه «جعل»، نصب و تعیین عالمان دینی از سوی شارع مقدس به عنوان حاکم جامعه استفاده می شود.

ثانیاً، گرچه مورد سؤال در روایت، مسئله منازعه و قضاوت است، لکن بر اساس جمله «فَأَنِّي قَدْ جَعَلْتَهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» و با توجه به واژه «حاکم» _ که دلالت بر احکام حکومتی دارد _ فرمایش امام در سایر مسائل و شئون حکومت نیز تعمیم پیدا می کند. در ضمن، موارد سؤال، مخصیص پاسخ عام نیست و اینکه برخی گمان کرده اند «حاکماً» به معنای «قاضیاً» است، تصرف در لفظ کرده اند که خلاف ظاهر الفاظ و تصرفی مجازی به شمار می رود.

ثالثاً، امام علیه السلام در صدر روایت، دادخواهی و مراجعه به سلطان یا قضات حکومتی را حرام شمرده و حکم آنها را باطل معرفی کرده است؛ (۱) حتی در صورتی که قضاوت آنها عادلانه و به حق باشد، باز هم از دیدگاه امام مردود است؛ زیرا ایشان اصل نظام حکومتی را مردود معرفی کرده است. بر این اساس، مراجعه به حکومت مشروع که از ناحیه شارع مقدس منصوب شده باشد، مورد توصیه و تأکید امام

ص: ۲۶۷

خلاصه بحث:

خلاصه سخن در مفاد روایات مذکور، این است که با دقت و تأمل در مضامین آنها، این معنا به روشنی ثابت می شود که ولایت فقیه در طول مقام امامت، یک منصب الهی است؛ چنان که حضرت رضا علیه السلام در پاسخ به چرایی جعل اولی الامر از ناحیه خدا، به علل گوناگونی _ که برخی به انسان و برخی به خدا مربوط است _ اشاره فرموده، و از طرف دیگر، حکمت الهی را به میان کشیده و منصوب بودن اولی الامر را از این طریق نیز ثابت کرده است. نکته دیگر اینکه امام از سوی شارع، ولایت دارد و فقها نیز به نیابت از او ولایت دارند، نه به عنوان نیابت و وکالت از سوی مردم. چنان که در توقیع شریف «فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا»، امر به رجوع است و «فَأْتَهُمْ حُجَّتِي عَلَیْكُمْ»، حجت بودن فقیه را ثابت می کند.

همچنین از مقبوله عمر بن حنظله، این مطلب به وضوح استفاده می شود که روایت، تنها در صدد نصب قاضی برای قضاوت نیست، بلکه متضمن معنای جامع تری اعم از ولایت و قضاوت است؛ زیرا روشن است که قضاوت بدون ولایت و حکومت هرگز کارساز نیست و قدرت رفع مخاصمه را نخواهد داشت. از این رو، منصب قضاء، زیر مجموعه مقام ولایت محسوب می شود، چه اینکه در حدیث عمر بن حنظله، امام می فرماید: «فانی جعلته علیکم حاکماً».

بنابراین، مقام ولایت _ نظیر سایر مناصب الهی چون رسالت، امامت، قضاوت و حق افتاء _ قابل جعل و انشا است، لیکن در اختیار کسی نیست؛ بلکه فقط در اختیار خداوند است و او بدون واسطه یا با واسطه، آنها را جعل می کند. زیرا این مناصب و سمت ها نظیر ریاست، وزارت، مدیریت و سایر مشاغل بشری نیستند تا ثبوت و سقوط آنها در حوزه اختیار و انتخاب انسان ها باشد.

بدین ترتیب مناصب فقها، اعم از افتاء، قضاء و ولایت تنها با نص و نصب عام الهی و توسط معصومان علیهم السلام ثابت می شود؛ هر چند که کارآمدی و فعلیت آنها با رأی و انتخاب مردم است.

ص: ۲۶۹

۱. ابن بابویه، شیخ صدوق، امالی، نشر اعلمی، بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق.
۲. _____؛ کمال الدین، نشر اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۳. _____؛ من لایحضره الفقیه، بی تا، بی جا، بی نا.
۴. امام خمینی، روح الله، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.
۵. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، نشر اسراء قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، بی نا، بی جا، بی تا.
۷. حسنی مراغی، میر فتح حسنی، العناوین، مؤسسه نشر اسلامی، مدرسین قم، بی تا.
۸. خامنه ای، سیدعلی، ولایت، انتشارات سازمان تبلیغات، تهران، بی تا.
۹. طبرسی، احمد، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۰. عالم، عبد الرحمن، بنیاد های علم سیاست، نشر نی، تهران، بی تا.
۱۱. عطاردی، عزیز الله، مسند الامام الرضا علیه السلام، آستان قدس (کنگره)، مشهد، ۱۴۰۶ق.
۱۲. علامه حلی، الفین، دارالهجره، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. علم الهدی، سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، تدوین سید احمد حسینی، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۵. کلینی، کافی، نشر اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، نشر اسلامی، تهران، بی تا.

۱۷. محقق کرکی، رسائل، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، بی تا.

۱۸. مصباح، محمد تقی، ولایت فقیه، به قلم محمد مهدی نادری قمی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.

۱۹. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، انتشارات صدرا، تهران، بی تا.

۲۰. _____؛ مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۸ش.

۲۱. مقدس اردبیلی، احمد، الحاشیه علی الالهیات، تحقیق احمد عابدی، کنگره مقدس اردبیلی، قم، ۱۳۷۵ش.

۲۲. نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، دار احیاء لثراث العربی، بیروت، بی تا.

۲۳. نراقی، احمد، عوائد الایام، نشر بصیرتی، قم، بی تا.

ص: ۲۷۱

اشاره

o سید حسن زمانی

مقدمه

خبر از آمدن نجات بخش آفرینش و عدالت گستر گیتی، برجسته ترین نکته در آینده نگری پیشوایان دین است. حادثه ظهور او به قدری ارزشمند می باشد که اولین روز از ایام الله دانسته شده (۱) و به دلیل اهمیت آن، نشانه ها و حوادث مقارن با آن، در روایات بسیاری، بیان گشته است.

برای نشانه های قیام، دو واژه «علامه» و «علامات» در احادیث استعمال شده است؛ مانند: «قبل قیام القائم خمس علامات محتومات» (۲) یا «علامه خروج المهدی» (۳).

علامت و علم چیزی است که در بیابان و راه ها نصب می شود تا گمشدگان،

ص: ۲۷۳

۱- الخصال، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۷۵.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۶، ح ۸.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۸۰.

راهنمایی شوند. (۱) علامت یا نشانه، چنان که از نامش پیدا است، کارکردی جز حکایت گری ندارد؛ مانند شنیده شدن صدای قطار که نشانه آمدن آن است. علامت هایی که برای آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث اسلامی مطرح شده است، نشان از فاصله ما تا قیام ایشان دارد.

در کنار کلمه علامت، عبارت هایی چون «قدّام هذا الامر» (۲) یا «قبل هذا الامر» (۳) نیز برای بیان نشانه ها به کار رفته است.

بیان علامت های قیام توسط اهل بیت علیهم السلام برای مشخص کردن زمان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نبوده است؛ زیرا این امر، باعث یأس و دلسردی شیعیان به علت فاصله طولانی آنان تا زمان ظهور می شده است. برای همین، امامان معصوم، دستور به تکذیب تعیین کنندگان وقت برای ظهور داده اند. (۴)

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در این باره به دعبل خزاعی می فرماید:

«اینکه بگوئیم ظهور در چه زمانی خواهد بود، این خبر دادن از وقت محسوب می شود و پدرم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: ای رسول خدا! قائم از فرزندان شما چه وقت، قیام خواهد کرد؟ و ایشان فرمود: مَثَل او مَثَل قیامت است که وقتش را جز خداوند نمی داند. آن حادثه ای است که بر آسمان ها و زمین سنگین است و جز به صورت ناگهانی نمی آید.» (۵)

از طرف دیگر، آن حضرات از ما خواسته اند که هر صبح و شام منتظر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم: «توقعوا الفرج صباحا و مساء» و این مطلب با تعیین وقت برای ظهور سازگاری ندارد.

ص: ۲۷۴

۱- لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۱۹.

۲- قرب الاسناد، ص ۱۷۰.

۳- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۶.

۵- غیبت طوسی، ص ۴۵۷.

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

«إذا رفع علمکم من بین اظهرکم فتوقعوا الفرّج من تحت اقدامکم؛

وقتی امام شما از میانتان برداشته و غایب شد، از زیر پاهای خود منتظر گشایش باشید»^(۱).

علامه مجلسی در تفسیر این حدیث می نویسد: «مقصود از «علمکم» یعنی کسی که راه حق را می داند و او، امام است و «تحت اقدامکم» کنایه از نزدیکی و آسانی به دست آوردن آن است»^(۲). به عبارت دیگر، طبق فرمایش امام رضا علیه السلام، باید در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همواره منتظر گشایش و ظهور ایشان باشیم و آن را امری آسان و قابل دسترسی بدانیم.

امّا بیان نشانه ها از طرف اهل بیت علیهم السلام برای امید دادن به شیعیان بوده است؛ زیرا با تحقق هر یک از نشانه ها، نور امید، به دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دولت کریمه مهدوی و برپایی عدالت، در دل های شیعیان پر فروغ تر می شود و بر اثر آن، مقاومت آنان در برابر سختی های دوران غیبت و حیرت، بیشتر و تلاش آنان برای آمادگی جهت همراهی امامشان فزون تر می گردد و رخوت و سستی از آنان رخت بر می بندد.

در کنار این هدف، اهل بیت علیهم السلام با بیان نشانه ها باعث آشنایی پیروانشان با حوادث دوران ظهور، برنامه ریزی درست هنگام رویارویی با هر یک از آن ها و شناسایی مدعیان دروغین _ که پیش از تحقق نشانه های حتمی، ادعای مهدویت و نیابت خاص می کنند _ شده اند.

امّا شرایط ظهور، اموری هستند که تحقق ظهور به آنها بستگی دارد و تا آنها رخ ندهند، ظهور حاصل نمی شود. آشنایی با شرایط باعث می شود تا بتوانیم علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی هایمان، برای فراهم کردن شرایطی که تحقق آنها در

ص: ۲۷۵

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۹.

توان ما است، تلاش، و با موانع ظهور مقابله کنیم. در قالب تمثیل می توان شرایط ظهور را به دانه ای تشبیه کرد که با فراهم بودن خاک مناسب، آب، هوا و نداشتن آفت به درختی تنومند تبدیل می شود.

در این نوشتار به بررسی نشانه ها و شرایط قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می پردازیم، امامی که مرقد شریفش در سرزمین ما قرار دارد و دل میلیون ها انسان عاشق در حرمش آرام می گیرد. در محور اول مقاله، اوضاع عمومی قبل از ظهور بیان می شود. سپس در محور دوم نشانه های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد کاوش قرار می گیرد. و در محور سوم، شرایط ظهور از نگاه آن امام عزیز بررسی می شود.

باشد که این نوشته ناچیز، از طرف ایشان پذیرش شود.

محور اول؛ اوضاع عمومی قبل از ظهور

اشاره

قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان، به خصوص منطقه خاورمیانه، دارای اوضاع و شرایط خاصی، چون فتنه و آشوب، کشتار و ناامنی، ستم و بیدادگری، و یأس و ناامیدی از گشایش می شود که در احادیث اهل بیت علیهم السلام به آنها اشاره شده است. در این قسمت این موارد از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی می شوند.

یکم؛ ظهور فتنه

فتنه به معنای ابتلا و آزمایش استعمال شده است و در اصل به معنای قرار دادن طلای ناب در آتش، برای جدایی ناخالصی از آن است. راغب می نویسد: «اصل الفتن ادخال الذهب النار لتظهر جوده من رذائته»^(۱) این کلمه، به معنای داخل شدن انسان در آتش، وسیله عذاب و همچنین آزمایش و ابتلا نیز به کار رفته

ص: ۲۷۶

است. با کلمه فتنه، معامله کلمه بلا- شده است؛ زیرا هر دو در سختی و آسانی به کار می روند، ولی کاربردشان در سختی بیشتر است. چنانکه قرآن کریم آمده می فرماید: <و نَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً>؛ (۱) شما را به بدی (سختی و مصیبت و بلا) و نیکی (آسانی و نعمت و دولت) می آزمایشیم.

پروردگار بلند مرتبه، انسان ها را در این دنیا با وسایل مختلف می آزمایشد تا انسان های خوب و نیک سرشت از بدان و زشت کرداران، جدا و هر کدام مطابق رفتارشان جزا داده شوند.

یکی از این فتنه ها و آزمایش ها، در احادیث اهل بیت علیهم السلام غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است. حسن بن محبوب گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: «به ناچار فتنه ای سخت و هولناک خواهد بود که در آن، هر صمیمیت و دوستی از بین می رود و آن هنگامی است که شیعه سومین نفر از نوادگان مرا از دست دهد و اهل آسمان و زمین و هر دلسوخته و اندوهناکی بر او بگریزد.» (۲)

حدیث دیگری نیز که احمد بن زکریا از امام هشتم علیه السلام نقل کرده، به این مطلب اشاره می کند. (۳)

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از حوادثی خبر می دهد که بعد از ایشان اتفاق می افتد و آنها را فتنه می نامد. مقصود از «سومین نفر از نوادگان من» در این حدیث، امام حسن عسکری علیه السلام است. با شهادت ایشان، شیعه با امامی مواجه شد که از دیدگان آنان پنهان بود. این موضوع، فتنه و آزمایشی سخت برای شیعیان محسوب می شد. گرچه پیشوایان معصوم با روش های گوناگون، پیروان خود را برای برخورد با چنین روزی آماده کرده بودند و با پیشگویی غیبت امام دوازدهم و

ص: ۲۷۷

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام . ج ۲، ص ۶.

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۶۰.

کم کردن ارتباط مستقیم با مردم _ که توسط امام دهم و یازدهم صورت گرفت _ جامعه را به ندیدن امام، عادت داده بودند و امام حسن عسکری نیز فرزندش را به بزرگان شیعه معرفی کرده و درباره او سفارش بسیار نموده بود،^(۱) اما با این حال پذیرفتن امامی که بسیاری از شیعیان او را ندیده بودند، برای آنان دشوار بود.

در این جا انسان به یاد زمانی می افتد که امام رضا علیه السلام شهید شد و امام جواد علیه السلام _ که در آن زمان، کمتر از هشت سال داشت _ به امامت رسید. شیعه تا آن وقت با امامی کودک مواجه نشده بود؛ برای همین، گرچه از راه های مختلف برایشان اثبات می شد که امام جواد علیه السلام امام آنها است، ولی پذیرش امام کودک برایشان مشکل بود. برای همین در اولین موسم حج، هر کس توانست، آمد تا آن امام خردسال را ببازماید؛ ولی وقتی کمالات علمی و کرامت های او را دیدند، به امامتش یقین پیدا کردند. و وقتی امام بعدی نیز در کودکی به امامت رسید، کسی از شیعیان در امامت او تردید نکرد و شاید به امامت رسیدن آنان در کودکی، برای فراهم شدن شرایط پذیرش امام دوازدهم از سوی مردم بود. با این حال، شیعه در آن زمان، برای اولین بار با امام غایب مواجه می شد و این امر، فتنه و امتحان سختی برایشان بود.

ابوغانم گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: «در سال دویست و شصت، پیروانم فرقه فرقه می شوند. ابوغانم اضافه می کند؛ و در آن سال امام حسن عسکری علیه السلام رحلت کرد و پیروان و یاورانش متفرق شدند. دسته ای خود را منتسب به جعفر (پسر امام دهم علیه السلام) کردند دسته ای به شک افتادند و دسته ای در حالت تحیر ایستادند و دسته ای دیگر به توفیق خدای تعالی بر دین خود ثابت ماندند.»^(۲)

در کتاب های فرقه شناسی به تشکیل این گروه ها در آن زمان اشاره شده

ص: ۲۷۸

۱- رک: کمال الدین، باب ۳۸ و ۴۲ و ۴۳.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۱۱۸.

حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام چگونگی این فتنه را بیان می کند. حسن بن علی بن فضال گوید؛ امام رضا علیه السلام فرمود: «گویا شیعیان را می بینم که در فقدان سومین نفر از نسل من، مانند چهارپایان در طلب چراگاه برآیند، ولی آن را نیابند.» عرض کردم: «برای چه؟» فرمود: «برای آنکه امامشان از آنان نپنهان می شود.» (۲)

اکثر شیعیان در آن زمان با هدایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به وسیله نایبان خاص و بزرگان شیعه، شرایط حساس و فتنه انگیز را پشت سر گذاشتند، ولی فتنه و آزمایش به وسیله امامی که از دیدگان پنهان است، همچنان ادامه دارد.

در حدیثی که امام علی بن موسی الرضا از پدرانش علیهم السلام، به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت فرموده، به بودن این فتنه در زمان غیبت اشاره شده است:

«قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کرد، به تحقیق، قائم از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست، غایب می شود تا زمانی که اکثر مردم بگویند خدا را به خاندان محمد، نیازی نیست و دیگران در اصل ولادت او شک کنند. پس هر کس در زمان او واقع شود، باید به دین او متمسک شود و به واسطه شک خود، راه شیطان را باز نکند تا مبادا شیطان او را از آئین من زایل ساخته و از دین من بیرون ببرد که او پیش تر، پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیاطین را سرپرست بی ایمان ها قرار داده است.» (۳)

دوم؛ ناامنی و کشتار

یکی از نشانه های قبل از ظهور، افزایش قتل و غارت در میان مردم است و این مسئله، باعث ترس همگانی و سلب آسایش و سختی از همه می شود. این امر به

ص: ۲۷۹

۱- فرق الشیعه، ص ۹۶.

۲- علل الشرایع، ص ۲۴۵.

۳- کمال الدین، ج ۱، ص ۱۰۱.

زمان محدود و مشخصی خلاصه نمی شود؛ بلکه تداوم دارد.

ابوبصیر گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «مردم دچار سختی و ترس شدیدی می شوند و آن حال پایان نمی یابد تا اینکه منادی از آسمان ندا می دهد.» (۱)

در روایتی دیگر عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است: «مرگ و کشتار مردم را فرا می گیرد تا اینکه مردم به حرم الهی پناه می برند. در آن هنگام، خبر دهنده راستگویی ندا می دهد: برای چه قتل و کشتار؟! صاحبان فلانی است.» (۲)

در حدیثی که از جهت سند، معتبر و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرده است، می خوانیم: «قدّام هذا الامر قتل بیوح، قلت: و ما الیوح؟ قال: دائم لا یفتر؛ پیش از این امر، کشتار بیوح است. پرسیدم: بیوح چیست؟ فرمود: دائمی است و قطع نمی شود.» (۳) یعنی قبل از ظهور، کشتار و غارتی دامن گیر مردم می شود که تمامی ندارد.

سوّم؛ فراگیری ظلم و ستم

یکی از مهم ترین شاخصه های دولت کریمه مهدوی، عدالت گستری آن است و تمامی کارهای آن امام عزیز بر محور عدالت انجام می شود؛ به صورتی که همگان، گرمای دادگری ایشان را در زندگی لمس می کنند و در آن دولت، هر کس به حق خود دست می یابد و کسی را توانایی ستم کردن بر دیگران نیست. اما بیشتر احادیثی که عدالت گستری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان داشته اند، در کنار آن، به فراگیری بیداد و ستمگری قبل از ظهور نیز اشاره کرده اند.

ص: ۲۸۰

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۷۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۶.

۳- قرب الاسناد، ص ۱۷۰؛ مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۳۶.

روایت هایی از امام هشتم شیعیان در این باره به دست ما رسیده است که یکی از آن ها بیان می شود. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: «شما صاحب این امر هستید؟» فرمود: «من صاحب این امر هستم، ولی آن صاحب امری که زمین را پر از عدل و داد می کند پس از آنکه از بیداد و ستم پر شده باشد، نیستم...» (۱).

چهارم؛ یأس و ناامیدی

یکی از رخدادهای پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یأس و ناامیدی است که بر جهانیان سایه می افکند. مردم، علاوه بر خسته شدن از وضع موجود، امید خود را برای دستیابی به وضع مطلوب از دست می دهند و این ناامیدی به سبب قتل و غارتها، ناامنی و گرفتاری ها، بیماری و فساد است که بر همه جا حاکم می شود.

ناامیدی مردم از آن وضع باعث می شود که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کرد و به عدالت گستری پرداخت برای رهایی از وضع ناهنجارشان به او پیوندند. در کنار روایت های سایر اهل بیت علیهم السلام، احادیثی از امام رضا علیه السلام بر این مطلب دلالت دارند.

ایشان در روایت معتبری، بعد از دعوت به صبر، به احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می فرماید: «انما یجیء الفرج علی الیأس؛ همانا گشایش، هنگام یأس و ناامیدی می آید». (۲)

در حدیثی دیگر، حسن بن محبوب گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: ... هنگام از دست دادن آب گوارا (ماء معین) - کنایه از غیبت امام - بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و اندوهناک خواهند شد. گویا آنان را در ناامیدترین حالتشان می بینم که ندایی داده می شود که از دور، مانند نزدیک شنیده می شود. آن ندا رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران خواهد بود. (۳) مطابق روایات، بعد از این

ص: ۲۸۱

۱- اعلام الوری، ص ۴۳۴.

۲- قرب الاسناد، ص ۱۹۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۳- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۹.

ندا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود. (۱)

محور دوم؛ نشانه های ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام

اشاره

قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار کعبه، بر اساس احادیث اهل بیت علیهم السلام علامت هایی اتفاق می افتد. از میان این نشانه ها برخی حتمی هستند، یعنی آمدنشان متوقف بر فراهم شدن شرایط و نبودن مانع نیست و به طور صد در صد واقع می شوند. اما برخی غیر حتمی محسوب می شوند که در روایات از آنها تعبیر به موقوفه شده است. (۲) یعنی نشانه ای که آمدنش، متوقف بر امر دیگری است و احتمال رخ ندادن آن وجود دارد. در سخنان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به برخی از این نشانه های حتمی و غیر حتمی اشاره شده است که در این محور، به آنها می پردازیم.

یکم؛ ندای آسمانی

ندای آسمانی، صدایی است که از آسمان توسط جبرئیل امین علیه السلام اعلان می شود و در آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، معرفی شده و نام، نسب و حقانیت او و پیروانش بیان می شود. این صدا را همگان به زبان مادری می شنوند؛ از این رو می توان آن را معجزه ای دانست؛ چرا که بدون هیچ وسیله ارتباطی، همگان، حتی افراد خوابیده آن را می شنوند. این ندا یکی از علایم حتمی قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و با اعلان آن، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام زمان ندا، شب جمعه ای که جمعه آن، برابر با بیست و سوم ماه مبارک رمضان باشد، معرفی شده است. البته اصل ندای آسمانی از امور حتمی محسوب می شود ولی حتمی بودن آن را نمی توان به خصوصیت های ندا

ص: ۲۸۲

۱- غیبت نعمانی، ص ۳۰۱.

۲- غیبت نعمانی، ص ۳۱۳.

سرایت داد. بنابراین هر جمعه و بلکه هر روز یا شب می توان منتظر اعلان صیحه و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

ندای آسمانی با الفاظ «ندا»، «صیحه»، «صوت»، «اعلان»، «فزع» و «هده» در احادیث شیعه و عامه مطرح شده است. (۱)

نکته هایی که درباره ندای آسمانی در کلمات امام هشتم شیعیان آمده است، به شرح ذیل می باشد:

— همگان ندای آسمانی را می شنوند. در حدیث معتبری که حسین بن خالد از امام هشتم علیه السلام نقل کرده، آمده است:

«... وهوالذی ینادی مناد من السماء باسمه یسمعه جمیع اهل الارض بالدعاء الیه...»

و او کسی است که منادی به نام او از آسمان ندا کند و به سوی وی دعوت نماید؛ به گونه ای که تمامی اهل زمین آن ندا را بشنوند. (۲)

— ندا به صورت یک نواخت، توسط همگان شنیده می شود و دوری یا نزدیکی در شنیدن آن تأثیری ندارد. حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل می کند که در این باره فرمود:

«... قد نودوا نداء یسمع من بعد کما یسمع من قرب...»

به تحقیق ندایی داده می شود که از دور، مانند نزدیک شنیده می شود. (۳)

این روایت از جهت طبقه مشکلی ندارد و تمامی راویان آن توثیق شده اند، بنابراین از جهت سند معتبر است. (۴)

ص: ۲۸۳

۱- ندای آسمانی، ص ۱۵.

۲- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۰.

۳- عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۶، ح ۱۴.

۴- این حدیث از علی بن حسین بابویه از عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن هلال عبرتایی از حسن بن محبوب از امام رضا علیه السلام نقل شده است. به غیر از احمد بن هلال، بقیه از بزرگان شیعه محسوب می شوند و در وثاقت آنان تردیدی نیست.

شیخ طوسی به احمد بن هلال نسبت غلو داده است. (شیخ طوسی، الفهرست؛ ص ۸۳، ش ۱۰۷)

محتوای ندا در ادامه حدیث حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام، به این صورت آمده است؛

«... یقول؛ أَلَا إِنَّ حَجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَفِيهِ...»

آگاه باشید که همانا حجت خداوند، کنار خانه خدا آشکار شده است. پس از او پیروی کنید. به درستی که حق همراه او و با او است.»

نکته های دیگری از این حدیث شریف استفاده می شود و آن اینک:

ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کنار خانه خدا یعنی کعبه خواهد بود

در هنگام ظهور، به ما دستور پیروی از آن امام داده می شود.

محوریت و پرچمداری حق با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حجت و نماینده خداوند برای برپایی عدالت بر روی زمین است و از طرف خود کاری انجام نمی دهد.

قرآن کریم نیز به ندای آسمانی اشاره کرده است. در ادامه روایت پیشین، امام رضا علیه السلام می فرماید:

«... وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ إِنَّ نَسْأُ نَزَّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ؛ (۱)

خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: اگر بخواهیم از آسمان بر آنان آیه ای نازل می کنیم تا گردن هایشان در برابر آن فروتن شود.»

ابوالفتوح رازی گوید: سبب نزول این آیه، آن بود که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اهل مکه را دعوت کرد و ایشان ایمان نیاوردند. رسول دل تنگ شد. خدای تعالی فرمود:

ص: ۲۸۴

برای آنکه ایشان ایمان نمی آورند خویشتن را هلاک می کنی. (۱) احادیث اهل بیت علیهم السلام، مقصود از این آیه را ندای آسمانی می دانند. (۲) اما تفسیر آیه با آن چه در این روایت ها مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همین دلیل مفسران در پی پاسخ به این اشکال برآمده اند.

علامه طباطبایی درباره این احادیث می نویسد: «در تفسیر قمی ذیل آیه «إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ...» آمده است: پدرم از ابن ابی عمیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرد که ایشان فرمود: «گردن هایشان، یعنی بنی امیه، با اعلان صیحه آسمانی به نام صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نرم و خاضع می شود». می گویم: این معنا را کلینی در روضه کافی و صدوق در کمال الدین و مفید در ارشاد و شیخ در الغیبه روایت کرده اند و ظاهر این روایات از باب جری و تطبیق است، نه از باب تفسیر؛ چون سیاق آیه با تفسیر آن نمی سازد.» (۳)

بنابراین ندای آسمانی، مصداقی از مفهوم وسیع آیه است یا به عبارت دیگر، مفهوم آیه این است که خداوند هر وقت بخواهد معجزه ای از آسمان می فرستد تا گردن ها در برابر آن فرو افتد و تسلیم امر خدا شوند و ندای آسمانی این ویژگی ها را داراست؛ یعنی اولاً از جانب خداوند است، ثانیاً حالت اعجاز دارد و ثالثاً باعث کرنش و پذیرش همگان می شود. در روایت آمده است: «بر روی زمین کسی باقی نمی ماند مگر این که در برابر این معجزه آسمانی، تسلیم می شود.» (۴)

اعلان ندا از آسمان، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است. پیروان حق با شنیدن ندای آسمانی، نشاط و شادابی خاصی پیدا می کنند و آگاه می شوند

ص: ۲۸۵

-
- ۱- روض الجنان، ج ۱۴، ص ۳۰۲.
 - ۲- تفسیر القمی؛ ج ۲، ص ۱۱۸؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۲۵۸؛ غیبت نعمانی، باب ۱۴، ح ۱۹ و ۲۰ و ۲۳؛ غیبت طوسی، ص ۱۷۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۸۱.
 - ۳- المیزان، ج ۱۵، ص ۲۵۴.
 - ۴- غیبت نعمانی، ص ۲۶۷.

که مولایشان بعد از قرن ها انتظار می آید و در پرتو انوار او، حق و عدالت همه جا را نورانی خواهد کرد؛ به همین دلیل، روح تازه ای پیدا می کند. اما وقتی کافران و معاندان می شنوند که به نام مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندا داده می شود، متوجه می شوند که وقت زوال حکومت های ستمگیشان فرا رسیده است و در برابر کسی قرار گرفته اند که قدرت آسمانی همراه اوست و توان مقابله با او را ندارند.

در روایت معتبری از امام رضا علیه السلام می خوانیم: «هنگام فقدان ماء معین، بسیاری از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناک خواهند شد. گویا آنان را در ناامیدترین حالاتشان می بینم که ندا را می شنوند؛ ندایی که از دور مانند نزدیک، شنیده می شود و آن، رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران است».^(۱)

دوم؛ سفیانی

یکی از نشانه های حتمی قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی است. این واژه نشانگر انتساب سفیانی به خاندان ابو سفیان است و این مطلب، به دو صورت می تواند قابل تفسیر باشد.

اول اینکه نسب سفیانی به خاندان ابوسفیان می رسد و او واقعاً از نوادگان ابو سفیان است؛ چنانکه احادیثی او را از بنی امیه، از نسل ابوسفیان و از نسل زن جگرخوار (اشاره به هند، مادر معاویه) معرفی می کنند.^(۲)

و دوم آنکه مقصود از انتساب سفیانی به خاندان ابو سفیان، توجه دادن مسلمانان به روش و عملکرد سفیانی است که هم چون ابوسفیان و خاندان او در مقابل پیامبر اکرم و اهل بیت او قرار دارد؛ یعنی سفیانی مانند بنی امیه _ که تمام تلاششان برای مقابله با اسلام و اهل بیت علیهم السلام بود _ نهایت تلاشش را برای مقابله با

ص: ۲۸۶

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۹.

۲- غیبت طوسی، ص ۴۴۳؛ غیبت نعمانی، ص ۳۱۷؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۶؛ الملاحم و الفتن، ص ۲۹۶.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوگیری از برپایی حکومت جهانی او به کار می بندد. در حدیث جالبی، امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «ما و خاندان ابوسفیان، دو خانواده هستیم که به خاطر خداوند با یکدیگر دشمنی کردیم. ما گفتیم: خدا راست گفت و آنان خدا را تکذیب کردند. ابوسفیان با رسول خدا جنگید، معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام، یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام و سفیانی با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ خواهد کرد».(۱)

سفیانی از دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شیعیان محسوب می شود. آغاز خروج او از منطقه شام و وادی یابس است و پس از به قدرت رسیدن در منطقه سوریه، به اشغال پیرامون آن می پردازد. عبدالله بن ابی یعفر از امام جعفر صادق علیه السلام درباره نام سفیانی پرسش کرد و امام پاسخ داد: «به نام او چه کار داری؟ وقتی او پنج منطقه شام؛ یعنی دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را اشغال کرد، در آن هنگام منتظر گشایش باشید».(۲)

سفیانی بعد از سلطه بر منطقه شام، حمله خود را به عراق آغاز می کند. او در کوفه و پیرامون آن دست به کشتار و غارت شیعیان می زند. هدف او از این اقدام ها بازداشتن شیعیان از تسلط بر منطقه خاورمیانه و جلوگیری از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. خروج او در ماه رجب پیش بینی شده است که با حرکت خراسانی و یمانی _ که از حامیان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شوند _ در یک دوره خواهد بود.(۳)

ابوالحسن الرضا در این باره می فرماید: «پیش از این امر(ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند بود. پس چگونه

ص: ۲۸۷

۱- معانی أخبار، ص ۳۴۶.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۶.

۳- سفیانی از ظهور تا افول، ص ۵۵ و ۷۳.

می گویند: این است، این است؟!» (۱)

در توضیح این حدیث شریف می توان گفت: در زمان امامان، اصحاب، از آن ها می پرسیدند که آیا شما صاحب الامر و قائم وعده داده شده هستید که زمین را پر از عدل و داد می کند؟ این سؤال از امام جعفر صادق و امام رضا، به دلیل شرایط زمانی خاص آنان، بیشتر می شد. زمان امام صادق علیه السلام در ابتدای به قدرت رسیدن عباسیان قرار داشت و چون شعار آنان، «الرضا من آل محمد» بود، برخی از اصحاب امام ششم می پنداشتند که آنان قدرت را تحویل امامشان می دهند. در زمان امام رضا علیه السلام نیز، مأمون، امام را به طوس فرا خواند و او را ولیعهد خود قرار داد؛ به همین جهت برخی از اصحاب امام هشتم تصور می کردند حضرت رضا علیه السلام همان قائم وعده داده شده است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در پاسخ این افراد می فرماید: قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید این امور اتفاق بیفتد و در حالی که هیچ یک از آنها رخ نداده است، چگونه می گویند: موعود این است.

سوم؛ خسف بیداء

یکی از نشانه هایی که در سخنان امام رضا علیه السلام به آن اشاره شده، «خسف بیداء» می باشد. خسف به معنای فرو رفتن است. (۲) و بیداء، نام سرزمینی است بیابانی و خالی از آب و گیاه که میان مکه و مدینه قرار دارد و به مکه نزدیک تر است. (۳) مقصود از خسف و فرو رفتن در سرزمین بیداء، حادثه ای است که برای سپاه سفیانی در آن منطقه رخ می دهد و آن اینکه وقتی سفیانی با خبر می شود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه است، او لشگری را به مدینه می فرستد؛ اما وقتی لشگر به مدینه می رسد با خبر می شوند که ایشان به طرف مکه حرکت کرده است. به

ص: ۲۸۸

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۶۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۲- لسان العرب، ج ۹، ص ۶۷.

۳- معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

همین دلیل به سوی مکه رهسپار شوند. تا اینکه در منطقه بیداء برای استراحت توقف می کنند. در این هنگام از آسمان به زمین بیداء دستور داده می شود که آنان را در خود فرو ببرد و جز چند نفر، بقیه لشکر سفیانی به زمین فرو می روند. حدیثی زیبا و طولانی که با سندهای مختلف و معتبر در کتاب «غیبت» نعمانی آمده و از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، به شرح این حادثه در کنار سایر حوادث دوره ظهور پرداخته است. (۱) روایت های دیگری نیز بر این موضوع دلالت می کنند. (۲) در حدیثی، امام هشتم شیعیان نیز به خسف بیداء اشاره می کند.

حسین بن خالد گوید: خدمت ابوالحسن الرضا علیه السلام عرض کردم: «عبدالله بن بکیر حدیثی را نقل می کند و آن را به تأویل می برد، دوست دارم آن را خدمت شما عرضه کنم». فرمود: «آن حدیث چیست؟» گفتم: «ابن بکیر می گوید: عبید بن زراره برای من حدیثی روایت کرد و گفت: هنگام خروج محمد بن عبدالله بن حسن (از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام که ادعای مهدویت داشت) نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که فردی از اصحاب ما وارد شد و به امام گفت:

محمد بن عبدالله قیام کرده است و مردم همراه او شده اند، درباره همراهی با او چه می فرمایید؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آرام باش [و هر کس ادعای مهدویت می کند با او همراهی نکن] مادامی که آسمان و زمین آرام اند. عبد الله بن بکیر گوید: وقتی امر به این صورت است و تا آسمان و زمین آرام اند قیامی نیست، پس قائمی وجود ندارد و خروجی صورت نمی گیرد». امام رضا علیه السلام فرمود: «ابو عبدالله (امام جعفر صادق علیه السلام) راست گفت، اما تأویل ابن بکیر درست نیست در واقع ابوعبدالله علیه السلام فرمود: آرام باش مادامی که آسمان از ندا و زمین از خسف سپاه (

ص: ۲۸۹

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۸۸.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۴.

چهارم؛ یمانی

یکی از نشانه های قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج یمانی شمرده شده است. بیش از بیست حدیث در منابع حدیثی شیعه درباره یمانی آمده است که مطالب ذیل از آنها استفاده می شود:

— یمانی یکی از نشانه های حتمی محسوب می شود. دو حدیث بر این مطلب دلالت می کند (۲).

خروج یمانی از یمن خواهد بود. علاوه بر کلمه یمانی که نشانگر این موضوع است، چندین حدیث به صراحت خروج او را از یمن معرفی می کنند (۳).

— خروج یمانی همزمان با خروج سفیانی و خراسانی است. در حدیثی که ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است، می خوانیم: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی، در یک سال و در یک ماه و در یک روز خواهد بود؛ مانند دانه های تسبیح که برخی به دنبال برخی دیگر است». این حدیث و روایت های مشابه، بیانگر این مطلب هستند که آنان مقدمات خروج را از قبل آماده کرده اند و این امر شاید در زمان های متفاوتی باشد؛ ولی با خروج یکی از آنان، دیگران حرکت خود را شروع می کنند (۴).

— یمانی با سفیانی مقابله می کند و با او می جنگد. در حدیثی، عبید بن زراره گوید: نام سفیانی را نزد امام جعفر صادق علیه السلام بر زبان آوردم. ایشان فرمود: «چگونه این طور می شود، در حالی که در آورنده چشمانش، هنوز از صنعا (پایتخت کشور

ص: ۲۹۰

۱- الامالی، ص ۴۱۲.

۲- کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۶؛ غیبت نعمانی، ۲۶۱.

۳- کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۳؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۶۰۳.

۴- غیبت طوسی، ص ۴۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۴.

در حدیثی که سید ابن طاووس از امام جعفر صادق علیه السلام آورده، یمانی از فرزندان زید بن علی بن حسین علیه السلام معرفی شده است. طبق این حدیث، امام جعفر صادق علیه السلام دعایی می خواند. عباد بن محمد مدائنی به امام عرض کرد: «فدایتان شوم؛ آیا برای خود دعا نکردید؟» ایشان پاسخ دادند: «برای نور آل محمّد و جلودار آنان و انتقام گیرنده از دشمنانشان به امر خداوند، دعا کردم». عباد پرسید: «پرسیدم: فدایت شوم، چه وقت قیام می کند؟» فرمود: «هر وقت آن کسی که آفرینش و تدبیر در دست اوست، بخواهد». عرض کرد: «آیا برای آمدنش نشانه ای هست؟» فرمود: «بله، نشانه های گوناگون». پرسید: «مانند چه؟» فرمود: «خروج پرچمی از مشرق و پرچمی از مغرب و فتنه ای که اهل زوراء (بغداد) را فرا می گیرد و قیام مردی از فرزندان عمویم زید از یمن و...» (۲)

یمانی به سوی حق دعوت می کند و پرچم او هدایت گر معرفی شده است. (۳) نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در وصف اهل یمن، به اصحاب فرمودند: «آنان قومی هستند که دل هایشان نرم و لطیف و ایمانشان پایدار است و از آنان، پیروزمندی است که با هفتاد هزار نفر قیام می کند و جانشین من و جانشین وصی مرا یاری می کند. (۴) با توجه به اینکه تاکنون فردی از اهل یمن با هفتاد هزار نفر، یاری گر جانشینان پیامبر اسلام نبوده است، می توان گفت که مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همان یمانی است که با نیروهایش یاری گر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور

خواهد بود.

ص: ۲۹۱

۱- فلاح السائل، ص ۱۷۱.

۲- امالی، ص ۶۶۱؛ الارشاد، ص ۳۶۰.

۳- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۹۴؛ غیبت نعمانی، ص ۴۶.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

در حدیثی که در مطالب قبلی بیان شد، امام رضا علیه السلام یکی از علامت های قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ظهور یمانی معرفی کرده است.^(۱)

پنجم؛ خراسانی و شعیب بن صالح

در حدیثی که از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شد، یکی از علامت های قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شعیب بن صالح معرفی گشت بنابر ارتباط شعیب بن صالح با قیام خراسانی، ابتدا حرکت خراسانی بررسی می شود و سپس به بحث درباره این علامت می پردازیم. یکی از نشانه هایی که برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است، خروج خراسانی است. خراسانی منسوب به خراسان است و از خراسان خروج می کند همان طور که یمانی منسوب به یمن است و نمی توان به عنوان مثال گفت؛ یمانی حرکت خود را از عراق شروع کرده است. خراسان نامی است که به دو عنوان اطلاق می شد؛

اول به قسمتی از سرزمین فعلی ایران که از کوه های زاگرس در غرب شروع می شود و تا قسمتی از افغانستان یعنی شهر هرات و اطراف آن در شرق ادامه پیدا می کند و از شمال، شهرهای نیشابور، مرو، سرخس و قسمتی از سرزمین های شمال شرقی ایران را در بر می گیرد و از جنوب تا کرمان و سیستان ادامه می یابد.

در اصطلاح دوّم، علاوه بر این مناطق، به سرزمین های اطراف آن که حاکمان خراسان در آن منطقه ها حاکمیت داشتند اطلاق می شده است.^(۲)

برخی از نکاتی که از روایت های اهل بیت علیهم السلام درباره خراسانی استفاده می شود، به شرح ذیل است؛

— حرکت خراسانی هم زمان با خروج یمانی و سفیانی است.^(۳) بکر بن محمد

ص: ۲۹۲

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۲- معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۰.

۳- غیبت نعمانی، ص ۲۶۲.

ازدی گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «خروج سه گروه، سفیانی، خراسانی و یمانی در یک سال، در یک ماه، و در یک روز خواهد بود».(۱)

— برخی از احادیث، با عبارت «رایات سود» اشاره به قیام ابومسلم خراسانی دارند.(۲) ولی برخی دیگر از این روایات اشاره به پرچم های سیاهی می کنند که از مشرق زمین به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می پیوندند.(۳) با توجه به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در ایام محرم صورت می گیرد،(۴) حرکت اهل خراسان با لباس و پرچم سیاه، امری طبیعی است.

از عملکرد خراسانی، مقابله با سفیانی، یاری اهل عراق و همراهی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است. در حدیث معتبری که جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام با سندهای مختلف نقل کرده، درباره خراسانی آمده است؛ «سفیانی بعد از پیروزی بر رقیبان در شام و شکست دادن طرف های درگیر در قرقیسیا، هفتاد هزار نیرو عازم عراق می کند. آنان در کوفه و اطراف آن به قتل و تجاوز و غارت می پردازند. در آن حال - برای کمک به اهل عراق - نیروهایی از طرف خراسان با سرعت به سوی کوفه می آیند و در میان آنان تعدادی از اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارند».(۵)

با توجه به رخ دادن ندای آسمانی قبل از این حوادث - که در اول این حدیث به آن اشاره شده است - و اینکه بعد از ندا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود تا مقدمات قیام را از کنار کعبه برای تشکیل حکومت جهانی فراهم کند، می توان گفت: وجود تعدادی از اصحاب امام مهدی در سپاه خراسانی، نشانگر حرکت این

ص: ۲۹۳

۱- ارشاد، ج ۲، ص ۲۷۴؛ غیبت طوسی، ص ۴۴۶.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۲۹.

۳- غیبت طوسی، ص ۴۵۳.

۴- ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۹؛ التهذیب، ج ۴، ص ۳۳۳.

۵- غیبت نعمانی، ص ۲۸۸.

نیروها با تأیید آن امام است.

در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام اشاره شده است که سفیانی برای دریافت کمک برای مقابل خراسانی، به روم می رود.^(۱)

علاوه بر این روایت ها، می توان روایت هایی را که درباره قم، طالقان و سایر بلاد خراسان و همچنین روایت هایی را که درباره مردم مشرق زمین آمده است^(۲)، و به نشانه های ظهور مربوط می باشد، به احادیث خراسانی اضافه کرد.

اما مقصود از شعیب بن صالح چه کسی است؟

در حدیثی از امام زین العابدین علیه السلام خروج شعیب بن صالح از سمرقند معرفی شده است.^(۳) در حدیثی دیگر که شیخ صدوق از علی بن عاصم از امام محمد جواد و آن حضرت، از پدرش امام رضا و ایشان از پدران گرامی اش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند، آمده است:

«... و شعیب و صالح علی مقدمه...»^(۴) در این روایت، شعیب و صالح پیشاپیش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام قیام معرفی شده اند. شاید مقصود از «شعیب و صالح» همان «شعیب بن صالح» باشد. این حدیث در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام نیز آمده، ولی در آنجا حدیث، مفصل و کامل تر و بدون نقل این جمله آمده است.^(۵) این روایت را راوندی با همین سند آورده که در آن، عبارت «و شعیب بن صالح علی مقدمته» درج شده است.^(۶)

در روایت دیگری می خوانیم:

ص: ۲۹۴

۱- غیبت نعمانی، ص ۲۸۸.

۲- فصلنامه تخصصی «تراثنا»، ش ۱۵، ص ۲۱۴.

۳- کمال الدین، ج ۱، ص ۴۹۸؛ غیبت نعمانی، ص ۲۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶.

۴- غیبت طوسی، ص ۴۴۳.

۵- کمال الدین، ج ۱، ص ۴۹۸.

۶- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹.

«... ثم يخرج المهدي على لواءه شعيب بن صالح». سپس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می کند در حالی که پرچم دار ایشان شعیب بن صالح است».^(۱)

در این روایت این قیام بعد از خروج سفیانی و قتل و غارت او در کوفه صورت می پذیرد.

شعیب بن صالح بیشتر در منابع حدیثی عامه و به عنوان فرمانده سپاه سید خراسانی مطرح شده است.^(۲) این احادیث بیشتر در کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی (متوفی ۲۲۹ق) آمده است. در حدیثی که ابی رومان از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، آمده است: «وقتی پرچم های سیاه که در میانشان شعیب بن صالح است، سپاه سفیانی را فراری می دهند، مردم آرزوی حضرت مهدی را می کنند و به دنبال او می گردند. در آن هنگام او از مکه قیام می کند و با او پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. دو رکعت نماز می خواند و وقتی نمازش را به پایان رساند رو به مردم می کند و می فرماید: ای مردم! بلاها بر امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و به خصوص بر اهل بیت او فزونی و شدت یافته است، به ما ستم کرده و حق ما را خورده اند».^(۳)

ششم؛ مروانی

در حدیث منقول از امام رضا علیه السلام خواندیم که قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قیام سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهد بود.^(۴)

اما مقصود از مروانی در این روایت چیست؟ مروانی، منسوب به مروان بن حکم و مروانیان است که بعد از معاویه و یزید، قدرت را برای مدتی به دست گرفتند و یکی از حکومت های ستمگر محسوب می شوند. مروانی یعنی کسی که به این

ص: ۲۹۵

۱- قصص الانبیاء، ص ۳۶۲.

۲- غیبت طوسی، ص ۴۶۳.

۳- کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸.

۴- الفتن، ص ۲۱۳.

خاندان منسوب، و از نسل آنان است یا مانند آنان ستمگر و ظالم می باشد. در حدیث دیگری که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، نیز به مروانی اشاره شده است. در این حدیث، یکی از طرف های درگیر در منطقه قرقیسیا، مروانی معرفی می شود. (۱) در این جنگ که در منطقه قرقیسیا (شهری در شمال سوریه، نزدیک رود خابور و فرات) (۲) اتفاق می افتد، گروه های ستمگر با هم مبارزه می کنند که در نهایت، سفیانی بر گروه های دیگر پیروز می شود. (۳)

محور سوم؛ شرایط ظهور

اشاره

برای ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهار شرط؛ وجود رهبری آگاه و توانمند، قانونی جامع که دارای شیوه ای مناسب برای برپایی ارزش های مطلوب و از میان بردن زشتی های موجود باشد، همراهانی که یاری گر امام در تشکیل و نگه داشت دولت کریمه باشند و همراهی مردم و پذیرش آنان در سطح جهانی لازم است. در این قسمت این شرط ها از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی می شود.

یکم؛ رهبری آگاه و توانمند

تشکیل دولت کریمه، آن هم در سطح جهانی، بدون وجود رهبری آگاه و توانمند امکان پذیر نیست. حاکمی که با مدیریت صحیح و کارآمد، جامعه جهانی را به سوی وضعیت آرمانی حرکت دهد و همگان را از نعمت های دنیوی و اخروی بهره مند کند. انتخاب چنین پیشوایی از عهده انسان ها خارج است؛ زیرا خداوند آگاه به احوال بندگانش است و آدمی از شناخت کافی نسبت به هم نوعان خود در برگزیدن فردی ممتاز برای حاکمیت برخوردار نیست. بعد از زمان حضرت

ص: ۲۹۶

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۱۵.

۳- کافی، ج ۸، ص ۲۴۵؛ غیبت نعمانی، ص ۲۸۸.

موسی علیه السلام جمعی از بنی اسرائیل، از پیامبرشان، سموئیل، خواستند تا برای مقابله با دشمنان، حاکمی تعیین کند تا آنان با همراهی او در راه خداوند جهاد کنند و از ستم جالوت رهایی یابند. سموئیل پیامبر، از طرف خدای علیم حضرت طالوت را برگزید. آنان زبان به اعتراض گشودند و گفتند: <نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةَ مِنَ الْمَالِ>؛ ما برای پادشاهی از وی سزاوارتریم؛ چرا که او را گشایش مالی نداده اند.

فرستاده پروردگار در پاسخ آنان فرمود:

<إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ>؛ خدا او را بر شما برگزیده است و در دانش و توانمندی فزونی داده است» (۱).

در این آیات معیارهایی برای برگزیدن حاکم معرفی شده است که عبارت اند از:

— انتخاب باید از طرف خداوند باشد؛ چرا که او آگاه به احوال بندگان است.

— خداوند در برگزیدن رهبر امت، حداقل دو معیار دارد، یکی دانش و آگاهی لازم برای زمامداری و دوّم، قدرت و توانایی روحی و جسمی.

آیه بعدی نشانه هایی را برای اثبات حقانیت طالوت، مطرح می کند: <إِنَّ آيَةَ مَلَكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ...>؛ نشانه فرمانروایی او این است که تابوت عهد به سوی شما می آید، که در آن، مایه آرامشی از سوی پروردگارتان و یادگاری از میراث خاندان موسی و هارون است و فرشتگان آن را به دوش می کشند.

امام رضا علیه السلام در حدیثی توانایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه ترسیم می کند:

«قائم کسی است که در سنّ پیران و منظر جوانان قیام می کند و به قدری نیرومند است که اگر دستش را سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی کند و اگر میان کوه ها فریاد برآورد صخره های آن فرو می پاشد.

ص: ۲۹۷

عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست. او چهارمین نفر از نسل من است. خداوند او را در پوشش خود نهد و سپس آشکار می کند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می سازد، همچنان که از ستم و بیداد پر شده باشد» (۱).

در این حدیث _ که از جهت سند، معتبر است _ مشاهده می شود امام رضا علیه السلام در کنار بیان توانمندی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همراه بودن نشانه هایی از پیامبران پیشین با ایشان را مطرح می کند. عصای موسی _ که نشان از قدرت _ و انگشتر سلیمان _ بیانگر زمامداری است _ نشانه هایی است که برای اثبات حقانیت امام، از سوی خدا به ایشان داده شده است.

دوم؛ قانون جامع

هر حرکت و انقلابی برای برچیدن زشتی های موجود در جامعه و پایه ریزی ارزش های مطلوب، نیازمند قانونی جامع و کامل است. قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز دارای چنین شرطی است. این قانون برای امام عصر فراهم است و آن شریعت اسلام است که با محوریت قرآن کریم در اختیار پیامبر گرامی اسلام قرار گرفت؛ اما زمینه اجرای آن در سراسر گیتی، برای رسول اکرم و سایر پیشوایان معصوم فراهم نشد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با شناخت کاملی که از شریعت اسلام و قرآن کریم دارد، آن را در سطح جهان پیاده خواهد کرد.

درباره کامل بودن شریعت اسلام و قرآن کریم، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به عبدالعزیز بن مسلم می فرماید: «خداوند عزوجل، پیامبرش را از دنیا نبرد تا اینکه دین اسلام را برای او کامل کرد و بر او قرآن کریم را نازل کرد که در آن تفصیل هر چیزی است. در آن حلال و حرام و حدود و احکام و تمامی آنچه مردم به آن نیاز دارند، به صورت کامل آمده است. خدای عزوجل فرمود: در این کتاب، هیچ

ص: ۲۹۸

سۆم؛ یاران مناسب

یکی از شرایط به ثمر نشستن هر قیامی، همراهی یاران و فداییانی است که با برنامه ها و هدف های قیام آشنا باشند و با تمام وجود برای یاری رهبرشان برخیزند. حرکت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز نیازمند چنین یاورانی است. همراهان و یاران ایشان را می توان به سه قسمت تقسیم کرد:

— یاران ویژه؛ اینان سیصد و سیزده نفر معرفی شده اند که پس از اجتماع آنها در مکه، به فرمان خداوند ظهور آغاز می شود. یاران ویژه، مدیریت و اداره جهان را به رهبری امامشان بر عهده خواهند گرفت.

— یاورانی که حدود ده هزار نفرند و با اجتماع آنان در مکه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این شهر خارج می شود و حرکت خود را آغاز می کند.

— یاورانی چون یمانی و خراسانی و همراهانشان و دیگرانی که در طول قیام به امامشان می پیوندند و او را یاری می کنند.

عبدالعظیم حسنی گوید: امام جواد علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «او همانم و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و کسی است که زمین برایش پیچیده می شود و هر دشواری برایش آسان می گردد و اصحابش که سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر هستند، از مکانهای مختلف زمین به گرد او می آیند و این همان کلام خدای تعالی است که فرمود: <أَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ> (۳)، هر جا که باشید خدا همه شما را گرد می آورد، که خدا بر هر چیزی تواناست.» و چون این تعداد از اهل

ص: ۲۹۹

۱- سوره انعام، آیه ۱۴۸.

۲- الامالی، ص ۶۷۴.

۳- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

اخلاص دور او جمع شوند، خدای تعالی امرش را آشکار می کند و چون عقد _ که عبارت از ده هزار نفر می باشد _ کامل شد به إذن خدای عزوجل قیام می کند»(۱)

زمانی که امام رضا علیه السلام از طرف مأمون، خلیفه عباسی، به ولیعهدی منصوب شد، برخی از شیعیان تصور کردند که قدرت و حکومت به امام رضا می رسد و ایشان همان قائم وعده داده شده است؛ اما امام می دانست که عباسیان، به دنبال بهره برداری از موقعیت اجتماعی ایشان هستند و تا زمانی که منافعی را تأمین می کند، به ظاهر همراه او خواهند بود. از این رو با توصیف خصوصیات یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این واقعیت تلخ اشاره می کردند و می فرمودند: «المطاع فی ظهوره»(۲)، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دولت کریمه اش همراهانی دارد که گوش به فرمان او هستند و هر چه می خواهد انجام می دهند.

ایوب بن نوح گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «ما امیدواریم که شما صاحب الامر باشید و خدای تعالی بدون خونریزی و شمشیر، آن (حکومت) را به شما باز گرداند؛ چرا که با شما بیعت، و به نامتان سکه ضرب شده است». امام فرمود: «هیچ یک از ما ائمه نیست که نامه ها به سوی او سرازیر می شود و از او مسائلی می پرسند و با انگشتان به او اشاره کنند و مال ها را به او می دهند، مگر آن که به نیرنگ کشته شود یا بر بستر بمیرد تا زمانی که خداوند مردی را برای این امر برانگیزد که ولادت و رشد او پنهان، ولی نسبش آشکار است»(۳).

چهارم؛ پذیرش عمومی

یکی از شرط های مهم هر قیام و انقلابی، آمادگی و خواست مردمی است. مردم، باید ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برقراری دولت کریمه را بپذیرند و خواهان آن

ص: ۳۰۰

۱- کفایه الاثر، ص ۲۸۱.

۲- عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۵.

۳- اعلام الوری، ص ۴۳۳.

باشند. در غیر این صورت، بهترین برنامه و بهترین برگزیده خداوند و یارانی بی نظیر و از جان گذشته کافی نخواهد بود. چنانکه در قرآن کریم می خوانیم:

>إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ< (۱)؛ همانا خداوند احوال قومی را دگرگون نمی کند مگر آنکه خودشان تغییر کنند».

انقلاب اسلامی ایران نیز وقتی به پیروزی رسید که مردم با حضور میلیونی خود، خواستار شکل گیری آن شدند. اما چگونه می شود که انسان ها در سطح جهانی، خواهان دولت کریمه مهدوی شوند؟ این امر از دو جهت قابل بررسی است:

تلاش منتظران و پیروان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای معرفی ایشان به جهانیان در گفتار و کردار».

زیرا تا مطلوب بودن چیزی مشخص و آشکار نباشد، مردم به سوی آن گرایش نخواهند داشت. امام خمینی رحمه الله و همراهان ایشان وقتی زمینه را برای پذیرش مردم ایران آماده کردند، انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت. انقلاب اسلامی می تواند نقش مؤثری در این شناسایی جهانی داشته باشد.

یأس و ناامیدی مردم جهان از حاکمان جهانی.

هنگامی که مردم گیتی بینند حکومت های بشری و مادی توانایی پاسخ گویی به نیازهای آنان را ندارند، بلکه بر مشکلاتشان می افزایند، و در گوشه گوشه جهان ظلم می شود و کسی توان جلوگیری از آن را ندارد و به نام حقوق بشر حقوق اولیه انسان ها نادیده گرفته می شود. از وضعیت نابسامان جهان خسته و ناامید می شوند. (در محور اول این نوشتار، در ترسیم اوضاع عمومی قبل از ظهور، یأس و ناامیدی و

ص: ۳۰۱

ظلم و ستم جهانی از نگاه امام هشتم مقداری توضیح داده شد.) نتیجه ناامیدی از حکومت های جهانی و فهمیدن ناتوانی بشر، آمادگی برای حکومتی است که به این ستم و بیدادها پایان دهد. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «... فعلیکم بالصبر فإنه إنما يجيء الفرج على الأيسر (۱)؛ بر شما است که صبر کنید که گشایش پس از ناامیدی می آید».

نتیجه

به دلیل اهمیت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانه ها و حوادث پیرامون آن، توسط اهل بیت علیهم السلام برای ما بیان شده است. بیان نشانه ها توسط اهل بیت علیهم السلام برای امید دادن به شیعیان، شناساندن مدعیان دروغین _ که پیش از تحقق نشانه های حتمی، ادعای مهدویت یا نیابت خاص می کنند، آشنایی با حوادث پیرامون ظهور و برنامه ریزی درست هنگام رویارویی با هر یک از آنان بوده است.

اما شرایط ظهور، اموری هستند که واقع شدن ظهور به وجود آنها بستگی دارد و تا تمامی آنها محقق نشود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار نخواهد شد. آشنایی با شرایط باعث می شود که بتوانیم علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی مان نسبت به زمان ظهور، برای فراهم شدن شرایطی که تحقیق آنها در توان ما است، تلاش، و با موانع آنها مقابله کنیم.

در محور اول، اوضاع عمومی قبل از ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام بررسی شد که کلیت آن، این است که قبل از آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان و به خصوص منطقه خاورمیانه، گرفتار فتنه و آشوب، کشتار و ناامنی، بیدادگری و ناامیدی از گشایش می شود.

ظهور فتنه: فتنه به معنای ابتلا آمده است. خداوند علیم در دنیا انسان ها را با

ص: ۳۰۲

وسایل مختلف آزمایش می کند. یکی از فتنه ها طبق فرمایش امام هشتم، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برای رهایی از این فتنه، روایات، ما را به شک نکردن، تمسک به دین، سفارش کرده اند.

ناامنی و کشتار: قبل از ظهور، قتل و غارت افزایش می یابد و این موضوع، باعث سلب آسایش همگان می شود. امام رضا علیه السلام در این باره فرمود: «پیش از ظهور کشتار بیوح است.» راوی پرسید: «بیوح چیست؟» فرمود: «دائمی است و پایان ندارد.»

فراگیری ظلم: یکی از شاخصه های دولت کریمه، عدالت گستری آن است. امام رضا علیه السلام بیدادی را مطرح می کند که قبل از ظهور همه جا را فرا می گیرد و سپس نوید پرستان دنیا از عدالت را می دهد.

چهارم: یأس و ناامیدی: به دلیل قتل و غارت ها، ناامنی و گرفتاری ها، بیماری ها و فسادى که در آستانه ظهور، بر همه جا حاکم خواهد شد، مردم از وضع موجود خسته، و از دستیابی به نیرویی که بتواند نجاتشان دهد، ناامید می شوند. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید: «گشایش و ظهور، هنگام ناامیدی می آید.»

در محور دوم مقاله، به نشانه های ظهور از نگاه امام هشتم علیه السلام اشاره شد که عبارت اند از:

ندای آسمانی: ندای آسمانی، صدایی است که توسط جبرئیل امین علیه السلام اعلان می شود و در آن، نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حقانیت او و شیعیانش را بیان می کند، پس از آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می شود تا مقدمات قیام از کنار کعبه را فراهم کند. چندین روایت از امام رضا علیه السلام به معرفی ندا می پردازند.

سفیانی: سفیانی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. او از شام ظاهر می شود و بیشتر مناطق خاورمیانه را اشغال می کند. وی تمام تلاش خود را برای مقابله با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جلوگیری از به قدرت رسیدن شیعیان در منطقه خاورمیانه به کار

می گیرد. خروج او از نشانه های حتمی است. امام رضا علیه السلام در حدیثی فرمود: «قبل از این امر، سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح خواهند بود.»

خسف بیداء: یکی از نشانه های حتمی ظهور، فرو رفتن سپاه سفیانی در سرزمین بیداء است. آنان به دنبال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سوی مکه حرکت می کنند که به امر خداوند در زمین بیداء فرو می روند و نابود می شوند. در حدیثی از امام هشتم علیه السلام این نشانه بیان شده است.

یمانی: او فردی از یمن است که با نیروهایش به مقابله با سفیانی و یاری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر می خیزد.

خراسانی: حرکت خراسانی هم زمان با خروج یمانی و سفیانی است. نیروهای او به فرماندهی شعیب بن صالح، به مقابله با سفیانی بر می خیزند و از یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محسوب می شوند.

و در محور سوم این نوشتار، شرایط ظهور از نگاه امام رضا علیه السلام طرح شد. برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چهار شرط «رهبری آگاه و توانمند»، «قانونی مناسب برای برپایی ارزش های مطلوب و از میان بردن ناهنجاری های موجود»، «همراهانی برای یاری امام در تشکیل و نگه داشت دولت کریمه» و «خواست و پذیرش مردمی» لازم است؛ که در سخنان امام رضا علیه السلام به این شرایط اشاره شده است.

ایشان در وصف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف _ به عنوان رهبر قیام جهانی _ او را بر پا کننده عدالت، توانمند و صاحب میراث پیامبران معرفی می کند. هم چنین، امام هشتم، قانون جامع را شریعت اسلام با محوریت قرآن کریم می دانند که در آن، حلال و حرام، حدود و احکام الهی و تمامی آنچه مردم به آن نیازمند هستند، آمده است. ایشان در وصف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را «المطاع فی ظهوره» معرفی می کند؛ یعنی ایشان یاورانی دارد که بدون چون و چرا از او اطاعت می کنند و خواستشان همان خواست امام است. حضرت رضا علیه السلام به یأس و ناامیدی مردم در دوران، قبل از ظهور

کرده و فرموده است که مردم، وقتی می بینند حکومت های مادی توان پاسخگویی به نیازهای اولیه آنان را ندارند، امید خود را برای رهایی از ناهنجاری ها از دست می دهند؛ اما وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند و دادگری او را می بینند، به او گرایش پیدا می کنند.

ص: ۳۰۵

۱. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي، الخصال، نشر اسلامي، قم، ۱۴۲۶ق.
۲. _____، كمال الدين و تمام النعمه، دارالحديث، قم، ۱۳۸۰ش.
۳. _____، علل الشرايع، المكتبه الحيدريه، عراق، ۱۳۸۵ش.
۴. _____، عيون اخبار الرضا عليه السلام، كتاب فروشى طوسى، ۱۳۸۵ش.
۵. _____، معانى الاخبار، نشر اسلامي، قم، ۱۳۶۱ش.
۶. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دارصادر، لبنان، ۱۴۱۴ق.
۷. ابن هاشم، علي بن ابراهيم، تفسير القمى، موسسه دارالكتاب، قم، ۱۴۰۴ق.
۸. ابوالفتوح رازى، حسين بن علي، روض الجنان و روح الجنان، آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۴۰۸ق.
۹. اربلى، علي بن عيسى، كشف النعمه، مكتبه بنى هاشمى، تبريز، ۱۳۸۱ش.
۱۰. بحراني، سيدهاشم، البرهان فى تفسير القرآن، بنياد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
۱۱. حميرى قمى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، كتابخانه نينوا، تهران، بى تا.
۱۲. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، دارالمعرفه، لبنان، بى تا.
۱۳. زمانى، سيدحسن، نداى آسمانى، مركز تخصصى مهدويت، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۴. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، نشر اسلامي، قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طبرسى، فضل بن حسن، العام الورى، دارالمكتل الاسلاميه، تهران، بى تا.
۱۶. طبرسى، محمد بن جرير، دلائل الامامه، الذخاير المطبوعات، قم، بى تا.
۱۷. عطاردى، عزيزالله، مسند الامام الرضا عليه السلام، مؤتمر العالمى الامام الرضات عليه السلام، مشهد، ۱۴۰۶ق.
۱۸. علامه مجلسى، بحار الانوار، موسسه الوفاء، لبنان، ۱۴۰۴ق.
۱۹. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، دارالاضواء، لبنان، ۱۴۰۵ق.

٢٠. _____، الامالى، دارالثقافه، قم، ١٤١٤ق.

٢١. مسعودى، على بن حسين، اثبات الوصيه، دارالضوء، لبنان، ١٤٠٩ق.

٢٢. نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبه، نشر مدين، قم، ١٤٢٦ق.

٢٣. نوبختى، حسن بن موسى، فرق الشيعه، المطبعه الحيدريه، نجف، ١٣٥٥ق.

ص: ٣٠٦

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

